



قوانین و مقررات مربوط به

زنان در ایران

غلامرضا معتمدی - عباس بشیری - سعید باقری



ارشدی - ۱۰۰

قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران

مردآوری و تدوین

غلامرضا معتمدی

عباس بشیری - سعید باقری



پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

معمدی، غلامرضا، ۱۳۴۳ - ، گردآورنده.
قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران / گردآوری و تدوین غلامرضا معمدی،
عباس بشیری، سعید باقری. - تهران: ققنوس، ۱۳۷۷.
ISBN 964-311-144-X (آثار حقوقی؛ ۱۰) ۳۰۴ ص.
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرستنویسی پیش از انتشار)
۱. زنان - قوانین و مقررات - ایران. ۲. زنان - ایران - وضع حقوقی و قوانین. الف.
بشیری، عباس، ۱۳۴۷ - ، گردآورنده. ب. باقری، سعید، ۱۳۴۹ -
گردآورنده. ج. عنوان.
۳۴۶/۵۵۰۱۳۴ KMH ۲۴۶۷ / ۲۹م۶
م۷۷-۱۱۸۱ کتابخانه ملی ایران

انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری، شماره ۲۱۵، تلفن ۶۴۰۸۶۴۰

قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران
غلامرضا معمدی، عباس بشیری و سعید باقری

چاپ اول، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۳۷۷

چاپ دیبا

حق چاپ محفوظ است

شابک: X-۱۴۴-۳۱۱-۹۶۴ ISBN: 964-311-144-X

Printed in Iran

۱۳	مقدمه
۱۷	بخش اول: مقررات بین‌المللی حمایت از زنان
۱۷	قانون تصویب قرارداد بین‌المللی برای جلوگیری از اشاعه و معامله نشریات
۱۷	مستهجن و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن
	قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای بین‌المللی پاریس و ژنو راجع
۱۷	به جلوگیری از رفتار جنایت‌آمیز نسبت به زنان و کودکان
	اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله و
۱۸	اغواء نسوان کبیره
	قانون اجازه الحاق دولت ایران به پروتکل‌های اصلاحی قراردادهای مورخ
	۱۸ مه ۱۹۰۴ و ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به منع فحشاء و قرارداد ۴ مه ۱۹۱۰
۱۸	راجع به جلوگیری از اشاعه نشریات منافق و مستهجن
	پروتکل اصلاحی توافق بین‌المللی مربوط به جلوگیری از انتشار نشریات
۱۸	منافق و عفت که در تاریخ ۴ مه ۱۹۱۰ در پاریس به امضاء رسیده
	پروتکل اصلاحی توافق بین‌المللی به منظور تأمین حمایت مؤثری بر علیه
	تجارت جنایت‌آمیز معروف به خرید و فروش زنان که در تاریخ ۱۸ مه ۱۹۰۴
	در پاریس به امضاء رسیده و قرارداد بین‌المللی مربوط به ممانعت خرید و
۲۰	فروش زنان که در تاریخ ۴ مه ۱۹۱۰ در پاریس به امضاء رسیده است
	قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و
۲۳	برده‌فروشی و عملیات و دستگاههای مشابه بردگی
۲۵	از قانون الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات

از قرارداد ژنو، راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ (مورخ ۱۲

اوت ۱۹۴۹)..... ۲۷

از قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۳۲

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقدمه دول طرف این میثاق ۳۲

تأسیس کمیته امور بین‌المللی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان ۳۴

برنامه‌ریزی برای شرکت در مجمع پکن ۳۷

قانون اجازه الحاق دولت ایران به مقاله‌نامه بین‌المللی شماره ۱۰۰ مربوط به

تساوی اجرت کارگران زن و کارگران مرد در قبال کار هم‌ارزش ۳۸

بخش دوم: مشارکتهای اجتماعی و سیاسی ۴۳

از دیباچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۴۳

قانون راجع به شرکت بانوان در انتخابات ۴۵

از قانون انتخابات مجلس شورای ملی ۴۵

از قانون مجلس شورای اسلامی ۴۷

از قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۱ و ماده ۹ و الحاق یک ماده به قانون خدمت

وظیفه عمومی مصوب مهر ماه ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی ۴۸

اصول سیاست فرهنگی کشور ۴۹

آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان ۶۴

اساسنامه شورای عالی جوانان ۶۹

آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان ۷۱

لایحه قانونی الغاء قانون خدمات اجتماعی زنان ۷۴

از آیین‌نامه شورای عالی آموزش علمی-کاربردی ۷۵

درباره سیاستهای فرهنگی اجتماعی ورزشی زنان کشور ۷۷

بخش سوم: امور تحصیلی و دانشگاهی ۷۹

از آیین‌نامه اجرایی قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی ۷۹

رفع محدودیت پذیرش داوطلبان دختر در بعضی از رشته‌های دانشگاهی ۸۰

پذیرش حافظان کلیه قرآن مجید در برخی از رشته‌های دانشگاهی بدون

شرکت در آزمون سراسری ۸۰

- تأسیس انجمن علمی بانوان ایران متخصص در علوم پزشکی ۸۱
- تدریس دو واحد درس تحت عنوان «دانش خانواده» ۸۱
- قانون مربوط به درآمد و هزینه شاگردان کلاسهای اختصاصی بزرگسالان
- حرفه‌ای بانوان ۸۱
- لایحه قانونی راجع به معافیت زنان متأهل پزشک و دندانپزشک و داروساز
- برای گرفتن پروانه دائم از رفتن به خارج از تهران ۸۲
- از قانون اعزام دانشجوی به خارج از کشور ۸۳
- اساسنامه آموزشگاه عالی مامایی اصفهان ۸۴
- بخش چهارم: امور استخدامی و کارگری ۸۷
- از آیین‌نامه مرخصیها ۸۷
- از قانون کار کشاورزی ۸۹
- از قانون تأمین اجتماعی ۸۹
- تصویب‌نامه تبدیل رتبه قضایی بانوان به رتبه اداری ۹۳
- قانون راجع به خدمت نیمه‌وقت بانوان ۹۴
- قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه‌وقت بانوان ۹۴
- تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ ۹۶
- آیین‌نامه اجرایی تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور ۹۸
- آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح تبصره ۲ ماده واحده قانون اجازه پرداخت
- وظیفه و مستمری وراثت کارمندان مصوب ۲۸ آذرماه ۱۳۳۸ و برقراری حقوق
- وظیفه در مورد فرزندان و نوادگان اثاث ۱۰۴
- تصویب‌نامه در مورد دریافت عیدی با استفاده از قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان .. ۱۰۶
- قانون اعطاء مرخصی بدون حقوق مستخدمین رسمی یا ثابت که همسر آنان
- به مأموریت ثابت خارج از کشور اعزام می‌شوند ۱۰۶
- تصویب‌نامه راجع به مدت استفاده بانوان باردار از معذورت ۱۰۷
- از قانون کار ۱۰۷
- آیین‌نامه مربوط به حمل بار با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای
- کارگران زن و نوجوانان ۱۰۹

- سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران ۱۱۰
- تصویب اجرای طرح «بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر» ۱۱۳
- تصویب نامه راجع به عیدی کارکنان مجرد اعم از زن یا مرد که سرپرستی خانواده را بر عهده داشته باشند ۱۱۸
- آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به بند (۱) ماده (۸۱) قانون تأمین اجتماعی ۱۱۸
- از لایحه قانونی خدمت نیروی انسانی درمانی و بهداشتی ۱۱۹
- از قانون شمول قانون خدمت نیروی انسانی، درمانی و بهداشتی مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۴ شورای انقلاب و اصلاحات بعدی به قانون التحصیلان رشته دامپزشکی ۱۱۹
- از قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۲۰
- از قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۲۰
- از قانون الحاق پنج تبصره به قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری ۱۲۰
- از قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۱۲۱
- بخش پنجم: امور خانواده ۱۲۳**
- تصویب نامه راجع به وظایف دستگاههای اجرایی ذریبط در خصوص اعمال سیاست تحدید موالید ۱۲۳
- از تصویب نامه راجع به اصلاح مقررات امتیازات به تعداد عائله و فرزندان ۱۲۴
- قانون تنظیم خانواده و جمعیت ۱۲۵
- از قانون مدنی ۱۲۷
- از قانون تشکیل شورای خانواده ۱۴۹
- قانون حمایت خانواده ۱۵۳
- از قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزی و بیماریهای واگیردار ۱۶۲
- بخش ششم: ازدواج و طلاق ۱۶۵**
- لزوم ارائه گواهی نامه پزشک قبل از وقوع ازدواج ۱۶۵
- قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج ۱۶۶

قانون ازدواج	۱۶۷
قانون راجع به انکار زوجیت	۱۷۰
آیین نامه زناشویی بانوان ایرانی با تبعه بیگانه	۱۷۱
آیین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی	۱۷۴
قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق	۱۷۵
بخش هفتم: حضانت و سرپرستی	۱۷۹
قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست	۱۷۹
قانون نحوه کمک به خانواده های مشمولینی که با اعزام مشمول قدرت اداره	
معاش خود را از دست می دهند	۱۷۹
آیین نامه اجرایی قانون نحوه کمک به خانواده های مشمولینی که با اعزام	
مشمول قدرت اداره معاش خود را از دست می دهند	۱۸۰
قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست	۱۸۳
ضوابط تأمین حداقل مسکن و اداره معیشت زندگی خانواده های	
بی سرپرست و اشخاص از کار افتاده مهاجر	۱۸۶
آیین نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست	۱۸۷
قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها	۱۹۲
قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها	۱۹۲
قانون مربوط به حق حضانت	۱۹۳
بخش هشتم: مقررات مربوط به ترویج تغذیه با شیر مادر	۲۰۷
تصویب نامه راجع به ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک در کارگاه های دولتی و	
وابسته به دولت	۲۰۷
آیین نامه اداره شیرخوارگاهها و مهد های کودکان کارگاه های دولتی و وابسته	
به دولت	۲۰۷
آیین نامه اجرایی شیرخوارگاهها و مهد کودکها	۲۰۹
قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی	۲۱۳
آیین نامه اجرایی قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران	
شیردهی	۲۱۵

بخش نهم: امور مربوط به دادرسی خانواده.....	۲۱۹
از قانون آیین دادرسی مدنی	۲۱۹
آیین نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده	۲۲۱
از آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی	۲۲۲
از قانون اجرای احکام مدنی	۲۲۴
تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاههای مدنی خاص	۲۲۵
قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل (۲۱) قانون اساسی (دادگاه خانواده)	۲۲۸
قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش	۲۲۹
بخش دهم: سایر مقررات	۲۳۱
از قانون برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۲۳۱
از قانون برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۲۳۲
از قانون مالیاتهای مستقیم	۲۳۶
قانون راجع به رشد متعاملین	۲۳۹
از آیین نامه استملاک اتباع خارجه	۲۳۹
از قانون امور حسبی	۲۴۰
از آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور	۲۴۲
از قانون مجازات اسلامی	۲۴۳
آیین نامه اجرایی کمیته داوران انجمنهای ورزشی بانوان جمهوری اسلامی ایران	۲۵۷
اساسنامه فدراسیون ورزشهای بانوان جمهوری اسلامی ایران	۲۶۱
اساسنامه انجمن پزشکی - ورزشی بانوان جمهوری اسلامی ایران	۲۶۷

بخش منضمات: گزیده نظریات حقوقی، کیفری و ثبتی	۲۷۵
نظریه شماره ۱۰۱۷۶/۱۰/۲۳-۷/۱۰/۱۳۷۱/۱۰/۱۳۷۱ ترک اتفاق در مورد حق سکنی به	
توافق زوجین	۲۷۵
نظریه شماره ۱۰۱۷۸۰/۱۰/۱۳-۷/۱۰/۱۳۷۱/۱۰/۱۳۷۱ ترک اتفاق و پرداخت نفقه پس از	
تحقق بزه	۲۷۵
نظریه شماره ۱۰۱۷۶/۱۰/۲۳-۷/۱۰/۱۳۷۱/۱۰/۱۳۷۱ ترک اتفاق و زندانی بودن زوجه	۲۷۶
نظریه شماره ۱۳۷۱/۹/۱۸-۷/۶۵۶۲ ترک اتفاق نسبت به همسران	۲۷۷
نظریه شماره ۱۳۷۳/۱۲/۸۷/۷۳۷۱ اجرای حکم اعدام در مورد زنا به	
حنف یا محسنه	۲۷۷
نظریه شماره ۱۳۷۳/۱۲/۲۲-۷/۸۶۰۳ ثبت ازدواج در خارج از کشور توسط	
شخصی که اجازه آن را از طرف مقامات صالح ایران ندارد	۲۷۸
نظریه شماره ۱۳۷۳/۵/۴-۷/۳۰۲۸ ازدواج مرد تبعه بیگانه با زن ایرانی و	
معاونت در ارتکاب جرم	۲۷۸
نظریه شماره ۱۳۷۳/۸/۱۰-۷/۴۸۹۵ مزاحمت بانوان و تعقیب آنان بدون	
به کار بردن الفاظ	۲۷۹
نظریه شماره ۱۳۷۳/۳/۱۸-۷/۱۷۲۸ اجازه دادستان در مورد خروج همسر	
یا فرزند	۲۷۹
نظریه شماره ۱۳۷۳/۶/۷-۷/۳۸۴۷ ترک اتفاق طفل متولد از زنا	۲۷۹
نظریه شماره ۱۳۷۳/۹/۲۹-۷/۵۹۳ زنا و اقرار زن به آن و ادعای مرد دائر بر	
رابطه زوجیت	۲۸۰
نظریه شماره ۱۳۷۳/۸/۴-۷/۳۷۵۵ ازدواج مجدد و تحصیل اجازه دادگاه	۲۸۱
نظریه شماره ۱۳۷۳/۲/۱۳-۷/۶۲۱ مطالبه نفقه پس از وقوع نکاح	۲۸۲
نظریه شماره ۱۳۷۲/۱۰/۲۹-۷/۷۶۵۹ دیه از بین بردن قسمتی از موی سر	۲۸۳
نظریه شماره ۱۳۷۳/۱۲/۸۷/۸۳۱۳ دیه صدمات وارده بر پستان	۲۸۳
نظریه شماره ۱۳۷۳/۵/۵-۷/۱۶۱۶ (قتل زن توسط همسر دیوانه و ارث از	
ماترک و دیه)	۲۸۴
نظریه شماره ۱۳۵۹/۶/۸۷/۳۲۴۱ (ثبت طلاق ایرانیان غیر شیعه توسط	
کنسولگریهای ایران)	۲۸۴

- نظریه شماره ۵/۲۵۷/۱/۱۳۶۰. (عدم الغاء حق الثبت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی). ۲۸۵.....
- نظریه شماره ۱۹/۳۳-۷/۲۳-۸/۱۳۶۰ (ثبت طلاق صادره در مراجع صلاحیتدار خارجی توسط کنسولگریهای ایران) ۲۸۵.....
- نظریه شماره ۴۸/۱۳۴۸-۷/۲۶-۳/۱۳۶۱ (وجه افتراق حکم به طلاق با اجبار به طلاق) ۲۸۶.....
- نظریه شماره ۹۶/۶-۷/۲۷-۱۱/۱۳۶۱ (ثبت طلاق توافقی توسط سفارتخانه‌های ایران) ۲۸۶.....
- نظریه شماره ۸۲/۶۳-۷/۱۲-۳/۱۳۶۱ (ثبت طلاق غیابی قبل از صدور دستور اجرای آن توسط دادگاه مدنی خاص) ۲۸۶.....
- نظریه شماره ۴۴۴۸-۷/۱۴-۹/۱۳۶۲ (موارد قانونی اجازه دادگاه جهت ازدواج) ۲۸۷.....
- نظریه شماره ۸۷/۱۹۸۷-۷/۱۵-۳/۱۳۶۱ (نحوه تصرف دولت در ماترک بلاوارث در صورت منحصر بودن وراثت به زوجه) ۲۸۷.....
- نظریه شماره ۱۷/۲۷۱۷-۷/۲۵۷/۶/۱۳۶۰ (اعتبار اقرار شفاهی در ازدواج افراد بالغ) ۲۸۸.....
- نظریه شماره ۸۹-۲۲۸۹-۴/۲۹-۱۳۵۹ (ازدواج مرد نظامی ایرانی با زن خارجی) ۲۸۸.....
- نظریه شماره ۹۰/۵۳۹۰-۷/۱۸-۱۰/۱۳۶۱ (فوت پدر و وضعیت قانونی درخواست شناسنامه برای طفل توسط مادر) ۲۸۹.....
- نظریه شماره ۹۶/۳۳۹۶-۷/۸-۷/۱۳۶۲ (وضعیت اعتبار حکم طلاق صادره توسط دادگاه خارجی) ۲۸۹.....
- نظریه شماره ۴۴۴-۷/۱۰-۹/۱۳۶۲ (ممانعت پدر از ملاقات اطفال تحت حضانت خود به وسیله مادر فاسدالاخلاق) ۲۸۹.....
- نظریه شماره ۹۸/۲۳۹۸-۷/۱۶-۵/۱۳۶۱ (ممانعت موجر از ورود شوهر در قرارداد اجاره‌ای که قید مباشرت زن و فرزندش به عنوان مستاجر شده باشد) ۲۹۰.....
- نظریه شماره ۸۴/۲۸۸۴-۷/۱۷-۸/۱۳۶۱ (عدم انحصار واگذاری حق سکنی به شروط ضمن عقد نکاح) ۲۹۰.....
- نظریه شماره ۵/۲۹۰۵-۷/۱۹-۶/۱۳۶۲ (امکان ثبت حکم طلاق صادره از دادگاه خارجی در صورت استنکاف زوجه جهت ثبت آن) ۲۹۱.....
- نظریه شماره ۸۳/۴۸۸۳-۷/۲۰-۱۲/۱۳۶۲ (ثبت ازدواج تبعه خارجی با زن ایرانی) ۲۹۱.....

نظریه مورخ ۱۳۴۳/۱۰/۱۹ (عدم رسمی بودن ازدواج واقعه بین مرد ایرانی و زن مسلمان تبعه خارجی منعقد در کنسولگریهای ایران) ۲۹۲	نظریه شماره ۱۳۵۹/۶/۸۷/۲۴۵۸ (درخواست طلاق توسط زوجه فرد غایب مفقودالاش) ۲۹۲
نظریه شماره ۱۳۶۰/۱۱/۳-۷/۴۹۷۲ (صحت و اعتبار ازدواجی که ثبت دفتر رسمی ازدواج نشده باشد) ۲۹۳	نظریه شماره ۱۳۶۱/۵/۱۸-۷/۲۵۱۶ (الزام زوج به ثبت واقعه نکاح به رغم عدم رضایت همسر اول وی) ۲۹۳
نظریه شماره ۱۳۶۱/۱۰/۲۷-۷/۵۰۸۲ (الزامی بودن تحصیل اجازه از مقامات دولتی ایران جهت ثبت ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی) ۲۹۳	از مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا اول مهر ماه ۱۳۶۵ ۲۹۴
صداق غیر منقول ۲۹۴	بردن دفتر به جلسه عقد ۲۹۴
عدم تعلق حق الثبت به سند نکاحیه ۲۹۵	اقرار به وصول یا انتقال صداق ۲۹۵
دعوی فوت شوهر ۲۹۵	بذل غیر منقول ۲۹۵
عدم رسمیت قبالة‌های عادی ازدواج و طلاق و نحوه رسمیت دادن به آنها ۲۹۶	شرایط تنظیم اقرارنامه زوجیت ۲۹۶
ثبت نکاح منقطع و بذل مدت ۲۹۶	تفہیم شروط مندرج در نکاحیه به زوجین ۲۹۶
امضاء ثبت و قبالة در مورد نکاح با اجازه ولی ۲۹۷	ثبت بذل و رجوع ۲۹۷
اقرار به رجوع به مابذل ۲۹۷	تشریفات بعد از ثبت ازدواج زنان خارجی با ایرانیان ۲۹۸
تشریفات ثبت ازدواج مرد غیر ایرانی با زن ایرانی ۲۹۸	تشریفات بعد از ثبت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجه ۲۹۸

تشریفات بعد از ثبت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجه	۲۹۸
احراز مجرد بودن زن خارجی	۲۹۹
ثبت طلاق و اعلام به دفتر ازدواج	۲۹۹
عدم تأخیر اجرای حکم دادگاه در مورد ثبت واقعه طلاق	۲۹۹
ازدواج مطلقه رجعیه	۲۹۹
رجوع به مابذل	۳۰۰
اجرای صیغه طلاق	۳۰۰
خودداری از ثبت اقرار کتبی نسبت به وصول صدق و تحلیله دفاتر ازدواج و طلاق	۳۰۰
بانوان به عنوان معرف و معتمد	۳۰۰
عدم تعلق حق الثبت به اقرارنامه وصول مهریه	۳۰۰
ثبت مذهب زوجین موقع تنظیم اقرارنامه ازدواج	۳۰۱
لزوم مراجعه به دادگاه مدنی خاص و صدور گواهی عدم امکان سازش	۳۰۱
لزوم تأیید برگه‌های نتایج آزمایش مربوط به ازدواج ایرانیان مقیم خارج از کشور	۳۰۲
نمایه موضوعی	۳۰۳

مقدمه

از حدود نود سال پیش نهضت اجتماعی زنان ایران برای احقاق حقوق حقه خویش آغاز شد و با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی و فراهم شدن زمینه‌های لازم، سیر آن شتابان‌تر گردید و روزیروز بر گستره آن افزوده می‌شود.

سیر تاریخی و تحولات مربوط به قوانین و مقررات در ایران، از ابتدای قانونگذاری تاکنون بیانگر این است که بازتاب تلاش و کوشش زنان در جهت استیفای حقوق خود همواره به عنوان اهرمی قوی در سوق دادن خردمندان، اندیشمندان و بالاخره مقنن در سمت و سوی تأمین هرچه بیشتر حقوق زنان بوده است، اگرچه در برهه‌ای از زمان به نام آزادی زن با تصویب پاره‌ای از قوانین نظیر قانون خدمات اجتماعی زنان، بیشترین خدمات را به منزلت جایگاه فردی وی وارد نموده‌اند.

بی‌شک برقراری عدالت اجتماعی بدون ایجاد شرایط و زمینه‌های مطلوب و اصلاحات ضروری در مناسبات فردی و اجتماعی به شکل جامع و فراگیر ممکن نیست. زن به عنوان نیمی از پیکره اجتماع و با توجه به اهمیت نقش وی در فرآیند رشد فرهنگی و توسعه اقتصادی، الزاماً یک روی سکه تحقق قسط و زمینه‌ساز استقرار احکام متعالی اسلامی و انسانی است.

اگرچه عده‌ای از محققان و اندیشمندان حقوق زنان معتقدند که نابرابری حقوقی، عدم برابری در اشتغال، عدم برابری در مشارکت سیاسی، عدم حضور زنان در سطوح تصمیم‌گیری، عدم استقلال مالی و... ریشه در کاستیها و ضعف قوانین و مقررات مصوب دارد، مجموعه قوانین حاضر با ایجاد شرایط مطلوب، زمینه درک منصفانه و داوری عادلانه را فراهم می‌سازد و چنین ادعایی را غیرواقعی و از قلمرو انصاف خارج می‌داند و با مطالعه چنین مجموعه‌ای ملاحظه خواهد شد که اساسی‌ترین حقوق اختصاصی زن اعم از حقوق

اساسی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه و لحاظ قانونگذار قرار گرفته، حتی برابری حقوق زن و مرد و مفهوم آزادی، اگرچه در مقررات مصوب داخلی به دلیل ساختار فرهنگی جامعه ما و برداشتهای مغایر از «تساوی حقوق» و «آزادی» کمتر مورد توجه قانونگذار قرار گرفته، لیکن در مقررات بین‌المللی متعدد که دولت ایران به آن مقررات پیوسته چنین مهمی تحقق یافته است. به عنوان مثال قانون اجازه الحاق دولت ایران به مقاله‌نامه بین‌المللی شماره ۱۰۰ مربوط به تساوی اجرت کارگران زن و کارگران مرد در قبال کار هم‌ارزش و همچنین قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از همین مقوله می‌باشد که در آنها به تفصیل راجع به تساوی و آزادی زن و مرد بحث شده است.

به هر تقدیر اعلام نظر در خصوص کم‌توجهی و بی‌عدالتی نسبت به حقوق زنان در ایران در صلاحیت حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و فی‌الواقع خردمندان جامعه است، لیکن در یک بررسی اجمالی شاید بتوان گفت علت اصلی برخوردهای غیرعادلانه با جامعه زنان، به دلیل کاستیهای قوانین و مقررات مدون نیست، بلکه قوانین نانوشته که برگرفته از سنن و آداب‌اند و ریشه در خاستگاههای فرهنگی یک ملت دارند به عنوان اهرمی بسیار قوی و تعیین‌کننده قوانین نوشته را تحت الشعاع قرار می‌دهند و اکثراً مانع اجرای صحیح آن می‌باشند.

با توجه به مطالب پیش گفته، ضرورت تدوین و گردآوری قوانین و مقررات اختصاصی مربوط به زنان به روشنی قابل لمس بود و احساس وظیفه ملی و دینی ایجاب می‌نمود که خلأ مربوط به این مهم برگردد. بدون تردید چنین کاری بر صاحبان وجدان و اندیشه پوشیده نیست، چه آنکه تدوین این مجموعه می‌تواند حدود و حوزه قوانین صنفی و گروهی مربوط به زنان را روشن نماید و ضمن افزایش آگاهی حقوقی زنان، در جهت ایجاد جامعه قانونمند و توانا نقش مؤثری ایفا کند.

مجموعه قوانین حاضر حاوی گزیده قوانین و مقررات مصوب مجلسین سنا و شورای ملی سابق و مجلس شورای اسلامی، مصوبات هیئت وزیران، قراردادهای بین‌المللی و مقاله‌نامه‌ها، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر مقررات معتبر که فعلاً قابلیت اجرایی دارند می‌باشد و به تفصیل در ده فصل تدوین گردیده است.

از ویژگیهای خاص این مجموعه این است که در جاهای مختلف و به تناسب موضوع، از ذکر قوانین منسوخه به دلیل ارزش تاریخی آن دریغ نشده، و ضمناً حدود اعتبار قوانین در پاورقی مورد اشاره قرار گرفته است. به اضافه در قسمت پایانی کتاب نظریات حقوقی اداره

حقوقی دادگستری و همچنین نظریات ثبتي درج گردیده که اگرچه جنبه مشورتی دارند، لیکن اطلاعات ذی قیمتی را در اختیار علاقه مندان و خوانندگان گرامی قرار می دهند. و همچنین جهت بهره برداری آسانتر از مجموعه، علاوه بر فهرست تاریخی قوانین، از نمایه سازی موضوعی هم استفاده شده است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که، علی رغم عدم وجود فرهنگ مشارکت در تحقیق و تألیف در کشور ما که متأسفانه از عوامل اصلی عقب ماندگی در تمام زمینه ها به طور اعم و در بخش تحقیقات به شکل اخص می باشد، تهیه و آماده سازی این مجموعه به صورت گروهی انجام گرفته و لذا بر خود لازم می دانیم از زحمات بی شائبه جناب آقای داود حجازی کارشناس محترم حقوقی جهت استحصال قسمتی از قوانین و مقررات و نیز از همراهی و تشویق جناب آقای مهدی نیک فر وکیل محترم پایه یک دادگستری و جناب آقای مسعود عالی پور کارشناس محترم حقوقی سپاسگزاری نماییم. امید است حاصل این تلاشها زمینه ساز عدالت بیشتر باشد و مقبول درگاه پروردگار عالم قرار گیرد.

غلامرضا معتمدی

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

بخش اول

پیشکش به نیرستان
www.tabarestan.info

مقررات بین المللی حمایت از زنان

قانون تصویب قرارداد بین المللی برای جلوگیری از اشاعه و معامله نشریات
مستهلجن و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن
(مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۴)

ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد بین المللی برای جلوگیری از اشاعه و
معاملات نشریات مستهلجنه را که در ۲۰ سنبله ۱۳۰۲ (۱۲ سپتامبر ۱۹۲۳) در ژنو امضاء
شده تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن را به دولت می دهد.

قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای بین المللی پاریس و ژنو راجع به
جلوگیری از رفتار جنایت آمیز نسبت به زنان و کودکان
(مصوب ۱۳۱۰/۱۰/۱۴)

ماده واحده - مجلس شورای ملی اولاً الحاق قطعی دولت ایران را به مقاوله نامه بین المللی
۱۸ مه ۱۹۰۴ مطابق ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۲۸۲ که مشتمل بر ۹ ماده و در پاریس برای
جلوگیری از رفتار خلاف اخلاق و جنایت آمیز نسبت به زنان و کودکان به امضاء رسیده است
و همچنین قرارداد بین المللی پاریس که در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۲۸۹ (مطابق ۴
مه ۱۹۱۰) راجع به همان مقصود مذکوره در فوق که در پاریس امضاء شده است به دولت
ایران اجازه می دهد ثانیاً قرارداد بین المللی الغاء خرید و فروش زنان و کودکان مشتمل بر ۱۴
ماده را که در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۱ (مطابق با هفتم مهر ۱۳۰۰) در ژنو به امضاء رسیده
است تصویب و به دولت اجازه می دهد نسخ صحه شده آن را به دارالانشاء جامعه ملل
تسلیم نماید.

اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله و اغواء نساء کبیره^۱

(مصوب ۱۳۱۳/۱۰/۲۰)

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب می‌نماید که دولت ایران به قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله و اغواء نساء کبیره مشتمل بر ده ماده که در اکتبر ۱۹۳۳ در ژنو منعقد شده است ملحق شود.

قانون اجازه الحاق دولت ایران به پروتکل‌های اصلاحی قراردادهای مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ و ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به منع فحشاء و قرارداد ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به جلوگیری از اشاعه نشریات منافی عفت و مستهجن^۲

(مصوب ۱۳۳۷/۹/۱۸)

ماده واحده - الحاق دولت ایران به پروتکل‌های اصلاحی قراردادهای مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ و ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به منع فحشاء و قرارداد ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به جلوگیری از اشاعه نشریات منافی عفت و مستهجن را که در ۴ مه ۱۹۴۹ در لیک ساکس (مقر سازمان ملل متحد) به امضاء رسیده و در تاریخ ۷ دیماه ۱۳۲۸ از طرف نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد امضاء شده تصویب می‌شود.

قانون فوق که مشتمل بر ماده واحده و متن پروتکل‌های اصلاحی ضمیمه است پس از تصویب مجلس سنا در جلسه سه‌شنبه هیجدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و سی و هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

نایب رئیس مجلس شورای ملی

پروتکل اصلاحی توافق بین‌المللی مربوط به جلوگیری از انتشار نشریات منافی عفت که در تاریخ ۴ مه ۱۹۱۰ در پاریس به امضاء رسیده

(مصوب ۱۳۲۸/۱۰/۲۷)

نظر به اینکه طبق توافق بین‌المللی مربوط به جلوگیری از انتشار نشریات منافی عفت که در تاریخ ۴ مه ۱۹۱۰ در پاریس به امضاء رسیده است وظایفی به عهده دولت جمهوری فرانسه محول

۱. به نقل از شماره ۱۳۱۳/۱۰/۲۹-۷۲۰۴ روزنامه رسمی

۲. به نقل از شماره ۱۳۳۷/۱۰/۹-۴۰۴۵ روزنامه رسمی

گردیده و نظر به اینکه دولت مزبور با میل خود پیشنهاد نموده است وظایفی که طبق توافق مذکور فوق به عهده داشته به سازمان ملل متحد انتقال یابد و نظر به اینکه مناسب است آن وظایف از این پس به عهده سازمان ملل متحد باشد.

دول عضو این پروتکل نسبت به مقررات ذیل موافقت حاصل کردند:

ماده ۱- دول عضو این پروتکل متعهد می‌گردند که بین خود طبق مقررات پروتکل حاضر اثر کامل قضایی نسبت به اصلاح مربوط به سندی که پیوست می‌باشد مترتب داشته آنها را معتبر دانسته و اجرای آن را تأمین نمایند.

ماده ۲- دبیرکل رونوشت متن توافق ۴ مه ۱۹۱۰ مربوط به جلوگیری از انتشار نشریات منافی عفت را پس از تجدیدنظر در آن طبق پروتکل حاضر جهت استحضار هر یک از دول عضو سازمان ملل متحد و همچنین دول غیر عضو که این پروتکل برای امضاء یا پذیرش آنها آماده می‌باشد ارسال خواهد داشت و همچنین از دولی که عضو توافق مذکوره هستند حتی اگر عضو این پروتکل هم نشده باشند دعوت خواهد نمود که متن اصلاح شده این سند را همین که اصلاحات مزبور معتبر گردید اجرا نمایند.

ماده ۳- این پروتکل برای امضاء یا پذیرش از طرف کلیه دول ملحقه به توافق ۴ مه ۱۹۱۰ مربوط به جلوگیری از انتشار نشریات منافی عفت که دبیرکل یک نسخه آن را برای آنها به این منظور ارسال داشته حاضر می‌باشد.

ماده ۴- دول می‌توانند عضو این پروتکل شوند چنانچه:

الف) پروتکل را بدون قید و شرط درباره قبولی امضاء نمایند.

ب) در موقع امضاء قیدی برای قبول یا قبول بعدی نمایند.

ج) آن را قبول نمایند.

قبول آن با تسلیم یک سند قطعی به دبیرکل سازمان ملل متحد انجام می‌یابد.

ماده ۵- این پروتکل پس از آنکه دو یا چند دولت عضویت آن را پذیرفتند معتبر و قابل اجرا خواهد گردید. اصلاحاتی که سند پیوست این پروتکل شامل است و مربوط به توافق ۴ مه ۱۹۱۰ به منظور جلوگیری از انتشار نشریات منافی عفت می‌باشد پس از آنکه سیزده عضو از اعضاء توافق مذکوره عضو این پروتکل شده باشند معتبر خواهد گردید بنابراین هر دولتی پس از آنکه اصلاحات معتبر گردید به این توافق ملحق شود عضو توافق اصلاح شده محسوب خواهد گردید.

ماده ۶- به محض اعتبار اصلاحات مندرجه در سند پیوست این پروتکل دولت فرانسه

اصل متن توافق و همچنین اسناد مختلفه را که طبق وظایف محوله محافظت آن را به عهده داشته است تسلیم دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد نمود.

ماده ۷- طبق مفاد بند ۱ ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد و مقررات تصویبی مجمع عمومی به منظور اجرای آن ماده دبیرکل سازمان ملل متحد مجاز است پروتکل حاضر و همچنین اصلاحاتی را که در توافق به وسیله پروتکل به عمل آمده است طبق تاریخ اعتبار هر یک به ثبت رسانده در کوتاهترین مهلت ممکنه پس از ثبت آنها پروتکل و متن اصلاح شده توافق را منتشر نماید.

ماده ۸- این پروتکل که متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیولی، فرانسوی، و روسی آن متساویاً معتبر است در بایگانی دفتر سازمان ملل متحد ضبط می‌گردد. چون توافق که طبق سند پیوست اصلاح خواهد شد فقط به زبان فرانسوی تحریر گردیده است متن فرانسوی سند پیوست معتبر خواهد بود و متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیولی و روسی ترجمه محسوب خواهد شد. یک رونوشت مصدق پروتکل و سند پیوست توسط دبیرکل جهت هر یک از دول عضو توافق مورخه ۴ مه ۱۹۱۰ مربوط به جلوگیری از انتشار نشریات منافی عفت و همچنین جهت کلیه دول عضو سازمان ملل متحد ارسال خواهد گردید.

علی‌هذا امضاء کنندگان ذیل که از طرف دول متبوعه خود مجاز بودند به تاریخی که مقابل امضاء ذکر گردیده پروتکل را امضاء نمودند.

لیک ساکس نیویورک ۴ مه ۱۹۴۹

پروتکل اصلاحی توافق بین‌المللی به منظور تأمین حمایت مؤثری بر علیه تجارت جنایت‌آمیز معروف به خرید و فروش زنان که در تاریخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ در پاریس به امضاء رسیده و قرارداد بین‌المللی مربوط به ممانعت خرید و فروش زنان که در تاریخ ۴ مه ۱۹۱۰ در پاریس به امضاء رسیده است

(مصوب ۱۳۳۷/۹/۱۸)

با توجه به اینکه طبق قوانین بین‌المللی به منظور تأمین حمایت مؤثری بر علیه تجارت جنایت‌آمیز معروف به خرید و فروش زنان که در تاریخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ در پاریس به امضاء رسیده و همچنین قرارداد بین‌المللی مربوط به ممانعت از خرید و فروش زنان که در تاریخ ۴ مه ۱۹۰۴ در پاریس به امضاء رسیده است وظایفی به عهده دولت جمهوری فرانسه محول گردیده و با توجه به اینکه دولت مزبور به اراده خود پیشنهاد نموده است وظایفی را که طبق

مقررات بین‌المللی حمایت از زنان / ۲۱

توافقه‌های مذکور در فوق به عهده دارد به سازمان ملل متحد واگذار نماید و با توجه به اینکه بجا خواهد بود که از این پس سازمان ملل متحد موظف به انجام آنها باشد دول عضو این پروتکل نسبت به مقررات زیر توافق حاصل نمودند:

ماده ۱- دول عضو این پروتکل متعهد می‌گردند که بین خود هر یک نسبت به اسنادی که به آنها ملحق شده‌اند و طبق مقررات پروتکل حاضر اثر کامل قضایی نسبت به اصلاحات مربوط به اسناد مزبور که در سند پیوست می‌باشد مترتب داشته آنها را معتبر قرار داده و اجرای آن را تأمین نمایند.

ماده ۲- دبیرکل متن توافق بین‌المللی مربوط به تأمین حمایت مؤثری بر کلیه خرید و فروش زنان مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ و قرارداد بین‌المللی مربوط به ممانعت خرید و فروش زنان مورخ ۴ مه ۱۹۱۰ را تهیه و طبق پروتکل حاضر در آن تجدیدنظر نموده و رونوشت آن را برای استحضار هر یک از دول عضو سازمان ملل متحد و همچنین دول غیر عضو که این پروتکل برای امضاء یا پذیرش آنها آماده می‌باشد ارسال خواهد داشت. همچنین دول عضو ملحق شده به هر یک از اسناد مذکور در فوق را دعوت می‌نماید تأمین اصلاح شده با سند یا اسناد مزبور را به محض اینکه اصلاحات معتبر گردید حتی اگر عضو این پروتکل هم نشده باشند به موقع اجرا گذارند.

ماده ۳- این پروتکل برای امضاء و پذیرش کلیه دول عضو این توافق بین‌المللی به منظور تأمین حمایت مؤثری بر علیه معامله جنایت آمیز معروف به خرید و فروش زنان مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ و قرارداد بین‌المللی مربوط به ممانعت خرید و فروش زنان مورخ ۴ مه ۱۹۱۰ که دبیرکل یک نسخه بدین منظور به آنان ابلاغ نموده است آماده می‌باشد.

ماده ۴- دول می‌توانند عضو این پروتکل شوند چنانچه:

الف) پروتکل را بدون قید و شرط درباره قبولی امضاء نمایند.

ب) در موقع امضاء قیدی برای قبول یا قبول بعدی بنمایند

ج) آن را قبول نمایند.

قبول آن با تسلیم یک سند قطعی به دبیرکل سازمان ملل متحد انجام می‌یابد.

ماده ۵- این پروتکل پس از آنکه دو یا چند دولت عضویت آن را پذیرفتند معتبر و قابل اجرا خواهد گردید. اصلاحاتی را که سند پیوست این پروتکل شامل است و مربوط به توافق بین‌المللی به منظور حمایت مؤثری بر علیه معاملات جنایت آمیز معروف به خرید و فروش

زنان مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ می باشد پس از آنکه بیست عضو از ملحق شدگان به توافق به این پروتکل نیز ملحق گردیدند معتبر خواهد بود. قرارداد بین المللی مربوط به ممانعت خرید و فروش زنان مورخ ۴ مه ۱۹۱۰ پس از عضویت این پروتکل از طرف بیست دولت عضو قرارداد مذکور معتبر خواهد گردید. بنابراین هر دولتی که به توافق یا به قرارداد پس از اینکه اصلاحات معموله به موقع اجرا درآمده باشد ملحق شود عضو قرارداد یا توافق اصلاح شده محسوب می شود.

ماده ۶- به محض اعتبار یافتن اصلاحات مندرجه در سند پیوست این پروتکل مربوط به توافق یا قرارداد دولت فرانسه اصل متن دو موافقتنامه را که مربوط به اصلاح مزبور می باشد و همچنین اسناد مختلفی که طبق وظیفه محوله محافظت آن را به عهده داشته تسلیم دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد نمود.

ماده ۷- طبق مفاد بند یک ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد و مقرراتی که از طرف مجمع عمومی به منظور اجرای متن پذیرفته شده است دبیرکل سازمان ملل متحد اجازه دارد این پروتکل و همچنین اصلاحاتی که در توافق و قرارداد به وسیله پروتکل به عمل آمده است به ترتیب و تاریخی که معتبر و قابل اجرا شود به ثبت رسانیده و هرچه زودتر پس از ثبت آنها پروتکل و متنتهای اصلاح شده توافق و قرارداد را منتشر نماید.

ماده ۸- این پروتکل که متنتهای انگلیسی، چینی، اسپانیولی، فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می باشد در بایگانی دفتر سازمان ملل متحد ضبط می گردد. توافق و قرارداد اصلاح شده طبق سند پیوست چون به فرانسه تنظیم شده فقط متن فرانسه سند پیوست معتبر خواهد بود و متنتهای انگلیسی، چینی، اسپانیولی و روسی ترجمه آن محسوب خواهد گردید. یک رونوشت گواهی شده از پروتکل شامل سند پیوست توسط دبیرکل جهت هر یک از دول عضو توافق بین المللی به منظور تأمین حمایت مؤثری بر علیه معامله جنایت آمیز معروف به خرید و فروش زنان مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ با قرارداد بین المللی ممانعت خرید و فروش زنان مورخ ۴ مه ۱۹۱۰ و همچنین جهت کلیه دول عضو سازمان ملل متحد ارسال خواهد گردید. بناء علی هذا امضاء کنندگان مجاز هر یک از دول این پروتکل را در تاریخی که پای امضاء هر یک ذکر گردیده امضاء می نمایند.

لیک ساکس نیویورک ۱۹۴۹

اجازه الحاق دولت ایران به پروتکل های اصلاحی و قراردادهای مورخ ۱۷ مه ۱۹۰۴ و ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به منع فحشاء و قرارداد ۴ مه ۱۹۱۰ راجع به جلوگیری از اشاعه نشریات

منافی عفت و مستهجن پس از تصویب مجلس سنا در جلسه سه‌شنبه هیجدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و سی و هفت از طرف مجلس شورای ملی داده شده.

نایب رئیس مجلس شورای ملی

قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاههای مشابه بردگی^۱

(مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۳)

ماده واحده - قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات دستگاههای مشابه بردگی که در تاریخ هفتم سپتامبر ۱۹۵۶ مطابق شانزدهم شهریور ۳۵ در مقر دفتر اروپایی سازمان ملل متحد (ژنو) به امضاء رسیده و مشتمل بر یک مقدمه و شانزده ماده است تصویب و به دولت اجازه الحاق را می‌دهد.

قانون فوق که مشتمل بر ماده واحده و یک مقدمه و متن قرارداد ضمیمه است پس از تصویب مجلس سنا در جلسه یکشنبه سوم اسفند ماه یکهزار و سیصد و سی و هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی

قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است

مقدمه

نظر به اینکه آزادی حق ذاتی هر فرد بشر است،

و با توجه به اینکه مردمان کشورهای ملل متحد در منشور سازمان ایمان خود را نسبت به

مقام و قدر فرد بشر تأکید نموده‌اند،

و با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر که از طرف مجمع عمومی ملل متحد به

عنوان کمال مطلوب مشترک تمامی اقوام و ملل اعلام شده مقرر می‌دارد که هیچ کس در

شرایط بردگی یا به حال انقیاد نگاه داشته نخواهد شد و بردگی و برده‌فروشی به تمامی انحاء

و اشکال آن نهی خواهد شد،

و با قبول اینکه از زمان انعقاد قرارداد بردگی در ژنو در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ (که هدفش

منع بردگی و برده‌فروشی بود) پیشرفتهای جدیدی در راه نیل به این مقصود حاصل شده است،

و با اشاره به قرارداد کار اجباری مورخ ۱۹۳۰ اقدامات بعدی که سازمان بین‌المللی کار نسبت به بیگاری یا کار اجباری به عمل آورده است،

و با اذعان به اینکه مع الوصف بردگی و برده‌فروشی و رسوم و ترتیبات نظیر بردگی هنوز در کلیه نقاط جهان از میان نرفته است،

و بالاخره با تصمیم بر اینکه قرارداد مورخ ۱۹۲۶ (همواره به قوت خود باقی است) اکنون باید با انعقاد قرارداد تکمیلی دیگری به منظور تشدید اقدامات ملی و بین‌المللی در راه الغاء بردگی و برده‌فروشی مرسوم و ترتیبات نظیر آن تکمیل شود. دول عضو قرارداد فعلی در موارد زیر توافق حاصل می‌نمایند:

بخش اول

رسوم و ترتیبات نظیر بردگی

ماده اول - هر یک از دولی که عضو قرارداد می‌باشند کلیه اقدامات لازم قانونی و سایر اقدامات عملی را تدریجاً جهت ممکن ساختن الغاء کامل یا متروک گذاردن ترتیبات مرسوم ذیل در اسرع اوقات در هر نقطه که موجود باشد و اعم از اینکه تعریف قضایی بردگی مندرج در ماده ۱ قرارداد بردگی منعقد در ژنو در ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۶ شامل آنها باشد یا نباشد به عمل خواهد آورد:

الف) اجبار به خدمت در مقابل دین: یعنی حال یا وضعی که از تعهد مدیون نسبت به خدمات شخصی خود یا شخص دیگری که در فرمان اوست برای تضمین قرض ناشی می‌شود در صورتی که ارزش آن خدمات به نحوی که صحیحاً تقویم شود به مصرف استهلاك قرض نرسد یا طول مدت و نحوه آن خدمات محدود و مشخص نباشد.

ب) اصول (بندگی رعایا): یعنی وضع یا حال رعیت که به موجب قانون یا عرف یا قرارداد مکلف باشد در زمین متعلق به فرد دیگری زندگی و کار کند و برای فرد اخیر خدمات معینی را با دریافت اجرت یا رایگان انجام دهد و به هر حال حق تغییر وضع حال خود را نداشته باشد

ج) هر ترتیب یا رسومی که به موجب آن

۱. اربون یا قیم یا کسان و یا شخص یا عده‌ای اشخاص دیگر زنی را بدون این که وی حق

استنکاف داشته باشد به شخص دیگری وعده دهنده یا به زوجیت او در آورند و در ازاء این امر مبلغی وجه نقد یا جنسی دریافت نمایند.

۲. شوهر یا اقوام شوهر یا طایفه شوهر حق داشته باشند در مقابل اخذ وجه یا به طریق دیگر زن را به دیگری واگذار کنند - یا

۳. زنی پس از مرگ شوهر به شخص دیگری به ارث برسد.

(د) هرگونه رسوم یا ترتیباتی که به موجب آن کودک یا فرد غیر بالغ (کمتر از هجده سال) توسط یکی از ابرین خود یا هر دوی ایشان یا توسط قیم دارای اخذ وجه یا بدون اخذ وجه به منظور تمتع از کودک یا فرد غیر بالغ یا استفاده از کار او به شخص دیگری تسلیم شود.

ماده دوم - به منظور تسریع در خاتمه دادن به رسوم و ترتیبات مذکور در بند (ج) از ماده اول این قرارداد، دولتی که اطراف این قراردادند متعهد می شوند که هر کجا مناسب باشد حداقل متناسبی برای سنین ازدواج معلوم کنند و ترتیبی بدهند که طرفین ازدواج به آسانی بتوانند در برابر مقام دولتی یا مقام روحانی صالح رضایت خود را بیان نمایند و مراسم ثبت ازدواج را تشویق نمایند.

از قانون الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی مبارزه با

تبعیض در امر تعلیمات^۱

(مصوب ۱۳۴۶/۱۲/۲۹)

کنفرانس عمومی سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در یازدهمین اجلاسیه خود از ۱۴ نوامبر تا ۱۵ دسامبر ۱۹۶۰ در پاریس،

با عطف به اعلامیه جهانی حقوق بشر که اصل عدم تبعیض را تأیید می کند و حق مسلم یکایک افراد بشر را به برخورداری از آموزش و پرورش اعلام می دارد،
نظر به اینکه تبعیض در امر تعلیمات تجاوز به حقوقی است که در اعلامیه مذکور ذکر شده است،

نظر به اینکه سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) طبق اساسنامه خود وظیفه دارد همکاری بین ملل مختلف به وجود آورد تا حقوق بشر در تمام کشورها نسبت به همه افراد رعایت شود و همه افراد از آموزش و پرورش به نحو مساوی برخوردار شوند،

با توجه به اینکه سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) با رعایت تنوع نظام تعلیماتی در کشورهای مختلف نه تنها وظیفه دارد هر گونه تبعیضی را در امور تعلیماتی محکوم نماید بلکه باید بکوشد هر فردی در مورد فرصت و امکاناتی که به او داده می شود و رفتاری که با او می شود از تساوی برخوردار باشد،

با عطف به پیشنهادهایی که در مورد جنبه های مختلف تبعیضی در امور تعلیماتی رسیده و موضوع بند ۱۷ - ۱ - ۴ دستور جلسه اجلاسیه است، پس از اینکه در دهمین اجلاسیه خود تصمیم گرفت که این امر موضوع یک قرارداد بین المللی و همچنین توصیه نامه هایی به دول عضو قرار گیرد، قرارداد حاضر را در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مورد قبول قرار داد.

ماده اول - در این قرارداد لفظ «تبعیض» شامل هر گونه وجه تمایز خاص، محرومیت، تحدید و یا ترجیحی است که بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر، ملیت یا وضع اجتماعی اصلی، شرایط اقتصادی و یا تولد باشد و موضوع یا نتیجه آن از میان بردن تساوی رفتار نسبت به افراد در برخورداری از تعلیمات یا تحریف آن و بخصوص موارد مذکور در زیر باشند:

الف) محروم کردن یک شخص یا یک گروه از دسترسی به انواع و یا درجات مختلف تعلیمات.

ب) محدود کردن تعلیم و تربیت یک شخص یا یک گروه به حد پایین تری.

ج) به استثنای موردی که در ماده دوم این قرارداد بیان شده ایجاد و حفظ روشها یا مؤسسات تعلیماتی جداگانه برای اشخاص یا گروه ها.

د) قرار دادن شخص یا گروه در وضعی که مغایر با شئون انسانی باشد.

۲. در این قرارداد واژه، تعلیمات، به معنی انواع و درجات مختلف تعلیمات است و شامل دسترسی به تعلیمات و حدود و کیفیت آن و همچنین شرایط اجرای آن می باشد.

ماده دوم - موارد زیر در صورتی که مورد قبول دولت باشد به عنوان تبعیض به معنای مذکور در ماده اول این قرارداد تلقی نخواهد شد:

الف) ایجاد یا حفظ نظام و یا مؤسسات تعلیماتی جداگانه برای شاگردان پسر و دختر منوط به اینکه در نظام و مؤسسات جداگانه برای هر یک از دو گروه مذکور تسهیلات مشابه برای دسترسی به تعلیمات وجود داشته باشد و هر دو گروه از معلمین متشابه الصلاحیت و ساختمانهای آموزشی و تجهیزات همطراز برخوردار باشند و بتوانند از برنامه های تعلیمات

یکسان و یا متشابه استفاده نمایند.

ب) ایجاد یا حفظ نظام یا مؤسسات تعلیماتی جداگانه به علل مربوط به دین یا زبان در صورتی که در آنها تعلیماتی داده شود که با تمایلات والدین یا قیم قانونی اطفال وفق داشته باشد مشروط بر اینکه قبول چنین نظام یا ورود به چنین مؤسساتی اختیاری باشد و تعلیماتی که در آن داده می‌شود مطابق اصولی باشد که از طرف مقامات صلاحیتدار برای تعلیمات و بخصوص تعلیمات همدرجه آن مقرر یا تصویب شده است.

ج) ایجاد یا حفظ مؤسسات تعلیماتی غیردولتی، هرگاه هدف این مؤسسات محروم ساختن گروهی نباشد بلکه بالعکس منظور از آن افزودن به امکانات تحصیلی باشد که مقامات دولتی به وجود آورده‌اند و تعلیماتی که در آنها داده می‌شود مطابق با اصولی باشد که از طرف مقامات صالحه برای تعلیمات و بخصوص تعلیمات همدرجه آن مقرر یا تصویب شده است.

مصوب مجلسین سنا و شورای ملی

از قرارداد ژنو، راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ

(مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹)^۱

(مصوب ۱۳۳۴/۹/۳۰)

امضاءکنندگان زیر نمایندگان مختار دولتهای شرکت‌کننده در کنفرانس سیاسی که در شهر ژنو از تاریخ ۲۱ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به منظور تهیه قراردادی برای حمایت افراد کشوری در زمان جنگ تشکیل گردیده نسبت به مسائل ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده ۱۳ - مقررات این ماده ناظر بر مجموع اهالی کشورهای داخل در جنگ است بدون هیچ تبعیض نامساعد من جمله از حیث نژاد و ملیت و مذهب و عقیده سیاسی و منظور از آن تخفیف مصائبی است که از جنگ تولید می‌شود.

۱. قانون اجازه‌الحاق دولت ایران به قراردادهای معروف به قرارداد ژنو مصوب ۳۰ آذر ماه ۱۳۳۴

ماده واحده - مجلس شورای ملی الحاق دولت ایران را به قراردادهای معروف به قرارداد ژنو به شرح زیر:

۱. قرارداد راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردوکنی.

۲. قرارداد راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا.

۳. قرارداد راجع به معامله با اسیران جنگی.

۴. قرارداد راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ.

که در تاریخ هفدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و بیست و هشت مطابق هشتم دسامبر یکهزار و نهصد و چهل و نه در ژنو امضاء شده است تصویب می‌نماید.

ماده ۱۴ - دول متعاقد در زمان صلح و دول متخاصم پس از شروع جنگ می‌توانند در خاک خود و در صورت لزوم در اراضی اشغالی، نواحی و نقاط بهداری و امنیت ایجاد و تشکیلات آن را طوری بدهند که زخمیداران و بیماران و معلولین و پیران و اطفال کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و مادران اطفال کمتر از هفت سال را از اثرات جنگ پناه دهند.

دول ذیربط می‌توانند به محض شروع جنگ و در حین جنگ بین خود موافقت‌نامه‌هایی برای شناسایی نقاط و مناطقی که دایر ساخته‌اند منعقد نمایند. برای این منظور ممکن است طرح موافقتنامه پیوست این قرارداد را با تغییراتی که لازم بدانند به موقع اجراء گذارند.

ماده ۱۶ - زخمیداران و بیماران و همچنین معلولین و زنان باردار مورد حمایت و احترام خاص قرار خواهند گرفت.

تامیازی که مقتضیات نظامی اجازه دهد هر دولت داخل در جنگ در اقدامات مربوط به جستجوی مقتولین و زخمیداران و کمک به غریقان و سایر اشخاصی که در معرض خطر مهمی هستند و همچنین در اقدامات مربوط به حفظ آنان از غارت و بدرفتاری تسهیل خواهند کرد.

ماده ۱۷ - دول متخاصم سعی خواهند کرد که برای تخلیه بیماران و زخمیداران و معلولین و پیران و زنان تازه‌زا از نواحی محاصره شده و همچنین برای عبور روحانیون همه مذاهب و کارکنان و لوازم بهداری به مقصد آن نواحی، قرارنامه‌های محلی بین خود منعقد سازند.

ماده ۱۸ - بیمارستانهای کشوری که برای پرستاری زخمیداران و بیماران و معلولین و زنان تازه‌زا تشکیل می‌شوند در هیچ موردی نباید طرف حمله قرار گیرند بلکه در هر زمان باید توسط دول متخاصم محترم شمرده و حمایت شوند.

ماده ۲۰ - کارکنانی که منحصراً مأمور امور و اداره بیمارستانهای کشوری می‌شوند به انضمام کسانی که مأمور جستجو و برداشتن و حمل و معالجه زخمیداران و بیماران کشوری و معلولین و زنان تازه‌زا می‌باشند محترم شمرده و حمایت خواهند شد.

کارکنان مزبور در اراضی اشغالی و مناطق عملیات نظامی به وسیله کارت هویتی که سمت صاحب کارت را تصدیق کند و دارای عکس صاحب کارت و مهر منگنه مقام مسئول باشد معرفی خواهند گردید و در موقع خدمت به وسیله بازوبندی که مهر شده و رطوبت در آن اثر نکند و به بازوی چپ نصب گردد شناخته خواهند شد. بازوبند مزبور توسط دولت داده خواهد شد و دارای علامت مذکور در ماده ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمیداران نیروهای مسلح هنگام اردو کشی خواهد بود.

هر نوع کارمند دیگر که مأمور اداره و امور بیمارستانهای کشوری باشند محترم شمرده خواهند شد و در حین انجام وظیفه حق حمل بازوبند مذکور در بالا را تحت شرایط این ماده خواهند داشت. وظیفه محوله به این اشخاص در کارت هویت آنان قید خواهد شد.

ریاست هر بیمارستان کشوری در هر زمان صورت صحیح کارکنان خود را به اختیار مقامات صلاحیتدار دولت متبوع خود یا دولت اشغال‌کننده نگاه خواهد داشت.

ماده ۲۱ - حمل و نقل زخم‌داران و بیماران کشوری و معلولین و زنان تازه‌زا که در روی زمین به وسیله کاروانهای وسائط نقلیه یا قطارهای بیماریه و یا در روی دریا به وسیله کشتیهای مخصوص حمل و نقل مزبور صورت می‌گیرد مانند بیمارستانها به شرح ماده ۱۸ محترم شمرده و حمایت خواهند شد و با اجازه دولت به وسیله علامت مشخصه مذکور در ماده ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکنشی خود را نشان خواهند داد.

ماده ۲۲ - ناوهای هوایی که منحصرأ مخصوص حمل زخم‌داران و بیماران کشوری و معلولین و زنان تازه‌زا یا مخصوص حمل کارکنان و لوازم بهداری است مورد حمله قرار نخواهند گرفت بالعکس در صورت پرواز در ارتفاعات ساعات و مسیرهایی که مخصوصاً با موافقت مشترک بین کلیه دولت‌های متخاصم ذینفع معین شده محترم شمرده خواهند شد. ناوهای هوایی مزبور ممکن است با علامت مشخصه مذکور در ماده ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکنشی نمایانده شود.

پرواز از فراز اراضی دشمن یا اراضی تحت اشغال دشمن ممنوع است مگر آنکه خلاف آن قرار شده باشد.

ناوهای هوایی مزبور به هر فرمان فرود آمدن اطاعت خواهند کرد. در مواردی که ناو هوایی بدین طریق اجبارأ فرود آید ناو مزبور و سرنشینان آن می‌توانند پس از معاینه که احیاناً صورت گیرد پرواز خود را ادامه دهند.

ماده ۲۳ - هر دولت متعاقد به کلیه محمولات دارو و لوازم بهداری و اشیاء لازمه جهت مراسم مذهبی که منحصرأ برای نفوس کشوری دولت متعاقد دیگر ولو دشمن فرستاده شود آزادی عبور اعطا خواهد کرد. همچنین به هرگونه محمولات خواربار ضروری و ملبوس و مواد مقوی مخصوص اطفال کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار یا تازه‌زا آزادی عبور خواهد داد....

ماده ۲۷ - اشخاص مورد حمایت در هر مورد ذیحق به احترام شخص خود و شرافت خود و حقوق خانوادگی خود و اعتقادات و اعمال مذهبی خود و عادات و رسوم خود می‌باشند. در هر زمان با آنان به انسانیت رفتار خواهد شد و من جمله در مقابل همه گونه عمل خشونت آمیز یا تخویف و در مقابل دشنام و کنجکاوی عامه حمایت خواهند گردید. زنان مخصوصاً در مقابل هرگونه تخطی به شرافت من جمله مقاربت به عنف و اجبار به فحشا و هرگونه تجاوز به عفت حمایت خواهند شد.

دولت متخاصمی که اشخاص مورد حمایت را در اختیار خود دارد با رعایت مقررات مربوط به وضع مزاج و سن و جنس آنان با همگی با توجهات متساوی بدون هیچ گونه تبعیض نامساعد من جمله از لحاظ نژاد یا مذهب یا عقاید سیاسی رفتار خواهد کرد. معمه‌دار دول متخاصم می‌توانند درباره اشخاص مورد حمایت اقدامات نظارت یا امنیت را که به واسطه جنگ لازم باشد به عمل آورند.

ماده ۸۹ - جیره روزانه بازداشتیان از حیث کم و کیف و تنوع به اندازه کافی خواهد بود تا تعادل عادی سلامت آنان را حفظ و از عوارض کم غذایی جلوگیری کند. همچنین رژیم غذایی عادی بازداشتیان نیز رعایت خواهد شد. به علاوه وسایل لازم به بازداشتیان داده خواهد شد تا اضافه غذایی را که در اختیار خود داشته باشند شخصاً مهیا کنند.

آب مشروب کافی برای آنان تهیه خواهد شد و استعمال دخانیات مجاز خواهد بود. کارگران اضافه غذایی که متناسب با نوع کارشان باشد دریافت خواهند داشت. زنان باردار و تازه‌زا و اطفال کمتر از پانزده سال اضافه غذایی متناسب با احتیاجات جسمانی خود دریافت خواهند کرد.

ماده ۹۱ - در هر محل بازداشت یک درمانگاه متناسب تحت نظر یک پزشک ذی صلاحیت دائر خواهد شد که در آنجا بازداشتیان از پرستاریهای طبی که احتیاج داشته باشند و همچنین از رژیم غذایی متناسب بهره‌مند گردند. برای بیماران مبتلا به بیماریهای واگیردار و بیماریهای دماغی اماکن مجزا اختصاص داده خواهد شد.

زنان در دوران وضع حمل و بازداشتیانی که مبتلا به بیماری شدیدی باشند یا حالشان مستلزم عمل جراحی یا بستری شدن در بیمارستان باشد در هر بنگاه مناسب پذیرفته خواهند شد تا تحت معالجه و پرستاری واقع شوند و پرستاری و معالجه آنان نباید کمتر از آنچه در مورد عامه اهالی معمول است باشد.

بازداشتیان مرجحاً توسط کارکنان طبی که هموطن خودشان باشند تحت معالجه قرار خواهند گرفت.

بازداشتیان را نمی‌توان از مراجعه به مقامات پزشکی جهت معاینه ممنوع ساخت، مقامات پزشکی دولت بازداشت‌کننده به هر بازداشتی‌ای که مورد معالجه قرار گرفته باشد در صورت تقاضا گواهینامه رسمی حاکی از نوع بیماری یا جراحات و مدت معالجه و معالجاتی که شده تسلیم خواهند نمود.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

انتقال بازداشتیان

ماده ۱۲۷ - انتقال بازداشتیان همواره با اصول انسانیت صورت خواهد گرفت و به طور کلی با راه آهن یا با وسائط نقلیه دیگر به کیفیاتی که لاقلاً نظیر کیفیات حمل و نقل نیروهای دولت بازداشت‌کننده باشد انجام خواهد شد. چنانچه استثنائاً بنا شود که انتقال بازداشتیان پیاده صورت گیرد این کار فقط در صورتی ممکن خواهد بود که وضع مزاجی آنان اجازه دهد و در هر حال نباید خستگی فوق‌العاده به بازداشتیان تحمیل گردد.

دولت بازداشت‌کننده در حین انتقال بازداشتیان آب مشروب و اغذیه که از حیث کم و کیف و تنوع برای حفظ سلامت آنان کافی باشد و همچنین ملبوس و پناهگاه‌های متناسب و پرستاریهای طبی لازم را برای آنان تهیه خواهد کرد. به علاوه همه گونه احتیاجات مفید به عمل خواهد آورد که امنیت آنها در حین انتقال تأمین شود و قبل از حرکت صورت کامل بازداشتیان انتقالی را تنظیم خواهد نمود.

بازداشتیان بیمار و زخم‌دار و علیل و زنان تازه‌زا مادام که سلامت مزاجشان ممکن است بر اثر مسافرت به خطر افتد انتقال نخواهد یافت. مگر آن که امنیت آنها قویاً انتقالشان را ایجاب کند.

در صورتی که جبهه جنگ به یک محل بازداشت نزدیک شود بازداشتیان آن محل فقط در صورتی ممکن است به جای دیگر انتقال یابند که انتقال آنان در شرایط امنیت کافی امکان‌پذیر باشد یا آنکه خطر اقامت آنان در محل بیشتر از مخاطرات انتقال باشد.

دولت بازداشت‌کننده هنگامی که تصمیم به انتقال بازداشتیان می‌گیرد باید منافع آنان را در نظر گیرد من جمله از این حیث که مشکلات بازگشت آنان به میهن یا اعاده آنان به اقامتگاهشان فزونی نیابد.

ماده ۱۳۲ - هر شخص بازداشتی به محض اینکه علل بازداشت مرتفع شود توسط دولت

بازداشت‌کننده آزاد خواهد شد.

از این گذشته دول متخاصم سعی خواهند کرد که در دورهٔ مخاصمات موافقتنامه‌هایی برای آزادی و اعاده به میهن و بازگشت به محل اقامت یا بستری شدن در بیمارستان در یک کشور بیطرف نسبت به بعضی طبقات بازداشتیان خصوصاً اطفال و زنان باردار و مادران اطفال شیرخوار و اطفال کوچک و زخم‌داران و بیماران و بازداشتیانی که مدت مدیدی در اسارت بوده‌اند منعقد سازند.

از قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱

(مصوب ۱۳۵۳/۲/۱۲)

ماده واحده - میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر یک مقدمه و پنجاه و سه ماده که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (۱۳۴۵/۹/۲۵) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و از طرف نماینده مختار دولت ایران در تاریخ ۴ آوریل ۱۹۶۸ (۱۳۴۷/۱/۱۵) در نیویورک امضاء شده است تصویب و اجازه تسلیم سند تصویب آن داده می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر یک ماده و متن میثاق ضمیمه پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه روز سه شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۱ جلسه روز چهارشنبه هفدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی به تصویب مجلس سنا رسید.
رئیس مجلس سنا

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقدمه دول طرف این میثاق

با توجه به اینکه بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر مبتنی آزادی - عدالت و صلح در جهان است، با اذعان به اینکه حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است، با اذعان به اینکه بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهایی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود، با توجه به اینکه دولتها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر رعایت حقوق و

آزادیهای بشر ملزم هستند، با در نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده‌دار وظایفی است و مکلف است به اینکه در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید. با مواد زیر موافقت دارند:

ماده ۳- دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند.

ماده ۶- ۱. حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.

۲. در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جائز نیست مگر در مورد مهمترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجراء در زمان ارتکاب جنایت که آن هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیونها راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح.

۳. در مواقعی که سلب حیات تشکیل دهنده جرم کشتار دسته جمعی باشد چنین معهود است که هیچ یک از مقررات این ماده دولتهای طرف این میثاق را مجاز نمی‌دارد که به هیچ نحو از هیچ یک از الزاماتی که به موجب مقررات کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) تقبل شده انحراف ورزند.

۴. هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید. عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود.

۵. حکم اعدام در مورد جرائم ارتكابی اشخاص کمتر از هجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.

۶. هیچ یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغاء مجازات اعدام از طرف هر یک از دولتهای طرف این میثاق قابل استناد نیست.

ماده ۲۳- ۱. خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد.

۲. حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته می‌شود.

۳. هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی شود.
۴. دولتهای طرف این میثاق تدابیر مقتضی به منظور تأمین تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج پیش پینیهایی برای تأمین حمایت لازم از اطفال به عمل خواهند آورد.
- ماده ۲۶ - ۱. کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب عقاید سیاسی و عقاید دیگر اصل و منشأ ملی یا اجتماعی مکننت - نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند.
- میثاق فوق مشتمل بر یک مقدمه و پنجاه و سه ماده منضم به قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد.

تأسیس کمیته امور بین المللی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان

مصوب دویست و شصت و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۷۰/۸/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی

اهداف و برنامه های کمیته امور بین المللی

مقدمه

دهه دوم انقلاب به حق دهه بازسازی است و یکی از زمینه هایی که می تواند مشمول این بازسازی قرار گیرد، سیاستگذاری مناسب برون مرزی و ویژه زنان از سوی کمیته امور بین المللی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و اجرای آن از طریق ارگانهای ذیربط است، بدان گونه که مجموعه سیاستگذاری و اجراء و ارزیابی، بتواند بر تمامی توطئه ها و تخریبهایی که از سوی دنیای استکبار علیه انقلاب اسلامی و زن مسلمان انجام گرفته فایق آید در عین حال، خود منشأ خیر و برکت در جهت تحقق اهداف الهی انقلاب کبیر اسلامی، در سطح ملی و بین المللی گردد. زن مسلمان، یعنی کسی که موضوع اصلی این برنامه ریزی است، زنی است که: بر نظام استکباری غرب شوریده و بر ارزشهای الحادی آن فایق آمده، به خویشتن الهی خویش بازگشت نموده، فرهنگ اسلامی را باز یافته و خلاقیتها و استعداد های خداداده را به عرصه ظهور رسانده است. این زن با تأسی از اسوه زنان عالم حضرت زهرا (س) در سیمای زنی انقلابی، قهرمان، شهید پرور، اینارگر، اندیشمند، متفکر، متخصص و هنرمند، یکی از محورهای اساسی در ابلاغ پیام انقلاب اسلامی به جهانیان و

الگوی برتر زن معاصر است.

کمیتۀ بین‌الملل شورای فرهنگی و اجتماعی زنان به منظور دستیابی به آرمانهای فوق در چهارچوب انقلاب جهانی اسلام و نقش حساس زن مسلمان در عمق این هدف والا و در جهت تداوم راه حضرت امام خمینی قدس سره‌الشریف و رهنمودهای رهبر معظم جمهوری اسلامی آیت الله خامنه‌ای و به منظور دستیابی به اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس اصول مندرج در قانون اساسی و بند ۱۱ آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان^۱ و به منظور تبادل اطلاعات و تجربه در زمینه‌های اسلامی، علمی و فرهنگی میان زنان کشور جمهوری اسلامی ایران با زنان سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی شروع به فعالیت می‌کند.

ماده ۱- اهداف

۱. معرفی زن مسلمان به عنوان الگوی زن شایسته.
۲. مبارزه با استعمار فرهنگی غرب و مطالعه تأثیر افکار استعماری و مفسد تمدن غرب در زنان مسلمان و ارائه راههای مبارزه با این تأثیر.
۳. ایجاد ارتباط میان زنان مسلمان در سراسر جهان و حمایت از زنانی که در نهضت‌های آزادیبخش (به ویژه نهضت‌های اسلامی) شرکت دارند و از آزاده‌ای که مورد جور و ستم استعمارگران واقع می‌شوند و از زنانی که در کشورهای دیگر از حق زنان و رعایت عدالت اجتماعی در مورد ایشان دفاع می‌کنند.
۴. مقابله با تبلیغات فاسدی که استکبار جهانی از طریق رسانه‌های غربی بر ضد ارزشهای اسلامی شتون زن مسلمان پخش می‌کنند.
۵. حضور فعال زنان در سازمان‌های اسلامی و مجامع انقلابی، فرهنگی، هنری و سیاسی.

ماده ۲- وظایف و اختیارات

الف - انجام مطالعات و تحقیقات برای شناسایی مشکلات، نارساییها و موانع و همچنین بررسی زمینه‌های مساعد رشد و فعالیت زنان در امور فرهنگی و اجتماعی در عرصه بین‌المللی، به ویژه جهان اسلام.

۱. بند ۱۱ آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان: برنامه‌ریزی در جهت توسعه روابط فرهنگی با جوامع و نهضت‌های انقلابی زنان در کشورهای دیگر بخصوص در کشورهای اسلامی.

اهم فعالیتهای تحقیقاتی و مطالعاتی کمیته، در امور ذیل است:

۱. کسب اطلاعات و انجام مطالعات در خصوص بخش مربوط به زنان در سازمانهای بین‌المللی.

۲. کسب اطلاعات و انجام تحقیقات پیرامون تشکلهای، انجمنها و جمعیتهای مربوط به زنان (دولتی و غیردولتی) در سطح جهان.

۳. کسب اطلاعات پیرامون سمینارها، سمپوزیومها، مراسم، کنفرانسها و سایر گردهماییهای بین‌المللی مربوط به زنان.

۴. کسب اطلاعات از مراکز تحقیقاتی جهان که در ارتباط با زنان دارای فعالیتهای آماری یا کیفی هستند.

۵. انجام تحقیقات و بررسیهای لازم پیرامون وضعیت زنان در کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای اسلامی (این تحقیقات می‌تواند در زمینه‌های حقوقی - اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - خانوادگی - فرهنگی - هنری - علمی - تحقیقاتی و... باشد).

۶. بررسی و انجام تحقیقات و مکاتبات به منظور شناسایی زنان برجسته جهان.

۷. انجام تحقیقات و شناسایی بخش زنان نهضتهای آزادیبخش.

۸. انجام دادن تحقیقات لازم به منظور شناسایی زنان نمونه ایرانی که قادر به درخشش در زمینه‌های علم و ادب و هنر و در عرصه بین‌المللی باشند.

۹. مطالعه و تحقیق برای تهیه طرح و پیشنهاد در مورد فعالیتهای و برنامه‌های مقطعی یا درازمدت از قبیل: تهیه و تولید انتشارات تبلیغی، فیلم و اسلاید و عکس، برگزاری نمایشگاهها، تجمعها، گروههای کاری اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

تبصره - کلیه مناسبات خارجی کمیته از طریق دستگاههای اجرایی مسئول انجام می‌گیرد.

بند ب - تعیین سیاستها و خط‌مشی‌ها و ارائه طرحها و راه‌حلهای مناسب در زمینه فعالیتهای بین‌المللی و پیشنهاد به شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

ب - اهم برنامه‌ها:

۱. اهتمام به تشکیل انجمنهای مشترک در کشورهای اسلامی و کشورهایی که بخشی از جمعیتشان مسلمانند.

۲. فراهم آوردن امکان ارائه نظر کارشناسی مستمر در مورد امور بانوان در دستگاههای اجرایی.

۳. زمینه‌سازی حضور فعال زنان در عرصه‌های بین‌المللی و ارتقای کیفیت فعالیتهای برون مرزی آنان.

۴. توسعه و تقویت «انتشارات بین‌المللی در زمینه زنان» و انتشارات کتب، مقالات و رسالات راجع به زنان به صورت دولتی یا وابسته.

۵. تلاش برای ایجاد تشکلی در سطح بین‌المللی - اسلامی زنان به صورت دولتی یا وابسته.

ج - مبادله اطلاعات و هماهنگی:

۱. دستگاههای دست‌اندرکار امور بین‌المللی زنان، سیاستها و طرحهای خود را به اطلاع کمیته می‌رساند و حسب درخواست کمیته اطلاعات و گزارشهای مورد نیاز را در اختیار کمیته می‌گذارند.

۲. کمیته موظف است نظر خبرگان و کارشناسان امور بین‌الملل را جلب کند و در موارد لازم بررسی موضوعات پژوهشی را به افراد یا نهادهای تخصصی واگذار کند.

۳. کمیته موظف است نظریات کارشناسی خود را برای ایجاد هماهنگی و بهره‌برداری به دستگاههای اجرایی ارائه کند.

د - ارزیابی:

کمیته با استفاده از گزارشها و اطلاعات دریافت شده از دستگاههای اجرایی، فعالیتهای آنها را درباره اجرای طرحها و سیاستها ارزیابی می‌کند و نتیجه را به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم می‌دارد.

ه - به منظور فراهم آوردن امکان انجام وظایف کمیته، کلیه دستگاههای اجرایی ذیربط همکاری شایسته با آن کمیته معمول خواهند داشت.

برنامه‌ریزی برای شرکت در مجمع پکن

مصوب سید و پنجاه و پنجمین جلسه مورخ ۱۳۷۴/۵/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی

رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان گزارشی از فعالیت آن شورا به شورای عالی ارائه داد و پس از بحث درباره مسائل و مشکلات فعالیتهای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان راجع به مجمع پکن و ضرورت برنامه‌ریزی برای شرکت فعال در آن گفتگو و مقرر شد:

۱. مجموع اسناد و گزارش ملی زنان زیر نظر جناب آقای دکتر حبیبی آماده و تدوین شود تا با انسجام و آمادگی کامل در مجمع پکن شرکت شود.

۲. دربارهٔ ایجاد وحدت هماهنگی در فعالیتهای بانوان در سازمانها و دستگاههای مختلف اجرایی یا شورای فرهنگی و اجتماعی زنان پس از بررسی موضوع زیر نظر جناب آقای دکتر حسن حبیبی طرحی تهیه کنند و به شورای عالی بیاورند.
۳. تبلیغات خارجی بانوان نیز زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و از طریق سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است اجرا شود.

قانون اجازه الحاق دولت ایران به مقاوله نامه بین المللی شماره ۱۰۰ مربوط به تساوی اجرت کارگران زن و کارگران مرد در قبال کار هم ارزش^۱

(مصوب ۱۳۵۱/۳/۱)

ماده واحده - به دولت اجازه داده می شود به مقاوله نامه بین المللی شماره ۱۰۰ مربوط به تساوی اجرت کارگران زن و کارگران مرد در قبال کار هم ارزش مشتمل بر یک مقدمه و ۱۴ ماده که ضمیمه این قانون است ملحق شود.

مقاوله نامه شماره (۱۰۰) مربوط به تساوی اجرت کارگران زن و کارگران مرد در قبال کار هم ارزش

کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار که بنا به دعوت هیئت مدیره دفتر بین المللی کار سی و چهارمین دوره اجلاسیه خود را در تاریخ ششم ژوئن ۱۹۵۱ در شهر ژنو منعقد ساخته پس از اتخاذ تصمیم نسبت به قبول پیشنهادهای مختلف مربوط به اصل «تساوی اجرت زن و مرد در قبال کار هم ارزش» هفتمین موضوع دستور دوره اجلاسیه و پس از اتخاذ تصمیم بر اینکه پیشنهادهای مزبور به صورت یک مقاوله نامه بین المللی در آید.

در تاریخ بیست و نهم ژوئن ۱۹۵۱ - مقاوله نامه زیر را تحت عنوان: «مقاوله نامه مربوط به تساوی اجرت - مورخ ۱۹۵۱» مورد تصویب قرار می دهد:

ماده ۱ - به موجب این مقاوله نامه

الف) اصطلاح «اجرت» شامل مزد و حقوق معمولی اعم از اصل یا حداقل و همچنین کلیه مزایای دیگری است که به طور مستقیم به صورت نقد یا جنس از طرف کارفرما در ازای کار به کارگر پرداخت می شود.

۱. به نقل از شماره ۹۷۹۶۳/۳/۱۳۵۱ روزنامه رسمی

ب) عبارت «تساوی اجرت زن و مرد در قبال کار هم‌ارزش» مربوط به نرخ اجرتی است که بدون تبعیض از نظر جنسیت تعیین گردد.

ماده ۲-۱. هر یک از کشورهای عضو باید به وسایلی که منطبق با روشهای معمول جهت تعیین میزان اجرت باشد اجرای اصل تساوی اجرت کارگر زن و مرد را در قبال کار هم‌ارزش تشویق و تا حدودی که با روشهای فوق‌الذکر تطبیق نماید اجرای آن را درباره عموم کارگران تأمین کند.

۲. اجرای این اصل ممکن است به طریق زیر صورت گیرد:

الف) وضع قوانین داخلی

ب) هر روشی که جهت تعیین میزان اجرتها ضمن قوانین پیش‌بینی شده باشد.

ج) انعقاد پیمانهای دسته جمعی بین کارفرمایان و کارگران.

د) ترکیبی از این روشهای مختلف.

ماده ۳-۱. در صورتی که اقدامات فوق‌الذکر به نحوی باشد که اجرای مقررات این مقاله‌نامه را تسهیل نماید ترتیباتی به منظور تشویق ارزیابی واقعی مشاغل براساس کارهایی که مشاغل مزبور متضمن می‌باشد به عمل خواهد آمد.

۲. اتخاذ تصمیم در مورد اسلویی که برای این ارزیابی بتوان وضع نمود درباره تعیین میزان اجرت با مقامات صلاحیتدار بوده و در موردی که میزان اجرت به موجب قراردادهای دسته جمعی تعیین شده باشد با طرفین عاقد قراردادها خواهد بود.

۳. اختلاف بین میزان اجرت در صورتی که بدون ملاحظه جنسیت ناشی از تفاوتهای حاصله از ارزیابی کارهایی که باید انجام گیرد باشد مخالف با اصل تساوی اجرت زن و مرد در قبال کار هم‌ارزش محسوب نخواهد شد.

ماده ۴- کشورهای عضو به هر ترتیبی که مناسب بدانند در طریق تأمین اجرای مقررات این مقاله‌نامه با سازمانهای کارفرمایی و کارگری ذینفع همکاری خواهند کرد.

ماده ۵- تصویب رسمی این مقاله‌نامه از طرف مقامات صلاحیتدار به اطلاع مدیر کل دفتر بین‌المللی کار خواهد رسید و نامبرده به ثبت آن اقدام خواهد کرد.

ماده ۶-۱. این مقاله‌نامه فقط برای کشورهایی لازم‌الاجرا خواهد بود که الحاق آنان توسط مدیر کل دفتر بین‌المللی کار به ثبت رسیده باشد.

۲. این مقاله‌نامه دوازده ماه پس از اینکه الحاق دو کشور عضو توسط مدیر کل دفتر بین‌المللی کار به ثبت رسید وارد مرحله اجرا می‌گردد.

۳. از آن پس این مقاله‌نامه برای هر کشور عضو ۱۲ ماه پس از تاریخ ثبت الحاق آن کشور لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۷-۱. اعلامیه‌هایی که مطابق مقررات بند دوم از ماده ۳۵ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار جهت مدیر کل دفتر بین‌المللی کار ارسال می‌شود باید حاوی نکات زیر باشد: الف) سرزمینهایی که کشور ذینفع تعهد می‌نماید که مقررات این مقاله‌نامه را بدون هیچ جرح و تعدیلی در آنها اجرا نماید.

ب) سرزمینهایی که کشور ذینفع متعهد می‌شود که مقررات این مقاله‌نامه را با تغییرات و اصلاحاتی در آنها مجرا سازد با ذکر چگونگی این تغییرات. ج) سرزمینهایی که این مقاله‌نامه در آنها قابل اجرا نمی‌باشد با ذکر علل و جهات آن. د) سرزمینهایی که اتخاذ تصمیم در مورد آنها را به انجام مطالعات و تحقیقات بیشتری در اوضاع آن نواحی موکول بنماید.

۲. تعهدات مذکور در بند الف و ب از قسمت اول این ماده جزء لاینفک این مقاله‌نامه محسوب شده و به همان درجه لازم‌الاجرا خواهد بود.

۳. هر یک از کشورهای عضو می‌تواند با ارسال اعلامیه جدید جزئاً یا کلاً از موارد استثنایی که در اعلامیه‌های قبلی خود به استناد بندهای ب-ج-د قسمت اول این ماده قائل شده است صرف‌نظر کند.

۴. هر یک از کشورهای عضو می‌تواند در ادواری که مطابق مقررات ماده ۹ می‌توان از الحاق به این مقاله‌نامه صرف‌نظر نمود اعلامیه جدیدی برای مدیر کل دفتر بین‌المللی کار ارسال نموده مفاد اعلامیه‌های قبلی خود را جزئاً یا کلاً تغییر و اوضاع سرزمینهای معینی را اطلاع دهد.

ماده ۸-۱. ضمن اعلامیه‌هایی که مطابق بندهای ۴ و ۵ از ماده ۳۵ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار جهت مدیر کل دفتر بین‌المللی کار ارسال می‌شود باید قید شود که آیا مقررات این مقاله‌نامه عیناً یا با تغییراتی در قلمرو آن کشور اجرا خواهد شد. در صورتی که در اعلامیه قید شده باشد که مقررات این مقاله‌نامه با جرح و تعدیل اجرا خواهد شد باید چگونگی این تغییرات نیز شرح داده شود.

۲. کشور یا کشورهای عضو یا مرجع بین‌المللی ذینفع می‌توانند با ارسال اعلامیه جدید جزئاً یا کلاً از موارد استثنایی که قبلاً قائل شده‌اند صرف‌نظر کنند.

۳. کشور یا کشورهای عضو یا مرجع بین‌المللی ذینفع می‌توانند در ادواری که مطابق

مقررات بین‌المللی حمایت از زنان / ۴۱

مقررات ماده ۹ حق لغو الحاق به این مقاله‌نامه را دارند اعلامیه جدیدی جهت مدیر کل دفتر بین‌المللی کار ارسال نموده و ضمن آن مفاد اعلامیه‌های قبلی خود را به هر نحو که مقتضی بدانند تغییر دهند و اوضاع سرزمین مربوطه را از لحاظ اجرای این مقاله‌نامه به اطلاع رسانند.

ماده ۹-۱. هر یک از کشورهای عضو که به این مقاله‌نامه ملحق شده باشد می‌تواند پس از پایان مدت ده سال از تاریخی که این مقاله‌نامه برای نخستین بار به مرحله اجراء وارد شده است از الحاق خود صرف‌نظر نماید. این لغو الحاق یک سال بعد از تاریخ ثبت آن در دفتر بین‌المللی کار رسمیت خواهد یافت.

۲. هر یک از کشورهای عضو که یک سال بعد از انقضای دوره ده ساله فوق‌الذکر از حق قرارداد مندرج در این ماده استفاده نکند برای یک دوره ده ساله دیگر به رعایت مقررات آن ملزم خواهد بود و بعداً می‌تواند در انقضای هر دوره ده ساله مطابق شرایطی که در این ماده پیش‌بینی شده است آن را لغو نماید.

ماده ۱۰-۱. مدیر کل دفتر بین‌المللی کار عموم کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار را از وصول ابلاغیه‌های مربوط به الحاق یا لغو الحاق به این مقاله‌نامه و اعلامیه‌های دیگر مستحضر خواهد ساخت.

۲. هر موقع که دو کشور عضو به این مقاله‌نامه ملحق گردند مدیر کل دفتر بین‌المللی کار مراتب را به کشورهای عضو اطلاع داده و آنها را از تاریخ شروع مرحله اجرایی مقاله‌نامه مستحضر خواهد ساخت.

ماده ۱۱- مدیر کل دفتر بین‌المللی کار مطابق مفاد ماده ۱۰۲ اساسنامه سازمان ملل متحد موظف است که در خصوص الحاق و لغو الحاق این مقاله‌نامه و اعلامیه‌های دیگر که دریافت می‌دارد اطلاعات جامعی به منظور ثبت آنها توسط دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال دارد.

ماده ۱۲- هیئت مدیره دفتر بین‌المللی کار هر موقع لازم بداند گزارش جامعی در خصوص اجرای این مقاله‌نامه به کنفرانس عمومی تسلیم خواهد داشت و قید لزوم تجدیدنظر در متن این مقاله‌نامه را ضمن دستور کنفرانس مورد بررسی قرار خواهد داد.

ماده ۱۳-۱. در صورتی که کنفرانس مقاله‌نامه جدیدی مبنی بر تجدیدنظر جزئی یا کلی در متن این مقاله‌نامه مورد تصویب قرار دهد و در مقاله‌نامه جدید روش دیگری تعیین و

پیش‌بینی نشده باشد.

الف) تصویب مقاوله‌نامه جدید از طرف یک کشور عضو به خودی خود و صرف‌نظر از مفاد ماده فوق‌الذکر به منزله لغو الحاق فوری این مقاوله‌نامه خواهد بود مشروط بر اینکه مقاوله‌نامه جدید مبنی بر تجدیدنظر وارد مرحله اجرا شده باشد.

ب) از تاریخی که مقاوله‌نامه جدید به مرحله اجرا درآید الحاق به این مقاوله‌نامه از طرف عضو دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲. این مقاوله‌نامه در هر حال برای کشورهایی که به آن ملحق گردیده لیکن الحاق خود را به مقاوله‌نامه تجدیدنظر شده اعلام نداشته‌اند کماکان با ترکیب و مندرجات فعلی معتبر و لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۴- متون فرانسه و انگلیسی این مقاوله‌نامه هر دو متساویاً معتبر می‌باشند. مقاوله‌نامه فوق مشتمل بر یک مقدمه و چهارده ماده منضم به قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به مقاوله‌نامه بین‌المللی شماره ۱۰۰ مربوط به تساوی اجرت کارگران زن و کارگران مرد در قبال کار هم‌ارزش می‌باشد.

رئیس مجلس سنا

بخش دوم

مشارکتهای اجتماعی و سیاسی

از دیباچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

(مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲)

زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است اصلی اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری، در پرورش انسانهای مکتبی پیشاهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدانهای فعال حیات می‌باشد و در نتیجه‌پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

اصل هشتم

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است

همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

اصل دهم

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل یستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

اصل بیست و یکم

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل یکصد و پانزدهم

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدیر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

قانون راجع به شرکت بانوان در انتخابات^۱

(مصوب ۱۳۴۳/۲/۱۰)

ماده واحده - بند اول ماده دهم و بند دوم ماده سیزدهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۱۳۰۴ شمسی که مربوط به شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان است و همچنین قید کلمه ذکور از ماده ششم و ماده نهم قانون انتخابات مجلس سنا مصوب چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ حذف می شود. وزارت کشور مأمور اجرای این قانون می باشد.

قانون بالا که مشتمل بر ماده واحده است پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز پنجشنبه دهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و چهل و سه به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی

از قانون انتخابات مجلس شورای ملی

(مصوب ۱۳۰۴/۱/۱۲)

ماده دهم - کسانی که از حق انتخاب کردن محرومند:

۱. نساوان
۲. کسانی که خارج از رشد و آنبایی که در تحت قیمومت شرعی هستند.
۳. تبعه خارجه.
۴. اشخاصی که خروچشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع الشرايط به ثبوت رسیده باشد.
۵. اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند.
۶. ورشکستگان به تقصیر.
۷. متکدیان و اشخاصی که به وسایل بیشرفانه تحصیل معاش می نمایند.

۱. به نقل از شماره ۵۶۱۱-۴۳/۳/۴ روزنامه رسمی

۸. مُرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانون اسلامی شده‌اند.
۹. مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند.

مادهٔ یازدهم - کسانی که به واسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند:

۱. اهل نظام بری و بحری به استثنای صاحب منصبان افتخاری.
۲. صاحب منصبان و اجزاء امنیه و نظمیه در محل خدمت.

فصل سوم - شرایط انتخاب شونده‌گان

مادهٔ دوازدهم - انتخاب شونده‌گان باید دارای صفات ذیل باشند:

۱. متدین به دین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (مسیحی، زرتشتی و کلیمی).
۲. تبعهٔ ایران باشند.

۳. خط و سواد فارسی به اندازهٔ کافی داشته باشند.

۴. در محل انتخاب معروف باشند.

۵. سن ایشان کمتر از سی و زیاده از هفتاد سال نباشد.

۶. معروف به امانت و درستکاری باشند.

مادهٔ سیزدهم - اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند:

۱. شاهزادگان بلافصل (ابناء و اخوان و اعمام پادشاه).

۲. نسوان.

۳. تبعهٔ خارجه.

۴. مستخدمین امنیه و نظمیه و اهل نظام بری و بحری به استثناء صاحب منصبان

افتخاری.

۵. حکام کل و جزء و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود.

۶. مأمورین مالیه در قلمرو مأموریت خود.

تبصره - سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند به شرط آنکه پس از انتخاب برای

مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند.

۷. ورشکستگان به تقصیر.

از قانون مجلس شورای اسلامی

(مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹)^۱

فصل چهارم - شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان

ماده ۲۹ - انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.

۲. ورود به سن ۱۶ سالگی.

۳. عدم جنون.

ماده ۳۰ - انتخاب شوندهگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. اعتقاد و التزام عملی به اسلام.

۲. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.

۳. اعتقاد و التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران.

۴. ابراز وفاداری به قانون اساسی.

۵. سواد خواندن و نوشتن به قدر کافی.

۶. سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی، شنوایی، و گویایی.

۷. حداقل سن ۲۶ سال تمام و حداکثر ۷۵ سال تمام.

تبصره - داوطلبان نمایندگی اقلیتهای دینی مطرح در قانون اساسی از شرایط مذکور در

بند یک مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت العقیده باشند.

ماده ۳۱ - اشخاص زیر به واسطه مقام و شغل خود از داوطلب شدن محرومند:

۱. رئیس جمهور و مشاورین وی - نخست وزیر و وزراء و معاونین و مشاورین آنان -

اعضای شورای نگهبان - اعضای شورای عالی قضایی - رئیس دیوان عدالت اداری - رئیس

بازرسی کل کشور و شاغلین نیروهای مسلح در سراسر کشور، مگر آنکه دو ماه قبل از

ثبت نام از سمت خود استعفاء نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند.

۲. ائمه جمعه دائمی، دادستانها، دادیارها، قضات، استانداران و مشاورین و معاونین

آنان، مدیران کل و سرپرستان ادارات کل، فرمانداران، بخشداران، سرپرستان دفاتر سازمان

تبلیغات اسلامی و جهادسازندگی سراسر کشور و مدیران صدا و سیما جمهوری اسلامی

در حوزه مأموریت خود، مگر اینکه دو ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفاء نموده و به

۱. به نقل از شماره ۱۱۳۷۷-۱۳۶۲/۱۲/۲۳ روزنامه رسمی

هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند.

تبصره ۱- مهلت مقرر در بندهای یک و دو این ماده برای اولین مرحله دوره دوم مجلس یک ماه می باشد.

تبصره ۲- در مورد کسانی که طبق قوانین استخدامی و یا تعهد خدمت، استعفای آنان منوط به پذیرش آن از سوی مسئولین مربوطه باشد، قبول استعفاء شرط است.

۳. اعضای هیئتهای اجرایی و ناظرین شورای نگهبان در حوزه انتخابیه تحت مسئولیت خود.

ماده ۳۲- اشخاص زیر از داوطلب شدن نمایندگی مجلس محروم اند:

۱. کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش مؤثر و فعال داشته اند.

۲. ملاکین بزرگ که زمینهای موات را به نام خود ثبت داده اند.

۳. وابستگان تشکیلاتی به احزاب، سازمانها و گروههایی که غیر قانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده است.

۴. کسانی که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم شده اند.

۵. محکومین به ارتداد به حکم محاکم صالح قضایی.

۶. مشهورین به فساد و متجاهرین به فسق.

۷. محکومین به حدود شرعی مگر آنکه توبه آنان ثابت شده باشد.

۸. معتادین به مواد مخدر.

۹. مجبورین و کسانی که به حکم دادگاه مشمول اصل چهل و نهم قانون اساسی باشند.

از قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۱ و ماده ۹ و الحاق یک ماده به قانون خدمت

وظیفه عمومی مصوب مهر ماه ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی^۱

(مصوب ۱۳۶۶/۸/۳)

ماده ۱- تبصره ۲ ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی به شرح ذیل اصلاح می گردد:

وزارت آموزش و پرورش موظف است با همکاری واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران آموزشهایی را که زمینه ساز آمادگی دفاعی است طبق موازین اسلامی در برنامه های آموزش مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان پیش بینی نماید. معلمان واجد

شرایط در امر آموزش نظامی دانش‌آموزان اولویت دارند. این آموزش الزامی برای دختران در زمینه‌های دفاع غیر نظامی خواهد بود.^۱

اصول سیاست فرهنگی کشور^۲

(مصوب دویست و هشتاد و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

مقدمه

پدیدآورنده و حافظ فرهنگ بشری مردم‌اند. اما این نقش اساسی گاه می‌تواند حرکات نامنظم، ناهماهنگ و پراکنده و گاه کاملاً منظم، منسجم، برنامه‌ریزی شده و هدایت یافته باشد.

در طول تاریخ بشری هرگاه دولتها و سازمانهای رسمی از مسیر فرهنگی مردم جدا افتاده و برای خویش سیر و سیاستی دیگر اعم از غیر مردمی و ضد مردم داشته‌اند بخصوص هرگاه مردم به دلایل متعدد جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، روحی و نظایر آن از تشکل و تعامل فرهنگی دور و پراکنده شده‌اند، فرهنگ لاجرم سیلان و جریان مطلوب و کمال یافته خویش را کم و بیش از دست داده و چه بسا به انقطاع و گسیختگی مبتلا شده است. در این صورت انسان نتوانسته است از بار فرهنگی و بنیه عقلانی خویش در هیئت اجتماع و به نحوی که مقتضای روح جمعی است حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد و در استحصال و استخراج ذخایر وجود در حد اعلا توفیق یابد. ظهور انسان در هیئت و حیثیت جمعی

۱. ماده ۱- دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم و وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی برابر مقررات این قانون می‌باشند و هیچ فرد مشمول خدمت وظیفه عمومی را جز در موارد مصرحه در این قانون نمی‌توان از خدمت معاف کرد.

تبصره ۱- با توجه به اصل ۱۵۱ قانون اساسی واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موظف است در اسرع وقت امکانات آموزش نظامی اتباع اناث دولت جمهوری اسلامی ایران را با رعایت کلیه موازین شرعی فراهم نماید. این آموزش برای اناث الزامی نیست.

تبصره ۲- وزارت آموزش و پرورش موظف است با همکاری نیروهای مسلح آموزشهایی را که زمینه‌ساز آمادگی دفاعی است طبق موازین اسلامی در برنامه‌های آموزشی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان پیش‌بینی نماید. این آموزش برای دختران تنها در زمینه‌های دفاع غیر نظامی خواهد بود.

۲. مصوب جلسات ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۴ و ۲۸۸ مورخ ۶۹/۸/۲۲، ۶۹/۸/۲۹، ۷۰/۲/۲۴، ۷۰/۴/۴، ۷۰/۴/۲۵، ۷۰/۵/۸، ۷۰/۸/۲۱، ۷۰/۱۰/۱۷، ۷۰/۱۱/۱۵، ۷۰/۱۱/۱۳، ۷۰/۱۲/۲۵، ۷۱/۳/۵، ۷۱/۴/۲، ۷۱/۵/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

خویش به قدری مهم و مؤثر است که امام خمینی رضوان الله علیه در این باب می فرمایند: «اگر انسانها در کلمه مبارکه الله مجتمع شدند و همه بتها را شکستند به همه مقصدهای عالی می رسند... ما تجربه کرده ایم... که آن وقت که توجه به خدای تبارک و تعالی مجتمعاً نداشتیم و لویکی یکی هم داشتیم نتوانستیم کاری انجام بدهیم...»

در جهان امروز که نقش و نیروی اجتماعی فرهنگ نسبت به گذشته به مراتب افزوتر شده است. ضرورت هماهنگی و همسویی صاحب نظران و کارشناسان و برنامه ریزان هر کشور با نیازهای فرهنگی جامعه نیز بیشتر احساس می شود. جامعه رشید جامعه ای است که بتواند نیازهای فرهنگی خویش را در رهگذر حیات و حرکت اجتماعی بازشناخته، از تظاهرات و تمایلات کاذب یا گذرا تفکیک کند و قدرت پاسخگویی به این نیازها و بهره گیری از آنها را در جهت رشد و کمال معنوی و مادی دارا باشد. شرط لازم برای تحقق چنین مطلوبی آن است که در هر کشور زمامداران اصولگرا و واقع نگر بتوانند به منظور همراهی با جریان عظیم و عمیق و اصیل فرهنگ در جامعه و حداکثر بهره گیری از دریای لایزال اراده و ایمان معنوی و الهی مردم به طور هماهنگ و همسو سیاستگذاری و برنامه ریزی کرده اهم محورهای لازم این حرکت را تشخیص داده و تعیین کنند.

سیاست فرهنگی در این جهت و در این مسیر است که تدوین می شود. سیاست فرهنگی در حقیقت همان توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهمترین اصول و اولویتهای لازم الراعیه در حرکت فرهنگی است. سیاست فرهنگی را می توان اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه علائم و نشانه هایی دانست که مسیر حرکت را نشان می دهد. به عبارت دیگر نوعی دستورالعمل فرهنگی که روشنگر حرکت است. بسیاری از نقاط کور و نکات مهم اما مبهم به مصداق اینکه گفته اند «خود، راه بگوید که چون باید رفت» در حین حرکت و در اثنای کسب تجربه است که روشن خواهد شد. بنابراین سیاست فرهنگی در همه موارد لزوماً گویای نکات بدیع و بی سابقه و غیر مکشوفه نیست:

معاهده ای است که سلسله ای از اولویتها و اصول و فروع یک حرکت فرهنگی را «رسمیت» می دهد و همفکری و همجهتی را با همکاری و هماهنگی توأم می کند. میثاقی است ملهم از آرمانها و اعتقادات، ناظر بر تجربه ها و واقعیات، محدود به ظرفیتهای امکانات، توجه به آینده و اهداف بعید و قریب، که به هر حال در ظل و ذیل قانون اساسی قرار گرفته است.

مسئولان، متصدیان و همه مراجع و مراکز فرهنگی وابسته به دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران، مجریان و مخاطبین سیاست فرهنگی کشور در درجه اول‌اند. سایر افراد و جمعیتها نیز لازم است با درجات و نسبتهای مختلفی که دارند و این امر از شأن اجتماعی و نیز نوع فعالیت فرهنگی آنها ناشی می‌شود به تناسب مورد با مواد و مفاد این سیاست فرهنگی برخورد داشته و نقض‌کننده‌ی آن نباشد.

توجه به نکات ذیل در خصوص سیاست فرهنگی کشور ضروری است:

- سیاست فرهنگی، سیاست انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی بدین معناست که فرهنگ اسلامی در کلیه شئون فردی و اجتماعی کشور اصل و پایه و مبنا قرار گرفته است. بنابراین نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی حقیقتاً انقلاب فرهنگی است و اگر نگوییم همه اختیارات و امکانات، قدر مسلم این است که می‌توانیم بگوییم بیشترین و مهمترین عمده‌ترین تلاشها و توانمندیاها باید برای تکامل و توسعه و تحرک فرهنگی و همه شئون فردی و اجتماعی به بهترین نحو صرف شود. اگر در قول و قرار شفاهی و کتبی، نود درصد راه حلها و درمانها را فرهنگی دانسته و ده درصد آن را غیر فرهنگی بدانیم اما عملاً این نسبت را معکوس کرده ده درصد امکانات و تواناییها را به فرهنگ و نود درصد آن را به امور دیگر متوجه سازیم، در چنین حالتی از سیاست فرهنگی چندان نصیبی نخواهیم برد.

سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی متخذ از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی است و مبتنی بر مبانی و مفاهیمی از این قبیل است:

- حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی و نقش و تأثیر بنیادی اعتقادی به اصول و فروع دینان مانند وحی، نبوت، امامت، عدالت، معاد، تبری و تولی در جامعه اسلامی.

- جاودانگی وجود انسان و کرامت و شرافت ذاتی او به عنوان خلیفه‌الله و امامتدار خداوند، صاحب اراده و اختیار، دارای قدرت تعقل و انتخاب در جریان سرنوشت و نیز نقش عقل و تجربه و در استمرار حرکت تکاملی وی.

- برخورداری انسان از فطرت الهی که ریشه و منشأ رشد و خیر و صلاح او است.

- همانندی و برابری انسانها در آفرینش و عدم تمایز بین رنگها و نژادها و صنوف دیگر انسانی و جهانشمول بودن پیام اسلام و دعوت انسانها به همکاری و تعاون همگانی در انجام کارهای نیک و انسانی.

- سرشت مادی و معنوی بشر و قابلیت رشد و شکوفایی وی در همه وجوه و زمینه‌های

فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، جسمی و روحی، عقلی و عاطفی و ملازمه این وجود با یکدیگر.

- خیرخواهی، کمالجویی، آرمانخواهی، ظرفیت علمی نامحدود و کشش فطری انسان به سوی علم و دانایی، جمال و زیبایی، تقدیس و پرستش و خیر اخلاقی.

- زاینده‌گی و قدرت ایمان در خلق ارزشهای معنوی و فضایل اخلاقی و ایجاد روحیه استقلال، حریت، عزت نفس و تحکیم مناسبات انسانی در جامعه.

- تربیت‌پذیری آدمی و به فعلیت در آمدن استعدادها و خلاقیت‌های وی در طریق پی‌ریزی بنای جامعه‌ای موحد، عدالتخواه، دانش‌طلب، متکی بر جهاد و اجتهاد، متصف به اعتدال و واقع‌بینی و نیز بهره‌مند از مباحثات و مبادلات فکری، نقادبها و تحقیقات علمی، عبرت‌آموزیها و تجربه‌اندوزیهای تاریخی.

- اصالت ارزشهای معنوی و فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی و جایگاه والای تقوا، علم و جهاد در تعیین مرتبه کرامت و فضیلت انسانها.

- تأثیر‌پذیری انسان از عوامل مثبت و منفی محیط اجتماعی و آفات و موانع فرهنگی آن و مسئولیت نظام اسلامی در سالم سازی محیط، تحقق قسط و عدل، تأمین حق مشارکت مردم در همه امور با توجه به لزوم زدودن علل و عوامل زمینه‌ساز کفر و نفاق، فقر و فساد، ظلم و استبداد، سلطه و استکبار.

اندیشه‌ها و دیدگاهها و فتاوی حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) به عنوان بهترین شاخص و معرف اسلام ناب محمدی (ص) و تمیز آن از انواع و اشکال مختلف اسلام نمایی در داخل و خارج کشور، بر سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران حاکم است.

دایره معانی و مصادیق کلماتی که در متن مصوبه سیاست فرهنگی بکار رفته محدود به حدودی است که از مبانی اسلامی و دینی مجسم در خط فکری و فقهی امام و وصایای گرانقدر الهی - سیاسی ایشان سرچشمه می‌گیرد. بنابراین اگر در سلسله کلمات و جملات این متن، متشابهات و مبهماتی باشد. محکمانی نیز هست که ارجاع آن به این، گره‌گشای مشکل خواهد بود.

اندیشه‌ها و دیدگاههای امام در عرصه‌های عرفانی، فرهنگی و هنری همانند عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، راهنما و راهگشاست و بر سیاست فرهنگی و هنری کشور پرتو افکن خواهد بود. آنچه امام درباره انواع موسیقی، فیلم، سریال، ورزش و امور دیگر از

این قبیل فرموده‌اند تابلوی راهنما است.

کلام و پیام آن بزرگمرد در باب فکر و فرهنگ بر صحیفه دلها و کتیبه جانها نقش شده است:

«فرهنگ مبدأ همه خوشبختیها و بدبختیهای یک ملت است» خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی، ملی و انقلابی فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آن چنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید. «خطر تحجرگرایان و مقدس‌نماهای احمق ... کم نیست» در جمهوری اسلامی جز در مواردی که اسلام و حیثیت نظام در خطر باشد آن هم با تشخیص موضوع از طرف کارشناسان دانا هیچ کس نمی‌تواند رأی خود را بر دیگری تحمیل ... ما اگر توانستیم نظامی بر پایه‌های نه شرقی و نه غربی، واقعی و اسلام پاک و منزّه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم انقلاب پیروز شده است، راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است، اصلاح باید از فرهنگ شروع شود. امیدواریم بشر به رشدی برسد که مسلسلها را به قلم تبدیل کند. آنقدری که قلم و بیان در خدمت بشر بوده است مسلسلها نبوده‌اند ... اسلام هم که امر فرموده است جهاد بکنند ... اساس بر اینست که دفاع از حق بکنند و حق را و قلم را جانشین مسلسل بکنند. تبلیغات که همان شناساندن خویبها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدیها و نشان دادن راه‌گريز و منع از آن است از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است. چهارچوب اسلام ناب محمدی (ص) که در ترسیم قهر و خشم و کینه مقدس و انقلاب علیه سرمایه‌داری غرب و کمونیسم متجاوز شرق است و نیز راه مبارزه علیه ریا و حيله و خدعه را به مردم و بخصوص جوانان سلحشورمان نشان دهد. این مسئله که نظام در اهداف خود جدی است و در صورت به خطر افتادن ارزشهای اسلامی با هر کس در هر موقعیت قاطعانه برخورد می‌نماید، باید به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر برای تمامی دست‌اندرکاران و مردم تبلیغ گردد.

- قانون اساسی به عنوان مظهري دیگر از بینش فرهنگ اسلامی و جلوه‌ای دیگر از افکار و اندیشه‌های امام و رهبر، الهامبخش و استحکام‌بخش سیاست فرهنگی است. مفاد قانون اساسی خصوصاً آنچه در اصول دوم و همچنین هفتم تا سی‌ام در باب فرهنگ و لوازم اجتماعی و سیاسی آن آمده است و به عبارت دیگر رهنمودهایی که درباره مسائل و موضوعاتی از قبیل فضایل اخلاقی، کرامت انسانی، آزادی، استقلال، تجارب بشری، تتبع و ابتکار، آگاهیهای عمومی، مشارکت مردمی، امر به معروف و نهی از منکر و نظایر آن ذکر شده

است، بر سیاست فرهنگی کشور حاکم بوده و خواهد بود.
- «سیاست» فرهنگی به معنای عام و عرفی آن مجموعه‌ای از اهداف، مبانی، اصول، اولویتها و خط‌مشی اجرایی را شامل می‌شود، هر چند به معنای خاص فقط قسمت اخیر را به ذهن متبادر می‌سازد.

اهداف

اهداف کلی فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی و نیز اهدافی که غرض و غایت تدوین این مجموعه را تحت عنوان سیاست فرهنگی مشخص می‌سازد به شرح ذیل است:

الف) اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی

۱. رشد و تعالی فرهنگ اسلامی انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان.
۲. استقلال فرهنگی و زوال مظاهر منحط و مبانی نادرست فرهنگهای بیگانه و پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات.
۳. به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در همه شئون و به فعالیت در آمدن استعدادات خداداده و استحصال دفائن عقول و ذخایر وجودی انسان.
۴. آراسته شدن به فضایل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی.
۵. تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزشهای مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاهبانی از آنها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب.
۶. درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزشهای اسلامی.

ب) اهداف سیاست فرهنگی

۱. تعیین و تدوین اصول راهنما و اولویتهای لازم‌الرعایه در حرکت فرهنگی کشور و رسمیت دادن به آن، با الهام از آرمانها و اعتقادات، با توجه به ظرفیتهای و واقعیات و بهره‌گیری از تجربیات داخلی و جهانی و امکانات و ابزارهای مختلف و مناسب.

۲. ایجاد وحدت رویه و هماهنگی فرهنگی در میان دستگاههای مختلف نظام جمهوری اسلامی و بسیج امکانات، تلاشها و برنامه‌های فرهنگی در جهت پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جامعه و هدایت تلاشها و نیازهای موجود.

۳. «تکیه و تأکید بر آرمانها و ارزشهای معنوی و فرهنگی اسلامی و حفظ و ترویج فرهنگ بسیجی و تقویت روحیه ایثار و فداکاری در راه ارزشهای مقدس اسلامی با توجه به لزوم درک مقتضیات و تحولات زمان و همچنین تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف و مهیا شدن رأی مواجهه صحیح و همه جانبه با ضرورتها و تحولات».

۴. تمهید و تدارک لازم در جهت همسویی و عدم مغایرت طرحها و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و غیر فرهنگی اما دارای نتایج فرهنگی، با سیاست فرهنگی کشور.

۵. تسهیل و تقویت امور برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی فرهنگی در عین حمایت از تعدد، تنوع و آزادی فعالیتهای فرهنگی مردمی، مبادله و مرابطه فرهنگی میان بخشهای دولتی و غیردولتی در جهت افزایش تحرک، جهاد و اجتهاد فرهنگی، ارتقاء دانش و آگاهی عمومی و اعتلای روحیه، تبعی، تحقیق و ابتکار.

ج) اصول سیاست فرهنگی

اصول سیاست فرهنگی کشور که راهنمای مسئولان و مدیران و برنامه‌ریزان و کارگزاران فعالیتهای فرهنگی خواهد بود بدین شرح است:

۱. بازشناسی و ارزیابی موارث و سنتن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی و هنری و فرهنگ عمومی، و نگاهبانی از مآثر و موارث اسلامی و ملی و حفظ و احیاء دستاوردهای مثبت و ارزشمند شدن اسلام در ایران.

۲. شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی شخصیتها و عظمتهای تاریخ اسلام و ایران.

۳. ارتباط فعال با کشورها و ملتها و تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و ملل دیگر جهان.

۴. شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی با بهره‌گیری از کلیه روشها و ابزارهای مفید و مناسب.

۵. تحکیم وحدت ملی و دینی با توجه به ویژگیهای قوی مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع وحدت.

۶. تلاش مستمر در جهت رشد علمی و فرهنگی و فنی جامعه و فراگیر شدن امر سواد و تعلیم و تربیت.
۷. اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی و تقویت و ترویج و گسترش آن.
۸. بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیتها و حمایت از ابتکارات و ابداعات.
۹. پاسداری از حریت و امنیت انسان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، قضایی و اقتصادی.
۱۰. فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق و بهره‌گیری از نتایج آن در همه زمینه‌ها.
۱۱. تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی و تضارب افکار.
۱۲. «مقابله با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری، مقدس مآبی، و ظاهرگرایی و مقابله با افراط در تجدد طلبی و خود باختگی در برابر بیگانگان تحت شعار واقعگرایی».
۱۳. ترویج روحیه قیام به قسط و عدالت اجتماعی.
۱۴. ارزش دادن به کار و اهمیت بخشیدن به تلاش و کوشش در جهت استقلال و خوداتکایی در عین التزام به کفاف، قناعت و مبارزه با روحیه اتراف و اسراف و تبذیر.
۱۵. پرورش روح و جسم با اهتمام همه جانبه به امر ورزش و تربیت بدنی به عنوان یک ضرورت مهم اجتماعی.
۱۶. تقویت و احیاء و معرفی هنر اصیل و سازنده در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌های سازگار یا روح تعالیم اسلامی.
۱۷. اهتمام و اقدام همه جانبه به منظور شناخت نیروها و نیازها و مقتضیات جسمی و روحی نسل جوان کشور و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب و مساعد برای تکامل و تعالی شخصیت علمی و عقیدتی جوانان و مسئولیت‌پذیری و حضور مستقیم و مشارکت هرچه بیشتر آنان در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی.
۱۸. «تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن مسلمان به عنوان مادر و ترویج و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایفای نقش و رسالت اساسی خود به عنوان «مربی نسل آینده» و اهتمام به مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری و سیاسی و مبارزه با بینشها و اعتقادات نادرست در این زمینه».
۱۹. گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و

اجتماعی. و همچنین حمایت از فعالیتهای و اقدامات غیردولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه امور فرهنگی با نظارت دولت.

۲۰. اتخاذ سیاستهای ایجابی و مثبت در امور فرهنگی، هنری و اجتماعی و ایجاد مصونیت برای افراد و جامعه، و اهتمام به جاذبه و رحمت و جامع‌نگری و دوراندیشی و شور و مشورت و پرهیز از خشونت و شتابزدگی و یکسونگری و استبداد رأی.

۲۱. آموزش و تشویق برای تقویت روح اجتماعی و مقدم داشتن مصالح جمعی بر منافع فردی، احترام گذاشتن به قانون و نظم عمومی به عنوان یک عادت و سنت اجتماعی و پیشقدم بودن دولت در دفاع از حرمت قانون و حقوق اشخاص.

۲۲. تلاش برای شناخت و معرفی ارکان هویت اصیل دینی و ملی به منظور این هویت و همچنین به منظور استحکام و استمرار استقلال فرهنگی.

۲۳. گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی برای دعوت به خیر و همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر بر مبنای حکمت، موعظه حسنه، شرح صدر و جدال به آنچه احسن است.

۲۴. توسعه و اعتلای تبلیغات فرهنگی و هنری به نحو مناسب به منظور ترویج و تحکیم فضایل اخلاقی.

۲۵. «توجه به فرهنگ و هنر روستا به منظور بالا بردن سطح فرهنگی در روستاها و همچنین تقویت خلاقیت‌های اصیل و با ارزش روستایی و عشایری».

د) منهیات در سیاست فرهنگی

۱. تلقی نادرست از زهد و ترک دنیا به صورتی که مغایر با تحرک و رشد و آینده‌نگری و پیشرفت اجتماعی باشد.

۲. بی‌اعتنایی به نظم عمومی و بدبینی تاریخی که نسبت به دولت وجود داشته است.
۳. تصور مغایر بودن شریعت اسلامی با هرگونه نوآوری و مابینت داشتن تقوا و تعهد با تخصص.

۴. مخفی شدن فساد عقیده و اخلاق.
۵. گرایش به راه‌حلهای شتابزده و خشونت‌آمیز در مورد مشکلات اجتماعی و معضلاتی که نیازمند به تحقیق و تدبیر است.

۶. تشبیه به شرع برای فرار از قانون و بالعکس.

۷. توجیه تخلف از نظم اجتماعی به بهانه عدم سوء نیت.
۸. خودداری از قدرشناسی اجتماعی به بهانه پاداش اجتماعی و توقع ایثار.
۹. عدم توجه کافی به مراتب خصایل مختلف انسانها و خوب یا بد دانستن آنان به طور مطلق.
۱۰. عدم توجه به نقش عوامل و مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی در اصلاح جامعه و اکتفا کردن به وعظ و نصیحت در هدایت و تربیت دینی و اجتماعی.
۱۱. مدون نبودن فلسفه سیاسی و نظریه مدیریت در جامعه با وجود مبادی و مواد اولیه لازم در منابع فقه اسلامی.
۱۲. برداشت نادرست از بعضی مفاهیم دینی.
۱۳. تحت الشعاع قرار گرفتن حق در مقابل شخصیت.
۱۴. رواج بعضی خرافات در پوشش سنن قومی یا عقاید دینی.
۱۵. نقد ظاهری سنتهای خودی با تمسک به ظواهر، سنتها و افکار بیگانه.
۱۶. ریاکاری، نفاق، تملق و خطر گسترش آن به صورت اخلاق اجتماعی.
۱۷. پرده دری، حرمت شکنی، قانون شکنی و جوسازی به عنوان یک وظیفه دینی یا حرکت انقلابی.
۱۸. سوءظن به مردم و میل به تجسس در زندگی شخصی آنان و تفسیر نادرست اعمال آنها و متهم کردن آنان.
۱۹. بی اعتنائی به امور و ارزشهای ملی در جامعه و نیز بی حرمتی به فرهنگ و سنن اقوام و ملل دیگر.
۲۰. نهی از منکر با توسل به منکرات دیگر.
۲۱. بی توجهی نسبت به ارزشهای معنوی، مبانی و مواضع اصولی و غفلت از فریضه دینی - اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر.
۲۲. کار خود را ملاک خوب و بد دانستن و قوانین را بنا بر رأی خود تفسیر و اجرا کردن و در مقابل کسی مسئول نبودن.
۲۳. غفلت از سوابق غریزدهی و ریشه های نقاط و عدم توجه کافی به حل مسائل عصر با رجوع به معارف دینی و مطرح نبودن شیوه های درک و فهم فرهنگهای دیگر و طرق ارتباط با آنها.
۲۴. عوام زدگی و عوام فریبی با تکیه بر باورها، عادات و شیوه های نادرست رایج در

جامعه به نام طرفداری از محروم یا دفاع از دیانت.

۲۵. عدم اهتمام به تعاطی افکار و تبادل آرا و تمسک به روشهای غیر منطقی در برخورد با افکار دیگران و ترجیح راه حلها و برخوردهای سلبی در موارد غیر ضروری.

۲۶. بازخواست نکردن از کسانی که قوانین را بنا بر رأی خود تفسیر و اجرا می کنند.

هـ. خط مشی فرهنگی که به منظور اجرای اصول سیاست فرهنگی با عنایت به فصول اهداف مبانی و منهیات تنظیم شده و نشان دهنده «اولیتهای و سیاستهای کلی»، «سیاستهای اجرایی» و همچنین تعیین کننده، مراکز نظارت، اجراء و هماهنگی می باشد از این قرار است:

اولیتهای و سیاستهای کلی

۱. اولویت دادن به «کودکان و نوجوانان و جوانان» در داخل کشور.

۲. اولویت دادن به «کشورها و مجامع اسلامی» و «ایرانیان» در خارج کشور.

۳. اهتمام بیشتر به «کشف استعدادها و خلاقیتهای فرهنگی و هنری»، و آموزش و تربیت نیروی انسانی.

۴. حمایتهای معنوی و مادی از مراکز و فعالیتهای فرهنگی و هنری و تأمین اجتماعی از باب فرهنگ و هنر و تشویق آنان به آفرینشها و ابداعات فرهنگی و هنری.

۵. اولویت دادن به اعتلای مقام زنان در سطح کشور با توجه به متانت والای زن و نقش اساسی زن مسلمان در تحکیم مبانی خانواده و برنامه های اجتماعی فرهنگی، علمی و هنری.

۶. ایجاد زمینه های مناسب جهت بهره گیری مطلوب و متعادل فرهنگی و هنری از اوقات فراغت و تفریح.

۷. افزایش ظرفیتهای مراکز فرهنگی با لحاظ نمودن رشد جمعیت کشور.

۸. تشویق سرمایه گذاری و مشارکت مردم و هدایت انگیزه های معنوی آنان در جهت تأمین نیازهای بخش فرهنگ و هنر و ایجاد تسهیلات لازم در این زمینه و تضمین حقوق سرمایه گذاران.

۹. کمک به تأمین مواد اولیه و تقویت صنایع تولید مواد و ملزومات فرهنگی و هنری.

۱۰. سازماندهی بازار و ترویج محصولات فرهنگی و هنری و اصلاح شبکه های توزیع.

۱۱. توجه به بازسازی، نوسازی، تجهیز و توسعه ظرفیتهای تأسیسات و مراکز فرهنگی و هنری موجود و استفاده از تکنولوژی جدید و ارتباط جمعی و بهره برداری حداکثر از آن.

۱۲. تمرکز در سیاست گذاری، عدم تمرکز در امور اجرایی و هماهنگی تشکیلات و فعالیتهای فرهنگی هنری.
۱۳. تقویت ظرفیتهای پژوهشی و نظام آماری و اطلاعاتی برای برنامه ریزی و ارزشیابی فعالیتهای فرهنگی.
۱۴. سازماندهی و بهره برداری مطلوب از امکانات و تأسیسات فرهنگی و هنری نهادهای دولتی غیر فرهنگی و جلوگیری از دوباره کاریها در امور غیر ضروری.
۱۵. تقویت ارتباط مناسب و مکمل میان بخش فرهنگی و بخش آموزش کشور، به ویژه در زمینه تربیت نیروی انسانی و گسترش فعالیتهای فرهنگی و هنری در مراکز آموزشی.
۱۶. اختصاص دادن درآمدهای حاصل از خدمات و تولیدات فرهنگی و هنری و استفاده از آن در بازسازی و توسعه بخش فرهنگ و اطلاع رسانی.
۱۷. آموزش مستمر نیروی انسانی و مدیران شاغل در بخش فرهنگ.

فرهنگ و هنر

۱۸. تأسیس مجتمعهای فرهنگی، هنری، سینمایی و شبکه های توزیع و فروش زنجیره ای در سراسر کشور به منظور عرضه سریع و ارزان محصولات و تولیدات فرهنگی و هنری.
۱۹. ایجاد، تقویت و تجهیز کتابخانه های عمومی، سالنهای سینما، تالارهای نمایش، نگارخانه ها، موزه های هنری به تناسب جمعیت.
۲۰. تقویت و ایجاد مراکز و تأسیساتی مانند هنرستانها، فیلم خانه های ملی، لابراتور و مراکز سینمایی کشور، استودیوهای بزرگ ضبط موسیقی ایرانی، شهرک سینمایی، فرهنگستان علوم (گروه هنر) و شبکه سراسری خانه های فرهنگ و موزه.
۲۱. هدایت و ترویج و آموزش عمومی هنر و ادبیات به ویژه هنرهای سنتی ملی و اسلامی و برگزاری جشنواره ها و مسابقات منطقه ای و سراسری با اختصاص جوایز و پاداشهای مناسب.
۲۲. کمک به افزایش تولید سینمایی و هنری و نیز نمایش فیلم و اجرای تئاتر در مراکز آموزشی کارگری و کارمندی به منظور همگانی کردن فرهنگ و استفاده از انواع آموزشهای تخصصی دولتی و آزاد.
۲۳. کمک به ایجاد کانونهای مخصوص نویسندگان و هنرمندان و مترجمان و

روزنامه نگاران و خبرنگاران و تقویت جریانها و تشکلهای متعدد.

۲۴. وضع مقررات لازم برای حمایت قانونی از آثار و تولیدات فرهنگی، علمی و هنری.

۲۵. کمک به توسعه ارتباطات سازنده میان هنرمندان و نویسندگان و محققان داخلی و خارجی.

۲۶. تشکیل و تقویت و تجهیزات مراکز اطلاعات فرهنگی و هنری و مراکز حفظ و تنظیم اسناد، مدارک و شناسنامه‌های فرهنگی و هنری.

۲۷. ایجاد و تقویت مجتمعات پژوهشی و تحقیقات کاربردی در زمینه‌ها و بخشهای مختلف فرهنگی.

۲۸. پژوهش در فرهنگ عامه و گویشهای مختلف و جایگزین کردن لغات و اسامی مناسب فارسی.

۲۹. توسعه و تقویت کرسیهای زبان و ادبیات فارسی در مراکز علمی و دانشکده‌های داخل و خارج از کشور و نیز تقویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و پاکسازی اماکن از واژه‌ها و اسامی بیگانه.

۳۰. ذکر تاریخ هجری در مورد حوادث جهان اسلام و ایران پس از اسلام و نیز در موارد ضرورت ذکر تاریخ میلادی، تاریخ هجری در کنار آن نیز آورده شود.

امکانات

۳۱. تعیین جایگاه مناسب برای بخش فرهنگ در نظام بودجه‌ریزی کشور و تخصیص اعتبارات به نحوی که ثبات مالی لازم برای برنامه‌ریزی دراز مدت فراهم شود و فعالیتها و برنامه‌های فرهنگی تابع تغییرات بودجه جاری کشور نباشد.

۳۲. استفاده از امکانات بانکها و صندوقهای قرض الحسنه در جهت تأمین اجتماعی نویسندگان، هنرمندان و محققان امور فرهنگی و هنری و اختصاص صندوق وام و بیمه ویژه.

۳۳. برقراری مقررات لازم به منظور تخفیفها و معافیت‌های ویژه مالیاتی و گمرکی برای همه دست‌اندرکاران امور فرهنگی و هنری و استفاده از خدمات عمومی و امکانات اولیه توسط آنان و توسعه صادرات آثار فرهنگی هنری و ایجاد بازار آثار هنری در داخل و خارج به منظور بهره‌گیری معنوی و ایجاد منابع درآمد.

۳۴. افزایش امکانات فرهنگی و هنری مناسب در مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، انجمنها و دفاتر و مراکز فعالیتهای مذهبی و تبلیغی به معنای اخص.

۳۵. حمایت از فعالیتهای فرهنگی و هنری مراکز مذهبی و تبلیغی در جهت سیاست فرهنگی کشور و افزایش میزان بهره‌گیری مناسب از ظرفیتهای و امکانات موجود آنها.

۳۶. اختصاص بخشی از تبلیغات شهری برای طرح مسائل و موضوعات فرهنگ عمومی در مورد محیط زیست، بهداشت، جمعیت، مهاجرت، تولید، نظم، قانون، مصرف و نظایر آن.

۳۷. حمایت از مطبوعات و کمک به گسترش و ارتقاء کمی و کیفی مطبوعات و دستیابی آنها به شیوه‌های مطلوب و جامع در انتشار اخبار و مطالب و نظرات منطقی مختلف با رعایت استقلال و آزادی در چهارچوب قوانین و نیز توسعه و تقویت فعالیت آنها در داخل و خارج کشور.

۳۸. توسعه، تقویت و تجهیز خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.

۳۹. تأسیس و تقویت مرکز آموزش عالی تربیت نیروی انسانی لازم برای وسایل ارتباط جمعی، همچنین تأسیس و تقویت نمایندگیهای مطبوعاتی و وسایل ارتباط جمعی در خارج کشور به منظور بهره‌گیری از تجربه‌ها و تحقیقات داخلی و خارجی در عرصه فعالیتهای خبری و تبلیغی.

۴۰. افزایش پوشش جمعیتی و جغرافیایی صدا و تصویر شبکه‌های استانی، کشوری و برون مرزی و نیز افزایش و ارتقاء کمی و کیفی برنامه‌های صدا و سیما متناسب با نیازهای تبلیغی و فرهنگی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران.

۴۱. تقویت واحد مرکزی خبر با بهره‌گیری لازم از دانش فنی جدید و انتخاب شیوه‌های مؤثر و متنوع تبلیغاتی با توجه به اصول و ارزشهای اسلامی و انسانی.

دانشگاه

۴۲. بهره‌گیری از نظریات و تجربه‌های مسئولان، دانشمندان، استادان و دانشجویان در زمینه امور فرهنگی، هنری و وسایل ارتباط جمعی و جهت دادن به پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان در زمینه تحقیقات و پژوهشهای فرهنگی مورد نیاز.

تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

۴۳. جمع‌آوری اسناد و آثار انقلاب اسلامی و تدوین و تکمیل تاریخ انقلاب.

۴۴. تأسیس و تقویت موزه‌های بزرگ و کوچک جنگ در مرکز و مناطق کشور و ساختن بناهای یادبود و حفظ اسناد و آثار و نیز تدوین و تکمیل تاریخ دفاع مقدس.

زیارت و سیاحت

۴۵. توسعه ایرانگردی و جهانگردی و تولید مواد فرهنگی و هنری لازم برای معرفی مناطق زیارتی و سیاحتی ایران و برنامه‌ریزی در زمینه جذب مسافرین خارجی و سیر و سفر خارجی و سیر و سفر داخلی با افزایش بهره‌وری از امکانات زیارتی، سیاحتی و تفریحی کشور، با رعایت قوانین و ارزشهای مقدس انقلاب به منظور شناسایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران.

روابط خارجی

۴۶. ایجاد و تحکیم ارتباط میان فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران با سایر فرهنگستانها و گسترش انجمنهای فرهنگی در ارتباط با سایر کشورها و تأسیس و تقویت مراکزی مانند رایزنی فرهنگی، دانشگاه بین‌المللی اسلامی و مرکز تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.

۴۷. استفاده از مراکز علمی و فرهنگی غیر رسمی و فعال در خارج با بهره‌گیری از تجارب نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای دیگر و تأمین حضور فعال و مؤثر جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های فرهنگی جهان بخصوص حج و اماکن مذهبی و افزایش تولیدات فرهنگی و هنری برای خارج از کشور.

۴۸. ارسال گروهها و مواد و امکانات فرهنگی و هنری برای نقاط مختلف جهان و تجهیز نمایندگیهای فرهنگی ایران در جهت گسترش و افزایش حضور فرهنگی، هنری، تبلیغی، خبری و مطبوعاتی جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی.

سازمانها و مراکز نظارت، اجرا و هماهنگی

۴۹. مسئولیت نظارت و ایجاد هماهنگی لازم در اجرای اصول سیاست فرهنگی بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است که تحت ریاست رئیس جمهور انجام می‌گیرد.

۵۰. وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت امور خارجه و سازمانهای صدا و سیما تربیت بدنی، به‌طور اخص مجریان سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

تبصره الف - دستگاههای مزبور موظفند هر شش ماه یکبار گزارش عملکرد خود را در

اجرای سیاستهای فرهنگی به دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تسلیم کنند.

تبصره ب - سازمان برنامه و بودجه و سایر دستگاههایی که اجرای سیاست فرهنگی به نحوی با آنها ارتباط پیدا می کند یا منوط به پشتیبانی آنها است موظف به همکاری و ایجاد تسهیلات لازم برای تحقق سیاست فرهنگی نظام می باشند.

تبصره ج - مراکز و دستگاههای فرهنگی و تبلیغاتی که به نحوی از بودجه دولتی و امکانات عمومی استفاده می کنند موظفند فعالیتهای فرهنگی خود را در چهار چوب سیاست فرهنگی کشور انجام دهند.

اصول سیاست فرهنگی طی جلسات متعدد مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نهایتاً در جلسه شماره ۲۸۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۸۱/۵/۲۰ به تصویب نهایی رسید.

آیین نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان

(مصوب یکصد و بیست و ششمین جلسه مورخ ۱۳۶۶/۶/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی)^۱

(دستگاه اجراکننده: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی)

ماده ۱- هدف

به منظور سیاستگذاری در مسایل فرهنگی و اجتماعی زنان و ایجاد هماهنگیهای لازم در این زمینه براساس مصوبه یکصد و پانزدهمین جلسه مورخ ۱۳۶۶/۳/۱۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورایی به نام «شورای فرهنگی و اجتماعی زنان» زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل می گردد.

ماده ۲- وظایف و اختیارات

۱. تدوین سیاستهای لازم به منظور ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و تسریع در بازبایی ارزش و کرامت انسانی و تأمین حقوق همه جانبه زنان بر پایه موازین اصل اسلام.

۲. تدوین سیاستهای لازم به منظور شناخت و ریشه یابی و مقابله با مظاهر منحط فرهنگهای بیگانه و انحرافات اخلاقی و نیز زدودن بقایای بینشهای متحجر که به نام مذهب در جامعه وجود دارد و آثار ستم و تبعیضی که از دوران نظام طاغوتی بر جامعه بانوان تحمیل

شده است.

۳. برنامه‌ریزی برای تقویت هرچه بیشتر نهاد مقدس خانواده بر مبنای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استوار ساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی.

۴. برنامه‌ریزی در جهت استفاده بهتر دختران و بانوان از اوقات فراغت خود (از طریق استفاده مناسب از وسایل و امکانات ورزشی، آموزشی، تفریحی، هنری، رسانه‌های همگانی و غیره).

۵. تهیه طرحهایی جهت ارتقاء سطح آگاهیهای عمومی و سوادآموزی و بررسی سیاستها و شیوه‌های مناسب در زمینه‌های آموزش و پرورش و تحصیلات عالی زنان.

۶. بررسی زمینه مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و هنری و رفع مشکلات و موانع موجود در راه گسترش اینگونه فعالیتها.

۷. بررسی و تدوین طرحهای مناسب برای حل مشکلات زنان بی سرپرست و حمایت از آنها و همچنین بررسی وضعیت و شرایط شغلی بانوان.

۸. اتخاذ تدابیر برای هماهنگ کردن فعالیتهای مراکز و سازمانهای فعال در امور فرهنگی و اجتماعی زنان، و عنداللزوم ارائه طرح و پیشنهاد به شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۹. پیشنهاد تحقیق در مسائل مهم فرهنگی و اجتماعی زنان به اشخاص و مراکز صلاحیتدار و ایجاد هماهنگی در برنامه‌های تحقیقاتی.

۱۰. مطالعه و ارزیابی مستمر وضعیت فرهنگی و اجتماعی بانوان و تهیه گزارش سالانه.

۱۱. برنامه‌ریزی در جهت توسعه روابط فرهنگی با جوامع و نهضتهای انقلابی زنان در کشورهای دیگر بخصوص در کشورهای اسلامی.

۱۲. اظهارنظر و یا تصمیمگیری در مواردی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی واگذار می‌گردد.

تبصره: موارد موضوع بندهای ۱ تا ۷ و ۱۰ تا ۱۲ از وظایف شورا برای بررسی و تصویب نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم خواهد شد.

ماده ۳- اعضای «شورای فرهنگی و اجتماعی زنان» عبارتند از:

۱. یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا نماینده آن شورا.

۲. دو نفر از صاحب نظران در «علوم و معارف اسلامی» و «مسائل علمی و فرهنگی» به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳. دو تن از بانوان نماینده به پیشنهاد رئیس مجلس شورای اسلامی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۴. یک نفر از صاحب نظران در مسائل حقوقی و اجتماعی زنان به پیشنهاد شورای عالی قضایی به عنوان نماینده آن شورا و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۶. یک تن از خواهران صاحب نظر در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان به پیشنهاد وزیر هر یک از وزارتخانه های ارشاد، فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی.

تبصره ۱- احکام هر یک از اعضای «شورای فرهنگی و اجتماعی زنان» را رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر خواهد کرد و مدت عضویت آنان چهار سال خواهد بود. تجدید آن نیز با تصویب شورای عالی بلامانع خواهد بود.

تبصره ۲- رئیس «شورای فرهنگی و اجتماعی زنان» را اعضای این شورا از میان خود برای مدت دو سال انتخاب خواهند کرد و حکم وی را رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر خواهد نمود.

ماده ۴- «شورا» می تواند متناسب با موضوعات، کمیته های تحقیق و بررسی تشکیل دهد.

ماده ۵- رقم هزینه «شورای فرهنگی و اجتماعی زنان» در بودجه شورای عالی انقلاب فرهنگی منظور می شود.

ماده ۶- این آیین نامه در شش ماده و سه تبصره در یکصد و بیست و ششمین جلسه مورخ ۱۳۶۶/۶/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است.

اهداف، سیاستها و وظایف شورای عالی جوانان

مقدمه

انسان در دوران نوجوانی و جوانی خویش پرشورترین، پرتحرک ترین، نیرومندترین و مستعدترین حالت و وضعیت را داراست. طبیعی است که شناختن این ویژگیها و پرداختن به این نیازها در مقطع زمانی جوانی و نوجوانی، موضوعیت و استقلال و اهمیت خاصی را واجد می باشد. سخن حکیمانه ی علی (ع) آنجا که فرموده است: «انما قلب الحدیث کالارض الخالیة مالقی فیها من شیء الا قبلته» و نیز کلام امام صادق (ع) که فرمود: «علیک بالاجداث فانهم اسرع الی کل خیر» بیانگر ارزش و اهمیت فوق العاده ی قیام و اهتمام به امر

جوانان است. متأسفانه در دنیای امروز آفات و آسیبهای بسیار و همچنین علل و عوامل دست‌اندرکار برای انحراف جوانان از مسیر اصلی و تعالی‌دهنده‌ای که مشیت بالغه‌ی ذات اقدس الهی تحقق آن را اقتضا می‌کند، گسترده‌تر و کیفاً مؤثرتر و آسیب‌زننده‌تر است. توجه و تأمل در باب مسایل و موضوعات ذیل ضروری است:

الف) «آفات و آسیبهای» احتمالی به عنوان مثال عبارت‌اند از:

خودباختگی و بی‌هویتی، مدپرستی و بی‌بند و باری، شکسته شدن مرزهای اخلاقی و مخدوش شدن ارزشهای مسلم دینی و سیاسی، رشد تدریجی اندیشه‌ها و دیدگاههای مغایر با نظامات اصیل انقلابی و مردمی و مذهبی و کاهش میزان اعتماد و اطمینان چنین نظامهایی برای حل مشکلات و تحقق آرمانها، افزایش جرایم اخلاقی و اقتصادی، ابهام و سردرگمی و نیز تشدید تدریجی تضادها و افزایش سؤالات سیاسی و اقتصادی و فلسفی در ذهن جوانان، گرایش به ارزشها و آموزشهای منفی و منحط غربی و امثال آن.

ب) «علل و عوامل» این آفات و آسیبها اعم از موارد فعلی و آنی در سطح جهانی یا داخلی از این قبیل است:

تلاش و تمهیدات برنامه‌ریزان غرب و نظامهای استکباری جهان، تأثیر و تسری فکر و فرهنگ غربی، غلبه تدریجی فرهنگ رفاه طلبی و ثروت اندوزی در جامعه و جلوه نمایی افراد مرفه و پیدرد به جای اسوه‌های زهد و ایثار، عدم توجه به احساسات و ویژگیهای جوانان و استفاده از برخورد‌های تحقیرآمیز و شخصیت شکن و خشونت‌بار در طریق رفع نابسامانی آنان، تحت‌الشعاع قرار گرفتن اصالتها و معیارهای حقیقی و باطنی یا افراطی و نابجا و نامناسب بر ظواهر، تأکید بر تبعیت و تعبد صرف به قیمت کم توجهی به نیازهای عقلانی و علاقه جوانان به استقلال و مسئولیت‌پذیری، تنگناهای طبیعی و غیر طبیعی از حیث بودجه و امکانات و فضای آموزشی و هنری و ورزشی و تفریحی، کمبودهای قابل توجه در زمینه‌ی تربیت کارشناس و محقق و مربی و وزیده‌ی پرورشی و ورزشی و عدم تناسب و تطابق روحی و علمی میان برخی از معلمان و اساتید با معیارها و موازین مطلوبه، کاستیهای مختلف در زمینه تولیدات فرهنگی و هنری جذاب و در عین حال عاری از بدآموزی، ابهام در تشخیص و توجه ایده‌آلها و سمتگیرهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و عدم تبیین همه جانبه‌ی مکتب در ارتباط با آنها، وجود تشکیلات موازی و عدم سیاست و قانون و دستورالعمل مشترک برای دستگاههای ذیربط و فقدان دستگاه مشخص و مسئول و هماهنگ‌کننده در امور جوانان، سطحی نگری در مراکز فرهنگی و عدم تحقیق و بررسی

کافی و جامع در زمینه اوقات فراغت و اشتغال و تحصیل و نیز مشکلات آموزشی و پژوهشی و صنفی و رفاهی دانش‌آموزان و دانشجویان، نابرابریهای ناروای اقتصادی و اجتماعی و روند روبه‌تزايد هزینه‌های تحصیل و ازدواج و مسکن، دوگانگی در تبلیغ و عمل و عدم توان کافی در تحقق وعده‌ها و شعارها، فقدان الگوی محسوس و موفق برای یک زندگی جامع کامیابی و معنویت، زیاکاری و تظاهر و سیاست‌بازی و درگیریهای گروهی و جناحی، ابهام درباره نقش و شخصیت و جایگاه زن در جامعه، عدم هماهنگی میان برنامه‌ها و سیاستهای فرهنگی دستگاهها و مراکز مختلف تبلیغی و تربیتی، عدم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی کافی و کارساز به منظور حمایت و تشویق هنرمندان و محققان و نویسندگان مستعد و متخصص و متعهد و نظایر آن.

ج) امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه توجه مسئولان و مدیران نظام جمهوری اسلامی را به لزوم و تحقق اصول قانون اساسی جلب کرده و فرموده‌اند: «من به مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن، وسایل ارتقاء اخلاقی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید». ایشان همچنین جوانان جامعه انقلابی و اسلامی ایران را مخاطب قرار داده‌اند که: «خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تارسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید». آرزو و آرمان امام خمینی این بود که جوانان دلیر و متعهد و هوشمند ایران چشم و چراغ نسل جوان در جهان امروز و فردا باشند. خواست نظام جمهوری اسلامی ایران در پرتو تعالیم اسلامی، اندیشه‌های امام خمینی و اصول قانون اساسی این است که:

بذر فضائل و کمالات اخلاقی و معنوی در وجود جوانان بارور شود، چراغ فطرت در قلبهای پاک و حقیقت‌طلب و خداجوی آنان روشنتر و نورانی‌تر گردد، استعداد و قوای شایسته و بایسته‌ی مقام انسانی و الهی نسل جوان در مسیر کمال و تکامل فعلیت پیدا کند، هویت دینی و ملی و تاریخی آنان بیش از پیش شناخته شود و در جهت احیاء و اعاده‌ی تمدن درخشان اسلام و ایران سرمایه آنان باشد، اندیشه و آگاهی دینی آنان تقویت شده، توان تحقیق و پژوهش در حوزه فرهنگ و تفکر و علوم اسلامی به تناسب مقتضیات زمان افزایش پیدا کند، در جهت شناخت دشمنان و توطئه‌گران از توفیق و توانایی مستمر برخوردار شوند، در عرصه مدیریتها و مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی و نظائر آن امکان حضور بیشتر و مؤثرتری داشته باشند، موانع درسی و تحصیلی از برابر آنان برداشته شده،

راه رشد و ارتقاء علمی و صنعتی نسل جوان هموار گردد، به نیازهای طبیعی و خدا آفریده‌ی جسمی و روحی و مادی آنان با شیوه‌های مناسب پاسخ داده شود، مشکلات برقراری ارتباط آنان با جامعه از حیث شغل و درآمد و فعالیت سالم اقتصادی و اجتماعی کاهش یابد، موانع توفیق در تشکیل خانواده و پاسداری از قداست و استحکام آن برطرف گردد. شادابی و قوت و نیرومندی نسل جوان در عرصه زندگی و سازندگی و آمادگی برای دفاع از کشور افزایش یابد، استفاده از امکانات تفریحی و هنری در جهت تأمین سلامت هرچه بیشتر روحی و جسمی آنان تسهیل یابد و سرانجام آنکه دولت و ملت و وسایل ارتباط جمعی، نسل جوان را کماکان در شمار مهمترین سرمایه‌های اصلی انسانی و در زمره‌ی بهترین تضمین‌کنندگان سلامت و سعادت، حیات و حرکت، توسعه و پیشرفت همه جانبه‌ی کشور قرار داده و حداکثر حمایتها و مساعدتهای ممکن را نسبت به آنان به عمل آورند و در مسیر وصول به جامعه نمونه‌ی موعود، حداکثر مسئولیت و اراده و ایمان را از آنان طلب کنند.

اساسنامه شورای عالی جوانان

مصوب دویست و هشتاد و هفتمین جلسه مورخ ۱۳۷۱/۵/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی

ماده ۱- لزوم تشکیل شورای عالی جوانان

نظر به اهمیت و ضرورت اهتمام به امور جوانان به ویژه با توجه به میانگین سنی پایین جامعه انقلابی ایران و نقش ارزنده جوانان فعال و امیدوار، پر نشاط و شاداب و خلاق و مبتکر در جهت ارتقاء مادی و معنوی کشور و نسبتی که سرنوشت نسل با سرنوشت جامعه دارد و همچنین با عنایت به ویژگیها و مقتضیاتی از قبیل نوگرایی، آرمانخواهی، تشخص طلبی و هویت جویی و عشق به زیبایی در عین تمایل به فهم استدلالی و عقلی استقلال طلبی و ورود جدی به صحنه حیات اجتماعی، آمادگی برای پذیرش مسئولیت و میل به آن، نیاز به ابراز شخصیت، علاقه به تفریح و نشاط و کنجکاوی بیشتر در امور غلیان احساسات و فوران نیروهای متراکم روحی و جسمی که معمولاً ظهور، غلبه و تشدید آن در سنین جوانی و نوجوانی است. شورای عالی جوانان با اهداف و وظایف ذیل تشکیل می‌شود:

ماده ۲- اهداف

۱. رشد متعادل و همه جانبه شخصیت جوانان براساس اصول، اهداف و آرمانهای

انقلاب اسلامی.

۲. تأمین نیازهای فکری، اجتماعی، جسمی، روحی و تلطیف و هدایت عواطف و احساسات جوانان.
۳. فراهم کردن زمینه‌های مشارکت جوانان در حیات اجتماعی و پیشبرد جامعه و دفاع از وطن جمهوری اسلامی ایران.
۴. حفظ و تقویت نشاط و شادابی جوانان در جهت عظمت و سربلندی ایران اسلامی.

ماده ۳-وظایف

۱. بررسی نقش و عملکرد نهادها و سازمانهایی که در امور جوانان مسئولیت دارند و نیز ایجاد هماهنگی در دستگاههایی که وظایف آنها به نحوی با مسائل جوانان مربوط می‌شود.
۲. مطالعه و تدوین شیوه‌های بهتر آشنا کردن جوانان با حقایق و معارف و تاریخ و تمدن اسلامی و ایرانی با همکاری دستگاهها و افراد ذیصلاح.
۳. کمک به فراهم آوردن زمینه دآوری صحیح و منطقی نسل جوان نسبت به تمدن و فرهنگ غرب و تفکیک جنبه مثبت و منفی آن از یکدیگر و شناخت روحیه انحصار طلبی و ماهیت استکبار.
۴. پشتیبانی از تحقیقات در مورد خصوصیات روحی، اخلاقی، فکری و عاطفی جوانان و اهتمام در بهره‌گیری از آنها در برنامه‌های جوانان و کمک به تربیت نیروی متخصص برای این منظور.
۵. معرفی شخصیت‌های متعالی برای زندگی انسان و بخصوص نسل جوان.
۶. زمینه‌سازی مناسب برای ابراز شخصیت جوانان و مطالعه راههای مبارزه با سنتهای ناروا و عوامل برخورد‌های تحقیرکننده جوانان.
۷. مساعدت در جهت ایجاد و توسعه کانونها و مراکز اجتماعی و فعالیت خلاق جوانان و حمایت از خلاقیت‌های فرهنگی و هنری و علمی و ورزشی برای جوانان.
۸. مطالعه و بررسی زمینه‌های مناسب برای اشتغال و ازدواج جوانان و حمایت از ایجاد و توسعه واحدهای مشاوره‌ای.
۹. تصویب آیین‌نامه‌های شورای عالی جوانان، تعیین نوع و وظایف کمیسیونها و تعیین وظایف دبیر و دبیرخانه.

ماده ۴- اعضای شورای عالی جوانان

شورای عالی جوانان به ریاست رئیس جمهور (و در غیاب ایشان معاون اول رئیس جمهور) تشکیل می شود. و اعضای آن عبارتند از:

۱. وزیر آموزش و پرورش.
 ۲. وزیر فرهنگ و آموزش عالی.
 ۳. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۴. وزیر کار و امور اجتماعی.
 ۵. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
 ۶. وزیر کشور.
 ۷. رئیس سازمان صدا و سیما.
 ۸. رئیس سازمان تربیت بدنی.
 ۹. مشاور رئیس جمهور در امور زنان.
 ۱۰. دبیر شورا که توسط رئیس شورا انتخاب می شود.
 ۱۱. چهار نفر از زنان و مردان صاحب نظر و متعهد، به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- تبصره - افراد بند ۱۱ به مدت سه سال با حکم رئیس جمهور منصوب و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده ۵- کمیسیونهای شورا

شورای عالی بنابه اقتضا و به تناسب ضرورتها و اولویتها و به منظور طراحی و برنامه ریزی مسائل جوانان اقدام به تشکیل کمیسیونهای تخصصی می نماید که زیر نظر دبیرخانه اداره خواهند شد.

ماده ۶- این اساسنامه که دارای ۶ ماده و یک تبصره می باشد در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۶ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید.

آیین نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان

(مصوب ۱۳۷۶/۴/۷)

به منظور سیاستگذاری در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان و ایجاد هماهنگی لازم در این

زمینه شورایی به نام «شورای فرهنگی و اجتماعی زنان» زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل می‌شود.

ماده ۱- وظایف

۱. تدوین و پیشنهاد سیاستهای لازم به منظور ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و تسریع در بازبازی ارزش و کرامت انسانی و تأمین حقوق همه جانبه زنان بر پایه موازین اصیل اسلام و تدوین الگوهای مناسب.
۲. تدوین و پیشنهاد سیاستهای لازم به منظور شناخت ویژگیهای مثبت فرهنگ اقوام و مقابله با تضعیف آن، همچنین ریشه‌یابی و مقابله با مظاهر منحط فرهنگیهای بیگانه و انحرافات اخلاقی و نیز زدودن بقایای بینشهای متحجر که به نام مذهب در جامعه وجود دارد و آثار ستم و تبعیضی که از دوران نظام طاغوتی بر جامعه بانوان تحمیل شده است.
۳. تدوین سیاستهای لازم، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پیشنهادی دستگاههای اجرایی برای تقویت هرچه بیشتر نهاد مقدس خانواده بر مبنای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استوار ساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی و بررسی کارشناسی و ارائه پیشنهاد به دستگاههای مختلف اجرایی در زمینه‌های مزبور.
۴. تدوین سیاستهای لازم، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پیشنهادی دستگاههای اجرایی برای استفاده بهتر دختران و بانوان از اوقات فراغت خود (از طریق استفاده از وسایل و امکانات ورزشی، آموزشی، تفریحی، هنری، رسانه‌های همگانی و غیره) و بررسی کارشناسی و ارائه پیشنهاد به دستگاههای مختلف اجرایی برای برنامه‌ریزی.
۵. تهیه طرحهایی جهت ارتقاء سطح آگاهیهای عمومی و سوادآموزی و بررسی سیاستها و شیوه‌های مناسب در زمینه‌های آموزش و پرورش و تحصیلات عالی زنان.
۶. بررسی زمینه مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری و بررسی نحوه رفع مشکلات و موانع موجود در راه گسترش این‌گونه فعالیتها.
۷. بررسی و تدوین طرحهای مناسب برای حل مشکلات زنان بی‌سرپرست و حمایت از آنها و همچنین بررسی وضع و شرایط شغلی بانوان.
۸. اتخاذ تدابیر برای هماهنگ کردن فعالیتهای مراکز و سازمانهای فعال در امور فرهنگی

و اجتماعی زنان و عنداللزوم ارائه طرح و پیشنهاد به شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۹. پیشنهاد تحقیق در مسائل مهم فرهنگی و اجتماعی زنان به اشخاص و مراکز صاحب‌تدبیر و حمایت از نظریه پردازان، متفکران و دانشمندان مسلمان که به تبیین دیدگاه‌های اسلامی در زمینه خانواده و اجتماع می‌پردازند و کمک به ایجاد هماهنگی در برنامه‌های تحقیقاتی.

۱۰. مطالعه و ارزیابی مستمر وضع فرهنگی و اجتماعی بانوان و تهیه گزارش سالانه.

۱۱. برنامه‌ریزی برای توسعه مناسبات فرهنگی با جوامع و نهضت‌های انقلابی زنان در کشورهای دیگر بخصوص در کشورهای اسلامی.

۱۲. اظهار نظر و یا تصمیم‌گیری در مواردی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی واگذار می‌شود.

۱۳. پیشنهاد ضوابط و معیارهای فعالیتهای مراکز فرهنگی-تبلیغی زنان و نحوه نظارت بر آن‌ها.

تبصره ۱- نماینده شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در هیئت نظارت و بازرسی عضویت خواهد داشت.

تبصره ۲- موارد موضوع بندهای ۱ و ۷ و ۱۰ تا ۱۲ از وظایف شورا برای بررسی و تصویب نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم خواهد شد.

ماده ۲- ترکیب اعضاء

۱. یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا نماینده شورا.
۲. دو نفر از صاحب‌نظران در «علوم و معارف اسلامی» و «مسائل علمی و فرهنگی» به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳. نماینده رئیس جمهور.
۴. دو نفر از بانوان نماینده مجلس به پیشنهاد رئیس مجلس شورای اسلامی.
۵. نماینده قوه قضاییه به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه.
۶. دو نفر از بانوان یکی از حوزه علمیه قم به پیشنهاد جامعه‌الزهره و نفر دیگر با معرفی سازمان تبلیغات اسلامی.
۷. یک نفر از خواهران صاحب‌نظر در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان به پیشنهاد وزیر هر یک از وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش،

کار و امور اجتماعی، امور خارجه، کشور و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

۸. نماینده سازمان صدا و سیما.

۹. نماینده سازمان تربیت بدنی.

۱۰. نماینده دانشگاه آزاد اسلامی.

۱۱. نماینده نیروی مقاومت بسیج.

تبصره ۱- در صورتی که موضوع دستور شورای فرهنگی و اجتماعی زنان راجع به یکی از وزارتخانه‌ها یا دستگاه‌های اجرایی باشد، نماینده آن دستگاه می‌تواند با حق رأی در جلسه شرکت کند.

تبصره ۲- احکام اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان را رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر می‌کند و مدت عضویت آن ۳ سال خواهد بود.

تبصره ۳- رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان را اعضای شورا از میان خود برای مدت دو سال انتخاب خواهند کرد و حکم ایشان را رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر خواهد کرد.

تبصره ۴- تمامی اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌رسند.

ماده ۳- بودجه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در بودجه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی منظور می‌شود.

ماده ۴- شورای فرهنگی و اجتماعی زنان می‌تواند برای اجرای وظایف خود گروه‌های کار تشکیل دهد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و ۲۴ بند و شش تبصره در جلسه ۴۰۰ مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و کلیه آیین‌نامه‌های قبلی و مشابه آن لغو می‌شود.

لایحه قانونی الغاء قانون خدمات اجتماعی زنان^۱

(مصوب ۱۳۵۷/۱۲/۱۵)

ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون، قانون خدمات اجتماعی زنان مصوب ۱۳۴۷ و قوانین اصلاحی بعدی آن ملغی می‌گردد.

از قانون گذرنامه

ماده ۱۸ - برای اشخاص زیر با رعایت شرایط مندرج در این ماده گذرنامه صادر می شود:
(۱) اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و کسانی که تحت ولایت و یا قیمومیت می باشند با اجازه کتبی ولی یا قیم آنان.

(۲) مشمولین وظیفه عمومی با اجازه کتبی اداره وظیفه عمومی.

(۳) زنان شوهردار و لو کمتر از ۱۸ سال تمام با موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از قبول درخواست یا رد آن حداکثر ظرف سه روز اعلام دارد کافی است زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده اند از شرط این بند مستثنی می باشند.^۱

از آیین نامه شورای عالی آموزش علمی - کاربردی

(مصوب سیصد و پنجاه و هشتمین جلسه مورخه ۱۳۷۲/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

ماده ۶- شورای عالی آموزشهای علمی - کاربردی پس از شورای عالی انقلاب فرهنگی عالی ترین مرجع تصمیمگیری در این آموزشها است و بر طبق ضوابطی که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می رسد انجام وظیفه می نماید و ریاست عالی آن با رئیس

۱. به نقل از شماره ۱۱۵۰۲-۱۳۶۳/۶/۳ روزنامه رسمی

سؤال وزیر کشور از شورای نگهبان راجع به صدور گذرنامه جهت بانوانی که قصد حج دارند و با ممانعت شوهر مواجه می شوند

به پیوست تصویرنامه شماره ۱/۳۲۹۴ مورخه ۶۲/۱۰/۴ منضم به نامه شماره ۱/۲۵۷۲۲ مورخه ۱۳۶۲/۱۱/۲ سازمان حج و زیارت مبنی بر صدور گذرنامه جهت بانوان شوهرداری که قصد تشریف به مکه معظمه را دارند و با ممانعت شوهر خود مواجه می شوند تقدیم می گردد، نظر به اینکه طبق بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه صدور گذرنامه برای بانوان مزبور منوط به مجوز کتبی شوهر می باشد و از طرفی انجام حج فریضه می باشد.

علی هذا خواهشمند است در این زمینه راهنماییهای لازم مبذول فرمایید.

وزیر کشور

نظر شورای نگهبان در مورد ماده ۱۸ گذرنامه نسبت به بانوانی که حج بر ذمه دارند عطف به نام شماره ۱۸۲۳۵/۱/۴/۲۳/۱۴۲۲۶ اطلاق ماده ۱۸ قانون گذرنامه نسبت به بانوانی که حج بر ذمه دارند با موازین شرعی مغایرت دارد.

دبیر شورای نگهبان

جمهوری می‌باشد. اعضای شورا عبارتند از:

الف) معاون اول رئیس جمهوری که ریاست شورا را به عهده دارد.

ب) وزیر فرهنگ و آموزش عالی به عنوان نایب رئیس.

ج) مدیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کار و امور اجتماعی، کشاورزی، صنایع، صنایع سنگین، معادن و فلزات، نیرو، نفت، پست، تلگراف و تلفن و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی.

د) مدیر کل شورای عالی آموزشهای علمی - کاربردی.

ه) رئیس دانشگاه جامع علمی - کاربردی.

و) هر یک از اعضای هیئت دولت که وجود ایشان در جلسات لازم تشخیص داده شود، به دعوت رئیس شورا (عضو مدعو مثل اعضای دیگر با حق رأی در جلسه یا جلسات، شرکت خواهد کرد).

ز) سه نفر از صاحب نظران آموزشهای فنی و حرفه‌ای که حداقل یکی از آنان از میان بانوان انتخاب می‌شود به پیشنهاد رئیس شورا و تصویب شورا.

ماده ۷- وظایف شورای عالی آموزشهای علمی - کاربردی عبارت است از:

الف) تصویب اساسنامه آموزشهای علمی - کاربردی در چهارچوب نظام آموزشی کشور، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ب) پیشنهاد تغییر آیین‌نامه آموزشهای علمی - کاربردی به شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ج) تصویب سیاستهای توسعه، تقویت و بالابردن منازلهای اجتماعی آموزشهای علمی - کاربردی.

د) تصویب شیوه سرمایه‌گذاری و میزان مشارکت بخشهای مختلف برای توسعه این آموزشها و نحوه تأمین اعتبارات، چگونگی توزیع منابع و سرمایه‌ها.

ه) تصویب طرحها و سیاستهای تربیت و تأمین اعضای هیئت علمی - تخصصی و متخصصان مورد نیاز آموزشهای علمی - کاربردی.

و) تصویب طرح تأسیس و گسترش مراکز آموزشهای علمی - کاربردی و فنی حرفه‌ای بانوان.

ز) تصویب ضوابط انتخاب و ارتقای هیئت علمی - تخصصی.

ح) تصویب آیین نامه داخلی شورای عالی آموزشهای علمی - کاربردی.
تبصره - شورای عالی آموزشهای علمی - کاربردی می تواند برای امور مشخص به مراجع ذی صلاحیت معین، تفویض اختیار کند.

درباره سیاستهای فرهنگی اجتماعی ورزشی زنان کشور^۱

(مصوبه چهارصد و هفتمین جلسه مورخ ۱۳۷۶/۷/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

هدف

فراهم آوردن زمینه دستیابی زنان به امکانات و تسهیلات و مکانهای ورزشی در کشور با رعایت موازین اسلامی به منظور تأمین شادابی و سلامت جسمی و روانی زنان.

سیاستها

۱. تقویت فرهنگ ورزش و حمایت از فعالیتهای ورزشی مناسب با وضعیت اجتماعی زنان با رعایت موازین اسلامی و پرهیز از اعمال سلیقه در فعالیتهای محیطهای ورزشی.
 ۲. پرهیز از تبرج و حرکتیهای انفعالی در مقابل الگوهای منفی رفتاری در فعالیتهای ورزشی زنان.
 ۳. تشویق زنان به شرکت در فعالیتهای تربیت بدنی با تأکید بر ورزش همگانی و ایجاد تشکیلات ورزشی از طریق تقویت بودجه و امکانات ورزش آموزشگاهی و احداث و تجهیز فضاها و اماکن ورزشی سرپوشیده.
 ۴. ارائه الگوی شایسته از ورزش زنان به جوامع اسلامی.
- رئیس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

بخش سوم

امور تحصیلی و دانشگاهی

از آیین نامه اجرایی قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی^۱

(مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۱۳)

فصل دوم- شرایط مدیر و کارکنان و وظایف و نحوه انتخاب آنان

ماده ۶- مدیران مدارس دخترانه منحصرأ از بین خواهران و مدیران مدارس پسرانه از بین برادران متأهل انتخاب خواهند شد.

تبصره- برای تصدی مدیریت مدارس دخترانه اولویت با خواهران متأهل است.

ماده ۷- مدیر مدرسه نسبت به حسن اجرای امور پرورشی، آموزشی و اداری در مقابل آموزش و پرورش مسئولیت دارد و باید زمینه‌های لازم برای بازرسی نمایندگان آموزش و پرورش را به نحو احسن فراهم نماید.

ماده ۸- کادر امور تربیتی مدارس غیرانتفاعی از میان کسانی که داری شرایط گزینش وزارت آموزش و پرورش هستند و مرجحاً دارای مدرک لیسانس می باشند توسط مؤسس یا مؤسسان معرفی می گردند تا پس از تأیید صلاحیت آنان توسط آموزش و پرورش به کار مشغول شوند.

ماده ۹- ضوابط علمی موضوع ماده ۱۱ قانون به شرح زیر می باشد:

الف) حداقل دیپلم برای مدارس ابتدایی، کودکستان (آمادگی).

ب) حداقل فوق دیپلم برای مدارس راهنمایی.

ج) حداقل لیسانس برای دبیرستانها و هنرستانها.

ماده ۱۰- کلیه پرسنل اعم از مدیران، معاونین، مربیان، معلمان، متصدیان امور دفتری و خدمتگزاران موظف به اجرای دقیق و کامل شرح وظایف ابلاغ شده توسط آموزش و پرورش می باشند.

رفع محدودیت پذیرش داوطلبان دختر در بعضی از رشته‌های دانشگاهی

مصوب یکصد و هشتاد و هفتمین جلسه مورخ ۱۳۶۸/۲/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی

(دستگاه اجراکننده: وزارت فرهنگ و آموزش عالی)

در راستای رفع محدودیت پذیرش داوطلبان دختر در بعضی از رشته‌های دانشگاهی، علی‌الاصول داوطلبان دختر باید بتوانند در هر رشته‌ای که می‌خواهند تحصیل کنند مگر اینکه تحصیل آنان در رشته‌هایی با منع شرعی یا اجتماعی و عملی مواجه باشد. بدین جهت مقرر می‌گردد که وزارت فرهنگ و آموزش عالی براساس این اصل عمل کند و محدودیتی را که برای دختران در بعضی از رشته‌ها قائل شده است بردارد، مگر رشته‌هایی که شرکت دختران و زنان در آنها عملاً و شرعاً روا نیست. برای تعیین این رشته‌ها مقرر می‌گردد کمیسیونی متشکل از هفت نفر از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی که در شورای عالی برنامه‌ریزی عضویت دارند به علاوه مسئولان گروه‌های برنامه‌ریزی (گروه‌هایی که معتقدند که در برخی رشته‌ها برای دختران باید محدودیت قائل شد مانند رشته‌های حقوق یا مهندسی کشتی‌سازی و غیره) و نماینده‌ای از شورای عالی زنان تشکیل شود و رشته‌ها را تعیین نمایند تا در آزمون سراسری سال جاری مطابق آن عمل شود.

پذیرش حافظان کلیه قرآن مجید در برخی از رشته‌های دانشگاهی بدون شرکت

در آزمون سراسری

(مصوب یکصد و نودمین جلسه مورخ ۱۳۶۸/۲/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

(دستگاه اجراکننده: وزارت فرهنگ و آموزش عالی)

حسب تقاضای سازمان حج و اوقاف دائر به پذیرش حافظان کلیه قرآن مجید در رشته‌های معارف اسلامی و زبان و ادبیات عرب تصویب گردید که:

۱. هر ساله دو مرد و دو زن از میان حافظان قرآن توسط سازمان حج و اوقاف انتخاب شوند و بدون کنکور وارد دانشگاه شوند. این چهار تن باید دارای دیپلم متوسطه باشند، همه قرآن مجید را حفظ باشند، و در امتحانات قرآنی که از طرف سازمان اوقات برگزار می‌شود شرکت جسته و بالاترین امتیازها را کسب کرده باشند.

۲. رشته‌هایی که حافظان مزبور بدون کنکور در آنها شرکت خواهند کرد رشته علوم قرآنی دانشکده‌های الهیات، و زبان و ادبیات عرب در دانشکده‌های ادبیات است.

۳. وزارت فرهنگ و آموزش عالی موظف است آیین‌نامه اجرایی این مصوبه را تهیه و به سازمان حج و اوقاف ابلاغ نماید.

تأسیس انجمن علمی بانوان ایران متخصص در علوم پزشکی

(مصوب سیصد و شصت و ششمین جلسه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

تأسیس انجمن علمی بانوان ایران متخصص در علوم پزشکی «موضوع نامه شماره ۱/۳۵۸۸ مورخ ۷۴/۴/۱۰ که از طرف رئیس کل سازمان نظام پزشکی پیشنهاد شده و در کمیسیون مشترک به تصویب رسیده بود در شورای عالی مطرح شده و با توجه به عدم مخالفت وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تأیید رسید.

تدریس دو واحد درس تحت عنوان «دانش خانواده»

(مصوب سیصد و بیست و ششمین جلسه مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

بنابر پیشنهاد رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان مقرر شده که با توجه به تصویب مجلس شورای اسلامی، دو واحد درس تحت عنوان «دانش خانواده» در دانشگاههایی که توانایی ارائه این درس را دارند به صورت آزاد (نه اختیاری و نه اجباری) تدریس شود.

قانون مربوط به درآمد و هزینه شاگردان کلاسهای اختصاصی

بزرگسالان حرفه‌ای بانوان^۱

(مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۱)

ماده واحده - وزارت فرهنگ مجاز است شهریه دریافتی از شاگردان کلاسهای اختصاصی حرفه‌ای بانوان را که به تصویب شورای عالی فرهنگ در مدارس دولتی دایر شده و یا می‌شود و زیر نظر مستقیم ادارات فرهنگ در تهران و شهرستانها اداره می‌گردد بر طبق آیین‌نامه‌ای که با موافقت وزارت دارایی تدوین شده و به تصویب شورای عالی فرهنگ رسیده است منحصرأ به مصرف پرداخت حق تعلیم و هزینه‌های اداری و خرید و تعمیر وسایل کارگاهها و پرداخت پول آب و برق کلاسهای مذکور برساند.^۲

۱. به نقل از شماره ۴۴/۱/۱۹۵۸۶۳ روزنامه رسمی

۲. مواد (۱) و (۲) و قانون تفکیک وزارت فرهنگ مصوب آذر ۱۳۷۳ مقرر می‌دارد:

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون کلیه وظایفی که به عهده وزارت فرهنگ محول بوده است به وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف که به موجب این قانون تشکیل می‌شود محول خواهد شد.

ماده ۲- وزارت آموزش و پرورش عهده‌دار انجام کلیه وظایفی است که طبق قانون تا تاریخ تصویب این قانون به عهده وزارت فرهنگ محول بوده به استثنای اموری که به موجب این قانون به وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف محول می‌گردد.

تبصره ۱- تخصیص هر نوع اعتبار از بودجه وزارت فرهنگ برای مخارج کلاسهای مزبور ممنوع است.

تبصره ۲- شهریه‌هایی که قبلاً دریافت شده بر طبق این قانون قابل مصرف خواهد بود.

لایحه قانونی راجع به معافیت زنان متأهل پزشک و دندانپزشک و داروساز برای گرفتن پروانه دائم از رفتن به خارج از تهران^۱

(مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۲۰)

ماده واحده- کلیه زنان متأهل پزشک و دندانپزشک و داروساز اعم از عمری یا متخصصین برای گرفتن پروانه دائم از رفتن به خارج از تهران معاف می‌باشند.

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

تبصره- الحاقی

مفاد لایحه قانونی بالا شامل بانوان ماما^۲ نیز می‌شود.

نخست وزیر

۱. به نقل از شماره ۱۳۵۸/۱۲/۱۴-۱۰۲۰۵ روزنامه رسمی

۲. آیین‌نامه وظایف ماماها:

تعریف: ماما به فرد یا شخصی اطلاق می‌شود که تحصیلات مامایی را برابر مقررات در آموزشگاههای داخلی و خارجی به پایان رسانیده و موفق به اخذ پروانه رسمی مامایی از مقامات صلاحیتدار مربوطه شده باشد.

وظایف ماماها و حدود عملیات آنها:

ماده ۱- مراقبت در حفظ سلامت مادر باردار سالم و انجام زایمان طبیعی و مواظبت از آنها در ده روز پس از وضع حمل و گزارش هرگونه امر غیر طبیعی به پزشک متخصص.

تبصره- منظور از زایمان طبیعی زایمانی است که بدون به کار بردن اسباب و آلات جراحی و مامایی از قبیل فرسپس و سایر ادوات مخصوص زایمان غیر طبیعی صورت گیرد.

ماده ۲- کلیه ماماها دیپلمه باید علاوه بر داشتن پروانه اشتغال فن مامایی نام خود را در دفتر مخصوص اداره تنظیم امور پزشکی وزارت بهداشت ثبت و کارت مخصوص مامایی دریافت نمایند که همیشه در دفتر کار نصب شود تا در مواقع بازرسی مشخصات آنها در دسترس باشد.

ماده ۳- قابله‌ها حق ندارند کلمه دکتر یا دکترس و یا متخصص و یا مطب و یا محکمه و یا کلینیک و سایر عناوین مشابه روی تابلو یا سرنسخه خود عنوان نمایند و فقط می‌توانند در تابلو و سرنسخه خود مضمون ذیل را بنویسند (بانو ... مامای دیپلمه در زایمان طبیعی).

ماده ۴- قابله‌ها حق ندارند از عنوان دکترای همسر خود سوء استفاده نموده و به منظور گمراه کردن و فریب دادن بیماران روی تابلو و اوراق خود کلمه بانو دکتر بنویسند.

ماده ۵- ماما حق دادن شستشوهای رحمی را در هنگام حمل ندارند و همچنین حق ندارند زندهای باردار را در چهار ماه و نیم اول بارداری مورد معاینه داخلی (مهبلی) قرار دهند ولی در نیمه دوم بارداری چنانچه این قبیل معاینات ضرورت پیدا کند با رعایت اصول فنی می‌توانند انجام دهند.

ماده ۶- ماما باید لااقل تا یک ساعت پس از خروج جفت نزد زائو بماند و به مراقبت خود ادامه دهد.

از قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور^۱

(مصوب ۱۳۶۴/۱/۲۵)

ماده ۳- اعزام دانشجویان پسر، که دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند با در نظر گرفتن ظرفیت دانشگاههای کشور و امکانات ارزی، رشته‌های مورد نیاز و کاملاً ضروری صورت خواهد گرفت. وزارت هر سال یک بار این موارد را تعیین خواهد کرد. در شرایط مساوی اولویت با لیسانسیه‌های متأهل می‌باشد.

تبصره ۱- زنان لیسانس و بالاتر با توجه به سایر ضوابط مندرج در این قانون، تنها در صورتی که ازدواج کرده باشند و در معیت همسر خویش می‌توانند داوطلب اعزام شوند. ماده ۱۷- شرایط سرپرستان به قرار زیر است:

الف) ایمان و اعتقاد به اسلام و ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی.

ب) تقوا، که نشانه آن انجام واجبات و اجتناب از محرمات است.

ج) تأهل.

د) داشتن حداقل مدرک لیسانس یا معادل آن.

ه) توانایی کافی برای انجام وظایف سرپرستی.

و) آشنایی لازم به زبان دانشگاهی کشور محل مأموریت و یا یکی از زبانهای بین‌المللی رایج در آن کشور.

ز) داشتن حداقل سه سال سابقه کار در امور آموزشی و فرهنگی.

تبصره - وزارت می‌تواند از علمای حوزه‌های علمیه که به جز بند «ز» سایر شرایط را دارا باشند جهت سرپرستی انتخاب نماید.

ماده ۷- ماما باید در پنج روز اول زایمان لااقل روزی یک بار از مادر و نوزاد عیادت کند.

ماده ۸- استعمال داروهای بیهوشی جز به دستور پزشک متخصص ممنوع است.

ماده ۹- قابله‌ها حق ندارند به هیچ وجه در زایمانهای غیر طبیعی دخالت نموده و به گذاردن (فرسپس) از درمان بیمارهای زنان که مربوط به پزشکان و متخصصین است ممنوع می‌باشند و چنانچه قابله‌ها زایمان را غیر طبیعی تشخیص دادند باید فوراً بیمار را به پزشک متخصص و یا بیمارستان مربوطه هدایت نمایند. از تاریخ صدور این آیین‌نامه کلیه ماماها موظفند حداکثر در تهران تا یک ماه نسبت به ثبت‌نام خود در اداره تنظیم امور پزشکی و دریافت کارت مخصوص مامایی و نصب آن در دفتر کار خود و اصلاح تابلو به طریقی که در این آیین‌نامه ذکر شده است اقدام نمایند.

ماده ۱۰- ماما موظف است بدون استئنا بلافاصله پس از تولد نوزاد در هر دو چشم او چند قطره نیترات داروان ۱٪ و یا پرتارگل ۳٪ و یا اریژرک ۱۰٪ بریزد تا از بروز احتمال ورم ملتحمه چرکی در نوزاد جلوگیری به عمل آید.

۱. به نقل از شماره ۱۱۷۱۱-۲۴/۲/۱۳۶۴ روزنامه رسمی

اساسنامه آموزشگاه عالی مامایی اصفهان

(مصوب ۱۳۴۹/۹/۳ شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم و آموزش عالی)

فصل یکم - کلیات

- ماده ۱- هدف تربیت افرادی که بتوانند زایمان طبیعی انجام داده و مراقبت زنان باردار و زائو همچنین مادران و نوزادان را بر عهده بگیرند.
- ماده ۲- آموزشگاه عالی اصفهان از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقی است و مدیر آموزشگاه نزد هر شخص حقیقی و حقوقی و در هر مرجعی نماینده قانونی آموزشگاه خواهد بود.
- ماده ۳- آموزشگاه عالی مؤسسه‌ای است غیر انتفاعی و به منظور آموزش و تربیت ماما تأسیس شده و بودجه آن از محل اعتبارات آموزشی و طرحهای عمرانی وزارت بهداشتی و جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران تأمین می‌گردد.

فصل دوم - ارکان

ماده ۴- ارکان آموزشهای عالی عبارت است از:

الف) هیئت امنا

ب) شورای آموزش

پ) مدیر آموزشگاه

ماده ۵- هیئت امنا آموزشگاه مرکب از ده عضو است که دو نفر از آنان یکی از طرف مؤسس و دیگری نماینده وزیر علوم و آموزش عالی خواهند بود بقیه به پیشنهاد مؤسس و تأیید و ابلاغ وزیر علوم و آموزش عالی برای ۴ سال به عضویت هیئت امنا منصوب می‌شوند. تجدید انتخاب اعضای انتخابی هیئت امنا به همین ترتیب صورت می‌گیرد.

تبصره ۱- هیئت امنا از میان خود یک نفر را به ریاست هیئت امنا برای مدت ۴ سال انتخاب خواهد کرد.

تبصره ۲- مدیر آموزشگاه بدون حق رأی در جلسات هیئت امنا شرکت خواهد کرد.

ماده ۶- عضویت هیئت امنا اختیاری است و هیچ یک از اعضاء نمی‌توانند به همین عنوان از آموزشگاه وجهی دریافت دارند.

ماده ۷- در صورت استعفا یا فوت یا حجر یا محکومیت به جرمی از جرایم بند د ماده ۱ قانون مجازات عمومی یک یا چند نفر از امنا جانشینان آنان برابر ماده ۵ برای بقیه به مدت

۴ سال انتخاب خواهد شد.

ماده ۸- اختیارات هیئت امنا.

الف) انتخاب و برکناری مدیر آموزشگاه با جلب موافقت وزارت علوم و آموزش عالی و تعیین حدود وظایف و اختیارات او.

ب) تعیین خط مشی کلی اداره آموزشگاه و نظارت بر امور زنان.

۱. تصویب بودجه سالیانه آموزشگاه.

۲. تعیین تعداد دانشجویان آموزشگاه در حدود ضوابطی که به پیشنهاد هیئت امنا و

تصویب وزارت علوم و آموزش عالی خواهد رسید.

۳. تعیین خزانه دار آموزشگاه و تعیین اشخاصی که حق گشایش حسابهای بانکی به نام آموزشگاه و حق برداشت از حساب آموزشگاه را دارا می باشد.

۴. تصویب مقررات استخدامی و تعرفه حقوق دستمزد و مزایا.

۵. تعیین حسابرسی رسمی برای آموزشگاه.

۶. تصویب قبول هدایا و اعاناتی که به آموزشگاه اعطا می شود.

۷. تصویب ترازنامه و حساب درآمد و هزینه با توجه به گزارش حسابرسی آموزشگاه.

ماده ۹- جلسات هیئت امنا لااقل هر سه ماه یک بار به دعوت رئیس هیئت تشکیل خواهد شد و تصمیمات آن به اکثریت آراء اعضای حاضر در جلسه به شرط حضور دو سوم اعضای هیئت امنا اتخاذ خواهد شد.

تبصره ۱- در صورت اقتضاء وزیر علوم و آموزش عالی و یا مدیر آموزشگاه می تواند هیئت امنا را به تشکیل جلسه فوق العاده دعوت نماید.

تبصره ۲- مدیر آموزشگاه مکلف است دو نسخه از صورتجلسات هیئت امنا به طور منظم به وزارت علوم و آموزش عالی ارسال نماید.

ماده ۱۰- مدیر آموزشگاه از میان کسانی که دارای صلاحیت کافی برای اداره امور آموزشگاه باشد با رعایت بند الف ماده ۸ انتخاب و با ابلاغ رئیس هیئت مزبور منصوب می شود.

تبصره ۱- هر موقع به تشخیص وزارت علوم و آموزش عالی عدم صلاحیت مدیر آموزشگاه محرز گردد و پس از تأیید شورای گسترش آموزش عالی مدیر آموزشگاه به حکم وزارت علوم و آموزش عالی برکنار و از هیئت امنا خواسته می شود رئیس جدید را به ترتیب مذکور در این ماده تعیین نمایند.

ماده ۱۱- ترکیب و وظایف شورای آموزش و ضوابط مربوط به صلاحیت تدریس معلمان آموزشگاه را هیئت امنا تعیین و تصویب و پس از تأیید وزارت علوم اجرا خواهد کرد.

ماده ۱۲- برنامه‌های آموزشی و آیین‌نامه‌های مربوط به امور آموزش و امتحانی و انضباطی و شرایط پذیرش دانشجو و دوره تحصیلی و نوع دانشنامه که اعطاء خواهد شد به پیشنهاد مدیر آموزشگاه و تصویب شورای آموزش آموزشگاه و پس از تصویب نهایی وزارت علوم و آموزش عالی قابل اجرا خواهد بود.

تبصره ۱- امتحانات زیر نظر وزارت علوم و آموزش عالی یا هر مرجعی که آن وزارت تعیین کند انجام خواهد گرفت.

تبصره ۲- دانشجویان که طبق آیین‌نامه‌های مصوب در آموزشگاه ثبت نام و تحصیل می‌کنند. در پایان تحصیلات و پس از موفقیت در امتحانات به اخذ دانشنامه فوق دیپلم نایل می‌شوند. دانشنامه فوق دیپلم به امضای وزیر علوم و آموزش عالی و مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ اصفهان و مدیر آموزشگاه خواهد بود.

فصل سوم- انحلال آموزشگاه

ماده ۱۳- انحلال آموزشگاه بنابه پیشنهاد هیئت امنا و با وزارت علوم و آموزش عالی و تصویب شورای گسترش آموزش عالی امکان پذیر خواهد بود.

در صورت تصمیم بر انحلال هیئت امنا موظف است ترتیب ادامه تحصیل دانشجویانی را که در آموزشگاه ثبت نام نموده‌اند بدهد و در صورتی که اخلاقی در این امر به وجود آید کمیسیون مرکب از نمایندگان وزارت علوم و آموزش عالی و جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تصمیم لازم اتخاذ خواهند نمود.

فصل چهارم- تغییر و اجرای اساسنامه

ماده ۱۴- هرگونه تغییر در این اساسنامه برای احراز اعتبار باید به تصویب شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم برسد.

ماده ۱۵- این اساسنامه که مشتمل بر ۱۵ ماده و ۷ تبصره می‌باشد در چهل و هشتمین جلسه مورخ ۴۹/۹/۲ از تصویب شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم و آموزش عالی گذشته و به امضاء وزیر علوم و آموزش عالی رسیده است که به موقع اجرا گذاشته شود.

بخش چهارم

امور استخدامی و کاریگری

از آیین نامه مرخصیها

(مصوب ۱۳۳۶/۷/۲۲)

ماده ۲- مرخصی کمتر از یک روز جزو مرخصی استحقاقی منظور می شود و حداکثر مدت مرخصی موضوع این ماده از دوازده روز در یک سال تقویمی تجاوز نخواهد کرد. تبصره - بانوانی که فرزند شیرخوار داشته و فرزند آنها از شیر مادر استفاده می نمایند، می توانند تا هنگام دو سالگی فرزند شیرخوار خود، از مرخصی ساعتی تا سقف مرخصی استحقاقی (شامل مرخصی استحقاقی سالیانه به اضافه مرخصی ذخیره شده) خود استفاده نمایند.

ماده ۱۹- (اصلاحی ۱۳۷۵/۳/۱۶)

به مرخصی استعلاجی که از چهار ماه تجاوز نماید نسبت به مدت زائد بر چهار ماه و به دوران مرخصی بدون حقوق و آمادگی به خدمت و تعلیق و برکناری از خدمت و انفصال و خدمت زیر پرچم و غیبت موجه مرخصی استحقاقی تعلق نمی گیرد. «معذوریت بانوان باردار که وضع حمل آنان دو قلو به بالا باشد مشمول محدودیت چهار ماه موضوع این ماده نمی باشد».

ماده ۲۶- (۱۳۷۴/۶/۱۲)

به بانوان باردار برای هر بار وضع حمل تا سه فرزند، سه ماه معذوریت و برای فرزند چهارم به بعد دو ماه معذوریت و برای وضع حمل دو قلو چهار ماه و برای وضع حمل دو قلو به بالا یک سال معذوریت با استفاده از حقوق و فوق العاده های مربوط داده می شود. معذوریت وضع حمل جزو مرخصی استعلاجی محسوب می شود و تشخیص تاریخ شروع آن بر عهده پزشک معالج است.

ماده ۲۷ - (اصلاحی ۱۶/۳/۱۳۷۵)

به مستخدمی که از مرخصی استعلاجی استفاده می نماید تا چهار ماه و در صورتی که به علت ابتلاء به بیماری صعب العلاج یا زایمان فرزندان توأمان (وفق ماده ۲۶ اصلاحی آیین نامه مرخصیها) مرخصی استعلاجی وی بیش از چهار ماه باشد، تا حداکثر یک سال حقوق و فوق العاده های مربوط و در مورد بیماریهای صعب العلاج در مدت زائد بر یک سال تا هنگامی که مشمول ماده ۷۹ قانون استخدام کشوری قرار نگرفته است فقط حقوق پرداخت می گردد.

ماده ۳۲ - استفاده از مرخصی بدون حقوق موقوف به اختتام دوره آزمایشی است و فقط در موارد زیر ممکن خواهد بود:

۱. مستخدم استحقاق مرخصی نداشته باشد و احتیاجش به استفاده از مرخصی مسلم شود.

۲. مستخدم قصد ادامه تحصیل داشته باشد و مدارک لازم را ارائه نماید.

۳. مستخدم ناگزیر باشد به اتفاق همسرش به خارج از محل خدمت خود مسافرت کند.

۴. مستخدم پس از استفاده از چهار ماه مرخصی استعلاجی سالانه به سبب ادامه همان بیماری یا ابتلاء به بیماری دیگر قادر به خدمت نباشد و بیماری او هم صعب العلاج تشخیص نشود.

تبصره - اعطای مرخصی بدون حقوق به مستخدمین آزمایشی که در طول خدمت آزمایشی با ارائه مدارک و به تشخیص مؤسسه متبوع خود نیاز به استفاده از مرخصی بدون حقوق داشته باشند حداکثر تا دو ماه متوالی با رعایت سایر مقررات این فصل امکان پذیر خواهد بود.

ماده ۳۷ - عدم حضور مستخدم در پست خود که مدت آن از سه روز تجاوز ننماید و مستند به عللی از قبیل آنچه که ذیل درج می شود باشد موجه شناخته خواهد شد:

۱. بیماری او

۲. صدمات ناشی از حوادث که به او یا پدر یا مادر یا همسر یا فرزندان او وارد آمده باشد.

۳. بیماری شدید پدر یا مادر یا همسر یا فرزندان.

۴. فوت همسر یا اقربای نسبی و سببی تا طبقه سوم.

۵. دارا شدن فرزند

۶. ازدواج او و فرزندانش

۷. احضار مستخدم توسط مراجع قضایی برای ادای شهادت و انجام تحقیقات.

تشخیص صحت و سقم جهات ادعایی مستخدم به عهده رئیس اداره است. در صورتی که صحت ادعا تصدیق شود، غیبت مستخدم بر حسب علت جزو مرخصی استحقاقی یا استعلاجی وی محسوب و حکم لازم در این مورد صادر خواهد شد.

از قانون کار کشاورزی

(مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۱)

فصل سوم- شرایط کار زنان و اطفال

ماده ۱۲- ارجاع مشاغل کشاورزی به اطفالی که سن آنها کمتر از ۱۲ سال تمام است در واحدها و مزارع موضوع ماده یک این قانون ممنوع می باشد.

ماده ۱۳- ارجاع کارهای سخت و زیان آور و کار در شب به کارگران زن و کارگرانی که کمتر از ۱۴ سال تمام دارند ممنوع است.

کارهای سخت و زیان آور بر حسب شرایط اقلیمی و عرف محل و ساعات ممنوعه کار به موجب آیین نامه ای که به تصویب شورای عالی کار کشاورزی خواهد رسید تعیین می گردد.

از قانون تأمین اجتماعی^۱

(مصوب ۱۳۵۴/۴/۳)

ماده ۳- تأمین اجتماعی موضوع این قانون شامل موارد زیر می باشد:

الف) حوادث و بیماریها

ب) بارداری

ج) غرامت دستمزد

د) از کار افتادگی

ه) بازنشستگی

و) مرگ

ز) مقرری بیمه بیکاری

تبصره - مشمولین این قانون از کمکهای ازدواج و عائله‌مندی طبق مقررات مربوط برخوردار خواهند شد.

ماده ۵۸- افراد خانواده بیمه شده که از کمکهای مقرر در ماده ۵۴ این قانون استفاده می‌کنند عبارتند از:

۱. همسر بیمه شده

۲. شوهر بیمه شده در صورتی که معاش او توسط بیمه شده زن تأمین می‌شود و سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده شناخته شود.

۳. فرزندان بیمه شده که دارای یکی از شرایط زیر باشند:

الف) کمتر از هجده سال داشته باشند و در مورد فرزندان اناث به شرط نداشتن شوهر تا بیست سالگی و یا منحصرأ طبق گواهی یکی از مؤسسات رسمی آموزش، به تحصیل اشتغال داشته باشند.

ب) در اثر بیماری یا نقص عضو طبق گواهی سازمان تأمین خدمات درمانی قادر به کار نباشند.

۴. پدر و مادر تحت تکفل بیمه شده مشروط بر اینکه سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال متجاوز باشد و یا اینکه به تشخیص کمیسیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ از کار افتاده باشند و در هر حال از سازمان مستمری دریافت نمایند.

ماده ۶۷- بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد در صورتی که ظرف یک سال قبل از زایمان سابقه پرداخت حق بیمه شصت روز را داشته باشد می‌تواند به شرط عدم اشتغال به کار از کمک بارداری استفاده نماید. کمک بارداری دو سوم آخرین مزد یا حقوق بیمه شده طبق ماده ۶۳ می‌باشد که حداکثر برای مدت دوازده هفته جمعاً قبل و بعد از زایمان بدون کسر سه روز اول پرداخت خواهد شد.

ماده ۶۸- بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد در صورتی که در طول مدت یک سال قبل از وضع حمل حق بیمه شصت روز را پرداخته باشد از کمکها و معاینه‌های طبی و معالجات قبل از زایمان و حین زایمان و بعد از وضع حمل استفاده خواهد کرد. سازمان بنابه درخواست بیمه شده می‌تواند به جای کمکهای مذکور مبلغی وجه نقد به بیمه شده پرداخت نماید، مبلغ مزبور در آیین‌نامه‌ای که از طرف هیئت مدیره سازمان تهیه و به تصویب شورای عالی سازمان می‌رسد تعیین خواهد شد.

ماده ۶۹- در صورتی که بیمه شده زن و یا همسر بیمه شده مرد به بیماریهایی مبتلا شود که شیر دادن برای طفل او زیان آور باشد یا پس از زایمان فوت شود شیر مورد نیاز تا ۱۸ ماهگی تحویل خواهد شد.

ماده ۷۶- مشمولین این قانون در صورت حائز بودن شرایط زیر حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت.

۱. حداقل ده سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشند.
 ۲. سن مرد به شصت سال تمام و سن زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد.
- تبصره - در مورد افرادی که قبل از تقاضای بازنشستگی حداقل مدت بیست سال متوالی یا بیست و پنج سال متناوب در مناطق بد آب و هوا کار کرده‌اند و یا آنکه به کارهای سخت و مخل سلامتی (زیان آور) اشتغال داشته‌اند سن بازنشستگی پنجاه و پنج سال تمام خواهد بود. کسانی که سی سال تمام کار کرده و حق بیمه مقرر را به سازمان پرداخته باشند در صورت داشتن پنجاه و پنج سال تمام می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی کنند. مناطق بد آب و هوا و کارهای زیان آور به موجب آیین‌نامه مربوط مصوب هیئت وزیران تعیین خواهد شد.^۱

تبصره - (الحاقی ۱/۷/۱۳۷۶)

زنان کارگر با داشتن (۲۰) سال سابقه کار و (۴۲) سال سن به شرط پرداخت حق بیمه با (۲۰) روز حقوق می‌توانند بازنشسته شوند.

ماده ۸۱- بازماندگان واجد شرایط متوفی که استحقاق دریافت مستمری را خواهند

۱. قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶.

ب- تبصره ماده ۷۶ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به عنوان تبصره‌های ۲ و ۳ به آن الحاق می‌گردد:

تبصره ۱- کسانی که ۳۰ سال تمام کار کرده و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند در صورتی که سن مردان ۵۰ سال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند.

تبصره ۲- افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در مناطق بد آب و هوا کار کرده و یا آنکه به کارهای سخت و زیان آور (مخل سلامتی) اشتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند در صورتی که سن مردان ۵۰ سال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند. مناطق بد آب و هوا کارهای سخت و زیان آور به موجب آیین‌نامه مربوطه خواهد بود.

افزایش هزینه ناشی از این تبصره از کاهش هزینه سازمان ناشی از اجراء تبصره ۱ همین ماده تأمین خواهد شد.

تبصره ۳- بیمه شدگانی که دارای ۳۵ سال تمام سابقه پرداخت حق بیمه باشند می‌توانند بدون در نظر گرفتن شرط سنی مقرر در قانون تقاضای بازنشستگی نمایند.

داشت عبارتند از:

۱. عیال دائم بیمه شده متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده است.
۲. فرزندان متوفی در صورتی که سن آنان کمتر از هجده سال تمام باشد و یا منحصرأ به تحصیل اشتغال داشته باشند یا به علت بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیون پزشکی موضوع ۹۱ این قانون قادر به کار نباشند.^۱
۳. پدر و مادر متوفی در صورتی که اولاً تحت تکفل بوده و ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال تجاوز کرده باشد و یا آنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان دریافت ندارند.

ماده ۸۲- بازماندگان بیمه شده زن با شرایط زیر از مستمری استفاده خواهند کرد:^۲

۱. شوهر مشروط بر اینکه اولاً تحت تکفل زن بوده و ثانیاً سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده بوده و در هر حال مستمری از سازمان دریافت نکند.

۲. فرزندان در صورت حائز بودن شرایط زیر:

- الف) پدر آنها در قید حیات نبوده یا واجد شرایط مذکور در بند اول این ماده باشد و از مستمری دیگر استفاده نکند.

- ب) سن آنها کمتر از هجده سال تمام باشد و یا منحصرأ به تحصیل اشتغال داشته باشند تا پایان تحصیل و یا به علت بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون قادر به کار نباشند.

۳. پدر و مادر در صورتی که اولاً تحت تکفل او بوده و ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال تجاوز کرده باشد و یا آنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان دریافت ندارند.

۱. در فرزندان اثاث طبق قانون اصلاح تبصره ۲ ماده واحده قانون اجازه پرداخت وظیفه و مستمری مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ عمل می‌شود.

۲. با رعایت قانون اصلاح لایحه قانونی شمول مواد ۶۰، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، قانون تأمین اجتماعی درباره کلیه بیمه شدگانیکه در جریان انقلاب اسلامی دچار نقص عضو ... مصوب ۱۳۷۰/۵/۸.

ماده ۸۵- به بیمه شده زن یا مرد که برای اولین بار ازدواج می کند مبلغی معادل یک ماه متوسط مزد یا حقوق با رعایت شرایط زیر به عنوان کمک ازدواج پرداخت می شود.

۱. در تاریخ ازدواج رابطه استخدامی او با کارفرما قطع نشده باشد.

۲. ظرف پنج سال قبل از تاریخ ازدواج حداقل حق بیمه هفتصد و بیست روز کار را به سازمان پرداخته باشد.

۳. عقد ازدواج دائم بوده و در دفتر رسمی ازدواج به ثبت رستیده باشد.

تبصره ۱- مزد یا حقوق متوسط موضوع این ماده عبارت است از جمع دریافتی بیمه شده ظرف دو سال قبل از ازدواج که به مأخذ آن حق بیمه پرداخت شده است تقسیم بر ۲۴.

تبصره ۲- در صورتی که طرفین عقد ازدواج واجد شرایط مذکور در این ماده باشند کمک ازدواج به هر دو نفر داده خواهد شد.

ماده ۹۱- برای تعیین میزان از کار افتادگی جسمی و روحی بیمه شدگان و افراد خانواده آنها کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر پزشکی تشکیل خواهد شد. ترتیب تشکیل و تعیین اعضا و ترتیب رسیدگی و صدور رأی براساس جدول میزان از کار افتادگی طبق آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد این سازمان و سازمان تأمین خدمات درمانی به تصویب شورای عالی می رسد.

تصویب نامه تبدیل رتبه قضایی بانوان به رتبه اداری

(مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۴)

شرکت ملی نفت ایران و سایر شرکتهای وابسته به دولت، بانک مرکزی و سایر بانکها، وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی، بانوانی را که با رتبه قضایی در وزارت دادگستری اشتغال دارند و رتبه آنان از طرف هیئت تصفیه آن وزارتخانه تثبیت شده است در صورت تقاضای آنان به آن سازمان یا وزارتخانه منتقل نمایند و رتبه قضایی آنان را با رعایت مقررات به رتبه اداری تبدیل کنند. در این تبدیل رتبه نباید به هیچ وجه از مجموعه حقوق و مزایای رتبه قضایی منتقلین کاسته گردد.

در صورت تقاضای متقاضی سازمان منتقل الیه موظف است در تهران شغلی به وی ارجاع نماید.

نخست وزیر

قانون راجع به خدمت نیمه‌وقت بانوان^۱

(مصوب ۱۳۶۲/۹/۱۰)

ماده واحده - وزارتخانه‌ها و مؤسسات مشمول قانون استخدام کشوری و شرکتهای دولتی و مؤسساتی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، می‌توانند در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و موافقت بالاترین مقام مشمول خدمت آنها را نیمه‌وقت تعیین نمایند.

مدت و نحوه و ترتیب انجام خدمت نیمه‌وقت و وضع پست ثابت سازمانی و میزان حقوق و مزایا و نحوه محاسبه سنوات خدمت و بازنشستگی و اعطاء پایه و ارتقاء گروه و مرخصی به موجب قانونی که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه شده و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید، مشخص خواهد گردید.

تبصره - (الحاقی ۱۳۷۳/۱/۱۹)

به دستگاههای موضوع این قانون اجازه داده می‌شود در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و موافقت بالاترین مقام مشمول، همچنین بتوانند به جای نیمه‌وقت ساعات خدمت آنان را به سه چهارم ساعات کار مقرر تقلیل دهند.

رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه‌وقت بانوان^۲

(مصوب ۱۳۶۲/۹/۱۰)

ماده ۱- در اجرای بندهای ۱ و ۲ از اصل ۲۱ قانون اساسی بانوان کارمند رسمی و ثابت وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و نیروهای مسلح و مؤسساتی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است می‌توانند در صورت موافقت وزیر یا بالاترین مقام مؤسسه متبوع خود از خدمت نیمه‌وقت استفاده نمایند.

ماده ۲- خدمت نیمه‌وقت خدمتی است که ساعات کار آن طبق مقررات این قانون نصف ساعات کار مقرر هفتگی وزارتخانه و مؤسسات مربوط باشد. نحوه و ترتیب انجام خدمت نیمه‌وقت براساس ساعات کار وزارتخانه و مؤسسه ذیربط و طبق نظر بالاترین مقام مشمول دستگاه تعیین خواهد گردید و در هیچ مورد کمتر از نصف ساعات کار مقرر هفتگی

۱. به نقل از شماره ۱۳۶۲/۱۰/۱۱-۱۳۱۶ روزنامه رسمی

۲. به نقل از شماره ۱۳۶۹۴-۶۴/۲/۳ روزنامه رسمی

وزارتخانه و مؤسسه و شرکت مربوط نخواهد بود.

ماده ۳- کارمندانی که از خدمت نیمه وقت استفاده می کنند نصف حقوق گروه و پایه و یا حقوق ثابت و فوق العاده شغل و یا مزایای شغل و یا عناوین مشابه دیگر و فوق العاده ها و مزایایی که به طور مستمر پرداخت می شود به آنان تعلق خواهد گرفت و لیکن فوق العاده های محل خدمت، بدی آب و هوا و محرومیت از تسهیلات زندگی از محدودیت مذکور مستثنی بوده و به طور کامل پرداخت می شود.

ماده ۴- میزان حقوق و مزایایی که براساس مقررات این قانون به کارمندان نیمه وقت تعلق خواهد گرفت مشمول مقررات مربوط به حداقل پرداختی به کارکنان شاغل دولت نخواهد بود.

ماده ۵- حداقل استفاده از خدمت نیمه وقت یک سال می باشد و در مورد مشمولین طرح طبقه بندی مشاغل معلمان کشور تاریخ انقضاء خدمت مزبور مقارن با اتمام سال تحصیلی خواهد بود.

ماده ۶- کارمندان پیمانی و غیر ثابت دستگاههای اجرایی مشمول مقررات این قانون نیستند و استفاده مستخدمین رسمی و ثابت از این قانون موکول به پایان یافتن خدمت آزمایشی یا مشابه آن خواهد بود.

ماده ۷- سنوات خدمت نیمه وقت بانوان از لحاظ سابقه خدمت لازم برای بازنشستگی و استفاده از حقوق وظیفه یا مستمری، به طور کامل محسوب خواهد شد لیکن در احتساب حقوق بازنشستگان و وظیفه یا مستمری و نیز دریافت پایه این گونه کارمندان (علاوه بر مدت خدمت تمام وقت) نصف مدت خدمت نیمه وقت منظور و محسوب خواهد گردید. کسور بازنشستگی یا حق بیمه مربوط به سهم کارمندان مزبور به نسبت حقوق و مزایایی که براساس این قانون به آنان تعلق می گیرد، کسر و به صندوق مربوط واریز خواهد شد.

تبصره- سنوات خدمت نیمه وقت بانوان به شرط پرداخت کسور بازنشستگی و حق بیمه به نسبت تمام حقوق گروه و پایه یا حقوق ثابت و فوق العاده شغل و یا عناوین مشابه تا سه سال از لحاظ حقوق بازنشستگی در حکم خدمت تمام وقت محسوب می شود.

ماده ۸- دوران استفاده از مرخصی استحقاقی طبق مقررات مربوط به کارمندان تمام وقت بوده و فقط میزان حقوق و فوق العاده شغل و نیز سایر مزایای مستمر این گونه مستخدمین نصف مبالغ مربوط به کارمندان تمام وقت خواهد بود.

ماده ۹- مدت استفاده از مرخصی استعلاجی و زایمان برای بانوان مشمول خدمت نیمه وقت مانند کارمندان تمام وقت خواهد بود و در آن مدت از لحاظ حقوق و مزایا تابع

مقررات مربوط به خدمت نیمه‌وقت خواهند بود.

ماده ۱۰- سنوات خدمت کارمندان نیمه‌وقت و ارتقاء گروه به نسبت نصف سوابق تجربی مقرر در طرح طبقه‌بندی مشاغل و یا مقررات مربوط محاسبه خواهد گردید.

ماده ۱۱- در صورتی که کارمندان نیمه‌وقت قبل از پایان مدت خدمت نیمه‌وقت درخواست انجام خدمت تمام وقت را بنمایند در صورت ضرورت و موافقت وزارتخانه و مؤسسه مربوط خدمت نیمه‌وقت آنان به خدمت تمام وقت تبدیل خواهد گردید و در هر حال خدمت نیمه‌وقت کمتر از یک سال نخواهد بود.

ماده ۱۲- استفاده از خدمت نیمه‌وقت موقوف به درخواست کتبی مستخدم و صدور حکم جداگانه در این مورد است و در حکم باید نحوه و ترتیب خدمت نیمه‌وقت و مدت استفاده از خدمت نیمه‌وقت و سایر موارد مشخص گردد.

ماده ۱۳- مشمولین این قانون به هیچ وجه و تحت هیچ عنوان نمی‌توانند در وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا غیردولتی دیگر به کار اشتغال ورزند و در صورت اشتغال در واحدهای مذکور از دستگاه متبوع خود اخراج شده و حقوق و مزایای آنان را از تاریخ اشتغال قطع می‌گردد.

ماده ۱۴- استخدام جدید به هر شکل به جای کارمندان نیمه‌وقت ممنوع است.

ماده ۱۵- پرداخت فوق‌العاده اضافه کار ساعتی و فوق‌العاده روزانه به این قبیل کارکنان ممنوع می‌باشد.

ماده ۱۶- سایر موارد استخدامی که در این قانون پیش‌بینی نشده است تابع مقررات مربوط به خود خواهد بود.

ماده ۱۷- از تاریخ تصویب این قانون کلیه مقررات مغایر با آن لغو می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر هفده ماده و یک تبصره در جلسه روز یکشنبه هجدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و شصت و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۴/۱/۲۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴

(مصوب ۱۳۶۳/۱۲/۲۷)

تبصره ۴۳- اجازه داده می‌شود از اول سال ۱۳۶۴:

الف) به مستخدمین شاغل مرد که همسر دائم دارند و همسر آنان از وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و شهرداری‌ها و مؤسساتی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیاد مستضعفان و سایر مؤسسات وابسته به دولت که به نحوی از بودجه عمومی یا کمک دولت استفاده می‌کنند حقوق، دستمزد، اجرت و یا حقوق بازنشستگی یا وظیفه یا مستمری دریافت نمی‌نمایند، ماهیانه معادل مبلغ هشت هزار ریال به یکی از طرق زیر حسب درخواست کتبی مستخدم که باید تا آخر فروردین ماه هر سال اعلام نماید به عنوان کمک هزینه عائله‌مندی پرداخت شود. این کمک مشمول پرداخت مالیات و کسور بازنشستگی نخواهد بود.

۱. در ازای مبلغ فوق کلیه کالاهای اساسی از طریق فروشگاه‌های تعاونی فروشگاه‌های زنجیره‌ای دولتی و سایر فروشگاه‌های معتبر در اختیار آنان قرار گیرد.

۲. در مورد آن دسته از مستخدمینی که صاحب منزل مسکونی شخصی نیستند و عضو شرکت‌های تعاونی مسکن هستند وجوه فوق مستقیماً به حساب شرکت تعاونی مسکن مربوطه و در غیر این صورت به حسابی در بانک مسکن به نام مستخدم واریز شود. بانک مسکن نیز مکلف است با حداکثر تسهیلات اعطایی نسبت به موجودی این قبیل مستخدمین را طبق مقررات آن بانک در اختیار آنان قرار دهد.

۳. در خصوص آن دسته از کارمندانی که روشهای مذکور در قسمت‌های (۱) و (۲) بند الف) این تبصره را انتخاب ننمایند، وجوه مذکور هر شش ماه یکبار به آنان پرداخت خواهد گردید.

ب) به مستخدمین بازنشسته و وظیفه یا مستمری بگیر مرد که همسر دائم دارند و همسر آنان از دستگاه‌های مذکور در بند الف) این تبصره حقوق، دستمزد، اجرت یا حقوق بازنشستگی یا وظیفه یا مستمری دریافت نمی‌نمایند، ماهیانه معادل مبلغ پنج هزار ریال با رعایت موارد مذکور در بند الف) این تبصره به عنوان کمک هزینه عائله‌مندی پرداخت شود. ج) مستخدمین زن شاغل و بازنشسته که دارای همسر نبوده و یا همسر آنها معلول و قادر بکار نباشد و متکفل مخارج فرزندان خود می‌باشند نیز حسب مورد مشمول مبالغ مذکور در بندهای الف) و ب) این تبصره خواهند بود.

د) به کلیه مشمولین این تبصره که از خانه‌های سازمانی استفاده می‌کنند هیچ گونه مبلغی به عنوان کمک هزینه عائله‌مندی پرداخت نخواهد شد.

ه) مشمولین این تبصره عبارتند از:

۱. مستخدمین رسمی مشمول قانون استخدام کشوری که حقوق و مزایای آنان براساس مقررات قانون مذکور پرداخت شود.
 ۲. اعضاء ثابت کادر هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی.
 ۳. مستخدمین ثابت مشمول مقررات استخدامی شرکتهای دولتی مصوب ۱۳۵۲/۳/۵.
 ۴. مشمولین قانون استخدام نیروهای مسلح.
- و) از ابتدای سال ۱۳۶۴ هرگونه افزایش حقوق و دستمزد، مزایا، فوق العاده‌ها، هزینه‌ها و سایر پرداختهای نقدی و غیر نقدی مستخدمین رسمی، ثابت، پیمانی و خرید خدمت در دستگاههای دارای مقررات استخدامی خاص مذکور در بند (الف) این تبصره که به نحوی از بودجه عمومی یا کمک دولت استفاده می نمایند تا تصویب و اجرای لایحه نظام هماهنگ پرداخت در بخش عمومی ممنوع خواهد بود.
- ز) به مستخدمینی که از کمک هزینه عائله مندی به ترتیب فوق استفاده می نمایند، کمکهای غیر نقدی بابت همسر پرداخت نمی شود.
- ح) در صورتی که مستخدم با استفاده از مبانی قانونی با ارفاق سنوات بازنشسته گردیده باشد مابه التفاوت میزان افزایش حقوق ناشی از ارفاق فوق و مبلغ مذکور در این تبصره به وی پرداخت خواهد گردید.
- ط) آیین نامه اجرایی این تبصره ظرف مدت دو ماه توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور^۱

(مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۹)

ماده ۱ - به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری و شهرداریها (به استثناء شهرداری تهران) و دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و شرکتهای دولتی مشمول مقررات استخدامی شرکتهای دولتی مصوب ۱۳۵۲/۳/۵، وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، شهربانی و ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می شود از اول سال ۱۳۶۴ به مستخدمین شاغل، بازنشسته و وظیفه یا مستمری بگیر مرد خود که همسر دائم دارند و همسر آنان از وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، شهرداریها،

۱. به نقل از شماره ۱۱۷۳۸-۶۴/۳/۲۷ روزنامه رسمی

مؤسساتی که شمول قانون به آنها مستلزم ذکر نام است، نهادهای انقلاب اسلامی، بنیاد مستضعفان و نیز سایر مؤسسات وابسته به دولت که به نحوی از بودجه عمومی یا کمک دولت استفاده می‌کنند، حقوق، دستمزد، اجرت و یا حقوق بازنشستگی یا وظیفه یا مستمری و یا نظایر آن دریافت نمی‌نمایند کمک هزینه عائله‌مندی موضوع تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور را با رعایت مقررات مربوط پرداخت نمایند. کمک هزینه مزبور به مستخدمینی که طبق درخواست کتبی خود از این مبلغ براساس بند سه قسمت الف تبصره مزبور استفاده می‌نمایند با رعایت مقررات زیر پرداخت می‌گردد:

ماده ۲- به مستخدمین رسمی موضوع ماده ۱۴۳ قانون استخدامی کشوری مادام که حقوق و مزایای آنان توسط شرکتها و مؤسسات دولتی غیر مشمول قانون مزبور پرداخت می‌گردد و همچنین مستخدمین موضوع ماده ۱۴۴ قانون استخدام کشوری کمک هزینه عائله‌مندی قابل پرداخت نخواهد بود.^۱

۱. مادتین ۱۴۳ و ۱۴۴ قانون استخدام کشوری (مصوب ۱۳۴۵):

ماده ۱۴۳- مستخدمین رسمی مشمول قانون که به یکی از مؤسسات موضوع بند (ب) ماده ۱۱ مأمور شده یا بشوند تا وقتی که از طرف وزارتخانه و مؤسسه دولتی مربوط خود احضار و دعوت به کار نشده و یا از طرف مؤسسه‌ای که در آن مشغول خدمت هستند عدم احتیاج به وجود آنان اعلام نشده است به خدمت خود در آن مؤسسات ادامه خواهند داد و تا زمانی که خدمت ایشان در آن مؤسسات ادامه دارد اشتغال آنان در مؤسسات مذکور در حکم خدمت رسمی تلقی شده و جزو سابقه خدمت رسمی آنان محسوب خواهد شد.

در صورت اعلام عدم احتیاج به وجود این قبیل مأمورین و نبودن پست ثابت سازمانی در وزارتخانه مؤسسه دولتی متبوع، مستخدم به حال آماده به خدمت در خواهد آمد.

تبصره- تعیین گروه قطعی مستخدمین موضوع این ماده موکول به اشتغال آنان در یکی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول این قانون است.

هرگاه این گونه مستخدمین قبل از اشتغال در یکی از سازمانهای مشمول این قانون بازنشسته یا از کار افتاده یا فوت شوند آخرین شغل قبل از بازنشستگی یا از کار افتادگی یا فوت آنها یا مشاغل گروههای جداول حقوق این قانون مقایسه و حقوق گروه و پایه تعیین شده بدون رعایت تبصره ۱ ماده ۷۸ مبنای تعیین حقوق بازنشستگی یا وظیفه‌ای که به آنان یا وراث قانونی آنها تعلق می‌گیرد خواهد بود.

تشخیص هم‌طراز بودن شغل مورد تصدی چنین مستخدمی با مشاغل گروههای جداول حقوق قانون استخدام کشوری با شورا است.

ماده ۱۴۴- مستخدمین رسمی مشمول این قانون که در یکی از شرکتها و مؤسسات دولتی مستثنی شده یا مؤسسات مذکور در بند (ت) ماده ۲ این قانون به صورت رسمی استخدام شده و یا طبق مقررات قانونی مربوط به آن مؤسسات منتقل شده یا بشوند به خدمت در آن مؤسسات ادامه خواهند داد و مدت خدمت اینگونه مستخدمین جزو سابقه خدمت رسمی آنان محسوب خواهد شد. گروه و پایه این مستخدمین فقط در مرحله اول اجرای قانون استخدام کشوری تعیین می‌شود و تعیین گروه قطعی آنان موکول به اشتغال در یکی از وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی مشمول قانون خواهد بود.

تبصره - مستخدمین رسمی موضوع مواد ۱۴۳ و ۱۴۴ قانون استخدام کشوری شاغل در شرکتهای دولتی تابع مقررات استخدامی شرکتهای دولتی مصوب ۱۳۵۲/۳/۵ و همچنین مستخدمین مشمول مقررات استخدامی مزبور که به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری مأمور شده‌اند با رعایت کلیه مقررات مربوط می‌توانند از کمک هزینه عائله‌مندی بهره‌مند گردند.

ماده ۳ - در اجرای مقررات این آیین‌نامه مستخدمینی شاغل محسوب می‌شوند که در پست سازمانی مشغول انجام وظیفه باشند و یا از حقوق قانونی اشتغال بهره‌مند شده و یا به واسطه بیماری از معذوریت استفاده می‌نمایند.

ماده ۴ - به مستخدمین شاغل مرد که بیش از یک همسر دائم دارند و یکی از همسران آنها از دستگاههای موضوع بند الف تبصره مزبور حقوق، دستمزد، اجرت و یا حقوق بازنشستگی یا وظیفه یا مستمری و یا نظایر آن دریافت نمی‌نمایند کمک هزینه عائله‌مندی قابل پرداخت نمی‌باشد.

تبصره ۱ - مستخدمین موضوع این ماده از نظر تعیین گروه و پایه جدول حقوق ماده ۳۲ و بازنشستگی و وظیفه همچنین در هر مورد که مقررات استخدامی مؤسسه مربوط حکمی برای تعیین تکلیف آنان وجود نداشته باشد مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

تبصره ۲ - گروه و پایه قطعی مستخدمین موضوع این ماده طبق مقررات استخدامی مؤسسات مربوط آنان که از جدول حقوق ماده ۳۲ و تغییرات بعدی آن تبعیت خواهند کرد بر اساس طبقه‌بندی مشاغل مقررات استخدامی مربوط که به تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور رسیده باشد تعیین خواهد شد. و در موردی که مستخدم قبل از اجرای طبقه‌بندی مشاغل مؤسسه بازنشسته یا از کارافتاده یا فوت شود همچنین نسبت به مستخدمین موضوع این ماده در سایر مؤسسات آخرین شغل قبل از بازنشستگی یا از کارافتادگی یا فوت آنها در مؤسسه محل خدمت با مشاغل گروههای جدول حقوق مربوط مذکور در ماده ۳۰ مقایسه و حقوق گروه و پایه تعیین شده بدون رعایت تبصره یک ماده ۷۸ مبنای تعیین حقوق بازنشستگی یا وظیفه‌ای که به آنان یا وراث قانونی آنها تعلق می‌گیرد خواهد بود.

تشخیص همطراز بودن شغل مورد تصدی چنین مستخدمی با مشاغل گروههای جداول مربوط با شورا می‌باشد.

تبصره ۳ - مستخدمین موضوع این ماده در صورت تمایل می‌توانند درخواست کنند مشمول مقررات بازنشستگی مؤسسه محل خدمت خود شود که در این صورت صندوق بازنشستگی کشوری مکلف است کلیه کسور بازنشستگی پرداختی مستخدم را به صندوق بازنشستگی مربوط واریز کند. سوابق خدمت قابل احتساب چنین مستخدمی از لحاظ بازنشستگی و وظیفه در حکم سوابق خدمت در مؤسسه مربوط منظور می‌شود و به شرط آنکه حقوق بازنشستگی از حداکثر حقوق بازنشستگی مقرر در قانون استخدام کشوری تجاوز نکند مشمول مقررات بازنشستگی و وظیفه مؤسسه محل خدمت خواهد بود. هرگاه صندوق بازنشستگی مؤسسه محل خدمت بابت پرداخت حقوق بازنشستگی و وظیفه مربوط به این گونه مستخدمین با کسری مواجه شود دولت کمبود آن را تأمین و پرداخت خواهد نمود.

ماده ۵- به مستخدمین شاغل مرد که همسر دائم دارند مادام که همسر آنان از دستگاههای موضوع بند الف تبصره ۴۳ به نحوی از انحاء حقوق، دستمزد، اجرت و یا حقوق بازنشستگی یا وظیفه یا مستمری و یا نظایر آن دریافت نمی نمایند کمک هزینه عائله مندی قابل پرداخت می باشد.

تبصره - به مستخدمین مرد که همسر دائم آنان به صورت پیمانی، قراردادی، خرید خدمت و یا حق التدریس و یا نظایر آن در دستگاههای موضوع بند الف تبصره ۴۳ به خدمت اشتغال دارند مادامی که حقوق، دستمزد یا اجرت به آنان پرداخت می شود کمک هزینه عائله مندی پرداخت نمی شود.

ماده ۶- پرداخت کمک هزینه عائله مندی به مستخدمین شاغل و یا بازنشسته و وظیفه یا مستمری بگیر مستلزم صدور حکم کارگزینی نمی باشد لکن ذکر این کمک در فیش حقوقی مستخدمین مشمول تبصره الزامی است.

ماده ۷- مستخدمین زن شاغل یا بازنشسته که دارای همسر نمی باشند یا همسر آنان معلول و قادر بکار نباشد در صورتی از کمک هزینه عائله مندی موضوع بند «ج» تبصره ۴۳ استفاده خواهند نمود که متکفل مخارج فرزندان خود باشند.

تبصره ۱- فرزندان تحت تکفل در این آیین نامه عبارتند از:

الف) فرزندان ذکور تا پایان بیست سالگی و در صورتی که به موجب مدارک مثبت در یکی از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مشغول تحصیل باشند حداکثر تا پایان ۲۵ سالگی.

ب) فرزندان اناث در صورت نداشتن شوهر و شغل.

ج) فرزندان علیل که قادر به انجام کاری برای تأمین معاش خود نباشند به موجب مدارک مثبت.

د) فرزندانی که قانوناً محجور شناخته شده و قادر به انجام کاری برای تأمین معاش خود نباشند.

تبصره ۲- به مستخدمین زن شاغل یا بازنشسته که همسر علیل یا از کار افتاده آنان بابت معلولیت یا از کار افتادگی مستمری دریافت می دارند کمک هزینه عائله مندی پرداخت نمی شود.

تبصره ۳- تشخیص از کار افتادگی و معلولیت فرزندان و همسر مستخدمین زن شاغل یا بازنشسته بر اساس مدارک مثبت و رویه مورد عمل به عهده صندوقهای بازنشستگی

مربوط می باشد.

ماده ۸ - (اصلاحی ۱۷/۹/۱۳۶۴)

احراز موارد خلاف به عهده هیئت سه نفره ای که به انتخاب رئیس صندوق پرداخت کننده حقوق وظیفه یا مستمری مشخص خواهند شد، می باشد و دستگاه متبوع مستخدم مکلف است همکاریهای لازم را در جهت شناسایی موارد خلاف با صندوق مربوط به عمل آورد.

ماده ۹ - به مشمولین این تبصره که به تشخیص وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی متبوع از خانه های سازمانی استفاده می کنند، کمک هزینه عائله مندی قابل پرداخت نخواهد بود.

تبصره: در صورتی که بین مستخدم و دستگاه مربوط در مورد تشخیص استفاده از خانه سازمانی اختلاف نظر پیش آید نظریه وزارت مسکن و شهرسازی مناط اعتبار می باشد.

ماده ۱۰ - اعضاء ثابت کادر هیئت علمی به مستخدمین رسمی دانشگاهها و مؤسسات عالی آموزشی و پژوهشی اطلاق می شود که تابع مقررات استخدامی تمام وقت اعضاء هیئت علمی دانشگاه یا مؤسسات عالی آموزشی و پژوهشی مربوط باشند.

ماده ۱۱ - چنانچه در مورد شمول تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور به دستگاههای مندرج در بند «ه» این تبصره ابهامی مطرح شود حسب مورد نظریه سازمان امور اداری و استخدامی کشور مناط اعتبار می باشد.

ماده ۱۲ - از ابتدای سال ۱۳۶۴ هر گونه افزایش مبانی حقوق، دستمزد، مزایا، فوق العاده ها، هزینه ها و سایر پرداختیهای نقدی و غیر نقدی مستخدمین رسمی، ثابت، پیمانی و خرید خدمت در دستگاههای دارای مقررات استخدامی خاص مذکور در بند الف تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور تا تصویب و اجرای لایحه هماهنگ پرداخت در بخش عمومی ممنوع خواهد بود. لکن افزایشهای ناشی از حقوق و مزایای استحقاقی ناشی از اجرای مقررات استخدامی که به صورت موردی در خصوص مستخدمین با رعایت مقررات مندرج در آیین نامه استخدامی مورد عمل فعلی اعمال می گردد. (نظیر ترفیع و ارتقاء یا عناوین مشابه) مشمول این ممنوعیت نخواهد بود.

ماده ۱۳ - مستخدمینی که از کمک هزینه عائله مندی استفاده می نمایند مکلفند اطلاعات صحیح راجع به اشتغال همسران خود را بلافاصله پس از تغییر در اختیار دستگاه متبوع قرار دهند.

تبصره - احراز اشتغال یا عدم اشتغال همسران مشمولین تبصره ۴۳ و نیز احراز عهده‌دار بودن تکفل مخارج فرزندان در کلیه موارد به عهده دستگاه پرداخت‌کننده کمک هزینه عائله‌مندی خواهد بود.

ماده ۱۴ - دستگاههای دولتی مشمول بند «ه» تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور مکلفند در خصوص آن دسته از مستخدمین خود که متقاضی دریافت کالاهای اساسی هستند، اعتبارات مربوط به کمک هزینه عائله‌مندی این قبیل کارکنان خود را در دو نوبت اول اردیبهشت و آبان هر سال یکجا به حسابی که وزارت بازرگانی اعلام خواهد داشت واریز نمایند و همه ماهه کمک مزبور را به صورت بن در اختیار مشمولین این تبصره قرار دهند.

تبصره ۱ - وزارت بازرگانی مکلف است از محل اعتبارات این ماده و در اجرای ماده «۴» آیین‌نامه نحوه همکاری و کمک دولت به مؤسسات تعاونی مصرف، مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۳ هیئت وزیران کالاهای اساسی ردیف یک بند الف تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور را از طریق شرکتهای تعاونی مصرف کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، شرکتهای تعاونی سپه، فروشگاههای زنجیره‌ای قدس، شهر و روستا، سازمان اتکا و سایر فروشگاههای معتبر در اختیار مشمولین این ماده قرار دهد.

تبصره ۲ - آن دسته از مشمولین قانون استخدام کشوری نیروهای مسلح که مشمول این ماده می‌باشند، کالاهای اساسی را مطابق دستورالعملی که توسط وزارت دفاع تهیه و به واحدهای تابعه ابلاغ می‌نماید، از طریق شرکتهای تعاونی مصرف کارکنان نیروهای مسلح و فروشگاههای سازمان اتکا دریافت خواهند داشت.

ماده ۱۵ - دستگاههای دولتی مشمول ردیفهای ۱ و ۲ و ۳ بند «ه» تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور مکلفند در خصوص آن دسته از مستخدمین خود که صاحب منزل مسکونی شخصی نیستند و استفاده از تسهیلات وزارت مسکن و بانک مسکن را انتخاب نموده‌اند، همه ماهه اعتبارات مربوط به کمک هزینه عائله‌مندی این قبیل کارکنان خود را طبق آیین‌نامه مربوطه که وسیله وزارت مسکن پیشنهاد و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید به بانک مسکن واریز نمایند.

تبصره ۱ - آن دسته از مشمولین قانون نیروهای مسلح که مشمول این ماده می‌باشند، از طریق بانک سپه از تسهیلات فوق مطابق دستورالعملی که توسط وزارت دفاع تهیه و به واحدهای تابعه ابلاغ می‌شود استفاده خواهند نمود.

ماده ۱۶ - دستگاههای مشمول بند «ه» تبصره ۴۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور

مکلفند به منظور انتخاب روشهای مذکور در قسمتهای ۱ و ۲ و ۳ بند الف تبصره مذکور مفاد مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ این آیین نامه و آیین نامه موضوع ماده ۱۵ آن و بند الف تبصره ۳۳ را کتباً به اطلاع مستخدمین مشمول دریافت کمک هزینه عائله مندی برسانند.

نخست وزیر

آیین نامه اجرایی قانون اصلاح تبصره ۲ ماده واحده قانون اجازه پرداخت وظیفه و مستمری وراث کارمندان مصوب ۲۸ آذرماه ۱۳۳۸ و برقراری حقوق وظیفه در مورد فرزندان و نوادگان اناث^۱

(مصوب ۱۳۶۳/۴/۲)

ماده ۱- حقوق وظیفه و مستمری وراث ذکور موضوع تبصره ۲ ماده واحده قانون اجازه پرداخت وظیفه و مستمری کارمندان مصوب ۲۸ آذرماه ۱۳۳۸ از تاریخ ۱۳۶۳/۱۰/۲ در صورت داشتن ۲۰ سال تمام قطع خواهد شد مگر آنکه به موجب مدارک مثبت در یکی از دانشگاهها یا مؤسسات آموزش عالی رسمی داخل و خارج کشور مشغول تحصیل باشند که در این صورت حقوق وظیفه یا مستمری آنها تا پایان سن بیست و پنج سالگی قابل پرداخت خواهد بود.

تبصره - در مواردی که صحت مدارک اشتغال به تحصیل وراث موضوع این قانون مورد ابهام باشد و نیز در خصوص گواهی تحصیلات خارج از کشور، نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی مناط خواهد بود.

ماده ۲- به فرزندان و نوادگان اناث کلیه مستخدمین وزارتخانه ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و همچنین سازمانهای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و نیز مشمولین قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران و مشمولین قانون تأمین اجتماعی (در خصوص کارکنان دولت) که در تاریخ ۱۳۶۳/۱۰/۲ حقوق وظیفه دریافت می دارند در صورتی که شوهر نداشته و دارای حرفه و شغل نباشند حقوق وظیفه و مستمری سهم مذکور قابل پرداخت می باشد.

ماده ۳- حقوق وظیفه و مستمری سهم فرزندان و نوادگان اناث کلیه مستخدمین موضوع ماده ۳ این آیین نامه که مورث آنان بعد از ۱۳۶۳/۱۰/۲ فوت می نمایند و طبق مقررات

۱. به نقل از شماره ۱۱۷۵۳-۱۵/۴/۱۳۶۴ روزنامه رسمی

مربوط مستحق دریافت حقوق وظیفه یا مستمری می‌باشد. در صورتی که بعد از تاریخ فوت مورث شوهر نداشته باشند به شرط نداشتن حرفه و شغل قابل پرداخت می‌باشد.

ماده ۴- فرزندان و نوادگان آنان که طبق مقررات مربوط مستحق دریافت حقوق وظیفه یا مستمری بوده‌اند ولی سهم حقوق وظیفه یا مستمری آنان به علت رسیدن به سن مقرر قطع شده و یا برقرار نشده است چنانچه شوهر نداشته و دارای حرفه و شغل نباشند با رعایت مفاد این آیین‌نامه مشمول دریافت حقوق وظیفه یا مستمری خواهند بود.

ماده ۵- حرفه و شغل از نظر این آیین‌نامه انجام کار هر بخش دولتی یا اشتغال به یکی از حرف و مشاغل مشمول قانون تأمین اجتماعی می‌باشد.

ماده ۶- سهم حقوق وظیفه و مستمری هر یک از وراث وظیفه‌یبا مستمری بگیر مستخدمین وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و همچنین سازمانهای دولتی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مشمولین قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران و قانون تأمین اجتماعی (در خصوص کارکنان دولت) در صورتی که برای امرار معاش مناسب دارای تمکن مالی باشند و یا افرادی دیگر نفقه آنان را تأمین نمایند و همچنین دانشجویانی که برای ادامه تحصیل تمکن مالی داشته باشند، قابل پرداخت نخواهد بود.

ماده ۷- ادعای عدم تمکن مالی و عدم تأمین نفقه و نداشتن حرفه و شغل صرفاً با اعلام کتبی وظیفه یا مستمری بگیر پذیرفته خواهد شد. وزارتخانه‌ها و مؤسسات موضوع این آیین‌نامه مکلفند در اسرع وقت نسبت به اخذ اعلام کتبی مذکور اقدام و مراتب را ضمن درج در سوابق مربوط به صندوق حواله‌کننده وجه اطلاع دهند.

ماده ۸- (اصلاحی ۱۳۶۴/۹/۱۷)

احراز موارد خلاف به عهده هیئت سه نفره‌ای که به انتخاب رئیس صندوق پرداخت‌کننده حقوق وظیفه یا مستمری مشخص خواهند شد، می‌باشد و دستگاه متبوع مستخدم مکلف است همکاریهای لازم را در جهت شناسایی موارد خلاف با صندوق مربوط به عمل آورد.

ماده ۹- چنانچه سهم حقوق وظیفه یا مستمری هر یک از وراث به علت تمکن مالی یا تأمین نفقه یا دارا بودن شغل و حرفه برقرار نشده و یا قطع گردیده باشد و بار دیگر افراد مذکور شرایط لازم را برای دریافت حقوق موضوع این آیین‌نامه احراز کنند، این حقوق از تاریخ تقاضای مجدد با رعایت مقررات این آیین‌نامه قابل پرداخت خواهد بود.

ماده ۱۰- فرزندان و نوادگان انائی که بر اساس این آیین‌نامه مستحق دریافت حقوق وظیفه

یا مستمری می‌باشند باید ظرف مهلت شش ماه از تاریخ تصویب این آیین‌نامه به دستگاه متبوع مورث خود مراجعه و کتباً تقاضای دریافت حقوق وظیفه یا مستمری خود را بنمایند تا حقوق وظیفه یا مستمری آنان با رعایت مقررات این آیین‌نامه از تاریخ تصویب قانون (۱۳۶۳/۱۰/۲) برقرار گردد. در مورد کسانی که پس از تاریخ مراجعه می‌کنند، تاریخ برقراری حقوق مذکور، تاریخ مراجعه و تقاضای آنها خواهد بود.

ماده ۱۱- اصلاحات لازم در این آیین‌نامه به پیشنهاد سازمان امور اداری و استخدامی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تصویب‌نامه در مورد دریافت عیدی با استفاده از قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان^۱ (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۱)

بانوانی که از قانون راجع به خدمت نیمه‌وقت بانوان استفاده می‌نمایند مشروط به اینکه مجموع خدمت نیمه‌وقت آنان در طول یک سال حداقل معادل ۶ ماه خدمت تمام وقت باشد مشمول دریافت عیدی پایان سال موضوع مصوبه شماره ۹۰۵۳۰ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۸ هیئت وزیران قرار خواهند گرفت.

نخست وزیر

قانون اعطاء مرخصی بدون حقوق مستخدمین رسمی یا ثابت که همسر آنان به مأموریت ثابت خارج از کشور اعزام می‌شوند^۲

(مصوب ۱۳۶۶/۹/۱۹)

ماده واحده - مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری و شرکتهای دولتی مشمول مقررات استخدامی شرکتهای دولتی مصوب ۱۳۵۲/۳/۵ و اعضای هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، مستخدمین کادر نظامی و انتظامی نیروهای مسلح و کادر سیاسی وزارت امور خارجه و همچنین مستخدمین مؤسسات و شرکتهای دولتی که دارای مقررات استخدامی خاص می‌باشند و نیز نهادهای انقلاب اسلامی ایران و مؤسساتی که مشمول مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است و شهرداریها و بانکها و مؤسسات بیمه و به‌طور کلی مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و مؤسسات و شرکتهای تابعه یا وابسته به

۱. به نقل از شماره ۶۵/۱/۱۱-۱۱۹۶۹ روزنامه رسمی

۲. به نقل از شماره ۶۶/۱۰/۳-۱۲۴۷۷ روزنامه رسمی

مؤسسات فوق الذکر که همسر آنان به مأموریت خارج از کشور اعزام می شوند، می توانند بدون رعایت محدودیت زمانی تا پایان مدت مأموریت مذکور از مرخصی بدون حقوق استفاده نمایند.

موافقت با این مرخصی پس از اعلام دستگاه اعزام کننده مأمور و تعیین مدت مأموریت مستخدم به عمل خواهد آمد. مرخصی بدون حقوق موضوع این قانون حداکثر از شش سال تجاوز نخواهد کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

تصویب نامه راجع به مدت استفاده بانوان باردار از معذوریت^۱

(مصوب ۱۳۶۷/۳/۲۵)

مدت استفاده بانوان باردار (رسمی و پیمانی) از معذوریت با استفاده از حقوق و فوق العاده شغل و یا اجرت و فوق العاده مخصوص بعد از زایمان هر فرزند تا سه فرزند، سه ماه تعیین می گردد، برای زایمان فرزند چهارم به بعد به تشخیص پزشک معالج می توانند از مرخصی استعلاجی استفاده نمایند.^۲

نخست وزیر

از قانون کار^۳

(مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)

ماده ۷۵- انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با

۱. به نقل از شماره ۱۳۶۷/۴/۱۸-۱۲۶۳۰ روزنامه رسمی
۲. ماده (۳۱) آیین نامه مرخصیها مصوب ۴۶/۷/۲۲: «به جزء مستخدمان موضوع ماده (۲۶) این آیین نامه، حفظ پست سازمانی مستخدمی که از مرخصی استعلاجی استفاده می کند بیش از چهار ماه الزامی نیست»
ماده ۲۶ آیین نامه مرخصیها: «به بانوان باردار برای هر بار وضع حمل تا سه فرزند، سه ماه معذوریت و برای فرزند چهارم به بعد دو ماه معذوریت و برای وضع حمل دوقلو چهار ماه و برای وضع حمل دوقلو به بالا یک سال معذوریت با استفاده از حقوق و فوق العاده های مربوط داده می شود. معذوریت وضع حمل جزو مرخصی استعلاجی محسوب می شود و تشخیص تاریخ شروع آن بر عهده پزشک معالج است»
ماده ۲۵ آیین نامه استخدام پیمانی مصوب ۱۳۶۸/۶/۱۵ هیئت وزیران:
«مفاد قرارداد مستخدمین پیمانی که به موجب مقررات قبلی به خدمت اشتغال دارند تا خاتمه مدت یا فسخ آن از لحاظ پرداخت وجوه تعیین شده در قرارداد به قوت خود باقی است ولی تمدید یا انعقاد قرارداد جدید از هر لحاظ تابع مفاد این آیین نامه خواهد بود»
۳. به نقل از شماره ۱۳۶۹/۱۱/۲۸-۱۳۳۸۷ روزنامه رسمی

دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگران زن ممنوع است. دستورالعمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید.

ماده ۷۶- مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعاً ۹۰ روز است. حتی‌الامکان ۴۵ روز این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توأمان ۱۴ روز به مدت مرخصی اضافه می‌شود.

تبصره ۱- پس از پایان مرخصی زایمان، کارگران به کار سابق خود باز می‌گردند و این مدت با تأیید سازمان تأمین اجتماعی جزو سوابق خدمت وی محسوب می‌شود.

تبصره ۲- حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی پرداخت خواهد شد.

ماده ۷۷- در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی، بدون کسر حق‌السمی کار مناسبت‌تر و سبک‌تری به او ارجاع می‌نماید.

ماده ۷۸- در کارگاههایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیر دادن بدهد. این فرصت جزو ساعات کار آنان محسوب می‌شود و همچنین کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آنها مراکز مربوط به نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهد کودک و...) را ایجاد نماید.

تبصره - آیین‌نامه اجرایی، ضوابط تأسیس و اداره شیرخوارگاه و مهد کودک توسط سازمان بهزیستی کل کشور تهیه و پس از تصویب وزیر کار و امور اجتماعی به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

مبحث پنجم - شرایط کار نوجوانان

ماده ۷۹- به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است.

ماده ۸۰- کارگری که سنش بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده می‌شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایشهای پزشکی قرار گیرد.

ماده ۸۱- آزمایشهای پزشکی کارگر نوجوان، حداقل باید سالی یکبار تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده استخدامی وی ضبط گردد. پزشک درباره تناسب نوع کار با

توانایی کارگر نوجوان اظهار نظر می‌کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد.

ماده ۸۲- ساعات کار روزانه کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است. ترتیب استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد.

ماده ۸۳- ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است.

ماده ۸۴- در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

آیین‌نامه مربوط به حمل بار با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای

کارگران زن و نوجوانان

(مصوب ۱۳۲۰/۱۱/۱)

ماده ۱- منظور از حمل بار با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی در این آیین‌نامه عبارت از:

بلند کردن، پایین نهادن، حمل و جابجایی اشیاء و بار از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر توسط یک نفر و به وسیله دست و بدون بکارگیری هرگونه ابزار و وسایل مکانیکی می‌باشد.

ماده ۲- منظور از بار متعارف در این آیین‌نامه باری است که با توجه به شکل، اندازه، ابعاد، نوع و درجه حرارت آن کارگری که دارای شرایط جسمانی مناسب باشد بتواند آن را براحتی حمل نماید.

ماده ۳- حداکثر وزن مجاز برای حمل بار متعارف با دست و بدون استفاده از ابزار مکانیکی برای کارگر زن حدود ۲۰ کیلوگرم می‌باشد.

ماده ۴- حداکثر وزن مجاز برای حمل بار متعارف با دست و بدون استفاده از ابزار مکانیکی برای کارگر زن نوجوان حدود ۱۰ کیلوگرم می‌باشد.

ماده ۵- حداکثر وزن مجاز برای حمل بار متعارف با دست و بدون استفاده از ابزار مکانیکی برای کارگر مرد نوجوان حدود ۲۰ کیلوگرم می‌باشد.

ماده ۶- کارفرما مکلف است نحوه صحیح بلند کردن بار، جابجایی و حمل آن را به

کارگران آموزش دهد.

ماده ۷- حمل بار و جابجایی بار موضوع مواد ۳ و ۴ این آیین نامه برای زنان در طول مدت بارداری و همچنین ده هفته پس از زایمان ممنوع می باشد.

این آیین نامه به استناد مواد ۷۵ و ۸۳ قانون کار مشتمل بر ۷ ماده در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۵ از طرف شورای عالی کار پیشنهاد و در تاریخ ۱۳۷۰/۱/۱۱ به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسید.

سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران

(مصوب دویست و هشتاد و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با الهام از حرکت پیامبر عظیم الشان اسلام و پیروی از رهنمودهای رهبر فقید انقلاب امام خمینی (قدس سره) برقراری قسط و عدالت اجتماعی و استقرار احکام متعالی اسلام را سرلوحه امور خود قرار داد و طی سالهای پس از پیروزی همواره تلاش مسئولان نظام بر این بوده تا با ایجاد شرایط و زمینه های مطلوب، اصلاحات لازم درباره مناسبات فردی و اجتماعی به عمل آید.

از این رهگذر زنان جامعه که در نظام گذشته متحمل بیشترین صدمات شده و به بهانه آزادی از بسیاری حقوق اسلامی و انسانی خود محروم شده بود این امکان را یافت که فارغ از دیدگاههای متحجرانه پوسیده و مبتذل غربزده از سرچشمه اسلام ناب محمدی (ص) سیراب شود و در جایگاه و منزلت واقعی خود قرار گیرد و همچون صدر اسلام به مثابه نیمی مؤثر از پیکره اجتماع به وظایف و تکالیف الهی خود قیام کند و لذا زن مسلمان ایرانی امروز از یکسو با ایمان کامل به وظیفه اش به عنوان محور اصلی در خانواده و به لحاظ نقش عظیمی که در تربیت و پرورش انسانهای متعالی به عهده دارد شایسته زیباترین ستایشها است و از دیگر سو به برکت تسهیلات و امکانات و شرایط مناسب اجتماعی زن ایران در صحنه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به فعالیت اشتغال دارد و با ایثار و تحمل مشکلات در رشد فرهنگی جامعه، افزایش تولیدات اقتصادی و ارائه خدمات بهداشتی و... نقشی مؤثر و ارزشمند ایفاء می کند و چنانچه اتخاذ سیاستهای فرهنگی مناسب و حمایت های لازم قانونی از این مشارکت ایثارگرانه وی صورت پذیرد قادر خواهد بود با ایفای کامل نقش مادری و انجام وظیفه صیانت از خانواده سلامت معنوی و آینده روشن جامعه را تضمین کند

و در کنار آن در رفع نیازهای خود و جامعه‌اش بیش از پیش مؤثر واقع شود. ضمن تأکید مجدد بر نقش زن در خانواده به عنوان شغل اصلی و ضرورت اشتغال مفید و مؤثر وی در این نهاد مقدس سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران بدین شرح می‌باشد:

ماده ۱- با توجه به قداست مقام مادری و تربیت نسل آینده و مدیریت خانه و با عنایت به اهمیت نقش زنان در فرآیند رشد فرهنگی و توسعه اقتصادی باید ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کار آنان در خانه در نظر گرفته شود.

ماده ۲- اشتغال بانوان در مشاغل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و اداری از جمله شرایط و لوازم تحقق عدالت اجتماعی و تعالی جامعه است و باید به آن وقع لازم گذاشته شود.

ماده ۳- همکاری و تعاون اعضای خانواده با یکدیگر برای اداره مطلوب امور خانه و به منظور ایفای هر چه بهتر مسئولیتهای اجتماعی ضروری است.

ماده ۴- شرایط و محیط کار اجتماعی بانوان باید به گونه‌ای مهیا شود که زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان فراهم شود و به دیانت، شخصیت، منزلت و سلامتی فکری و روحی و جسمی آنان لطمه‌ای وارد نیاید.

ماده ۵- با توجه به نقش زنان در پیشرفت اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان نیمی از جمعیت، باید تسهیلات لازم برای اشتغال آنان از سوی دستگاههای اجرایی فراهم آید و برنامه‌ریزیهای مناسب حسب اولویت صورت گیرد و به علاوه قوانین و امکانات فوق‌العاده‌ای نیز برای اشتغال زنان تا سرحد رفع نیاز در ردیفهای الف و ب مشاغل در نظر گرفته شود و در خصوص ردیف ج، زنان نیز مانند مردان قادر باشند بدون تبعیض شغل مطلوب خود را بدست آورند.

الف) مشاغلی که پرداختن بدان از سوی زنان مطلوب شارع است مانند مامایی و رشته‌هایی از پزشکی و تدریس.

ب) مشاغلی که با ویژگیهای بانوان از لحاظ روحی و جسمی متناسب است، مانند علوم آزمایشگاهی، مهندسی الکترونیک، داروسازی، مددکاری، مترجمی.

ج) مشاغلی که هیچ‌گونه مزیت و برتری در آن برای شاغلان زن و مرد وجود ندارد و یا انتخاب آن به صورت طبیعی صورت می‌گیرد و ملاک آن تخصص و تجربه است نه جنسیت (کارگری ساده در سایر رشته‌های فنی و خدماتی).

د) مشاغلی که یا به دلیل منع شرعی یا شرایط خشن کار و یا به دلیل ارزشهای اعتقادی

(فرهنگی و اجتماعی) برای بانوان نامناسب است مانند قضا و آتش نشانی.

ماده ۶- تشویق بانوان تحصیلکرده و متخصص با تجربه به احراز سمتهای مدیریت و مشاغل ستادی، به منظور امکان استفاده از کارآیی آنها در سطوح عالی اجرایی.

ماده ۷- با توجه به اینکه نیروهای متخصص و تحصیلکرده در هر جامعه‌ای ارزشمندترین سرمایه‌های آن بشمار می‌آید و برای آموزش و تربیت علمی آنان سرمایه‌گذاری هنگفت صورت گرفته است باید:

اولاً: انتخاب صحیح و تحصیل در رشته‌های متناسب با اشتغال بانوان هر چه کامل‌تر امکان‌پذیر شود.

ثانیاً: تسهیلات لازم برای استفاده از تواناییهای زنان کارشناس، متخصص و تحصیلکرده فراهم آید به گونه‌ای که اهتمام آنان به ایفای نقش خود در خانواده و شرایط زندگی، منجر به کناره‌گیری از فعالیت اجتماعی نشود.

ماده ۸- دستگاههای تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی باید بر اساس سیاستهای مصوب در زمینه اشتغال زنان، به گونه‌ای تبلیغ کنند که به هیچ وجه هموارکننده پیشرفت هجوم شرق و غرب به ارزشهای اعتقادی و اسلامی ما نباشد و در عین حال زمینه‌ساز جذب زنان در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی، خدماتی و تولیدی و اصلاح بینش جامعه نسبت به اشتغال آنان و ضرورت حضور زنان در مرحله رشد و دوران سازندگی کشور باشد.

ماده ۹- در تعیین ارزش کار در شرایط مساوی، دست کم حق الزحمه و مزایای مساوی منظور شود.

ماده ۱۰- با توجه به اهمیتی که نظام جمهوری اسلامی ایران به استحکام بنیان خانواده و نقش تربیتی و سازنده زنان در خانه قائل است، مقررات و تسهیلات لازم، به مناسبت «شغل مادرانه» در نظر گرفته شود، از قبیل استفاده از مرخصی با حقوق، تقلیل ساعت کار، مزایای بازنشستگی با سنوات کمتر خدمت، امنیت شغلی، برخورداری از تأمین اجتماعی در مواقع بیکاری، بیماری، پیری یا ناتوانی از کار.

ماده ۱۱- امکانات آموزشهای فنی و حرفه‌ای و فرصتهای شغلی مناسب با اولویت برای قشر محروم بانوان نان‌آور خانواده خود، فراهم آید.

ماده ۱۲- فرصتهای شغلی مناسب برای مادران خانه‌دار در محیط خانه و در کنار فرزندان، بدون محدودیت وقت و با منظور کردن مزد در قبال کار و تسهیلات تعاونی، ایجاد شود.

ماده ۱۳- سازمان امور اداری و استخدامی کشور و نیز وزارت کار و امور اجتماعی

موظفند با همکاری شورای فرهنگی و اجتماعی زنان نسبت به تهیه آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های اجرایی این سیاستها اقدام کنند و در تهیه و ابلاغ آیین‌نامه و بخشنامه‌های آینده خود و اصلاح مصوبات و ابلاغیه‌های قبلی مفاد این سیاستها را مورد توجه قرار دهند و نتیجه را به اطلاع شورای عالی انقلاب فرهنگی برسانند.

تصویب اجرای طرح «بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر»

پیشنهادی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان

(مصوب دویست و هفتاد و سومین جلسه مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

«طرح بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر»

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل (قدس سره) پس از تخریب بنیانی نظام ستمشاهی و برچیدن نهادهای استکبار و استعمار اقدام به ساختن جامعه‌ای مبنی بر اصول و ارزشهای اسلام ناب محمدی (ص) نمود، جامعه‌ای که در آن دستاورد هر کس حاصل تلاش و کارش باشد و روابط انسانی در میادین کار و تولید جریان داشته باشد و مستضعفین فرهنگی - فکری و اقتصادی حمایت شوند و امکان لازم جهت رشد و اعتلای مادی و معنوی در اختیارشان قرار گیرد. از دیگر سو شرایط خاص پس از انقلاب و جنگ و فشارهای اقتصادی وارده به خانواده‌ها، ایجاب می‌کند که زنان با اشتغال در بخشهای صنعت، کشاورزی، خدمات و... حضوری بیش از پیش داشته باشند و تمام یا بخشی از درآمد خانواده را تأمین کنند که این مسئله نیز بخودی خود مشکلات فرهنگی - اجتماعی از قبیل برهم خوردن نظام خانواده، عدم تربیت صحیح فرزندان، ایجاد تنشهای متفاوت در محیط کار، بیماری و ناراحتیهای جسمانی ناشی از کار در منزل و خارج از منزل و عدم احقاق حقوق کامل در بسیاری از موارد را به وجود آورده و توان کمی و کیفی زنان شاغل را کاهش داده است لذاست که شورای فرهنگی و اجتماعی زنان بر این باور است که می‌بایست جهت استضعاف‌زدایی فرهنگی و اقتصادی و بالا بردن قدرت خلاقیت و ابتکار و افزایش میزان کمی و کیفی تولیدات که لازمه توسعه و در نهایت استقلال اقتصادی می‌باشد با بررسی سیستماتیک و علمی مسائل و مشکلات کارگران زن را شناسایی نمود تا با شناخت علمی و صحیح موضوع با قدرت و توان افزونتری به میدان عمل آمده و جهت تقلیل و رفع آنان برنامه‌ریزیهای لازم را به عمل آورد.

بر این اساس تحقیق و بررسی پیرامون مشکلات فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی کارگران زن به صورت پهنانگر یا گسترده پیشنهاد می‌شود. بدان امید که نتایج حاصله بتواند در نظام مقدس اسلامی جهت یک برنامه‌ریزی دقیق و موفق مورد استفاده قرار گیرد.

ان شاء الله

سابقه تاریخی موضوع

در سالهای پس از انقلاب اسلامی تحقیق و مطالعه خاصی در زمینه مسائل و مشکلات زنان کارگر به طور خاص صورت پذیرفت، لکن با توجه به اینکه کارگران زن همیشه در طول تاریخ به عنوان یک نیروی فعال و اساسی نقش مهمی در تولیدات ایفا نموده‌اند طبیعی است که بسیاری از دست‌اندرکاران و متفکران، اعم از داخلی و خارجی در این زمینه به تحقیق و بررسیهای متعددی پرداخته و سپس نتایج حاصله را به رشته تحریر در آورده‌اند که می‌توان در جریان این تحقیق با توجه به وجود اشتراک و افتراق از این نتایج استفاده کرده و ضمن الهام گرفتن از آن مطالب، در جریان تحقیق تسریع لازم را به عمل آورد.

امید آنکه این گونه تحقیقات بتواند راه را جهت تحقیقها و در نتیجه برنامه‌ریزیهای دقیقتر در آینده هموارتر سازد.

اهمیت موضوع مورد بررسی

این واقعیت را باید مد نظر داشت که زنان نیمی از منابع انسانی جامعه را تشکیل می‌دهند و تجهیز و رسیدگی به مشکلات عدیده آنها نه تنها باعث بکارگرفتن صحیح و مطلوب آنها در نیل به اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد بلکه باعث ارتقاء سطح فرهنگ، رفاه و آسایش خانواده‌هایشان شده و زن مسلمان به عنوان یک عنصر توانمند در عین تلاش جهت نیل به توسعه و خودکفایی جامعه وظیفه اساسی و مهم خویش را به عنوان مربی جهت تربیت فرزندان که آینده‌سازان و امیدهای جامعه اسلامی هستند معمول خواهد نمود.

مضافاً اینکه در حال حاضر ضرورت و اهمیت بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر در بسیاری از جوامع صنعتی در حال توسعه مطرح بوده و تلاشهایی نیز در جهت رفع این مسائل صورت گرفته است که کافی نبوده و مشکلات بیشماری هنوز در اکثر قریب به اتفاق این جوامع موجود بوده و گریبانگیر زنان زحمتکش کشورهای جهان سوم و در حال توسعه می‌باشد.

در این راستا جا دارد تا نظام جمهوری اسلامی ایران که خود را محقرترین حامی و مدافع

حقوق زن در دنیا قلمداد می‌کند با تحقیق و بررسی در این زمینه راه را جهت برنامه‌ریزی دقیق و اساسی به منظور تقلیل مشکلات هموار سازد و به این وظیفه اسلامی و انسانی خویش جامه عمل بپوشاند.

هدف از بررسی

با عنایت به این مطلب که زنان از یک سو پاسداری از حریم خانواده و وظیفه سنگین تربیت نسل جدید را بر عهده دارند و از طرفی ضرورت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه مشارکت فعال ایشان را در امور خارج از منزل الزامی می‌ساخته است و این دو ضرورت همزمان مسائل و مشکلاتی را برای زنان بخصوص زنان کارگر فراهم آورده بنابراین بی‌توجهی و یا کم‌توجهی بدانها می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را نسبت به نهاد مقدس خانواده به بار آورد، لذا شورای فرهنگی و اجتماعی زنان با توجه به رسالت عظیمی که در ارتباط با وظایف محوله خود در جهت شناخت مسائل و مشکلات زنان شاغل و سعی در رفع آنها و همچنین حفظ و صیانت نیروی انسانی که بر عهده دارد توجه خود را به این امر معطوف داشته تا گامی در راه شناسایی و کاهش مشکلات زنان کارگر برداشته و با تقلیل و از میان بردن آنها، نقش خود را در رساندن جامعه به اهداف ارزشهای عالیه نظام جمهوری اسلامی و حصول به خودکفایی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا نماید.

۱. شناسایی و دستیابی به مسائل و مشکلات فرهنگی - اجتماعی زنان کارگر در ارتباط با محیط کار و اجتماع.

۲. شناسایی و دستیابی به مسائل و مشکلات حقوقی، صنفی، رفاهی و بهداشت جسمانی و روانی زنان کارگر در ارتباط با محیط کار.

۳. شناسایی و دستیابی به مسائل و مشکلات زنان کارگر در ارتباط با خانواده و تربیت فرزندان.

کیفیت اجراء و نظارت

وزارت کار و امور اجتماعی با نظارت کامل شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و با توجه به تواناییهای بالقوه در خصوص برنامه‌ریزی و اجراء طرح بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر را به مرحله اجرا در خواهد آورد. لازم به ذکر است که کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانها در صورت اعلام نیاز وزارت کار و امور اجتماعی همکاری و هماهنگیهای لازم را به عمل خواهند آورد.

روش تحقیق و فنون گردآوری اطلاعات

تحقیق در زمینه بررسی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کارگران زن از طریق یک تحقیق وسیع و پهنانگر صورت می‌گیرد. در این روش فنون گردآوری اطلاعات استفاده از پرسشنامه همراه مصاحبه خواهد بود.

جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در این بررسی کلیه کارگران زن کارخانه‌ها و کارگاه‌ها در سطح ایران که بیشتر از ۱۰ نفر کارگر دارند خواهند بود که متوسط تعداد آنها بر مبنای سرشماری اداره نیروی انسانی در سال ۱۳۶۴، ۳۰/۰۶۸ نفر می‌باشد.

نمونه

به منظور صرفه‌جویی در زمان و هزینه، به جای بررسی همه جانبه جامعه آماری بخشی از آن که مصرف کل جامعه باشد با استفاده از شیوه‌های خاص علمی انتخاب می‌شوند و این نمونه انتخابی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نتایج بدست آمده از این بررسی با ضریب خطای کمتر از ۵۰٪ به جامعه مورد بررسی تعمیم داده می‌شود.

لازم به توضیح است که در صورتی که بخواهیم کل جامعه آماری را مورد بررسی قرار دهیم به غیر از زمان و هزینه فراوانی که در بردارد ممکن است نتایج حاصله از خطای بالاتری نسبت به نمونه برخوردار باشد. لذا در این تحقیق حجم نمونه حداکثر ۵۰۰ نفر در نظر گرفته می‌شود و امکان تغییر آن وجود دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مرحله کلیه فرضیات تحقیق و اطلاعات جانبی دیگر حاصله از کامپیوتر با توجه به میزان همبستگی که با استفاده از روشهای ویژه آماری (اسمی یا تربیتی) استنتاج شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا با سنجش میزانهای فوق سلسله مراتب مشکلات کارگران زن در این تحقیق هویدا شود.

ارائه گزارش نهایی

بعد از استخراج مطالب از کامپیوتر و تجزیه و تحلیل جداول یک و دو بعدی و مشخص شدن سلسله مراتب مشکلات اساسی کارگران زن، در این مرحله با استفاده از مطالب فوق ضمن

نتیجه گیری از تحقیق به گزارش نهایی و ارائه پیشنهادات لازم در خصوص موارد مذکور به منظور حل مشکلات این گروه زحمتکش و مولد ارائه خواهد شد تا در نهایت پس از برنامه ریزیهای دقیق در حل مشکلات آنان گامهای مؤثری در جهت ازدیاد تولید که شکوفایی اقتصادی را به دنبال دارد برداشته شود.

جدول بودجه بندی - زمان بندی و تعیین تعداد محقق

موضوعات	تعداد محقق و استاد	هزینه به تومان محقق + استاد
اشراف به موضوع تحقیق	۲	۲۰۰۰۰
تعیین چارچوب تئوریک	۳	۲۰۰۰۰ + $\frac{1}{2}$
	۴۰۰۰۰ = ۲۰۰۰۰	
تعیین نمونه	۳	۲۰۰۰۰ + $\frac{1}{2}$
	۴۰۰۰۰ = ۲۰۰۰۰	
سابقه تاریخی موضوع	۲	۲۰۰۰۰
تدوین فرضیه و پرسشنامه مقدماتی	۳	۳۰۰۰۰ + $1\frac{1}{2}$
		۶۰۰۰۰ = ۳۰۰۰۰
تست مقدماتی پرسشنامه و تهیه		
پرسشنامه نهایی	۳	۴۰۰۰۰
نظارت بر اجرای پرسشنامه	۵	۵۰۰۰۰ -
هزینه مأموریت به استانها	۵	۱۰۰۰۰۰
استخراج پرسشنامه با کامپیوتر	۵	۲۵۰۰۰۰
تجزیه و تحلیل داده ها	۵	۶۰۰۰۰
تهیه گزارش نهایی	۵	۶۰۰۰۰
هزینه کاغذ لوازم التحریر و		
تکثیر پرسشنامه	۲	۱۰۰۰۰ +
		۷۰۰۰۰ = ۶۰۰۰۰
آموزش پرسشگران	۴	۲۰۰۰۰ + $\frac{1}{2}$
		۵۰۰۰۰ = ۳۰۰۰۰
هزینه مدیریت امور تحقیقات	-	۶۵۰۰۰
سایر هزینه های پیش بینی نشده	-	۱۰۰۰۰
جمع	۴۷	۹۳۵۰۰۰
		$12\frac{1}{2}$

تصویب نامه راجع به عیدی کارکنان مجرد اعم از زن یا مرد که سرپرستی خانواده را بر عهده داشته باشند^۱

(مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱۸)

عیدی کارکنان مجرد مشمول تصویب نامه پرداخت عیدی به کارکنان دولت موضوع تصویب نامه شماره ۶۶۵۹۱/ت ۳۱۰ مورخ (۱۳۷۲/۱۱/۱۹) اعم از زن یا مرد مشروط به آنکه سرپرستی خانواده را بر عهده داشته باشند مطابق کارکنان متأهل خواهد بود.^۲

معاون اول رئیس جمهور

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به بند (۱) ماده (۸۱) قانون تأمین اجتماعی^۳

(مصوب ۱۳۷۵/۴/۶)

ماده ۱- همسران بیمه شدگان متوفی که مجدداً ازدواج نداده اند و به تبع آن مستمری آنها قطع شده است، از تاریخ فوت شوهر دوم مجدداً و با رعایت مقررات مربوط از مستمری یاد شده برخوردار می شوند.

تبصره - مستمری آن دسته از همسران بیمه شدگان متوفی که مشمول قانون تأمین اجتماعی بوده و شوهر دوم آنها قبل از تاریخ اجرای این قانون فوت کرده است، در صورتی که شوهر دایم دیگری اختیار نکرده باشند، از تاریخ مراجعه و ارایه درخواست کتبی پرداخت می شود.^۴

ماده ۲- مستمری موضوع این آیین نامه شامل فوت همسر سوم و بعد از آن نمی شود. ملاک تشخیص و شناسایی شوهر دوم و فوت او مدارک رسمی مثبت است.

ماده ۳- بار مالی ناشی از اجرای این قانون صرفاً از محل سه درصد (۳٪) حق بیمه سهم

۱. به نقل از شماره ۱۴۲۹۵-۱۳۷۳/۱/۱۶ روزنامه رسمی

۲. بند ۴ تصویب نامه مورخ ۱۳۷۲/۱/۱۹ هیئت وزیران بیان می دارد:

«خدمت نیمه وقت بانوان از لحاظ اجرای این تصویب نامه تمام وقت محسوب می شود لیکن در محاسبه پاداش (عیدی) حقوق و فوق العاده شغل خدمت نیمه وقت آنان به تناسب مدت خدمت نیمه وقت در سال ۱۳۷۲ ملاک محاسبه قرار می گیرد.»

۳. به نقل از شماره ۱۴۹۵۶-۱۳۷۵/۴/۲۰ روزنامه رسمی

۴. ماده ۸۱ قانون تأمین اجتماعی: بازماندگان واجد شرایط متوفی که استحقاق دریافت مستمری خواهند داشت عبارتند از:

۱- عیال دائم بیمه شده متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده است.

دولت تأمین می‌شود و سازمان برنامه و بودجه موظف است حق بیمه‌های سهم دولت را همه ساله و به طور علی‌الحساب در بودجه کل کشور منظور و به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز کند.

معاون اول رئیس جمهور

از لایحه قانونی خدمت نیروی انسانی درمانی و بهداشتی^۱

(مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۴)

ماده ۱- به منظور استفاده کامل از وجود نیروی انسانی در امر بهداشت و درمان از تاریخ تصویب این قانون، کلیه افراد ایرانی فوق دیپلمه و بالاتر که در سال ۱۳۵۸ و بعد از آن، در داخل و یا خارج کشور فارغ التحصیل می‌شوند و به اعتبار مدرک تحصیلی یا تخصص خود، در عداد ارائه‌کنندگان خدمات درمانی و بهداشتی قرار می‌گیرند و خدمت آنان مورد احتیاج وزارت بهداشتی و بهزیستی اعلام می‌شود مکلفند مدت سه سال در مناطق محروم و نیازمند کشور خدمت کنند.

تبصره ۲- فارغ التحصیلان اثاث مشمول، با کسر مدت قانونی خدمت زیر پرچم ملزم به انجام خدمت موضوع این قانون خواهند بود. زنان شوهردار از شمول این قانون مستثنی هستند مگر آن که خود، داوطلب انجام خدمت موضوع این قانون باشند.

از قانون شمول قانون خدمت نیروی انسانی، درمانی و بهداشتی

مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۴ شورای انقلاب و اصلاحات بعدی به

فارغ التحصیلان رشته دامپزشکی^۲

(مصوب ۱۳۶۴/۳/۲۸)

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، فارغ التحصیلان رشته دامپزشکی نیز مشمول مقررات لایحه قانونی خدمت نیروی انسانی، درمان و بهداشتی مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۴ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن و اصلاحات آنها خواهند بود. وزارت کشاورزی و سازمانهای تابعه در این مورد عهده‌دار کلیه وظایف و اختیاراتی است که وزارت بهداشتی به شرح قانون مذکور و آیین‌نامه‌های اجرایی آن به عهده داشته و

۱. به نقل از شماره ۱۳۵۸/۱۱/۲۰-۱۰۱۸ روزنامه رسمی

۲. به نقل از شماره ۱۳۶۴/۴/۳۱-۱۱۷۶۶ روزنامه رسمی

اعمال می‌نماید.

تبصره ۴ (الحاقی ۱۰/۶/۱۳۷۱)

خانم‌های فارغ‌التحصیل دامپزشک و سایر رشته‌های دامپزشکی از شمول مفاد این قانون مستثنی بوده و می‌توانند با رعایت سایر مقررات جاریه به استخدام دستگاههای اجرایی درآیند.

پیشکش به خبرستان
www.tabarestan.info

از قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران

(مصوب ۱۳۶۶/۷/۷)

ماده ۳۲- ارتش می‌تواند فقط برای مشاغل درمانی و بهداشتی زنان را استخدام نماید. نقل و انتقالات زنان باید حتی الامکان تابع شرایط خدمتی همسران آنان باشد.
ماده ۲۰۴-

...

تبصره ۲- شهربانی می‌تواند علاوه بر موارد مذکور در ماده ۳۲ این قانون برای مشاغل دیگری که منحصرأ پرسنل زن باید بر عهده گیرند زنان را به صورت کارمند استخدام نماید.

از قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی^۲

(مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱)

ماده ۲۰- سپاه برای مشاغلی که مستلزم بکارگیری زنان باشد آنان را استخدام می‌نماید. تغییر محل خدمت زنان باید حتی الامکان تابع شرایط خدمتی همسران آنان باشد.

از قانون الحاق پنج تبصره به قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری

(مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۱۸)

تبصره ۵ (اصلاحی ۱۳۷۴/۱/۲۹)^۳

رئیس قوه قضاییه می‌تواند بانوانی را هم که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری

۱. به نقل از شماره ۱۳۶۶/۸/۲۱-۱۲۴۴۱ روزنامه رسمی

۲. به نقل از شماره ۱۳۶۰/۸/۲۷-۱۳۷۰/۸/۲۷ روزنامه رسمی

۳. این تبصره به موجب "قانون اصلاح تبصره ۵ قانون الحاق پنج تبصره به قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری" مصوب ۱۳۷۴/۱/۲۹ مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۳۷۴/۲/۲۷-۱۴۶۲۱ اصلاح گردیده است.

مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ می‌باشند با پایه قضایی جهت تصدی پستهای مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، قاضی تحقیق و دفاتر مطالعات حقوقی و تدوین قوانین دادگستری و اداره سرپرستی صغار و مستشاری اداره حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست قضایی هستند، استخدام نماید.

از قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران^۱

(مصوب ۱۳۷۲/۲/۲۷)

ماده ۲۰- نیروی انتظامی می‌تواند صرفاً برای انجام مشاغلی که مستلزم بکارگیری زنان باشد نسبت به استخدام آنان به صورت کارمند اقدام نماید. نقل و انتقالات زنان باید حتی‌الامکان تابع شرایط خدمتی همسران آنان باشد.

تبصره - در مشاغلی که صرفاً مستلزم بکارگیری زنان باشد مانند آزمون راهنمایی و رانندگی و بازرسی زنان و صدور گذرنامه برای بانوان و مبارزه با مفاسد اجتماعی در خصوص جرائم زنان و اداره زندان نسوان، نیروی انتظامی می‌تواند از زنان با آموزشهای مورد نیاز استخدام نماید و زنان در مشاغل مذکور و هر شغلی که خاص پرسنل انتظامی است در صورت لزوم به عنوان کارمند خدمت خواهند کرد.

ماده ۴۳- دوره آموزش کارمندی.

کلیه کارمندان اعم از کادر ثابت و پیمانی در بدو خدمت باید دوره‌های آموزشی ذیل را طی نمایند:

الف - دوره انتظامی: شامل آموزش مقدماتی نظامی و انتظامی، آشنایی با قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها و وضعیت خدمتی نیروی انتظامی است. مدت این دوره برای پرسنلی که خدمت دوره ضرورت را طی نموده‌اند حداقل یک ماه و برای کسانی که خدمت ضرورت را طی ننموده‌اند حداقل سه ماه در مراکز آموزش عمومی می‌باشد.

ب - آموزش تخصصی: صرفاً برای کارمندان موضوع بند الف ماده ۱۹ این قانون که دارای مدرک پایان دوره متوسطه باشند بنابر نوع رشته مربوطه حداکثر به مدت شش ماه ارائه می‌گردد.

تبصره - نیروی انتظامی مکلف است به منظور آموزش کارمندان زن در تخصصهای مورد

نیاز، مراکز آموزش مناسب ایجاد و برنامه‌های آموزشی متناسب برای آنان تدوین و اجرا نماید.

ماده ۸۸ - «مرخصی» وضع پرسنلی است که به مدت معین و به‌طور مجاز، به یکی از صور زیر در محل خدمت حضور نداشته باشند:

ب - مرخصی استعلاجی - پرسنلی که به علت بیماری قادر به خدمت نمی‌باشند می‌توانند با تجویز مراجع درمانی ذیربط حداکثر تا ۴ ماه در سال با حقوق و مزایا از این مرخصی استفاده نمایند.

تبصره - پرسنل زن از نظر مرخصی دوران بارداری مشمول قانون استخدام کشوری می‌باشند.

ماده ۱۰۶ -

...

تبصره ۲ - پرسنلی که دارای حداقل ۲۵ سال سابقه خدمت باشند می‌توانند شخصاً تقاضای بازنشستگی نمایند، قبول یا رد تقاضای آنان موکول به نظر نیروی انتظامی می‌باشد و صرف تقاضای بازنشستگی رافع مسئولیتهای محوله نخواهد بود. این مدت برای زنان ۲۰ سال می‌باشد.

ماده ۱۴۱ - کمک هزینه عائله مندی تحت تکفل پرسنل شاغل، بازنشسته، جانباز و معلول مشمول این قانون طبق ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی تعیین و پرداخت خواهد شد.

تبصره ۱ - عائله تحت تکفل پرسنل مجرد مشمول این قانون از مزایای بند ۱ ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت بهره‌مند خواهند شد.

تبصره ۲ - پرسنل نسوان مشمول این قانون که دارای همسر از کار افتاده باشند که تحت تکفل آنان هستند، از کمک هزینه عائله مندی موضوع ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی برخوردار می‌گردند.

بخش پنجم

امور خانواده

تصویب نامه راجع به وظایف دستگاههای اجرایی ذیربط در خصوص اعمال سیاست تحدید موالید

(مصوب ۱۳۶۹/۶/۴)

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۶/۴ با توجه به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و براساس جزء (۱ - ۱) بند «ج» قسمت یکم پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸، وظایف دستگاههای اجرایی ذیربط در خصوص اعمال سیاست تحدید موالید را به شرح ذیل تصویب نمود:

۱. وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی:

- تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دادن (۲۴) درصد از زنان و مادران واقع در سنین بالقوه باروری با اولویت دادن به آن قسمت از نواحی و مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور که از باروری ناخواسته زیانهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دیده‌اند.

- کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان.

۲. وظایف وزارت آموزش و پرورش:

- بالا بردن سطح سواد در کلیه اقشار جامعه بویژه آموزش بزرگسالان تا سی سال.
- بالا بردن ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم مخصوصاً در نقاط روستایی.
- تدوین متون آموزشی برای بالا بردن سطح آگاهی دانش‌آموزان دبیرستانی (بویژه دختران) نسبت به زیانهای باروری بالا در کشور.

۳. وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران:

- بالا بردن آگاهی جامعه در مورد اهمیت و ضرورت کنترل نرخ رشد جمعیت و مضرات

جمعیت زیاد در دو سطح جامعه و خانواده.
- ایجاد انگیزه‌های لازم در جامعه به منظور مشارکت بیشتر زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی در دو سطح جامعه و خانواده.
۴. وظایف وزارت فرهنگ و آموزش عالی:
- افزایش سهمیه دانشجویان زن در رشته‌های دبیری بویژه با تعهد خدمت در نقاط محروم.

- گنجاندن درس جمعیت شناسی در برنامه‌ریزی درسی اکثر رشته‌های دانشگاهی.
- انجام فعالیتهای پژوهشی و تحقیقاتی در زمینه چگونگی کنترل نرخ رشد جمعیت.
۵. وظیفه وزارت کار و امور اجتماعی:
- بالا بردن میزان اشتغال زنان.
۶. وظایف سازمان ثبت احوال کشور:
- ایجاد امکانات لازم برای ثبت کامل تغییرات جمعیتی (تولد و مرگ) در سطح کشور.
- ارائه آمار دقیق تغییرات جمعیتی کشور به صورت سه ماهه، شش ماهه و یکساله.
به منظور پیگیری، نظارت و ایجاد هماهنگی در اجرای سیاستهای کنترل نرخ رشد جمعیت کمیسیونی به ریاست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و عضویت وزرا و رؤسای هر یک از وزارتخانه‌ها و سازمانهای فوق‌الذکر و رئیس سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌گردد. این کمیسیون موظف است گزارش اقدامات انجام یافته توسط هر یک از وزارتخانه‌ها و سازمانهای مذکور در این تصویب‌نامه و نتیجه بررسیهای به عمل آمده در زمینه‌های زیر را به هیئت وزیران ارائه نماید.

الف) ضرورت تشکیل شورای عالی، وظایف و اعضای آن.
ب) بررسی پیشنهاد‌های ارائه شده در مورد اصلاح قوانین و مقررات مشوق و بازدارنده.
ج) بررسی سایر مسائل مربوط به کنترل نرخ رشد جمعیت.
معاون اول رئیس جمهور

از تصویب‌نامه راجع به اصلاح مقررات امتیازات به تعداد عائله و فرزندان^۱

(مصوب ۱۳۷۰/۲/۸)

مقررات مصوب دولت در مورد پیش‌بینی امتیازات براساس تعداد عائله و فرزندان صرفاً در

مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از ابلاغ این تصویب نامه متولد می شوند به شرح زیر اصلاح می گردد و فرزندانی که تا تاریخ مزبور متولد می شوند کماکان از امتیازات مقرر شده برخوردار می باشند.

کلیه دستگاهها، نهادها و سازمانهای دولتی مکلفند با رعایت مفاد این تصویب نامه، مقررات و بخشنامه های داخلی خود را به نحوی اصلاح نمایند تا امتیازات مربوط به فرزندان، صرفاً در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از ابلاغ این تصویب نامه متولد می شوند لغو گردد، همچنین فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از ابلاغ این تصویب نامه متولد می شوند مشمول دریافت کوبن سهمیه بندی اوقاق عمومی و کالاهای اساسی نخواهند بود.

قانون تنظیم خانواده و جمعیت^۱

(مصوب ۱۳۷۲/۲/۲۶)

ماده ۱- کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله پیش بینی و وضع شده اند در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می شوند، قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود و فرزندانی که تا تاریخ مزبور متولد می شوند کماکان از امتیاز مقرر شده برخوردار می باشند.

تبصره ۱- نحوه استفاده از امتیازات پیش بینی شده در قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴، به شرح زیر خواهد بود:

الف) مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن (موضوع ماده ۷۶ قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام) برای فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می شوند، از مرخصی استحقاقی موجود و آتی کارگر کسر خواهد شد.^۲

۱. به نقل از شماره ۱۴۰۶۱-۱۳۷۲/۳/۳۰ روزنامه رسمی کشور

۲. ماده ۷۶ قانون کار: مشمولین این قانون در صورت حائز بودن شرایط زیر حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت.

۱- حداقل ده سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشند.
سن مرد به شصت سال تمام و سن زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد.

ب) هزینه نگهداری فرزندان کارگران زن در مراکز نگهداری (موضوع ماده ۷۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام) برای فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می شوند، به عهده کارگر خواهد بود.^۱

ج) حق بیمه فرزندان (موضوع ماده ۵۸ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴) برای فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می شوند، به صورت جداگانه تعیین و مطابق تعرفه تأمین اجتماعی از بیمه شده دریافت می گردد.^۲

تبصره ۲- این قانون در مورد سازمانها و مؤسساتی که شمول حکم بر آنها مستلزم ذکر نام است نیز جاری می باشد.

ماده ۲- وزارتخانه های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف به اجرای برنامه های ذیل می باشند.

الف) وزارت آموزش و پرورش موظف خواهد بود مطالب آموزشی مربوط به جمعیت و تأمین سلامتی مادران و کودکان را در متون درسی خود به نحوی مؤثر بگنجاند.

ب) وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف به ایجاد یک واحد درسی به نام جمعیت و تنظیم خانواده در کلیه رشته های آموزشی می باشند.

ج) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است زمینه های جلب مشارکت فعال و مؤثر روزنامه نگاران، فیلمسازان و سایر هنرمندانی را که به نحوی با آن وزارتخانه ارتباط دارند به

۱. ماده (۷۸) قانون کار - کارفرما می تواند بازنشستگی بیمه شدگانی را که حداقل پنج سال پس از رسیدن به سن بازنشستگی مقرر در این قانون بکار خود ادامه داده اند از سازمان تقاضا نماید.

۲. ماده ۵۸ قانون تأمین اجتماعی: افراد خانواده بیمه شده که از کمکهای مقرر در ماده ۵۴ این قانون استفاده می کنند عبارتند از:

۱- همسر بیمه شده.

۲- شوهر بیمه شده در صورتی که معاش او توسط بیمه شده زن تأمین می شود و سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده شناخته شود.

۳- فرزندان بیمه شده که دارای یکی از شرایط زیر باشند:

الف- کمتر از هجده سال تمام داشته باشند و در مورد فرزندان اناث بشرط نداشتن شوهر تا بیست سالگی و یا منحصرأ طبق گواهی یکی از مؤسسات رسمی آموزشی به تحصیل اشتغال داشته باشند.

ب- در اثر بیماری یا نقص عضو گواهی سازمان تأمین خدمات درمانی قادر به کار نباشند.

۴- پدر و مادر تحت تکفل بیمه شده مشروط براینکه سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال متجاوز باشد و یا اینکه به تشخیص کمیسیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ از کار افتاده باشند و در هر حال از سازمان مستمری دریافت ننمایند.

منظور ارتقاء سطح آگاهیهای عمومی از برنامه‌های جمعیت و تنظیم خانواده فراهم نماید.
ماده ۳- سازمان صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران موظف است جهت ارتقاء سطح آگاهیهای عمومی در تأمین سلامت کودکان و مادران و جمعیت برنامه‌های آموزشی رادیویی و تلویزیونی به‌طور مستقیم و غیر مستقیم تهیه و پخش نماید.

ماده ۴- هزینه ناشی از مواد ۲ و ۳ از محل کاهش هزینه‌های دولت که با اجراء ماده ۱ این قانون حاصل می‌شود تأمین خواهد شد.

قانون فوق مشتمل بر چهار ماده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و ششم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۲/۳/۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
رئیس مجلس شورای اسلامی

از قانون مدنی

(مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸)

در میراث زوج و زوجه

ماده ۹۴۰- زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند.

ماده ۹۴۱- سهم الارث زوج و زوجه از ترکه یکدیگر به‌طوری است که در موارد ۹۱۳- ۹۲۷ و ۹۳۷ ذکر شده است.

ماده ۹۴۲- در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم می‌شود.

ماده ۹۴۳- اگر شوهر زن خود را به طلاق رجعی مطلقه کند هر یک از آنها که قبل از انقضاء عده بمیرد دیگری از او ارث می‌برد لیکن اگر فوت یکی از آنها بعد از انقضاء عده بوده و یا طلاق بائن باشد از یکدیگر ارث نمی‌برند.

ماده ۹۴۴- اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه او ارث می‌برد اگرچه طلاق بائن باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد.

ماده ۹۴۵- اگر مردی در حال مرض زنی را عقد کند و در همان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمی‌برد لیکن اگر بعد از دخول یا بعد از صحت یافتن از آن مرض بمیرد زن از او

ارث می‌برد.

ماده ۹۴۶- زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد لیکن زوجه از اموال ذیل:

۱. از اموال منقوله از هر قبیل که باشد.

۲. از ابنیه و اشجار.

ماده ۹۴۷- زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد و نه از عین آنها و طبقه تقویم آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم می‌گردد.

ماده ۹۴۸- هرگاه در مورد ماده قبل ورثه از اقامت قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن می‌تواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید.

ماده ۹۴۹- در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می‌برد لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلا وارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود.^۱

از کتاب دوم- در تابعیت

ماده ۹۷۶- اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱. کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت

خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

۲. کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند.

۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.

۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از

رسیدن به سن هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول

شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت

ایران مقرر است.

۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره- اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

۱. ماده ۸۶۶ قانون مدنی در صورت نبودن وارث امر ترکه متوفی راجع به حاکم است.

ماده ۹۸۴- زن و اولاد صغیر کسی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می نمایند تبعه دولت ایران شناخته می شوند ولی زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هجده سال تمام می توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کنند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود.

ماده ۹۸۵- تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ وجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن هجده سال تمام رسیده اند مؤثر نمی باشد.

ماده ۹۸۶- زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می شود می تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی تواند مادام که اولاد او به سن هجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می شود حق داشتن اموال غیر منقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیر منقولی بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را به نحوی از انحاء به اتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد.

ماده ۹۸۷- زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱- هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج، زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج معیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲- زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می کنند حق داشتن

اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند، تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه و کشور و اطلاعات است.

مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره آن در قسمت خروج ایرانیان که تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان مزبور نخواهد بود.^۱

ماده ۹۸۸- اتباع ایران نمی‌توانند تابعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل:

۱. به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.

۲. هیئت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد.

۳. قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کنند. زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل آنها هم باشد.

۴. خدمت تحت‌السلطه خود را انجام داده باشند.

تبصره الف- کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند (۳) از این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند

۱. طبق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ اصل ماده و دو تبصره آن اصلاح گردیده و متن ماده و تبصره‌های آن قبل از اصلاح به شرح زیر بوده است:

ماده ۹۸۷- زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱- هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر گذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

تبصره ۲- زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیر منقول جز آنچه که در موقع ازدواج دارا بوده‌اند ندارند. این حق هم به وراثت خارجی آنها منتقل نمی‌شود و مندرجات ماده ۹۸۸ در قسمت خروج از ایران مشمول زنان مزبور نخواهد بود.

چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه می باشد.

تبصره ب - هیئت وزیران می تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگری محجورند اجازه دهد.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

در اقامتگاه

ماده ۱۰۰۵ - اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.

در نکاح و طلاق

باب اول - در نکاح

فصل اول - در خواستگاری

ماده ۱۰۳۴ - هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می توان خواستگاری نمود.
ماده ۱۰۳۵ - وعده ازدواج ایجاد حلقه زوجیت نمی کند اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخت شده باشد بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید.
ماده ۱۰۳۶ - حذف شد.^۱

ماده ۱۰۳۷ - هر یک از نامزدها می تواند در صورت به هم خوردن وصلت منظور هدایایی را که به طرف دیگر یا ابوبین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند. اگر عین

۱. طبق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ نسخ شده و متن ماده منسوخه به شرح زیر بوده است: ماده ۱۰۳۶ - اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی بهم زند در حالیکه طرف مقابل او یا ابوبین او یا اشخاص دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی کرده باشد طرفی که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارت وارده برآید ولی خسارت مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود.

هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می شود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.

ماده ۱۰۳۸- مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد مجری نخواهد بود.
ماده ۱۰۳۹- حذف شد.^۱

ماده ۱۰۴۰- هر یک از طرفین می تواند برای انجام وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طبیب به صحت از امراض مسریه مهم از قبیل سفلیس و سوزاک و سل ارائه دهد.

فصل دوم- قابلیت صحی برای ازدواج

ماده ۱۰۴۱- نکاح قبل از بلوغ ممنوع است

تبصره - عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است^۲ بشرط رعایت مصلحت مولی علیه.

ماده ۱۰۴۲- حذف شد^۳

ماده ۱۰۴۳- نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد به او شوهر کند و شرایط

۱. طبق قانون اصلاح مواردی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ نسخ شده و متن ماده منسوخه به شرح زیر بوده است:

ماده ۱۰۳۹- مدت مرور زمان دعاوی ناشی از به هم خوردن وصلت منظور دو سال است و از تاریخ به هم خوردن آن محسوب می شود.

۲. طبق قانون اصلاح مواردی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ اصلاح گردیده و متن ماده قبل از اصلاح به شرح زیر بوده است:

ماده ۱۰۴۱- نکاح اناث قبل از رسیدن به سن پانزده سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است مع ذلک در مواردی که مصالحی اقتضاء کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنائاً معافیت از شرط اعطاء شود ولی در هر حال این معافیت می تواند به اناثی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

۳. طبق قانون اصلاح مواردی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ نسخ شده و متن ماده منسوخه به شرح زیر است:

ماده ۱۰۴۲- بعد از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام نیز اناث نمی توانند مادام که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده اند بدون اجازه ولی خود شوهر کنند.

نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده به دادگاه مدنی خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جد پدری اطلاع داده شود و بعد از ۱۵ روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف ولی دادگاه مزبور می‌تواند اجازه نکاح را صادر نماید.^۱

ماده ۱۰۴۴- در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً غیر ممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد وی می‌تواند اقدام به ازدواج نماید.

تبصره - ثبت این ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدنی خاص می‌باشد.^۲

فصل سوم - در موانع نکاح

ماده ۱۰۴۵- نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگرچه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد:

۱. نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود.
۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود.
۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود.
۴. نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.

۱-۱- طبق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ نسخ شده و متن ماده منسوخه به شرح زیر است:

ماده ۱۰۴۳- نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگرچه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد متوقف به اجازه پدر یا جد پدری اوست هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد به او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده به دفتر ازدواج مراجعه و به توسط دفتر مزبور مراتب را به پدر یا جد پدری اطلاع دهد و بعد از ۱۵ روز از تاریخ اطلاع دختر مزبور می‌تواند نکاح را واقع سازد ممکن است اطلاع به وسایل دیگری غیر از دفتر ازدواج به پدر یا جد داده شود ولی باید اطلاع مزبور مسلم شود.

۲-۲- در ارتباط با ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور به شرح ذیل است:

«... به ملاک صدر ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی ... مشروعیت دخول قبل از عقد شرط صحت عقد و یا شرط سقوط ولایت پدر نیست و دخول مطلقاً (مشروع باشد یا غیرمشروع) سبب سقوط ولایت پدر می‌باشد.»

۲- طبق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ اصلاح و یک تبصره به آن الحاق شده است و متن ماده قبل از اصلاح به شرح زیر بوده است:

ماده ۱۰۴۴- در مورد ماده قبل اجازه را باید شخص پدر یا جد پدری بدهد و اگر پدر یا جد پدری دختر به علتی تحت قیمومت باشد اجازه قیم او لازم نخواهد بود.

ماده ۱۰۴۶- قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر اینکه:

اولاً- شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.

ثانیاً- شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.

ثالثاً- طفل لااقل یک شبانه‌روز و یا ۱۵ دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد.

رابعاً- شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.

خامساً- مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه‌روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمی‌شود اگرچه شوهر آن دو زن یکی باشد. و همچنین اگر یک زن، یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر و یا آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی‌باشد.

ماده ۱۰۴۷- نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه مصاهره ممنوع دائمی است:

۱. بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی.

۲. بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هرچند قرابت رضاعی باشد.

۳. بین مرد با اثاث از اولاد زن از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد.

ماده ۱۰۴۸- جمع بین دو خواهر ممنوع است اگرچه به عقد منقطع باشد.

ماده ۱۰۴۹- هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود.

ماده ۱۰۵۰- هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

ماده ۱۰۵۱- حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یکی از امور مذکور فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود.

ماده ۱۰۵۲- تفریقی که با لعان حاصل می‌شود موجب حرمت ابدی است.

ماده ۱۰۵۳- عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است.

ماده ۱۰۵۴- زنای با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعیه است موجب حرمت ابدی است.

ماده ۱۰۵۵- نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است ولی مبطل نکاح سابق نیست.

ماده ۱۰۵۶- اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند.

ماده ۱۰۵۷- زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری درآمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد.

ماده ۱۰۵۸- زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تای آن عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد می شود.

ماده ۱۰۵۹- نکاح مسلم با غیر مسلم جایز نیست.

ماده ۱۰۶۰- ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

ماده ۱۰۶۱- دولت می تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول به اجازه مخصوص نماید.

شرایط صحت نکاح

ماده ۱۰۶۲- نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید.

ماده ۱۰۶۳- ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادر شود و یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق عقد دارند.

ماده ۱۰۶۴- عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.

ماده ۱۰۶۵- توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است.

ماده ۱۰۶۶- هرگاه یکی از متعاقدين یا هر دو لال باشند عقد به اشاره از طرف لال نیز واقع می شود مشروط بر اینکه به طور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد.

ماده ۱۰۶۷- تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است.

ماده ۱۰۶۸- تعلیق در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۶۹- شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صدق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد.

ماده ۱۰۷۰- رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مگره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اگره به درجه ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد.

وکالت در نکاح

ماده ۱۰۷۱- هر یک از مرد و زن می توانند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.

ماده ۱۰۷۲- در صورتی که وکالت به طور اطلاق داده شود وکیل نمی تواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحاً به او داده شده باشد.

ماده ۱۰۷۳- اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.

ماده ۱۰۷۴- حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد.

در نکاح منقطع

ماده ۱۰۷۵- نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.

ماده ۱۰۷۶- مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.

ماده ۱۰۷۷- در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت زن و به مهر او همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است.

در مهر

ماده ۱۰۷۸- هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می توان مهر قرار داد.

ماده ۱۰۷۹- مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

ماده ۱۰۸۰- تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.

ماده ۱۰۸۱- اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

ماده ۱۰۸۲- به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.^۱

تبصره - (الحاقی ۱۳۷۶/۴/۲۹)

چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند.

آیین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۰۸۳- برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می توان مدت یا اقساطی قرار داد.

ماده ۱۰۸۴- هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است.

ماده ۱۰۸۵- زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۰۸۶- اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی تواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد.

ماده ۱۰۸۷- اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.

۱. به موجب مصوبه ۱۳۷۶/۴/۲۹ مجلس شورای اسلامی یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به شرح ذیل افزوده شده است:

تبصره - چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند.

ماده ۱۰۸۸- در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچ گونه مهری نیست.

ماده ۱۰۸۹- ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث می تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند.

ماده ۱۰۹۰- اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی تواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید.

ماده ۱۰۹۱- برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

ماده ۱۰۹۲- هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.

ماده ۱۰۹۳- هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالتمعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده ۱۰۹۴- برای تعیین مهرالتمعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می شود.

ماده ۱۰۹۵- در نکاح منقطع عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۹۶- در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

ماده ۱۰۹۷- در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

ماده ۱۰۹۸- در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می تواند آن را استرداد نماید.

ماده ۱۰۹۹- در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است.

ماده ۱۱۰۰- در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

ماده ۱۱۰۱- هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ، عتن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است.

در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

ماده ۱۱۰۲- همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می شود.

ماده ۱۱۰۳- زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

ماده ۱۱۰۴- زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

ماده ۱۱۰۵- در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

ماده ۱۱۰۶- در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

ماده ۱۱۰۷- نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث الیه که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.

ماده ۱۱۰۸- هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۱۰۹- نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

ماده ۱۱۱۰- در عده وفات زن حق نفقه ندارد.

ماده ۱۱۱۱- زن می تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.

ماده ۱۱۱۲- اگر اجرای حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۱۱۳- در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.

ماده ۱۱۱۴- زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.

ماده ۱۱۱۵- اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

ماده ۱۱۱۶- در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکنای زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربایی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.

ماده ۱۱۱۷- شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

ماده ۱۱۱۸- زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.

ماده ۱۱۱۹- طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر، زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غائب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد.

در انحلال عقد نکاح

ماده ۱۱۲۰- عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود.

در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۱- جنون هر یک از زوجین به شرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.

ماده ۱۱۲۲- عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱. خصاء.

۲. عنن به شرط اینکه ولو یکبار عمل زناشویی را انجام نداده باشد.

۳. مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد.^۱

ماده ۱۱۲۳- عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود:

۱. قرن.

۲. جذام.

۳. برص.

۴. افضاء.

۵. زمینگیری.

۶. نابینایی از هر دو چشم.

ماده ۱۱۲۴- عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در

حال عقد وجود داشته است.

ماده ۱۱۲۵- جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب فسخ برای

زن خواهد بود.

ماده ۱۱۲۶- هر یک از زوجین که قبل از عقد عالم به امراض مذکوره در طرف دیگر بوده

بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت.

ماده ۱۱۲۷- هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق

خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع نماید و امتناع به علت مزبور مانع حق نفقه نخواهد

بود.

ماده ۱۱۲۸- هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود

که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بود برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف

۱. طبق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ اصلاح گردیده و متن ماده قبل از اصلاح

به شرح زیر بوده است:

ماده ۱۱۲۲- عیوب ذیل در مرد که مانع ایفاء وظیفه زناشویی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱- عنن بشرط اینکه بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع نشود.

۲- خصاء

۳- مقطوع بودن آلت تناسلی

توضیح: عنن بیماری‌ای است در مرد که قوه نشر آلت تناسلی مرد را تا حدی ضعیف می‌کند که مانع نزدیکی

می‌شود این بیماری را عنین می‌گویند. خصاء (به کسر خاء) عبارتست است از اخته بودن مرد از طریق دخل و

تصرف و عملیات مادی در بیضه او. چنین کسی را خصی (به فتح اؤل) گویند (ترمیمولوژی حقوق - دکتر

محمد جعفر لنگرودی)

مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد.

ماده ۱۱۲۹- در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

ماده ۱۱۳۰- در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.^۱

ماده ۱۱۳۱- خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع به علت فسخ نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط می‌شود به شرط اینکه علم به حق فسخ و فوریت آن داشته باشد. تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده به نظر عرف و عادت است.

ماده ۱۱۳۲- در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست.

در طلاق

در کلیات

ماده ۱۱۳۳- مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.

ماده ۱۱۳۴- طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لااقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد.

ماده ۱۱۳۵- طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق به شرط باطل است.

ماده ۱۱۳۶- طلاق دهنده باید بالغ و عادل و قاصد و مختار باشد.

ماده ۱۱۳۷- ولی مجنون دائمی می‌تواند در صورت مصلحت مولی علیه زن او را طلاق دهد.

۱. طبق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ اصلاح گردیده و متن ماده قبل از اصلاح به شرح زیر بوده است:

ماده ۱۱۳۰- حکم ماده قبل در موارد ذیل نیز جاری است:

۱- در مواردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد.

۲- سوء معاشرت به حدی که ادامه زندگانی زن را با او غیر قابل تحمل سازد.

۳- در صورتی که به واسطه امراض مسریه صعب‌العلاج دوام زناشویی برای زن موجب مخاطره باشد.

- ماده ۱۱۳۸- ممکن است صیغه طلاق را به توسط وکیل اجرا نمود.
- ماده ۱۱۳۹- طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه به انقضاء مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می شود.
- ماده ۱۱۴۰- طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غائب باشد به طوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند.
- ماده ۱۱۴۱- طلاق در طهر موافقه صحیح نیست مگر اینکه زن یائسه یا حامل باشد.
- ماده ۱۱۴۲- طلاق زنی که با وجود اقتضای سن عادت زنانگی نمی شود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن سه ماه گذشته باشد.

در اقسام طلاق

- ماده ۱۱۴۳- طلاق بر دو قسم است: بائن و رجعی.
- ماده ۱۱۴۴- در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست.
- ماده ۱۱۴۵- در موارد ذیل طلاق بائن است:
۱. طلاقی که قبل از نزدیکی واقع شود.
 ۲. طلاق یائسه.
 ۳. طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض نکرده باشد.
 ۴. سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید.
- ماده ۱۱۴۶- طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می دهد طلاق بگیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.
- ماده ۱۱۴۷- طلاق مبارات آنست که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد.
- ماده ۱۱۴۸- در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است.
- ماده ۱۱۴۹- رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی حاصل می شود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون به قصد رجوع باشد.

در عده

ماده ۱۱۵۰- عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند.

ماده ۱۱۵۱- عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن با انقضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.

ماده ۱۱۵۲- عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن با انقضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است.

ماده ۱۱۵۳- عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

ماده ۱۱۵۴- عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.

ماده ۱۱۵۵- زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود.

ماده ۱۱۵۶- زنی که شوهر او غایب مفقودالاثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاه دارد.

ماده ۱۱۵۷- زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاه دارد.

در اولاد

در نسب

ماده ۱۱۵۸- طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.

ماده ۱۱۵۹- هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد.

ماده ۱۱۶۰- در صورتی که عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل به شوهری ملحق می شود که مطابق مواد قبل الحاق او به آن شوهر ممکن است در صورتی که مطابق مواد قبل الحاق طفل به هر دو شوهر ممکن باشد طفل ملحق به شوهر دوم است مگر آنکه امارات قطعیه بر خلاف آن دلالت کند.

ماده ۱۱۶۱- در مورد مواد قبل هرگاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود.

ماده ۱۱۶۲- در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی می باشد اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضای دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود.

ماده ۱۱۶۳- در موردی که شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ تولد را برای او مشتبه نموده باشند به نوعی که موجب الحاق طفل به او باشد و بعدها شوهر از تاریخ حقیقی تولد مطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دو ماه از تاریخ کشف خدعه خواهد بود.

ماده ۱۱۶۴- احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیز جاری است اگرچه مادر طفل مشتبه نباشد.

ماده ۱۱۶۵- طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده اند ملحق به هر دو خواهد بود.

ماده ۱۱۶۶- هرگاه به واسطه وجود مانعی نکاح بین ابوین طفل باطل باشد نسبت طفل به هر یک از ابوین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگری نامشروع خواهد بود.

در صورت جهل هر دو نسبت طفل نسبت به هر دو مشروع است.

ماده ۱۱۶۷- طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی شود.

در نگاهداری و تربیت اطفال

ماده ۱۱۶۸- نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.

ماده ۱۱۶۹- برای نگاهداری طفل مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال

هفتم حضانت آنها با مادر خواهد بود.

ماده ۱۱۷۰- اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است مبتلا به جنون شود یا به دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود.

ماده ۱۱۷۱- در صورت فوت یکی از ابوين حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده بود.

ماده ۱۱۷۲- هیچ یک از ابوين حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنها است از نگاهداری او امتناع کنند در صورت امتناع یکی از ابوين حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی الموم نگاهداری طفل را به هر یک از ابوين که حضانت به عهده او است الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند.

ماده ۱۱۷۳- (اصلاحی ۱۳۷۶/۰۸/۱۱)^۱

ماده ۱۱۷۳- هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱. اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار.
۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشاء.
۳. ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشکی قانونی.
۴. سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، تکدی گری و قاچاق.

۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

ماده ۱۱۷۴- در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر ابوين طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابوين که طفل تحت حضانت او نمی باشد حق ملاقات

۱. ماده ۱۱۷۳ سابق

هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر و یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی الموم هر تصمیمی را که برای حضانت مقتضی بداند، اتخاذ کند.

طفل خود را دارد. تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوط به آن در صورت اختلاف بین ابوین با محکمه است.

ماده ۱۱۷۵- طفل را نمی توان از ابوین و یا از پدر و یا مادری که حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی.

ماده ۱۱۷۶- مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.

ماده ۱۱۷۷- طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند.

ماده ۱۱۷۸- ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.

ماده ۱۱۷۹- ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه نمایند.

در خانواده

در الزام به اتفاق

ماده ۱۱۹۵- احکام نفقه زوجه همان است که به موجب فصل هشتم از باب اول از کتاب هفتم مقرر شده و بر طبق همین فصل مقرر می شود.

ماده ۱۱۹۶- در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به اتفاق یکدیگرند.

ماده ۱۱۹۷- کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسایل معیشت خود را فراهم سازد.

ماده ۱۱۹۸- کسی ملزم به اتفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تمهیدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود.

ماده ۱۱۹۹- نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به اتفاق، به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدر و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است.

هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به اتفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و

جدات مادری و جدات پدری واجب‌النفقة است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند نفقه را باید به حصه متساوی تأدیه کنند.

ماده ۱۲۰۰- نفقه ابوبن با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است.

ماده ۱۲۰۱- هرگاه یک نفر هم در خط عمودی صعودی و هم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد که از حیث الزام به انفاق در درجه مساوی هستند نفقه او را باید اقارب مزبور به حصه متساوی تأدیه کنند. بنابراین اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد او متساویاً تأدیه کنند بدون اینکه مادر سهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید مادر و اولاد متساویاً بدهند.

ماده ۱۲۰۲- اگر اقارب واجب‌النفقة متعدد باشند و منفی نتواند نفقه همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی خواهند بود.

ماده ۱۲۰۳- در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب‌النفقة دیگر زوجه مقدم بر سایرین خواهند بود.

ماده ۱۲۰۴- نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.

ماده ۱۲۰۵- در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه بر عهده اوست ممکن نباشد دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقة به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه را به عنوان قرض بپردازند و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند.

ماده ۱۲۰۶- زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس و ورشکستگی شوهر زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند.

ماده ۱۲۱۰- هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود. مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱- سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.^۱

۱. طبق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ اصل ماده اصلاح و تبصره‌های ۱ و ۲ به آن -

در موارد نصب و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸- برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود:

۱. برای صغاری که ولی خاص ندارند.
 ۲. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.
 ۳. برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد.
- ماده ۱۲۱۹- هر یک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود یا به نماینده او اطلاع داده و از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم به عمل آورد.^۱
- ماده ۱۲۲۰- در صورت نبودن هیچ یک از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقرایی است که با شخص محتاج به قیم در یکجا زندگی می‌نماید.
- ماده ۱۲۲۱- اگر کسی به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.
- ماده ۱۲۳۳- زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومت را قبول کند.
- ماده ۱۲۳۴- در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را برای قیمومت معین کند می‌تواند وظایف آنها را تفکیک نماید.

از قانون تشکیل شورای خانواده^۲

(مصوب ۱۳۴۶/۶/۳۰)

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۴۲/۶/۳۰ بنا بر پیشنهاد شماره ۱/۲۵۸۲۸ وزارت

الحاق گردیده متن اصل ماده قبل از اصلاح به شرح زیر بوده است.

ماده ۱۲۱۰- هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به هجده سال تمام به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

۱. طبق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ اصلاح گردیده و متن قبل از اصلاح به شرح زیر بوده است:

ماده ۱۲۱۹- هر یک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قانون باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به مدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا نماینده او اطلاع داده و از او تقاضا نماید که اقدام لازم را برای نصب قیم به عمل آورد.

۲. به نقل از شماره ۱۳۴۲/۷/۲۹-۵۴۴۳ روزنامه رسمی

دادگستری تصویب‌نامه قانونی راجع به تشکیل شورای خانواده را به شرح زیر تصویب نمودند:

فصل اول: طرز تشکیل شورای خانواده

ماده ۱- از تاریخ اجرای این قانون اختلافات خانوادگی قبل از رسیدگی در مراجع قضایی در شورایی به نام شورای خانواده طرح و مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ماده ۲- شورای خانواده از سه نفر تشکیل می‌شود که هر یک از طرفین یک نفر از خویشان یا آشنایان خود را باید معرفی کند و نفر سوم یا به توافق طرفین یا به توافق نمایندگان آنها تعیین می‌شود و اگر طرفین یا نمایندگان آنها برای تعیین نفر سوم توافق نکرده دادگاه نفر سوم را از بین کسانی که مناسب بداند تعیین خواهد کرد.

تبصره - در نقاطی که خانه انصاف تشکیل شده است وظایف شورای خانواده به عهده خانه انصاف است.

ماده ۳- نفر سوم که از طرف دادگاه معین می‌شود باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱. اقلاً چهل سال داشته باشد.

۲. مجرد نباشد.

۳. به اتهام عمل منافی عفت با صدور کیفر خواست تحت تعقیب نبوده و در هر حال محکومیت‌های منافی عفت مطلقاً و محکومیت‌های کیفری بیشتر از دو ماه حبس نداشته باشد.

ماده ۴- عضویت در شورای خانواده افتخاری است.

ماده ۵- محل تشکیل جلسه با توافق اعضاء شورا تعیین می‌شود و در صورت عدم توافق آنان دادگاه در جلسه اداری و خارج از نوبت محل مزبور را تعیین خواهد کرد. تاریخ جلسات شورای خانواده از طرف رئیس شورا به اطلاع اعضاء خواهد رسید. عدم حضور یکی از اعضاء در جلسات شورا مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود.

فصل دوم: صلاحیت شورای خانواده و ترتیب رسیدگی

ماده ۶- اختلافات خانوادگی مشمول این قانون عبارتند از:

۱. دعای راجع به حضانت و هزینه نگهداری طفل، نفقه، سکنی، عدم تمکین، شغل زن، سوء رفتار و درخواست طلاق اعم از آنکه از طرف زن یا شوهر باشد.

۲. شکایات اطفال از والدین یا قیم راجع به تقصیر آنان در انجام وظایف قانونی.

در مواردی که دعوی راجع به قیم است نماینده دادستان در شورای خانواده شرکت خواهد نمود.

تبصره - رسیدگی به اختلافات مربوط به اصل نکاح و اصل طلاق از صلاحیت شورای خانواده خارج است.

ماده ۷- در دعاوی ناشی از روابط خانوادگی خواهان مکلف است ضمن تقدیم دادخواست نفری را که از طرف او در شورای خانواده شرکت خواهد کرد معرفی نماید در این صورت چنانچه موضوع از موارد ارجاع به شورای خانواده باشد دادگاه ضمن ارسال نسخه ثانی دادخواست برای طرف دعوی به او اخطار خواهد نمود که ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ شخصی را که از طرف او باید در شورای خانواده شرکت کند معرفی نماید چنانچه خوانده به ترتیب فوق اقدام ننماید دادگاه شخصی را که مناسب تشخیص دهد برای شرکت در شورا از طرف خوانده انتخاب می نماید.

تبصره - در مواردی که خانه انصاف جانشین شورای خانواده است خواهان دادخواست خود را مستقیماً به خانه انصاف می دهد.

ماده ۸- پس از انجام تشریفات مقرر در ماده ۷ این قانون دادگاه به موجب قراری که صادر می کند موضوع را برای رسیدگی به شورای خانواده احاله می نماید.

ماده ۹- ریاست شورای خانواده با شخص سومی است که طبق ماده ۲ انتخاب می شود.

ماده ۱۰- موارد رد رئیس شورای خانواده همان است که طبق قانون آیین دادرسی مدنی برای رد قاضی مقرر شده است.

ماده ۱۱- رسیدگی در شورای خانواده تابع تشریفات آیین دادرسی مذکور در قوانین نیست و شورا می تواند به هر ترتیب که مقتضی بداند تحقیقات لازمه را به عمل آورد و یا انجام آن را از مددکاران اجتماعی و یا هر شخص و مؤسسه ای که همکاری آن را مفید تشخیص دهد درخواست نماید.

ماده ۱۲- شورای خانواده سعی خواهد نمود که حتی المقدور اختلافات را به سازش خاتمه دهد و در صورتی که موفق به سازش نشود به ترتیب زیر عمل می نماید:

۱. در مورد درخواست طلاق از طرف شوهر گواهی عدم حصول سازش بین زوجین را به شوهر می دهد و شوهر می تواند با ارائه گواهی نامه مزبور که از طرف دادگاه صحت صدور آن تأیید شده باشد طبق موازین قانونی زن خود را طلاق دهد چنانچه شورا یا خانه انصاف در مدت قانونی موفق به سازش نشود و گواهی نامه عدم سازش هم ندهد دادگاه رأساً

گواهینامه عدم حصول سازش صادر خواهد کرد.

تبصره - اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر موکول به ارائه گواهینامه فوق الذکر است.
۲. در سایر موارد شورای خانواده گزارش کاملی از جریان دعوی و تحقیقاتی که انجام یافته تنظیم کرده و ضمناً نظریه خود را به ذیحق بودن هر یک از طرفین دعوی در پرونده او قید کرده و به دادگاه ارسال می‌دارد.

ماده ۱۳- شورای خانواده مکلف است ظرف ۴ ماه وظایف خود را در مورد ختم اختلاف از طریق سازش و یا اظهار نظر و دادن گواهینامه عدم حصول سازش به انجام رسانده و پرونده را به دادگاه ارسال دارد.

اظهار نظر شورا نباید مخالف با قانون مدنی و نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد.
ماده ۱۴- هر یک از اعضای شورای خانواده که از انجام وظایف قانونی امتناع نماید تا سه سال به عضویت شورای خانواده انتخاب نخواهد شد.

ماده ۱۵- ادامه رسیدگی شورا پس از انقضای مدت مذکور در ماده ۱۳ ملغی الاثر است و دادگاهی که دعوی به آن ارجاع شده به تقاضای ذینفع اقدام به رسیدگی خواهد نمود مگر اینکه مدت رسیدگی به تراضی طرفین دعوی تمدید شود.

ماده ۱۶- در مواردی که دعوی راجع به حضانت طفل است طرح اختلاف در شورای خانواده مانع از این نخواهد بود که دادگاه تصمیمات لازم را در مورد حضانت طفل طبق قانون مدنی اتخاذ نماید.

ماده ۱۷- در صورتی که دعوی در شورای خانواده به سازش خاتمه یابد دادگاه طبق سازشی که بین طرفین واقع شده رأی صادر می‌نماید و در غیر این صورت نظر شورا را به طرفین دعوی ابلاغ می‌کند تا چنانچه ایرادی به نظر شورا داشته باشند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ به دادگاه اعلام دارند.

چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی به نظر شورا نشود دادگاه طبق نظر شورا اقدام به صدور رأی خواهد نمود و در صورت اعتراض دادگاه با ملاحظه نظر شورا و اعتراضاتی که شده نسبت به دعوی رسیدگی نموده مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

ماده ۱۸- جهات و کیفیاتی که مستند نظر شورای خانواده واقع شده است منادام که خلاف آن ثابت نشده معتبر خواهد بود. نظری که به امضاء اکثریت اعضای شورا رسیده باشد نظر شورا تلقی می‌شود.

ماده ۱۹- در مواردی که رسیدگی به اختلاف در شورای خانواده مستلزم هزینه باشد

پرداخت آن بدواً به عهده خواهان است ولی خواهان می تواند هزینه های مزبور را ضمن خسارت دادرسی از طرف دعوی مطالبه نماید.

ماده ۲۰- در دعاوی خانوادگی دادگاه می تواند به نظر خود هر یک از متداعیین را که معسر تشخیص دهد از پرداخت هزینه دادرسی معاف نماید.

ماده ۲۱- وزارت دادگستری مکلف به اجرای این تصویب نامه قانونی است و پس از افتتاح مجلسین باید مجوز قانونی آن را تحصیل نماید.

از طرف نخست وزیر

قانون حمایت خانواده^۱

(مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۶)

ماده ۱- به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی خانوادگی و امور مربوط به صفار از قبیل نصب و عزل قیم و ضم امین در دادگاههای شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش رسیدگی می شود. رسیدگی به امور مذکور در تمام مراحل دادرسی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خواهد بود.^۲

ماده ۲- منظور از دعاوی خانوادگی دعاوی مدنی بین هر یک از زن و شوهر و فرزندان و

۱. به نقل از شماره ۸۷۸۵-۱۲/۱۲/۱۳۵۳ روزنامه رسمی

۲. در مورد اعتبار قانون حمایت خانواده دو نظریه مشورتی از سوی اداره حقوقی دادگستری به شرح ذیل صادر شده است.

۱-۱. سؤال - آیا تمام مقررات مذکور در قانون حمایت خانواده لغو شده یا بخشی از آن به قوت خود باقی است؟

نظریه شماره ۵۹/۶/۸۷/۲۵۵۲ اداره حقوقی دادگستری به شرح زیر است:

«چون به موجب ماده (۱۹) لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص، قانون محاکم شرع مصوب آذر ماه ۱۳۱۰ و سایر قوانین و مقررات مغایر آن ملغی گردیده است لذا از قانون حمایت خانواده مواد مربوط به قوانین شکلی (آیین دادرسی) و ماده ۸ مربوط به طلاق که مغایر با لایحه قانونی مزبور می باشد و همچنین مقررات راجع به ولایت و قیمومت که مخالف با قانون مدنی است ملغی است و بخشی دیگر از جمله ماده ۷ آن قانون و تبصره اش به قوت خود باقی است.»

۲-۱. سؤال - آیا مقررات قانون حمایت خانواده در مورد طلاق به قوت خود باقی است یا نه؟

نظریه شماره ۵۸/۸/۱۴-۷/۴۲۴۸ اداره حقوقی دادگستری به شرح ذیل است:

«مقررات طلاق به موجب لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۵۸/۷/۸ (ماده ۳ و تبصره آن) تغییر یافته و در این مورد قانون حمایت خانواده به موجب ماده ۱۹ لایحه قانونی مذکور نسخ شده است.»
ماده ۱۹ لایحه دادگاه مدنی خاص: «قانون محاکم شرع مصوب آذر ماه ۱۳۱۰ و سایر قوانین و مقرراتی که مغایر این قانون باشد ملغی است.»

جد پدری و وصی و قیم است که از حقوق و تکالیف مقرر در کتاب هفتم در نکاح و طلاق (منجمله دعاوی مربوط به جهیزه و مهرزن) و کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانون مدنی همچنین از مواد ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ و ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد.

ماده ۳- دادگاه می تواند هر نوع تحقیق و اقدامی را که برای روشن شدن موضوع دعوی و احقاق حق لازم بداند از قبیل تحقیق از گواهان و مطلعین و استمداد از مددکاران اجتماعی و غیره به هر طریق که مقتضی باشد انجام دهد.

ماده ۴- دادگاه هر یک از طرفین را که بی بضاعت تشخیص دهد از پرداخت هزینه دادرسی و حق کارشناسی و حق داوری و سایر هزینه ها معاف می نماید همچنین در صورت لزوم رأساً وکیل معاضدتی برای او تعیین خواهد کرد. در صورتی که طرف بی بضاعت محکوم له شود محکوم علیه اگر بضاعت داشته باشد به موجب رأی دادگاه ملزم به پرداخت هزینه های مذکور و حق الوکاله وکیل معاضدتی خواهد گردید. وکلا و کارشناسان مذکور مکلف به انجام دستور دادگاه می باشند.

ماده ۵- دادگاه در صورت تقاضای هر یک از طرفین مکلف است موضوع دعوی را به استثنای رسیدگی به اصل نکاح و طلاق به یک تا سه داور ارجاع نماید. همچنین دادگاه در صورتی که مقتضی بداند رأساً نیز دعوی را به داوری ارجاع خواهد کرد. داوری در این قانون تابع شرایط داوری مندرج در قانون آیین دادرسی نمی باشد. مدت اعلام نظر داوران از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. در صورت عدم وصول نظر مذکور تا پایان مدت مقرر دادگاه رأساً رسیدگی خواهد کرد مگر اینکه طرفین به تمدید مدت تراضی نمایند یا دادگاه تمدید مدت را مقتضی تشخیص دهد.

تبصره - در صورتی که طرفین به تعیین داور تراضی نکرده یا داور خود را معرفی ننمایند دادگاه داور یا داوران را به ترتیب از اقربا یا دوستان یا آشنایان آنان انتخاب خواهد کرد. هرگاه اشخاص مذکور از قبول داوری امتناع کرده یا انتخاب آنان از جهت عدم حضور در محل یا جهات دیگر میسر نباشد افراد دیگری به داوری انتخاب می شوند.

ماده ۶- داور یا داوران سعی در سازش بین طرفین خواهند کرد و در صورتی که موفق به اصلاح نشوند نظر خود را در ماهیت دعوی ظرف مدت مقرر کتباً به دادگاه اعلام می نمایند. این نظر به طرفین ابلاغ می شود تا ظرف مدت ده روز نظر خود را به دادگاه اعلام نمایند.

در صورتی که طرفین با نظر داور موافق باشند دادگاه دستور اجرای نظر داور را صادر می نماید مگر اینکه رأی داور مغایر قوانین موجد حق باشد که در این صورت ملغی الاثر می شود.

هرگاه یکی از طرفین به نظر داور معترض بوده یا در موعد مقرر جوابی ندهد یا رأی داور مغایر قوانین موجد حق باشد دادگاه به موضوع رسیدگی نموده حسب مورد رأی مقتضی یا گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد.

ماده ۷- هرگاه زن و شوهر دعاوی ناشی از اختلاف خانوادگی را علیه یکدیگر طرح نمایند دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و هرگاه دو یا چند دادخواست در یک روز به دادگاه تسلیم شده باشد دادگاه حوزه محل اقامت زن، صالح به رسیدگی خواهد بود.

در صورتی که یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگر طرفین مقیم خارج باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی خواهد داشت.

تبصره - در موارد مذکور در این قانون اگر طرفین اختلاف، مقیم خارج از کشور باشند می توانند به دادگاه یا مرجع صلاحیتدار محل اقامت خود نیز مراجعه نمایند. در این مورد هرگاه ذینفع نسبت به احکام و تصمیمات دادگاهها و مراجع خارجی معترض و مدعی عدم رعایت مقررات و قوانین ایران باشد می تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم یا تصمیم قطعی اعتراض خود را با ذکر دلائل و پیوست نمودن مدارک و مستندات آن از طریق کنسولگری ایران در کشور محل توقف به دادگاه شهرستان تهران ارسال نماید. دادگاه به موضوع رسیدگی کرده و رأی مقتضی صادر می کند و به دستور دادگاه رونوشت رأی برای اقدام قانونی به کنسولگری مربوط ارسال می گردد.

ثبت احکام و تصمیمات دادگاهها و مراجع خارجی در مواردی که قانوناً باید در اسناد سجلی یا دفتر کنسولگری ثبت شود در صورت توافق طرفین یا در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر بلاشکال است والا موکول به اعلام رأی قطعی دادگاه شهرستان تهران خواهد بود.

ماده ۸- در موارد زیر زن یا شوهر حسب مورد می تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید و دادگاه در صورت احراز آن موارد گواهی عدم امکان سازش

صادر خواهد کرد:

۱. توافق زوجین برای طلاق
۲. استتکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان الزام او به تأدیه نفقه، همچنین در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او به ایفاء هم ممکن نباشد.
۳. عدم تمکین زن از شوهر.
۴. سوء رفتار و یا سوء معاشرت هر یک از زوجین به حدی که ادامه زندگی را برای طرف دیگر غیر قابل تحمل نماید.
۵. ابتلای هر یک از زوجین به امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد.
۶. جنون هر یک از زوجین در مواردی که فسخ نکاح ممکن نباشد.
۷. عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات شوهر یا زن باشد.
۸. محکومیت زن یا شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد.
۹. ابتلا به هرگونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیر ممکن سازد.
۱۰. هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.
۱۱. هر یک از زوجین زندگی خانوادگی را ترک کند. تشخیص ترک زندگی خانوادگی با دادگاه است.
۱۲. محکومیت قطعی هر یک از زوجین در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد.
- تشخیص اینکه جرمی مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است با توجه به وضع و موقع طرفین و عرف و موازین دیگر با دادگاه است.
۱۳. در صورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضای طرف دیگر همچنین در صورتی که

زوجین از جهت عوارض و خصوصیات جسمی نتوانند از یکدیگر صاحب اولاد شوند.

۱۴. در مورد غایب مفقودالثر با رعایت مقررات ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی.

تبصره - طلاقى که به موجب این قانون و براساس گواهی عدم امکان سازش واقع می شود فقط در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عده قابل رجوع است.

ماده ۹- در مورد ماده ۴ قانون ازدواج هرگاه یکی از طرفین عقد بخواهد از وکالت خود در طلاق استفاده نماید باید طبق ماده قبل به دادگاه مراجعه کند و دادگاه در صورت احراز تخلف از شرط، گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد.

ماده ۱۰- اجرای صیغه طلاق و ثبت آن پس از رسیدگی دادگاه و صدور گواهی عدم امکان سازش صورت خواهد گرفت. متقاضی گواهی عدم امکان سازش باید تقاضانامه‌ای به دادگاه تسلیم نماید که در آن علل تقاضا به طور موجه قید گردد. پس از وصول تقاضانامه، دادگاه رأساً یا به وسیله داور یا داوران سمی در اصلاح بین زن و شوهر و جلوگیری از وقوع طلاق خواهد کرد. هرگاه مسامی دادگاه برای حصول سازش به نتیجه نرسد با توجه به ماده ۸ این قانون گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. دفتر طلاق پس از دریافت گواهی مذکور به اجرای صیغه طلاق و ثبت آن اقدام خواهد نمود. هر یک از طرفین عقد بدون تحصیل گواهی عدم امکان سازش مبادرت به طلاق نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای سردفتری که طلاق را ثبت نماید.

ماده ۱۱- دادگاه می تواند به تقاضای هر یک از طرفین در صورتی که صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سوء رفتار و قصور طرف دیگر باشد او را با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به پرداخت مقرری ماهانه متناسبی در حق طرف دیگر محکوم نماید مشروط به اینکه عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگر محرز باشد. پرداخت مقرری مذکور در صورت ازدواج مجدد محکوم له یا ایجاد درآمد کافی برای او یا کاهش درآمد یا عسرت محکوم علیه یا فوت محکوم له به حکم همان دادگاه حسب مورد تقلیل یافته یا قطع خواهد شد. در موردی که گواهی عدم امکان سازش به جهات مندرج در بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ صادر شده باشد مقرری ماهانه با رعایت شرایط مذکور به مریض یا مجنون نیز تعلق خواهد گرفت مشروط به اینکه مرض یا جنون بعد از عقد ازدواج حادث شده باشد و در صورت اعاده سلامت به حکم دادگاه قطع خواهد شد.

ماده ۱۲- در کلیه مواردی که گواهی عدم امکان سازش صادر می‌شود دادگاه ترتیب نگاهداری اطفال و میزان نفقه ایام عده را با توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصلحت اطفال معین می‌کند و اگر قرار شود فرزندان نزد مادر یا شخص دیگری بمانند ترتیب نگاهداری و میزان هزینه آنان را مشخص می‌نماید. نفقه زوجه از عواید و دارایی مرد و نفقه اولاد و مبلغ ماهانه مقرر در ماده ۱۱ از عواید و دارایی مرد یا زن یا هر دو و حتی از حقوق بازنشستگی استیفا خواهد گردید. دادگاه مبلغی را که باید از عواید یا دارایی مرد یا زن یا هر دو برای هر فرزند استیفا گردد تعیین و طریقه اطمینان بخشی برای پرداخت آن مقرر می‌کند. دادگاه همچنین ترتیب ملاقات اطفال را برای طرفین معین می‌کند. حق ملاقات با طفل در صورت غیبت یا فوت پدر یا مادر به تشخیص دادگاه با سایر اقربا خواهد بود.

تبصره ۱- اطفالی که والدین آنان قبل از تصویب این قانون از یکدیگر جدا شده‌اند در صورتی که به طریق اطمینان بخشی ترتیب هزینه و نگاهداری و حضانت آنان داده نشده باشد مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

تبصره ۲- پرداخت نفقه قانونی زوجه و اولاد بر سایر دیون مقدم است.

ماده ۱۳- در هر مورد حسب اعلام یکی از والدین یا اقربای طفل یا دادستان یا اشخاص دیگر تشخیص شود که تغییر در وضع حضانت طفل ضرورت دارد (اعم از اینکه قبلاً تصمیمی در این مورد اتخاذ شده یا نشده باشد) و یا به طریق اطمینان بخشی ترتیب نگاهداری و حضانت طفل داده نشده باشد دادگاه پس از رسیدگی حضانت طفل را به هر کسی که مقتضی بداند محول می‌کند و هزینه حضانت به عهده کسی است که به موجب تصمیم دادگاه مکلف به پرداخت آن می‌شود.

ماده ۱۴- هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذیحق شود او را برای هر بار تخلف به پرداخت مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. دادگاه در صورت اقتضا می‌تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید. در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد نخواهد بود.

تبصره ۱- پدر یا مادر یا کسانی که حضانت طفل به آنها واگذار شده نمی‌توانند طفل را به

شهرستانی غیر از محل اقامت مقرر بین طرفین و یا غیر از محل اقامت قبل از وقوع طلاق و یا به خارج از کشور بدون رضایت والدین بفرستند مگر در صورت ضرورت با کسب اجازه از دادگاه.

تبصره ۲- وجوه موضوع این ماده و ماده ۱۱ به صندوق حمایت خانواده که از طرف دولت تأسیس می شود پرداخت خواهد شد. نحوه پرداخت وجوه مذکور به اشخاص ذینفع طبق آیین نامه ای است که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۵- طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر خود می باشد در صورت ثبوت حجر یا خیانت یا عدم قدرت و لیاقت او در اداره امور صغیر یا فوت پدر به تقاضای دادستان و تصویب دادگاه شهرستان حق ولایت به هر یک از جد پدری یا مادر تعلق می گیرد مگر اینکه عدم صلاحیت آنان احراز شود که در این صورت حسب مقررات اقدام به نصب قیم یا ضم امین خواهد شد. دادگاه در صورت اقتضا اداره امور صغیر را از طرف جد پدری یا مادر تحت نظارت دادستان قرار خواهد داد. در صورتی که مادر صغیر شوهر اختیار کند حق ولایت او ساقط خواهد شد در این صورت اگر صغیر جد پدری نداشته یا جد پدری صالح برای اداره امور صغیر نباشد دادگاه به پیشنهاد دادستان حسب مورد مادر صغیر یا شخص صالح دیگری را به عنوان امین یا قیم تعیین خواهد کرد. امین به تشخیص دادگاه مستقلاً یا تحت نظر دادستان امور صغیر را اداره خواهد کرد.

ماده ۱۶- مرد نمی تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر:

۱. رضایت همسر اول.
 ۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی.
 ۳. عدم تمکین زن از شوهر.
 ۴. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ و ماده ۸.
 ۵. محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸.
 ۶. ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸.
 ۷. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن.
 ۸. عقیم بودن زن.
 ۹. غایب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸.
- ماده ۱۷- متقاضی باید تقاضا نامه ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلائل تقاضای

خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدام ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد.

به هر حال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنجهای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای عاقلی سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.

ماده ۱۸- شوهر می تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می کند.

ماده ۱۹- تصمیم دادگاه در موارد زیر قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش پذیر می باشد.

۱. صدور گواهی عدم امکان سازش.

۲. تعیین نفقه ایام عده و هزینه نگهداری اطفال.

۳. حضانت اطفال.

۴. حق ملاقات با اطفال.

۵. اجازه مقرر در ماده ۱۶.

تبصره- در مورد بندهای ۲ و ۳ و ۴ این ماده هرگاه در وضع طفل یا والدین یا سرپرستی که از طرف دادگاه معین شده تغییری حاصل شود که تجدیدنظر در میزان نفقه یا هزینه نگهداری یا حضانت یا حق ملاقات با اطفال را ایجاد کند دادگاه می تواند در تصمیم قبلی خود تجدیدنظر نماید.

ماده ۲۰- طرفین دعوی یا هر یک از آنها می توانند از دادگاه تقاضا کنند قبل از ورود به ماهیت دعوی مسئله حضانت و هزینه نگهداری اطفال یا نفقه زن را مورد رسیدگی فوری

قرار دهد و قراری در این باره صادر کند. دستور موقت دادگاه فوراً به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

ماده ۲۱- مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از تاریخ صدور است. در صورتی که ظرف این مدت گواهی مذکور به دفتر طلاق تسلیم نشود از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. دفاتر طلاق پس از ارائه گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین به طرف دیگر اخطار می‌نماید ظرف مهلتی که از یک ماه تجاوز ننماید برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حاضر شود. در صورتی که ظرف مهلت مقرر حاضر نشود دفتر طلاق مکلف است حسب تقاضای یکی از طرفین صیغه طلاق را جاری و ثبت نماید.

ماده ۲۲- هر کس با داشتن استطاعت نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقة امتناع نماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت یا وقوع طلاق در مورد زوجه تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد.

ماده ۲۳- ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است معذلک در مواردی که مصالحی اقتضا کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطاء شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاجت کند حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد.

تبصره - در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند دفاتر ازدواج مکلفند علاوه بر مطالبه گواهینامه مذکور در ماده ۲ قانون گواهینامه ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ گواهی صحت مزاج نسبت به عوامل یا بیماریهای دیگری که موجب بروز بیماری یا عوارض سوء در اولاد و یا زوجین خواهد شد نیز مطالبه نماید. نوع عوامل و بیماریهای مذکور را وزارت بهداری و وزارت دادگستری تعیین خواهند نمود.

ماده ۲۴- رسیدگی به امور خانوادگی در دادگاه بدون حضور تماشاچی انجام خواهد گرفت.

ماده ۲۵- اجرای احکام دادگاه به موجب آیین‌نامه‌ای است که از طرف وزارت

دادگستری تهیه خواهد شد.

تبصره - در مورد وجوهی که به موجب حکم دادگاه باید ماهانه و مستمر از محکوم علیه وصول شود یکبار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و مأمورین اجرا مکلفند عملیات اجرایی را مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر نشده است ادامه دهند.

ماده ۲۶- مقررات این قانون در مورد پرونده‌هایی که تاکنون منتهی به صدور حکم نهایی نشده است قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۲۷- آیین‌نامه اجرایی این قانون را وزارت دادگستری تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران به مورد اجرا خواهد گذاشت.

ماده ۲۸- قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است همچنین ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی از تاریخ اجرای این قانون ملغی است.^۱

قانون فوق مشتمل بر بیست و هشت ماده و ده تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه ۱۳۵۳/۱۰/۱۶، در جلسه روز سه‌شنبه پانزدهم بهمن ماه یک‌هزار و سیصد و پنجاه و سه شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.
رئیس مجلس شورای ملی

از قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیردار

(مصوب ۱۳۳۰/۳/۱۱)

ماده ۱۰- هر زنی که مبتلا به کوفت باشد در صورتی که بداند یا آن که اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیر است و کودک سالم شخص دیگر را با پستان خود شیر بدهد به حبس از دو تا هفت روز یا کیفر نقدی از پنج تا پنجاه ریال محکوم می‌شود.

در صورتی که طفل بر اثر این عمل مبتلا به کوفت شود مرتکب به یک تا سه ماه حبس

۱. ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مقرر می‌دارد:

«هر کس حاضر برای دادن مخارج ضروری زن خود در صورت تمکین زن نشود و طلاق هم ندهد به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

هر کس با داشتن استطاعت نفقه سایر اشخاصی را که مطابق قانون واجب النفقه او می‌باشند ندهد به مجازات فوق محکوم خواهد شد...»

تأدیبی و یا به پرداخت ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال و یا به هر دو کیفر محکوم خواهد شد همین کیفر درباره کسی نیز اجرا می شود که طفل مبتلا به کوفت را با علم به آن به زن سالمی بسپارد که از پستان خود او را شیر دهد و آن زن مبتلا به کوفت گردد.

تعقیب بزه نامبرده در قسمت اخیر این ماده موکول به شکایت خواهان خصوصی است. ماده ۱۱- هر شخصی که می خواهد طفلی را به دایه بسپارد موظف است قبل از آن که دایه پستان به دهن طفل بگذارد طفل و دایه را به وسایل مقتضی توسط پزشک امتحان نموده و گواهینامه بهداشتی به دست آورد که طفل یا دایه مبتلا به سفلیس نبوده خطری متوجه طفل یا دایه نیست در صورت تخلف به سه تا هفت روز حبس و یا پنج تا پنجاه ریال کیفر نقدی محکوم می شود و در صورت ابتلای طفل یا دایه کیفر متخلف حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه خواهد بود.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

بخش ششم

ازدواج و طلاق

لزوم ارائه گواهینامه پزشکی قبل از وقوع ازدواج

(مصوب ۱۳۱۷/۹/۱۳)

ماده اول - جمله زیر به ماده اول قانون ازدواج اصلاح شده به موجب قانون مصوب ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ اضافه می شود (در حوزه هایی که آگهی فوق الذکر از طرف وزارت دادگستری نشده است شوهر مکلف است در صورتی که در غیر دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت به ازدواج یا طلاق یا رجوع نماید تا بیست روز پس از وقوع عقد یا طلاق یا رجوع به یکی از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق رجوع کرده قبالة مزاجت یا طلاق نامه یا رجوع به ثبت برساند والا به یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد).

ماده دوم - کلیه دفاتر ازدواج مکلفند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهینامه پزشکی را برداشتن امراض مسریه مهم که نوع آنها از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام می گردد مطالبه نموده و پس از بایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی پزشکی بر تندرستی نامزدها اقدام نمایند.

تبصره - دختران از داشتن گواهی نامه پزشکی در قسمت امراض زهروی معاف هستند.

ماده سوم - پزشکهای می توانند گواهینامه صادر نمایند که پروانه مخصوص از وزارت دادگستری برای این کار داشته باشند.

تبصره - ترتیب صدور گواهینامه پزشکی و تعیین دستمزد آنها به موجب آیین نامه ای است که به تصویب وزارت دادگستری و وزارت کشور خواهد رسید.

ماده چهارم - هر سردفتری که بدون رعایت ماده ۲ این قانون به عقد و ثبت ازدواج مبادرت نماید به حبس تأدیبی از دو ماه الی یک سال محکوم خواهد شد.

ماده پنجم - هر پزشکی که بر خلاف واقع گواهی تندرستی به نامزد بدهد و یا بدون جهت از روی غرض از دادن گواهینامه خودداری نماید به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو

سال محکوم خواهد شد.

ماده ششم - اجرای مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون در هر محل از تاریخی است که از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام خواهد شد.

قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج^۱

(مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳)

ماده واحده - به منظور پیشگیری از تلفات ناشی از کزاز نوزادان، بانوان مکلفند قبل از وقوع عقد ازدواج در مناطقی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می نماید نسبت به واکسینه کردن خود علیه بیماری کزاز اقدام کنند.

دفاتر ازدواج موظفند قبل از ازدواج گواهینامه معتبر مبنی بر واکسیناسیون ضد کزاز از زوجه را اخذ و پس از بایگانی نسبت به انجام و ثبت عقد با ذکر مشخصات گواهی اقدام نمایند.

تبصره ۱ - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است تسهیلات لازم برای این امر را در اختیار مراجعین قرار دهد.

تبصره ۲ - در مورد واکسیناسیونهای دیگر تعیین نوع واکسن و گروه سنی و منطقه تزریق واکسن براساس تشخیص و لزوم و اعلام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود، کلیه دستگاهها و واحدهای مربوط موظف به همکاری هستند و تمام افرادی که براساس اعلام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشمول تزریق واکسن می شوند مکلفند در مدت تعیین شده نسبت به تزریق واکسن اقدام نمایند.

تبصره ۳ - سردفتر متخلف با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب در مرحله اول به تعطیل دفترخانه از یک ماه تا شش ماه و در مرحله دوم علاوه بر مجازات فوق به جریمه نقدی از ده هزار تا ۵۰ هزار تومان و در مرحله سوم به لغو پروانه محکوم خواهد شد.

تبصره ۴ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف یک ماه پس از تصویب قانون توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با همکاری وزارت دادگستری تهیه و تصویب خواهد شد.

تبصره ۵- چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در این ماده شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تأدیب خواهد شد با اعمال یکی از موارد تأدیب فوق پرونده را بایگانی می‌نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و پنج تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه بیست و سوم فروردین ماه یک هزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۱۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون ازدواج^۱

(مصوب ۱۳۱۰/۵/۲۳)

ماده ۱- در نقاطی که وزارت عدلیه معین و اعلام می‌نماید هر ازدواج و طلاق و رجوع باید در یکی از دفاتری که مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه تنظیم می‌شود واقع و به ثبت برسد: در نقاط مزبور هر مردی که در غیر از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت به ازدواج و طلاق و رجوع نماید به یک تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم می‌شود و همچنین مجازات درباره عاقدی مقرر است که در این نقاط بدون داشتن دفاتر رسمی به اجرای صیغه ازدواج یا طلاق یا ثبت رجوع نماید.

ماده ۲- قبالة ازدواج و طلاقنامه در صورتی که مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه به ثبت

۱. مواد ۱ و ۳ سابق به شرح ذیل می‌باشد:

ماده ۱- در حوزه‌هایی که وزارت عدلیه اعلام می‌نماید هر ازدواج و طلاقی که وقوع یابد در یکی از دفاتری که مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه تنظیم می‌شود باید به ثبت برسد در صورتی که مجری صیغه مزاجعت یا طلاق دارای چنین دفتری نباشد شوهر مکلف است تا بیست روز پس از وقوع عقد یا طلاق به یکی از کسانی که دارای دفتر فوق‌الذکر هستند رجوع کرده قبالة مزاجعت یا طلاقنامه را به ثبت برساند والا به یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.

ماده ۳- مزاجعت با کسی که هنوز استعداد جسمانی برای ازدواج پیدا نکرده ممنوع است. هر کس با کسی که هنوز استعداد جسمانی نداشته مزاجعت کند به یک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و به علاوه ممکن است مجرم به جزای نقدی از دوست تومان تا دو هزار تومان محکوم گردد. در مورد این ماده محاکمه در محاکم مخصوصی که اصول تشکیلات و طرز رسیدگی آن مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه تعیین خواهد شد به عمل می‌آید.

رسیده باشد سند رسمی والا سند عادی محسوب خواهد شد. برای ثبت ازدواج و طلاق دولت حق الثبت نخواهد گرفت.

ماده ۳- هرکس بر خلاف مقررات ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاجت کند به شش ماه الی دو سال حبس تأدیبی محکوم می شود در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد لااقل به دوالی ۳ سال حبس تأدیبی محکوم می شود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دو هزار ریال الی ۲۰ هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج بر خلاف مقررات فوق واقعه منتهی به نقص یکی از اعضاء یا مرض دائم زن گردد مجازات زوج از ۵ الی ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته اند نیز به همان مجازات یا به مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است محکوم می شوند. محاکمه این اشخاص را وزارت عدلیه می تواند به محاکم مخصوصی که اصول تشکیلات و ترتیب رسیدگی آن به موجب نظامنامه معین می شود ارجاع نماید و در صورت عدم تشکیل محکمه مخصوص، رسیدگی در محاکم عمومی به عمل خواهد آمد.

ماده ۴- طرفین عقد ازدواج هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر در مدت معینی غایب شده یا ترک انفاق نموده یا بر علیه حیات زن سوء قصد کرده یا سوء رفتاری نماید که زندگانی زناشویی غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم قطعی خود را به طلاق بائن مطلقه سازد.

تبصره - در مورد این ماده محاکمه بین زن و شوهر در محکمه ابتدایی مطابق اصول محاکمات حقوقی به عمل خواهد آمد حکم بدایت قابل استیناف و تمیز است مدت مرور زمان شش ماه از وقوع امری است که حق استفاده از شرط می دهد.

ماده ۵- هر یک از زن و شوهری که قبل از عقد طرف خود را فریبی داده که بدون آن فریب مزاجت صورت نمی گرفت به شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.

ماده ۶- هر مردی مکلف است در موقع ازدواج به زن و عاقد صریحاً اطلاع دهد که زن دیگر دارد یا نه، این نکته در قباله مزاجت قید می شود مردی که در موقع ازدواج بر خلاف واقع خود را بی زن قلمداد کرده و از این حیث زن را فریب دهد به مجازات فوق محکوم خواهد گردید.

ازدواج و طلاق / ۱۶۹

ماده ۷- تعقیب جزایی در مورد دو ماده فوق بسته به شکایت زن یا مردی است که طرف او را فریب داده است و هرگاه قبل از صدور حکم قطعی مدعی خصوصی شکایت خود را مسترد داشت تعقیب جزایی موقوف خواهد شد.

ماده ۸- زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

ماده ۹- نفقه زن بر عهده شوهر است.

تبصره - نفقه عبارت است از مسکن و لباس و اثاث البیت به طور متناسب.

ماده ۱۰- زن می تواند در مورد استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. هرگاه اجرای حکم مزبور ممکن نباشد زن می تواند برای تفریق از طرق محاکم عدلیه به محاکم شرع رجوع کند.

ماده ۱۱- تعیین منزل زن با شوهر است مگر خلاف آن شرط شده باشد.

ماده ۱۲- در مواردی که زن ثابت کند ترک منزل سبب خوف ضرر بدنی یا مالی است که عادتاً نمی توان تحمل کرد و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل نخواهد داد و مادام که در باز نگشتن به منزل معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

ماده ۱۳- در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکنای زن به تراضی طرفین معین می شود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربایی نباشد محکمه خود محل مورد اطمینانی را معین خواهد بود.

ماده ۱۴- زن می تواند در دارایی خود بدون اجازه شوهر تصرفی را که می خواهد بکند.

ماده ۱۵- نسبت به حق نگهداری اطفال مادر تا دو سال از تاریخ ولادت اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حق نگهداری با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم آنها حق حضانت با مادر خواهد بود.

ماده ۱۶- اگر مادر طفل در مدتی که حق حضانت با اوست به دیگری شوهر کند یا مبتلا به جنون شود یا از حضانت امتناع نماید مادام که یکی از علل مذکور باقی است پدر از اولاد نگهداری خواهد کرد.

ماده ۱۷- ازدواج مسلمة با غیر مسلم ممنوع است. ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص بوده و دولت باید در هر نقطه

مرجعی را برای دادن اجازه معین نماید. هر خارجی که بدون اجازه مذکور در فوق زن ایرانی را ازدواج نماید به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد.^۱

ماده ۱۸- در مورد عقد و طلاق که در دفاتر مذکوره در ماده اول این قانون به ثبت برسد آن قسمتی از مقررات مواد ۴ و ۵ قانون سجل احوال مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۰۷ که مربوط به اعلام وقوع عقد و طلاق است لازم‌الرعايه نخواهد بود.

ماده ۱۹- نظامنامه‌های لازم برای اجرای این قانون را وزارت عدلیه تنظیم خواهد کرد.

ماده ۲۰- این قانون از اول مهر ماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

قانون راجع به انکار زوجیت

(مصوب ۱۳۱۱/۲/۲۰)

ماده اول- هرگاه مردی در مقابل دعوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج اعم از صداق و نفقه و غیره انکار زوجیت کند و بعد معلوم شود این انکاری اساس بوده محکمه‌ای که به دعوی مالی رسیدگی می‌نماید مرد را علاوه بر تأدیه حقوق مالی به یازده روز الی دو ماه حبس تأدیبی و پانصد تا هزار ریال جزای نقدی و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد نمود.

حکم فوق درباره کسانی نیز جاری است که پس از فوت مرد طرف دعوی اثر یا حقوق مالی دیگر ناشی از عقد و ازدواج شده و با علم به زوجیت زن آن را انکار نماید.

ماده دوم- هر زنی که بر خلاف واقع ادعای زوجیت و مطالبه حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و همچنین کسی که به عنوان قائم مقام قانونی زنی برای مطالبه حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج با علم به عدم زوجیت اقامه دعوی نماید به مجازات حبس از ۱۱ روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از صد تا هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده سوم- این قانون از اول خرداد ماه ۱۳۱۱ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

۱. ماده (۹) آیین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی با تبعه بیگانه، ماده (۱۷) قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ را نسخ نموده است.

ماده ۹- این آیین‌نامه به جای تصویب‌نامه‌ها و مقرراتی که تاکنون درباره زناشویی تبعه بیگانه با بانوی ایرانی صادر شده می‌باشد و وزارتخانه‌های دادگستری، خارجه و کشور هر یک در قسمت مربوط به خود مأمور اجرای این آیین‌نامه هستند.

آیین نامه زناشویی بانوان ایرانی با تبعه بیگانه

(مصوب ۱۳۱۹/۹/۱۳)

هیئت وزیران در جلسه ۱۳ آذرماه ۱۳۱۹ بر طبق پیشنهاد شماره ۹۲۵۹۷ به تاریخ ۱۸ آبان ماه ۱۳۱۹ وزارت کشور آیین نامه راجع به زناشویی بانوان ایرانی با تبعه بیگانه را به شرح زیر تصویب نمودند:

ماده ۱- به وزارت کشور اجازه داده می شود در حدود مقررات قانون ازدواج و ماده ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ قانون مدنی پروانه زناشویی بانوان ایرانی را با تبعه بیگانه بدو عایت مقررات این آیین نامه صادر نماید.

ماده ۲- پروانه زناشویی در صورتی داده می شود که مرد تبعه بیگانه دارای شرایط زیر باشد و صلاحیت زناشویی را وزارت کشور تصدیق نماید:

الف) داشتن مکنت کافی به طوری که بتواند هزینه و نفقه زن را مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی تأمین نماید.

ب) نداشتن پیشینه بد و پیشینه محکومیت کیفری.

ج) مبتلا نبودن به بیماریهای مسری.

د) نبودن منع قانونی برای زناشویی با زن ایرانی در کشور متبوع خود.

ماده ۳- برای اثبات شرایط بالا داوطلب زناشویی باید گواهینامه های زیر را تهیه کرده و پیوست درخواست خود در ایران به فرمانداری محل اقامت و در خارجه به کنسول و یا مأمور سیاسی دولت شاهنشاهی تسلیم نماید.

الف) گواهی نامه بهداشتی طبق مقررات قانون ازدواج و آیین نامه آن.

ب) گواهینامه از مرجع رسمی محلی خود یا مأمور سیاسی یا کنسولی دولت متبوع خود در ایران که طبق قانون و مقررات آن کشور مانعی برای زناشویی با زن ایرانی نیست و در صورت وقوع زناشویی آن را ثبت کرده به رسمیت خواهند شناخت.

ج) گواهینامه از مرجع رسمی محلی خود یا مأمور سیاسی یا کنسولی دولت متبوع خود در ایران که زن دیگری ندارد.

د) گواهینامه نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری از شهربانی ایران برای مدتی که در ایران توقف داشته و از مرجع صلاحیتدار کشور خارجه که مأمور کنسولی یا سیاسی ایران یا مأمورین کشور متبوع درخواست کننده در ایران گواهی کرده باشند برای مدتی که در خارجه توقف داشته است.

ه) گواهینامه از مأمور کنسولی یا سیاسی دولت متبوع خود در ایران و یا از مأمور کنسولی یا سیاسی ایران در کشور متبوع خود که استطاعت و مکنت کافی برای دادن هزینه و نفقه زن مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی دارد.

تبصره - مرد تبعه بیگانه باید علاوه بر گواهی نامه‌های نامبرده تمهیدنامه رسمی ثبتی طبق قانون محلی خود به پیوست درخواست زناشویی بفرستد که متعهد است کلیه هزینه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا کند در صورت بد رفتاری یا ترک و یا طلاق تأدیه نماید.

ماده ۴- وزارت کشور می‌تواند در موارد زیر بدون ابراز گواهینامه مذکور در بند ماده ۳ اجازه زناشویی با بانوی ایرانی را بدهد.

۱. اگر گرفتن گواهینامه مذکور در بند ب ماده ۲ برای مرد بیگانه مقدور نباشد.
۲. اگر داوطلب زناشویی مهاجر و یا پناهنده باشد که بدون گذرنامه منظم و یا بدون روادید مأمورین سیاسی ایران و یا مأمورین رسمی کشور متبوع خود به ایران آمده باشد.
- تبصره - در دو مورد بالا در صورتی اجازه داده می‌شود که اداره کل شهربانی از رفتار درخواست‌کننده رضایت داشته و صلاحیت اخلاقی او را گواهی نماید.

ماده ۵- درخواست‌کننده زناشویی با بانوی ایرانی باید گواهینامه‌های نامبرده را تهیه نموده به پیوست درخواست خود و رونوشت شناسنامه زن و دو قطعه عکس از خود و دو قطعه عکس زن که در زمان نزدیک به درخواست زناشویی برداشته شده به گواهی شهربانی محل و یا مأمورین کنسولی و یا سیاسی ایران رسیده باشد در ایران به فرماندار محل و در خارجه به مأمور سیاسی و کنسولی ایران تسلیم نماید.

ماده ۶- فرماندار و مأمورین سیاسی یا کنسولی ایران گواهینامه‌ها و پیوستهای درخواست را رسیدگی نموده در صورتی که آنها را کافی دانستند و یا صلاحیت زناشویی از لحاظ شخصیت و اخلاق و روحیات طرفین و اوضاع و احوال محلی موافقت داشته باشند ضمن فرستادن برگهای نامبرده و عکسها به وزارت کشور موافقت خود را با این زناشویی و صدور پروانه اعلام دارند.

تبصره - مأمورین سیاسی یا کنسولی باید مطابقت زناشویی را با مقررات قانون ازدواج مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۰ و قانون مدنی و آیین‌نامه‌ها و دستورهای مربوطه تصدیق نمایند.

ماده ۷- وزارت کشور در صورتی که موافقت داشته باشد پروانه زناشویی را صادر می‌نماید. پروانه زناشویی چاپی بوده و اطلاعات زیر در آن نوشته می‌شود. عکس زن و مرد

به پروانه چسبیده و به مهر وزارت کشور می‌رسد:

الف) نام و نام خانوادگی زن و مرد. تاریخ تولد. کار. محل اقامت فعلی. محل تولد. نام پدر هر یک. تابعیت مرد (در صورتی که هر یک از مرد یا زن چند نام داشته باشند تمام آنها باید در پروانه نوشته شود).

ب) شماره شناسنامه زن و تاریخ محل صدور آن و شماره و تاریخ پروانه اقامت و گذرنامه مرد «در صورتی که در خارجه باشند شماره و تاریخ و محل صدور شناسنامه هر دو نوشته می‌شود».

تبصره - وزارت کشور می‌تواند با موافقت وزارت امور خارجه به بعضی از نمایندگان سیاسی یا کنسولی ایران در خارج اختیار دهد که طبق این آیین‌نامه پروانه زناشویی را مستقیماً در محل صادر و تسلیم درخواست‌کننده نمایند و پس از تسلیم پروانه زناشویی تمام پیشینه و برگهای گواهی‌نامه را توسط وزارت امور خارجه به وزارت کشور بفرستند.

ماده ۸- دفترخانه‌های ثبت زناشویی در ایران و نمایندگان شاهنشاهی در خارجه که مأمور ثبت زناشویی هستند نمی‌توانند زناشویی تبعه بیگانه را که پروانه زناشویی با بانوی ایرانی را از وزارت کشور یا مأمورین سیاسی و یا کنسولی ایران که دارای اختیار مذکور در فوق باشند در دست ندارد ثبت نماید و کنسولگریها و مأمورین سیاسی ایران در خارجه باید مراجع محلی عقد زناشویی را در کشور محل مأموریت خود به این نکته متوجه سازند.

ماده ۹- این آیین‌نامه به جای تصویب‌نامه‌ها و مقرراتی که تاکنون درباره زناشویی تبعه بیگانه با بانوی ایرانی صادر شده می‌باشد و وزارتخانه‌های دادگستری، خارجه و کشور هر یک در قسمت مربوط به خود مأمور اجرای این آیین‌نامه هستند.^۱

۱. قوانین و مقررات منسوخه به شرح زیر است:

الف) مصوبه هیئت وزراء، جلسه ۱۰ مهر ماه ۱۳۱۰ مقرر می‌داشت:

ماده واحده - مقامی که برای اجازه ازدواج اتباع خارجه با نساوان ایرانی صلاحیتدار خواهد بود در ایالت والی و در ولایات حاکم و در خارجه مأمور کنسولی ایران است.

ب) تصویب‌نامه هیئت وزیران مصوب ۱۳۲۰/۱۱/۲۷ مقرر می‌داشت:

ماده ۱ - در موارد ذیل والی یا حاکم و یا مأمور قونسولی نباید اجازه ازدواج اتباع خارجه را با نساوان ایرانی بدهند:

۱- در صورتی که از حیث قوانین ایران با قوانین مملکت متبوع شخص خارجی برای ازدواج او مانعی موجود باشد.

۲- در صورتی که استطاعت تبعه خارجه از حیث وسایل معیشت برای تحمل مخارج زوجه خود از مسکن و اغذیه و البسه و غیره به نحوی که با وضعیت زن متناسب باشد محرز نشود.

آیین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی^۱

(مصوب ۱۳۳۵/۷/۶)

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۳۵/۷/۶ بنا به پیشنهاد شماره ۵۷۳۵/ش-۱۵ و ۲۷ و ۴۵ و وزارت کشور در اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب سال ۱۳۱۶ آیین نامه زناشویی بانوان ایران با اتباع بیگانه غیر ایرانی را به شرح زیر تصویب نمودند.

ماده ۱- به وزارت کشور اجازه داده می شود پروانه اجازه زناشویی بانوان ایرانی را با اتباع بیگانه با رعایت مقررات این آیین نامه صادر نماید.

ماده ۲- با رأی صدور پروانه فوق متقاضیان باید مدارک زیر را تهیه و تسلیم دارند.

(۱) درخواستنامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشویی طبق نمونه وزارت کشور.

(۲) گواهینامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع مرد. در صورتی که تهیه گواهینامه مذکور برای متقاضی امکان پذیر نباشد وزارت کشور می تواند بدون دریافت مدرک فوق در صورت رضایت زن پروانه زناشویی را صادر نماید.

(۳) در صورتی که مرد غیر مسلمان و زن مسلمان باشد گواهی یا استشهاد تشرف مرد به دین مبین اسلام.

ماده ۳- وزارت کشور در صورت تقاضای زن علاوه بر مدارک مذکور در ماده ۲ مدارک زیر را نیز از مرد بیگانه مطالبه خواهد نمود.

۳- در صورتی که تبعه خارجه در مملکتی که در آنجا می خواهد با زن ایرانی ازدواج کند نه مال غیر منقول داشته باشد و نه علاقه تجارتی و از حیث شغل نیز نتواند به طور مرتب در آن مملکت اقامت یا سکونت کند.

ماده ۲- هر تبعه خارجه که بخواهد اجازه ازدواج با زن ایرانی را تحصیل کند باید اسناد و مدارکی را که مثبت حائز بودن شرایط ازدواج زن ایرانی باشد به تقاضانامه خود ضمیمه کرده و به مرجع صلاحیتدار تقدیم نماید.

ماده ۳- اثبات اینکه مطابق قوانین مملکت متبوع تبعه خارجه برای ازدواج او مانع قانونی موجود نیست به وسیله تصدیقنامه ای که از طرف مأمورین قونسولی دولت متبوع شخص مزبور در ایران داده شده باشد به عمل می آید.

احراز استطاعت تبعه خارجه از حیث وسایل معیشت در مورد دارایی که تبعه خارجه در خارج ایران دارد به موجب تصدیق مأمورین قونسولی دولت متبوع او در ایران و یا تصدیق مأمورین قونسولی دولت ایران در مملکتی که دارایی در آنجا واقع است و در مورد دارایی تبعه خارجه در ایران به وسیله شهادت کتبی شهود که هویت آنها را نظمیه محل نیز تصدیق کرده باشد به عمل می آید.

۱. به نقل از شماره ۴۶/۱/۱۵-۶۴۴۲ روزنامه رسمی

(۱) گواهی نامه مبنی بر اینکه مرد مجرد است یا متأهل از مرجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد.

(۲) گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد و همچنین گواهی عدم سوء پیشینه کیفری از مراجع کشور شاهنشاهی در صورتی که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد.

(۳) گواهی از مراجع محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد مبنی بر وجود استطاعت و مکنت زوج و همچنین تعهدنامه ثبتی از طرف مرد بیگانه مبنی بر اینکه متعهد شود هزینه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا کند در صورت بدرفتاری یا ترک و طلاق پرداخت نماید.

تبصره - (الحاقی ۲۰/۴/۱۳۴۹)

در مواردی که وزارت کشور مصلحت بداند برای حسن انجام وظایفی که طبق مقررات قوانین ایران زوج در قبال زوجه دارد از قبیل حسن رفتار و اتفاق در تمام مدت زناشویی و ادای واجبات مالی زوجه و اولاد تحت حضانت وی و امثال آن و همچنین در مواردی که تفریق پیش آید برای پرداخت هزینه مراجعت همسر مطلقه تا محل سکونت زن در ایران می تواند تضمین متناسب از شوهر مطالبه نماید.

فرم تعهدنامه و تضمینی که در این قبیل موارد باید اخذ شود و چگونگی استفاده از ضمانت نامه را وزارت کشور تهیه خواهد نمود.

ماده ۴- وزارت کشور می تواند به استانداریها و فرمانداریهای کل و همچنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضی از نمایندگان سیاسی و کنسولی شاهنشاهی در خارجه اختیار دهد که طبق مقررات این آیین نامه پروانه اجازه زناشویی را مستقیماً در محل صادر نموده و مراتب را به ثبت احوال اعلام دارند.

وزیر مشاور

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق^۱

(مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۷۱/۸/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام)

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون زوجیهایی که قصد طلاق و جدایی یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند.

چنانچه اختلافات فیما بین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آنطور که قرآن کریم فرموده است) حل و فصل نگردید دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاقهایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است، ندارند. در غیر این صورت از سر دفتر خاطی، سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد.

تبصره ۱- نحوه دعوت از حکمین و بررسی صلاحیت آنان به عهده دادگاه مدنی خاص است که آیین نامه اجرایی آن ظرف ۲ ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید.

تبصره ۲- گزارش کتبی مبنی بر عدم امکان سازش با توجه به کلیه شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج جمهوری اسلامی ایران و نیز تعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان و حل و فصل مسائل مالی با امضای حکمین شوهر و زن مطلقه و همچنین گواهی کتبی سلامت روانی زوجین در صورتی که برای دادگاه مدنی خاص مشکوک باشد به دادگاه باید تحویل گردد.

تبصره ۳- اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به تأدیه حقوق شرعی و قانونی زوج (اعم از مهریه، نفقه، جهیزیه و غیر آن) به صورت نقد می باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (در حد آنچه بذل شده) و یا رضایت زوج و یا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق الذکر.

تبصره ۴- در طلاق رجعی گواهی کتبی اسکان زوج مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است. و در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع در مهلت مقرر، صورتجلسه طلاق تکمیل و ثبت می گردد، صورتجلسه تکمیلی طلاق با امضاء زوجین و حکمین و عدلین و سر دفتر و مهر دفترخانه معتبر است.

تبصره ۵- دادگاه مدنی خاص در مواقع لزوم می تواند از بین بانوان واجد شرایط قانون شرایط انتخاب قضات مشاور زن داشته باشد.

تبصره ۶- پس از طلاق در صورت درخواست زوج مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه بدو از طریق مصالح نسبت به تأمین خواسته زوج اقدام می نماید و در صورت عدم امکان مصالح، چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم در

خصوص امور مالی، شرطی شده باشد طبق آن عمل می‌شود، در غیر این صورت، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد، و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف) چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد، و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

ب) در غیر مورد بند «الف»، با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسیع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید.

تبصره ۷- گواهی وجود یا عدم وجود جنین توسط پزشک ذیصلاح و آزمایشگاه مربوط باید تحویل گردد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

بخش هفتم

حضانة و سرپرستی

قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست

(مصوب ۱۳۶۲/۸/۱)

ماده واحده - دولت مکلف است نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی سرپرست موضوع بند چهارم اصل بیست و یکم قانون اساسی اقدام و حداکثر ظرف سه ماه لایحه آن را برای تصویب به مجلس تقدیم دارد.

تبصره - دولت باید حتی الامکان در لایحه جهت خودکفا نمودن بیمه شدگان را مورد توجه خاص قرار دهد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون نحوه کمک به خانواده‌های مشمولینی که با اعزام مشمول قدرت

اداره معاشی خود را از دست می‌دهند^۱

(مصوب ۱۳۶۶/۶/۳)

ماده ۱ - دولت موظف است همه ساله اعتبار لازم، برای کمک به خانواده تحت تکفل مشمولین نیازمند موضوع این قانون را در ردیف جداگانه‌ای در لایحه بودجه کل کشور ذیل ردیف کمیته امداد امام منظور نماید.

تبصره ۱ - نیازمند به کسی اطلاق می‌گردد که میزان درآمد ماهیانه وی از حداقل حقوق بازنشستگی کارمندان دولت کمتر باشد.

تبصره ۲ - تشخیص نیازمند با کمیته امداد امام خواهد بود.

تبصره ۳ - اعتبار لازم برای اجرای این قانون بنا به پیشنهاد وزارتخانه‌های دفاع، سپاه و

۱. به نقل از شماره ۱۳۶۲/۹/۱۹-۱۱۲۹۸ روزنامه رسمی

۲. به نقل از شماره ۱۳۶۶/۷/۱۱-۱۲۴۰۹ روزنامه رسمی

کشور در بودجه کل کشور منظور می‌گردد.

ماده ۲- خانواده‌های مشمولینی از کمکهای موضوع این قانون بهره‌مند می‌شوند که مشمول تأمین‌کننده معاش خانواده بوده و با اعزام وی به خدمت دوره ضرورت، خانواده او قدرت اداره معاش خود را از دست بدهد.

ماده ۳- مشمولین زیر تأمین‌کننده معاش خانواده محسوب می‌شوند:

- الف) یگانه فرزند ذکور بیش از ۱۸ سال هر پدر یا مادر
- ب) یگانه نوه ذکور بیش از ۱۸ سال جد یا جدۀ فاقد فرزند ذکور بیش از ۱۸ سال.
- ج) یگانه برادر و سرپرست خواهر یا برادر صغیر.
- د) مشمولی که دارای همسر یا فرزند باشد.
- ه) مشمولی که دارای برادر بیش از ۱۸ سال از کار افتاده بوده و برادر بیش از ۱۸ سال دیگری نداشته باشد.
- و) مشمولی که دارای خواهری باشد که فاقد شوهر و فرزند ذکور بیش از ۱۸ سال بوده و برادر بیش از ۱۸ سال دیگر نداشته باشد.

ماده ۴- میزان کمک معاش موضوع این قانون برای فرد اول دو سوم حداقل حقوق بازنشستگی کارمندان دولت و برای هر فرد اضافی یک ششم حداقل حقوق مزبور بوده حداکثر تا میزان حداقل بازنشستگی قابل پرداخت می‌باشد.

ماده ۵- مشمول می‌تواند هنگام معرفی خود یا در حین انجام خدمت تقاضای کمک معاش مشمولین را به کمیته امداد محل تسلیم نماید و کمیته امداد موظف است حداکثر ظرف یک ماه پاسخ لازم را به مشمول اعلام نماید.

تبصره - مشمولی که مطابق این قانون از کمک معاش استفاده می‌کند، موظف است در صورت عدم نیاز و تمکن موضوع را به کمیته امداد امام کتباً اعلام نماید.

ماده ۶- آیین‌نامه اجرایی این قانون با پیشنهاد کمیته امداد امام و تصویب وزارتخانه‌های دفاع و سپاه و کشور به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه کمک به خانواده‌های مشمولینی که با

اعزام مشمول قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند

(مصوب ۱۳۶۶/۶/۱۳)

ماده ۱- خانواده مشمولینی از مزایای این قانون برخوردار می‌باشند که با اعزام مشمول به

خدمت نظام وظیفه قدرت اداره معاش خود را از دست داده و درآمد آنها کمتر از حداقل حقوق بازنشستگی کارمندان دولت باشد.

ماده ۲- خانواده نیازمند مشمول قانون عبارتند از:

الف) پدر یا مادر با اعزام یگانه فرزند ذکور بیش از ۱۸ سال.

ب) جد و یا جده فاقد فرزند ذکور و یا نوه بیش از ۱۸ سال با اعزام مشمول به خدمت.

ج) خواهر و برادر صغیر با اعزام یگانه برادر و سرپرست.

د) همسر و یا فرزند.

ه) برادر بیش از ۱۸ سال از کار افتاده که برادر بیش از ۱۸ سال دیگری نداشته باشد.

و) خواهری که فاقد شوهر و فرزند ذکور بیش از ۱۸ سال بوده و برادر بیش از ۱۸ سال دیگری نداشته باشد.

ماده ۳- میزان کمک معاش به خانواده‌های مشمولین نیازمند در طول خدمت دوره ضرورت برای خانواده یک نفر ۱۵۳۰۰ ریال و برای خانواده ۲ نفره ۱۹۱۵۰ ریال و از خانواده ۲ نفر به بالا ۲۳۰۰۰ ریال خواهد بود.

ماده ۴- مشمول یا خانواده وی موظفند در صورت رفع نیاز و حصول تمکن موضوع را به کمیته امداد مربوط کتباً اعلام نمایند تا نسبت به قطع کمک معاش اقدام گردد.

تبصره - کمیته امداد در صورت اطلاع از عدم نیاز خانواده مشمول موظف به قطع کمک معاش خواهد بود.

ماده ۵- خانواده‌های استفاده‌کننده از وام قرض‌الحسنه معیشتی مشمولین متأهل و معیل مصوبه دهمین نشست شورای عالی پشتیبانی جنگ مشمول مزایای این آیین‌نامه نخواهند بود.

ماده ۶- به منظور ایجاد تسهیلات لازم و کاهش مشکلات اجرایی و تقلیل هزینه‌های مربوطه، کمیته‌های امداد مجازند در صورت صلاحدید دفتر مرکزی در موارد ضروری کمک موضوع این آیین‌نامه را هر سه ماه یک بار به واجدین شرایط پرداخت نمایند.

ماده ۷- در صورت بازداشت مشمول و صدور حکم محکومیت به حبس از جانب محاکم ذریط قضایی از تاریخ صدور حکم قطعی با اعلام یگان خدمتی به کمیته امداد مربوط کمک معاش قطع خواهد گردید و برقراری مجدد کمک معاش منوط به آزادی و شروع به خدمت وی با اعلام یگان خدمتی می‌باشد.

ماده ۸- در صورت فرار مشمول از خدمت چنانچه مدت آن از یک ماه تجاوز نماید یگان

خدمتی موظف است که مراتب را جهت قطع کمک معاش از تاریخ اعلام به کمیته امداد مربوطه منعکس نماید و برقراری مجدد کمک معاش منوط به اعلام یگان محل خدمتی مبنی بر بازگشت به خدمت مشمول خواهد بود.

ماده ۹- پرداخت کمک معاش به خانواده مشمولین واجد شرایطی که شهید، اسیر، مفقودالامر و یا معلول می گردند تا برقراری مستمری از سوی سازمانهای ذیربط ادامه خواهد داشت.^۱

تبصره ۱- نیروهای نظامی و انتظامی مربوطه موظفند حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از برقراری مستمری فوق، مراتب را جهت قطع کمک معاش به کمیته امداد مربوطه اعلام نمایند.

تبصره ۲- در صورت فوت مشمول در طول مدت خدمت وظیفه، یگانهای محل خدمت موظف به اعلام مراتب جهت قطع کمک معاش خواهند بود.

ماده ۱۰- تعیین فرد گیرنده و یا افراد دریافت کننده کمک معاش و سهم هر یک از آنان در درجه اول در نظر خود مشمول و در صورت عدم اعلام نظر با کمیته امداد مربوطه خواهد بود.

ماده ۱۱- درخواست مشمول مبنی بر تقاضای استفاده از کمک معاش موضوع این آیین نامه توسط یگان محل خدمت طبق فرمهای تعیین شده ۱ و ۲ پیوستی آیین نامه حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ تسلیم تقاضا نامه به کمیته امداد محل ارسال خواهد شد.

ماده ۱۲- کمیته امداد محل موظف است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول فرم شماره ۱ پاسخ لازم را نسبت به استحقاق و یا عدم استحقاق متقاضی از طریق یگان محل خدمتی اعلام دارد.

تبصره - در صورت واجدالشرایط بودن مشمول برای دریافت کمک معاش کمیته امداد نسبت به برقراری و پرداخت کمک معاش از محل اعتباری که در اختیار خواهد گرفت اقدام خواهد نمود.

۱. اصلاحیه ماده ۹ آیین نامه اجرایی قانون نحوه کمک خانواده های مشمولینی که با اعزام مشمول قدرت اداره خود را از دست می دهند:

ماده ۹- پرداخت کمک معاش به خانواده مشمولین واجد شرایطی که شهید، اسیر، مفقودالامر و یا معلول می گردند و یا در حین انجام وظیفه و به سبب آن فوت می نمایند تا برقراری مستمری از سوی سازمانهای ذیربط ادامه خواهد داشت.

ماده ۱۳- مبنای تاریخ پرداخت کمک معاش موضوع این آیین نامه از تاریخ تسلیم فرم شماره ۱ توسط مشمول به یگان مربوطه خواهد بود.

ماده ۱۴- اعتبار سالانه مورد نیاز بر اساس ماده ۱ قانون جهت منظور نمودن در ردیف بودجه های کل کشور توسط وزارتخانه های سپاه، دفاع، کشور بر مبنای آمار مشمولین موضوع این آیین نامه با هماهنگی و از طریق کمیته امداد امام به وزارت برنامه و بودجه اعلام خواهد شد.

وزیر کشور - وزیر دفاع - وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست

(مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۲)

ماده ۱- به پیروی از تعالیم عالیه اسلام در جهت حفظ شئون و حقوق اجتماعی زن و کودک بی سرپرست و زدودن آثار فقر از جامعه اسلامی و به منظور اجرای قسمتی از اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زنان و کودکان بی سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت های مقرر در این قانون بهره مند خواهند شد.

ماده ۲- مشمولان این قانون عبارتند از:

۱. زنان بیوه - بیوه به زنانی اطلاق می شود که به عقد ازدواج (دائم یا منقطع) در آمده و سپس به یکی از دلایل طلاق، فوت شوهر، فسخ عقد، صدور حکم موت فرضی، بذل مدت و یا انقضای مدت در نکاح منقطع، شوهر خود را از دست داده باشند.

۲. زنان پیر و سالخورده - زنان بی سرپرست و مسنی هستند که قادر به تأمین معاش خود نباشند.

۳. سایر زنان و دختران بی سرپرست - به زنان و دخترانی اطلاق می شود که بنا به عللی از قبیل: مفقودالاثار شدن یا از کار افتادگی سرپرست، به طور دائم یا موقت بدون سرپرست (نان آور) می مانند.

۴. کودکان بی سرپرست - به کودکانی اطلاق می شود که بنابه هر علت و به طور دائم یا موقت، سرپرست خود را از دست داده باشند.

تبصره ۱- پسران موضوع بند ۴ این ماده تا رسیدن به حداقل سن قانونی (مندرج در قانون کار) و دختران تا زمانی که ازدواج نمایند مشمول این قانون باقی خواهند ماند مگر اینکه تحت سرپرستی قرار گیرند یا به نحوی تمکن مالی بیابند.

تبصره ۲- پسرانی که ادامه تحصیل دهند به شرط وجود اعتبار تا پایان تحصیل مشمول مفاد این قانون می‌باشند.

ماده ۳- زنان و کودکان بی‌سرپرست که به هر نحو از مستمریهای بازنشستگی، از کار افتادگی و بازماندگان بهره‌مند می‌شوند و یا از تمکن مالی برخوردار باشند از شمول مقررات این قانون خارج هستند.

ماده ۴- حمایت‌های موضوع این قانون عبارتند از:

۱. حمایت‌های مالی شامل تهیه وسایل و امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی به صورت نوبتی یا مستمر.

۲. حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی شامل ارائه خدماتی نظیر خدمات آموزشی (تحصیلی)، تربیتی، کاریابی، آموزش حرفه و فن جهت ایجاد اشتغال، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری جهت رفع مسائل و مشکلات زندگی مشمول و به وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده.

۳. نگهداری روزانه یا شبانه‌روزی کودکان و زنان سالمند بی‌سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی و نگهداری اینگونه کودکان و زنان به افراد واجد شرایط. تبصره - کلیه مشمولان واجد شرایط که از سلامتی جسمی و روانی برخوردارند به تشخیص مددکاران ذیربط، جهت شرکت در دوره‌های آموزش حرفه‌ای و کاریابی معرفی می‌شوند.

ماده ۵- میزان و مدت پرداخت مقرری ماهیانه طبق آیین‌نامه‌ای تعیین می‌گردد که بنا به پیشنهاد سازمان بهزیستی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره - پرداخت مقرری نقدی و غیر نقدی تا احراز موارد مندرج در ماده (۶) این قانون ادامه خواهد یافت.

ماده ۶- در موارد زیر مقرری مشمولان قطع خواهد شد:

۱. در صورت ازدواج، رجوع یا تحت تکفل قرار گرفتن.

۲. یافتن تمکن مالی.

۳. خودداری از شرکت در دوره‌های آموزشی (تحصیلی) و آموزش حرفه‌ای بدون عذر

موجه.

۴. امتناع از قبول شغل مناسب پیشنهادی.

تبصره - در صورت محکومیت کیفری که منجر به بازداشت و زندان شود، مقرری مربوط در مدت محکومیت قطع خواهد شد.

ماده ۷- هر کس براساس اسناد و گواهیهای خلاف یا با توسل به عناوین تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید به رد عین یا معادل کمکهای نقدی و غیر نقدی دریافتی و نیز تا دو برابر آن جریمه محکوم می شود و چنانچه موجبات استفاده اشخاص ثالث را من غیرحق فراهم نماید به جزای نقدی تا سه برابر مزبور محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- کلیه خسارات و وجوه حاصله از جرائم نقدی مقرر در این قانون جزء درآمد اختصاصی سازمان بهزیستی و در یک ردیف درآمد و هزینه مستقل همه ساله در قانون بودجه منظور و طبق آیین نامه ای که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید هزینه می گردد.

تبصره ۲- سازمان بهزیستی می تواند از هدایا و کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت اجرای این قانون استفاده نماید.

ماده ۸- چنانچه مشمولان این قانون، اشتغال، ازدواج یا رجوع خود را مکتوم داشته و مقرری دریافت دارند، برابر ماده ۷ این قانون مورد پیگرد قرار خواهند گرفت.

ماده ۹- سازمان بهزیستی کشور مجری این قانون خواهد بود و موظف است آیین نامه های اجرایی مربوط را ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قانون با هماهنگی کلیه نهادها و دستگاههای ذیربط تهیه و جهت تصویب به هیئت وزیران تقدیم نماید.

تبصره - اجرای این قانون مانع از انجام وظایف قانونی و موارد پیش بینی شده در اساسنامه کمیته امداد امام خمینی (ره) نمی باشد و کمیته مزبور در چارچوب وظایف قانونی خویش کماکان نسبت به ارائه خدمات مربوط ادامه خواهد داد.

ماده ۱۰- کلیه وزارتخانه ها، سازمانهای دولتی و وابسته به دولت، مؤسسات عمومی و سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می باشد موظفند همکاریهای لازم را در زمینه اجرای این قانون با سازمان بهزیستی کشور معمول دارند.

قانون فوق مشتمل بر ۱۰ ماده و ۸ تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم آبان ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

ضوابط تأمین حداقل مسکن و اداره معیشت زندگی خانواده‌های بی‌سرپرست و اشخاص از کار افتاده مهاجر^۱

(مصوب ۱۳۷۱/۴)

الف) اداره معیشت زندگی خانواده‌های بی‌سرپرست و اشخاص از کار افتاده مهاجر

ماده ۱- کلیه مهاجران بی‌سرپرست و از کار افتاده که به شهرها و روستاهای جنگزده (وطنهای اولیه خود) برگشته و اقامت نمایند، تحت پوشش سازمان بهزیستی کل کشور قرار می‌گیرند.

تبصره ۱- وجوه قابل پرداخت به خانواده‌های موضوع این ماده در زمان جاری از محل اعتبارات جاری ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده کشور تأمین می‌شود و بر اساس لیست کامپیوتری که در اختیار سازمان بهزیستی قرار می‌گیرد، پرداخت و در سال ۱۳۷۲ ضمن بودجه سازمانهای بهزیستی استانها منظور خواهد شد.

تبصره ۲- سازمان بهزیستی با توجه به بند (ه) تبصره (۳۰) قانون بودجه سال ۱۳۷۱ مکلف است تا زمان حل مشکل مسکن خانواده‌های معرفی شده و عادی شدن شرایط معیشتی خانواده‌ها، طبق لیست دریافتی از اداره امور بازگشت و اشتغال ستاد بازسازی نسبت به پرداخت مستمری ماهانه خانواده‌های منتقل شده اقدام نماید.
بدیهی است پس از تحقق شرط یاد شده، پرداخت مستمری برابر ضوابط و دستورالعملهای جاری آن سازمان می‌باشد.

ماده ۲- سایر مهاجران بی‌سرپرست و از کار افتاده که به وطنهای اولیه خود بر نمی‌گردند، در شهرها و روستاهای غیر جنگزده در اختیار سازمان بهزیستی قرار می‌گیرند. سازمان مکلف است طبق مفاد تبصره‌های (۱ و ۲) ماده (یک) این تصویب‌نامه با آنها رفتار نماید.
تبصره - در مورد آن دسته از مهاجران بی‌سرپرست و از کار افتاده‌ای که شرایط بازگشت آنها آماده می‌شود و به دلایلی از بازگشت امتناع می‌نمایند، طبق ضوابط و دستورالعملهای سازمان بهزیستی با آنها رفتار می‌شود.

ماده ۳- در صورت اعلام نیاز سازمان بهزیستی، ستاد بازسازی، امکانات و نیروهای مورد نیاز آن سازمان را جهت تحقق این طرح از بین نیروهای موجود خود تأمین و به آن سازمان منتقل می‌نماید.

۱. به نقل از شماره ۱۳۸۵۷-۱۳/۷/۱۳۷۱ روزنامه رسمی

تبصره - در صورتی که امکان تأمین نیروی مددکاری و کارشناسی مورد نیاز آن سازمان از میان کارکنان موجود ستاد بازسازی ممکن نباشد، به آن سازمان اجازه داده می شود بر اساس قواعد استاندارد و ضوابط جاری نسبت به استخدام و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود از میان متقاضیان بومی اقدام نماید.

ماده ۴ - سازمان برنامه و بودجه مکلف است با هماهنگی سازمان بهزیستی و ستاد بازسازی نسبت به تعیین و انتقال اعتبارات مورد نیاز مواد این مصوبه اقدام نماید.

ب) اسکان خانواده های بی سرپرست و از کار افتاده

ماده ۵ - ستاد بازسازی مکلف است تا پایان سال جاری نسبت به آغاز عملیات احداث ۲۵۰۰ واحد مسکونی با زیربنای ۶۰ - ۵۰ - ۴۰ متر مربع جهت اسکان خانواده های بی سرپرست و از کار افتاده جنگزه که به وطنهای اولیه خود برگشته اند، در شهرها و روستاهای جنگزه اقدام و پس از تکمیل، بر اساس دستورالعمل مربوط، به واجدان شرایط واگذار نماید.

تبصره - منازل احداثی به خانواده هایی واگذار می شود که فاقد مسکن بوده و از هیچ یک از دستگاههای مسئول و دولتی کشور زمین یا مسکن دریافت نکرده باشند.

ماده ۶ - به ستاد بازسازی اجازه داده می شود هزینه های ساخت واحدهای مورد نظر را در سال جاری از محل فروش اموال بند (ب) تبصره (۳۰) قانون بودجه سال ۱۳۷۱ کل کشور پس از واريز به خزانه، بر اساس بند (ج) تبصره مزبور پرداخت نماید.

تبصره - سازمان برنامه و بودجه مکلف است همکاری و هماهنگی لازم را جهت اجرای طرح یاد شده با ستاد بازسازی به عمل آورد.

معاون اول رئیس جمهور

آیین نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست^۱

(مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱)

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۴/۵/۱۱ بنا به پیشنهاد شماره ۸۵۶/۳۵۳۲ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۵ سازمان بهزیستی کشور و به استناد مواد (۵) و (۹) قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست - مصوب ۱۳۷۱ - آیین نامه اجرایی قانون یاد شده را به شرح زیر

۱. به نقل از شماره ۱۳۷۴/۵/۲۶-۱۴۶۹۳ روزنامه رسمی

تصویب نمود:

ماده ۱- محور و اساس حمایتها و اقدامات اجرایی موضوع این آیین نامه عبارت است از ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن زمینه ها و موجبات عادی سازی زندگی زنان و کودکان بی سرپرست موضوع ماده (۲) قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست که از این پس در این آیین نامه به اختصار قانون نامیده می شود.

ماده ۲- کودکان بی سرپرست مشمول قانون با هماهنگی نیروی انتظامی مورد شناسایی قرار می گیرند و پس از تحقیقات اولیه و طی مراجع قانونی از طریق مراجع ذیصلاح قضایی به سازمان بهزیستی کشور معرفی می شوند.

تبصره - در موارد اضطراری به منظور حفظ سلامت کودکان، واحدهای بهزیستی رأساً کودکان کمتر از هفت سال را با رعایت ضوابط، پذیرش موقت می کنند و متعاقب آن مدارک و گزارشهای لازم را به مراجع ذیصلاح قضایی ارسال و اعلام می کنند.

ماده ۳- مشمولان موضوع مواد (۳) و (۶) قانون همچنین مشمولانی که در نتیجه اقدامات حمایتی و خدمات و تسهیلات دریافتی به تشخیص مددکاران و تأیید مدیران مسئول، توانایی لازم را برای گذراندن زندگی عادی و خوداتکایی کسب کرده باشند، از شمول اقدامات حمایتی خارج می شوند و مجاز به استفاده از حمایتهای موضوع این آیین نامه نیستند.

ماده ۴- اقدامات اجرایی به منظور ایجاد حمایتهای اجتماعی و اقتصادی از زنان و کودکان بی سرپرست عبارتند از:

الف) خدمات آموزشی و تربیتی در سطوح آمادگی و پیش دبستانی تا تحصیلات عالی.

ب) خدمات حرفه آموزی و آموزشهای فنی و حرفه ای.

ج) خدمات کاربایی و اشتغال.

د) مددکاری، مشاوره و راهنمایی.

ه) نگهداری و مراقبت از افراد نیازمند به ویژه کودکان و سالمندان، متناسب با نیازها و شرایط سنی و جنسی و اجتماعی هر فرد یا خانواده تحت پوشش به صورت مستقیم و غیرمستقیم تا حصول اطمینان از بازتوانی و خوداتکایی کامل آنان توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان بهزیستی استانها.

تبصره ۱- پسران بی سرپرست تا رسیدن به سن قانونی - موضوع ماده (۷۹) قانون کار - و دختران بی سرپرست تا زمانی که ازدواج نکرده باشند، مشمول پذیرش در واحدهای

نگهداری شبانه‌روزی می‌شوند.

تبصره ۲- دختران بی‌سرپرست که واجد شرایط پذیرش در واحدهای شبانه‌روزی نباشد، بنابه تشخیص سازمان بهزیستی از حمایت‌های موضوع این آیین‌نامه بهره‌مند می‌شوند.

تبصره ۳- به منظور جلوگیری از جدایی فرهنگی و اجتماعی کودک از فرهنگ بومی خود و فراهم شدن زمینه بازگشت به خانواده و اجتماع، حتی‌الامکان کودکان بی‌سرپرست در شهرهای محل تولد یا شهرهای همجوار پذیرش و نگهداری می‌شوند و در صورتی که در بدو پذیرش، والدین یا بستگان کودک شناسایی شوند، به منظور پیشگیری از ورود کودکان به واحدهای شبانه‌روزی و حفظ نهاد خانواده در صورت نیاز نسبت به ارائه حمایت‌های مالی، فرهنگی و اجتماعی طبق ضوابط و آیین‌نامه‌های مربوط اقدام می‌شود.

تبصره ۴- شرایط خانواده‌های داوطلب واجد شرایط و نحوه نگهداری آنها براساس دستورالعمل اجرایی مورد عمل سازمان بهزیستی تعیین می‌شود.

ماده ۵- پرداخت‌های غیر مستمر، ناظر بر فراهم ساختن و تهیه امکانات، ابزار و وسایل حرفه‌آموزی، کار و اشتغال، تأمین هزینه‌های کارآموزی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، پرداخت سرمایه‌کار و تأمین هزینه‌های تشکیل خانواده و ازدواج به تناسب شرایط و توانیهای جسمی، اجتماعی و اقتصادی مشمولان است که سالانه در حد اعتبارات مصوب در برنامه‌های مربوط توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان‌های بهزیستی استانها به مشمولان نیازمند و واجد شرایط اختصاص می‌یابد.

تبصره - مستمری ماهانه خانواده‌هایی که از سرمایه‌کار و اشتغال و ابزار و وسایل کار استفاده می‌کنند، حداکثر پس از شش ماه از تاریخ استفاده، قطع می‌شود.

ماده ۶- میزان و مدت پرداخت‌های مستمر به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

الف) مستمری ماهانه

- افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند و خانواده‌های دو نفره، حداکثر ۳۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال.

- خانواده‌های سه نفره، حداکثر ۳۵٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدامی کشوری در هر سال.

- خانواده‌های چهار نفره، حداکثر ۴۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدامی کشوری در هر سال.

- خانواده‌های پنج نفره و بیشتر، حداکثر ۵۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال.
تبصره - کلیه پرداختهای یاد شده به صورت نقدی و حتی المقدور توسط سیستم بانکی با توجه به اعتبارات دستگاه پرداخت‌کننده تا حداکثر میزان تعیین شده، انجام می‌شود.

ب) هزینه تحصیلات

هزینه تحصیلات برای هر یک از دانش‌آموزان و دانشجویان خانواده‌های تحت حمایت، حداکثر معادل ۵۰۰ ریال در ماه تعیین می‌شود.

ج) حق سرانه بیمه خدمات درمانی

حق سرانه بیمه خدمات درمانی برای هر یک از زنان و کودکان بی‌سرپرست معادل رقم مصوب هر ساله از محل اعتبارات موضوع ماده (۱۴) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور - مصوب ۱۳۷۳ - در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار می‌گیرد. کمیته یاد شده موظف است کلیه خانواده‌ها و افراد مشمول این آیین‌نامه را تحت پوشش بیمه خدمات درمانی درآورد.^۱

د) هزینه نگهداری

بخشی از هزینه نگهداری و مراقبت از کودکان بی‌سرپرست و زنان سالمند مشمول، در مراکز نگهداری شبانه‌روزی غیردولتی همچنین مراکزی که به شکل هیئت امنایی اداره می‌شوند، به صورت سرانه توسط سازمان بهزیستی تأمین و پرداخت می‌شود. سازمان بهزیستی موظف است اولویت امر نگهداری افراد مشمول را در میان خانواده‌های داوطلب واجد صلاحیت فراهم کند و شرایط را با پرداخت هزینه سرانه نگهداری تعیین شده رعایت نماید و گسترش دهد.

۱. ماده ۱۴ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور: تأمین حق بیمه سرانه خدمات درمانی افراد نیازمند جامعه که فاقد توانایی پرداخت هستند به پیشنهاد مشترک کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان برنامه و بودجه توسط دولت تعهد شده و به صورت ردیفی مستقل در قانون بودجه هر سال منظور و در اختیار کمیته یاد شده قرار می‌گیرد تا براساس موافقتنامه شرح فعالیتهای جاری جهت بیمه‌سرانه خدمات درمانی افراد مذکور و انعقاد قرار داد با سازمانها و شرکتهای بیمه‌گر به مصرف برساند.

تبصره ۱- هزینه نگهداری و مراقبت از مشمولان نیازمند در مراکز نگهداری وابسته به سازمان بهزیستی، کماکان از محل اعتبارات جاری این سازمان در برنامه‌های ذیربط تأمین می‌شود و افرادی که در مراکز توانبخشی و حمایتی سازمان بهزیستی نگهداری می‌شوند، مشمول پرداختهای فوق قرار نمی‌گیرند.

تبصره ۲- اقدام به تأمین مسکن مشمولان نیازمند در قالب سیاستها و اقدامات حمایتی دولت با استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی صورت می‌گیرد.

ماده ۷- مبانی و میزان پرداخت مستمریهای مشمولان این آیین‌نامه در سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) هماهنگ و یکسان می‌باشد.

ماده ۸- در شرایطی که انجام و ارائه خدمات آموزشی و نگهداری مشمولان این آیین‌نامه در مراکز غیر وابسته به سازمان بهزیستی اعم از بخش دولتی و غیردولتی یا در خانواده صورت گیرد، هزینه‌های مربوط به صورت سرانه از محل اعتبارات مصوب سالانه سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها پرداخت می‌شود.

ماده ۹- افراد و خانواده‌های تحت پوشش علاوه بر کسب موقعیتها و شرایط موضوع ماده (۶) قانون، در صورت نیل به خوداتکایی و کسب توانایی لازم برای زندگی متعارف (به تشخیص مددکاران و تأیید مدیران ذیربط) مجاز به استفاده از حمایتهای اقتصادی و دریافت مستمری نخواهند بود.

ماده ۱۰- سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها موظف به بررسی و تنظیم برنامه‌های اجرایی و ارائه و طرح آن در قالب بودجه عملیاتی سالانه پیشنهادی به سازمان برنامه و بودجه برای ایجاد تعادل لازم بین حجم و میزان فعالیتها و اقدامات و منابع اعتباری قابل تخصیص سالانه هستند.

ماده ۱۱- سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها موظفند ضمن اعمال نظارت مستمر و برنامه‌ریزی شده بر مراحل اجرایی اقدامات، گزارش اقدامات و فعالیتهای انجام یافته را هر شش ماه یکبار به سازمان برنامه و بودجه ارسال کنند.

ماده ۱۲- در اجرای مواد (۷) و (۸) قانون، سازمان بهزیستی مکلف است موارد تخلف را پس از بررسی و تشخیص تخلفات به مراجع ذیصلاح قضایی منعکس و متخلفان را به تشکیل پرونده برای اعمال مجازاتهای مالی مقرر در ماده (۷) قانون معرفی کند.

ماده ۱۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی به منظور نگهداری حساب مبالغ واریزی جرایم موضوع مواد (۷) و (۸) قانون، حساب جداگانه‌ای به عنوان سازمان بهزیستی کشور

افتتاح می‌کند. مبالغ واریز شده به حساب یاد شده همچنین مشارکتهای مردمی و هدایای نقدی مردم به سازمان بهزیستی در اجرای قانون، به عنوان بخشی از منابع تأمین اعتبار اقدامات اجرایی قانون محسوب می‌شود.^۱

ماده ۱۴- سازمان بهزیستی کشور موظف است مددکاران (ترجیحاً مددکاران زن) خود را برای نظارت و آگاهی از وضعیت کودکان و زنان سالمند سپرده شده به خانواده‌های داوطلب و مراکز، اعزام کند.

معاون اول رئیس جمهور

قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها^۲

(مصوب ۱۳۶۰/۱۰/۸)

ماده واحده - حضانت فرزندان صغیر یا محجوری که پدرانیشان به مقام والای شهادت رسیده یا فوت شده باشند با مادران آنها خواهد بود و هزینه متعارف زندگی این فرزندان که از اموال موروثی خودشان یا از طریق بودجه دولت یا یکی از نهادهای انقلابی پرداخت می‌شود در اختیار مادرانشان قرار می‌گیرد مگر آنکه دادگاه صالح در موارد ادعای عدم صلاحیت مادر حکم به عدم صلاحیت بکند.

تبصره - حدود هزینه متعارف را دادگاه معین می‌کند و به وسیله دادگاه به مادر یا نماینده قانونی او پرداخت خواهد شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها^۳

(مصوب ۱۳۶۲/۵/۶)

ماده واحده - حضانت فرزندان صغیر یا محجوری که پدرانیشان به مقام والای شهادت

۱. هیئت وزیران در جلسه مورخه ۱۳۷۴/۱۰/۲۷ با توجه به نظریه شماره ۱۰۵۷ ه ب مورخه ۱۳۷۴/۹/۱۹ ریاست محترم مجلس شورای اسلامی تصویب نمود:
در ماده (۱۳) آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۶۵۴۹ ه مورخ ۱۳۷۴/۵/۱۷ عبارت «با رعایت تبصره (۱) ماده (۷) قانون» قبل از عبارت «افتتاح می‌نماید» اضافه می‌شود.

معاون اول رئیس جمهور

۲. به نقل از شماره ۱۳۶۰/۱۱/۱۷-۱۰۷۶۴ روزنامه رسمی

۳. به نقل از شماره ۱۳۶۴/۵/۲۸-۱۱۷۸۹ روزنامه رسمی

رسیده و یا فوت شده باشند با مادران آنها خواهد بود و هزینه متعارف زندگی این فرزندان چنانچه از اموال خودشان باشد در اختیار ولی شرعی است و اگر از طریق بودجه دولت یا از بنیاد شهید پرداخت می شود در اختیار مادرانشان قرار می گیرد مگر آنکه دادگاه صالح در موارد ادعای عدم صلاحیت مادر حکم به عدم صلاحیت بکند.

تبصره ۱- مقصود از محجور در این قانون مجنون یا سفیهی است که حجرش متصل به صغر باشد.

تبصره ۲- ازدواج مادرانی که در ماده واحده ذکر شده است مانع از حق حضانت آنها نمی گردد.

تبصره ۳- حدود هزینه متعارف توسط دادگاه معین و به مادر یا نماینده قانونی او پرداخت خواهد شد.

تبصره ۴- در مواردی که تعیین حدود هزینه متعارف یا عدم صلاحیت مادر به فرزندان شهدا در دادگاه مطرح باشد بنیاد شهید موظف است کارشناس خود را به دادگاه معرفی کند. رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون مربوط به حق حضانت^۱

(مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۲)

ماده واحده - چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قائم مقام آن دادگاه حضانت طفل به عهده کسی قرار گیرد و پدر و مادر و یا شخص دیگری مانع اجرای حکم شود و یا از استرداد طفل امتناع ورزد دادگاه صادرکننده حکم وی را الزام به عدم ممانعت یا استرداد طفل می نماید و در صورت مخالفت به حبس تا اجرای حکم محکوم خواهد شد. رئیس مجلس شورای اسلامی

آیین نامه مراکز بازپروری زنان ویژه

مقدمه

با عنایت به رحمت اسلامی و توجه به افرادی که از زندگی سالم به دور مانده اند و به ناچار از خانواده بریده و در مرکز باز پروری سازمان بهزیستی تحت سرپرستی قرار می گیرند این آیین نامه به شرح ذیل تدوین می گردد، امید است با اجرای صحیح و فعالیت در این گونه مراکز بتوان در امر اصلاح و بازتوانی منحرفین گامی مؤثر برداشته شود.

مراکز بازپروری زنان ویژه

مراکز بازپروری زنان واحدهایی هستند که طبق وظایف قانون محوله، ضمن نگهداری زنان ویژه با ایجاد تسهیلات و ارائه خدمات مددکاری زمینه‌های مناسب را به منظور بازگشت به زندگی سالم و کسب در آمد مشروع و پیگیری برای حل مشکلات آنان فراهم می‌سازد.

تعریف زن ویژه

زن ویژه زنی است که دارای انحرافات اخلاقی و اجتماعی از جمله فحشا و اعتیاد بوده و عملکرد سوء آنان مخل عفت عمومی جامعه می‌باشد و از نظر قانونی مجرم محسوب می‌شوند.

بخش اول - پذیرش

پذیرش باید توسط دایره مددکاری با در نظر گرفتن موارد ذیل انجام گیرد:

۱. معرفی نامه از دادسرای عمومی.
 ۲. گزارش وضعیت مددجو (نوع و جرم و چگونگی دستگیری).
 ۳. برگه پزشک قانونی (وضعیت جسمی و روانی، تعیین وضعیت بکارت).
- تبصره - پس از تحویل مددجو توسط مددکار بازپروری استان و با توجه به مصاحبه انجام شده (مشخصات و گزارش وضعیت خانوادگی و اجتماعی مددجو در پرسشنامه‌های مخصوص قید می‌شود) برای نگهداری به مرکز بازپروری زنان اعزام می‌شود.

بخش دوم - مراحل نگهداری در مرکز

لازم است اقدامات ذیل در بدو پذیرش مددجو صورت گیرد.

الف - مددجویان پس از پذیرش در مرکز مورد بازرسی بدنی قرار گرفته و وجوه نقد، زیورآلات و اشیاء و اثاثیه همراه ایشان در سه نسخه صورتجلسه شده و وجوه نقد، و اشیاء قیمتی همراه مددجویان با صدور رسید به مسئول امانات مرکز سپرده می‌شود.

تبصره ۱- سه نسخه صورتجلسه فوق‌الذکر به شرح ذیل توزیع و تا هنگام ترخیص مددجو نگهداری می‌شود. نسخه اول نزد مددجو، نسخه دوم نزد مسئول امانات و نسخه سوم برای ضبط در پرونده حمایتی مددجو.

تبصره ۲- در مدت زمان نگهداری مددجو در مرکز برداشت از وجوه نقدی متعلق به وی

که به دفتر امانات مرکز سپرده می شود با تأیید «مددکار» مجاز می باشد.

الف) آن قسمت از اثاثیه و اشیاء همراه مددجو که استفاده از آنها مضر می باشد، از قبیل البسه نامناسب، لوازم آرایش، عکسهای مبتذل و زیورآلات بدلی، نوارهای موسیقی غیر مجاز و... باقی در صورت جلسه فوق الذکر معدوم می شود.

ب) نظافت عمومی بدن و اعزام به واحد بهداشتی درمانی مرکز (جهت آزمایشات لازم).
ج) معرفی مددجو به قرنطینه: مددجو مدت حداقل ۴ و حداکثر ۱۲ روز به قرنطینه اعزام می شود. از طریق مددکار مستقر در قرنطینه یا مددجویی که تا چند بار مصاحبه شده و گزارش کامل از وضعیت خانوادگی، اجتماعی و موقعیت فعلی وی تهیه می شود و پس از بررسی های لازم به خوابگاه مورد نظر فرستاده خواهد شد. (اولین مصاحبه باید حداکثر تا روز دوم انجام شود)

د) تحویل وسایل مورد نیاز به مددجو: این امکانات شامل وسایل بهداشتی (صابون، شامپو، خمیر دندان، مسواک، شانه) پوشاک (لباس، دمپایی، حوله) وسایل خواب (چهار تخته پتو که ۳ تخته از آن به عنوان زیرانداز استفاده شود، بالش، ملحفه) می باشد.

بخش سوم - تفکیک سنی مددجویان

۱. زنان و دختران کم سن و سال و آسیب پذیر (زیر ۱۵ سال)

۲. زنان ۱۵-۲۰ سال

۳. زنان ۲۱-۳۰ سال

۴. زنان ۳۱-۴۰ سال

۵. زنان ۴۱-۵۰ سال و ۵۱ سال به بالا

با توجه به ترکیب سنی بالا و تشخیص مددکاران برحسب شرایط هر مددجو (سن، تحصیلات، مجرد یا متأهل بودن، اعتیاد به مواد مخدر، تأثیر پذیری، پیشینه های اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی، سوابق در روسپیگری، مسائل روانی و...) حتی المقدور در خوابگاههای جداگانه گروه بندی شوند.

تبصره ۱- نظر به این که فرزندان زنان ویژه از حیث مسائل اخلاقی و اجتماعی متمایز از سایر کودکان نیستند و صرفاً به دلیل بی سرپرستی تحت پوشش قرار دارند، لذا باید حداکثر تا سن یک سال و نیم نیز نزد مادرانشان نگهداری شوند و سپس به شیر خوارگاه و مؤسسات شبانه روزی اعزام گردند.

تبصره ۲- در صورت عدم صلاحیت مادر و ابتلای وی به بیماری مسری طبق تشخیص واحد درمانی مرکز، کودک از همان بدو ورود باید از مادر جدا شود. در موارد استثناء بستگی به نظر پزشک، مددکار اجتماعی و یا رئیس واحد اخذ تصمیم می شود.

بخش چهارم - برنامه روزانه مددجویان

الف) بر حسب فصول مختلف سال، قبل از طلوع آفتاب انجام فرایض مذهبی.
ب) تا ساعت ۷/۳۰ نظافت فردی و عمومی، مرتب کردن خوابگاهها، ورزش صبحگاهی.

ج) ۷/۳۰ - ۸/۳۰ صرف صبحانه.

د) ۸/۳۰ - ۱۲ شرکت در کلاسهای آموزشی و فعالیت در کارگاهها طبق برنامه های تنظیمی جداگانه.

ه) ۱۲-۱۳/۳۰ نماز و ناهار

و) ۱۳/۳۰ - ۱۵/۳۰ استراحت

ز) ۱۵/۳۰ - ۱۸ فعالیت های فوق برنامه

ح) ۱۸-۱۹ نظافت فردی و خوابگاهها

ط) ۱۹-۲۰ صرف شام

ی) پس از صرف شام تا ساعت ۲۲/۳۰ اوقات مددجویان به انجام تکالیف آموزشی، امور شخصی، مطالعه، استفاده از برنامه های تلویزیون ... می پردازند.

و از ساعت ۲۳ خاموشی اجراء می گردد و به جز افراد مجاز کلیه مددجویان برای خواب آماده شده و از سایر فعالیتهای آنان جلوگیری می شود.

بخش پنجم - الف - فعالیتهای آموزشی

۱. با توجه به ضرورت تحصیلات برای هر فرد، لازم است کلاسهای سواد آموزی در مرکز به صورت چند پایه تشکیل گردد که مددجویان طی مدت بازپروری بتوانند از این کلاسها استفاده نمایند.

۲. کلاسهای مذهبی و اخلاقی اجتماعی باید حداقل یک روز در هفته و در ساعت مناسبی تشکیل شود.

۳. آموزش ماشین نویسی

۴. آموزش خیاطی، گلیم بافی، قالی و قالیچه، گلدوزی و ...
تبصره - در مورد تشکیل کلاسها لازم است با نهضت سواد آموزی و وزارت کار و امور اجتماعی در مورد ایجاد امکانات و شرایط اخذ مدرک آموزشی هماهنگی لازم ایجاد شود.

ب - فعالیت کارگاههای تولیدی

با توجه به موقعیت مرکز بازپروری (جغرافیایی) و نظر کارشناسان فنی و حرفه‌ای کارگاههای مورد نیاز ایجاد شود، این کارگاهها نهایتاً باید به صورت تولیدی اداره شود تا مددجویان بتوانند در مقابل ارائه کار دستمزد دریافت کنند. لازم به ذکر است در آمد حاصله از کار مددجویان با نظارت دایره مددکاری در حسابهای پس انداز آنان ذخیره تا پس از ترخیص جهت رفع نیاز و تأمین زندگی مورد استفاده‌شان قرار گیرد.
تبصره - تشویق و راهنمایی و ضرورت شرکت کلیه مددجویان در یکی رشته‌های تولیدی کارگاهها با هماهنگی مددکار و مسئولین ذیربط انجام پذیرد.
- بیماران و سالخوردگان از شرکت در کارگاهها مستثنی خواهند بود.

ج - فعالیتهای تربیتی و هماهنگی

- برای گذراندن اوقات فراغت مددجویان برنامه‌های ذیل در نظر گرفته شود:
۱. نمایش فیلمهای آموزنده از طریق ویدئو.
 ۲. تشکیل کلاسهای هنری (تئاتر، موسیقی، نقاشی).
 ۳. مسافرتهاى تفریحی و زیارتی.
 ۴. برنامه‌های ورزشی زیر نظر مربیان و ترتیب انجام مسابقات ورزشی و هنری در بین مراکز.
 ۵. تشکیل کتابخانه.

بخش ششم - مدت بازپروری

از اولین روز پذیرش و بازپروری مددجو در واحدهای مربوطه می‌بایست همواره پیگیریهای لازم برای فراهم کردن زمینه بازگشت مددجو به خانواده و اجتماع (با استفاده از بخش ترخیص این دستورالعمل) توسط مددکار انجام پذیرد و مسئولین واحدها موظف به نظارت

دقیق بر این امر می باشند.

تبصره ۱- حداکثر مدت بازپروری شش ماه است.

تبصره ۲- طی مدت بازپروری مددجو در صورت ایجاد اختلال در نظم واحد و عدم قابلیت و موفقیت در برنامه های بازپروری پس از طی دوره های آموزشی و تربیتی و به هدر دادن کلیه تلاشهای لازم بازپروری بنابر تشخیص مددکار با ارایه گزارش و تأیید سرپرست مرکز به مراجع قضایی ذیربط به عنوان فرد غیر قابل بازپروری معرفی خواهد شد تا تصمیمات قانونی در مورد وی اتخاذ شود، لازم به توضیح است که مدت بازپروری با گزارش مددکار اجتماعی در صورت تأیید مسئول مرکز و مدیر بهزیستی استان حداکثر برای ۶ ماه قابل افزایش خواهد بود.

بخش هفتم- فعالیتهای مراقبین و مربیان شب

۱. حضور به موقع مراقب در زمان انجام وظیفه طبق برنامه تنظیمی ماهیانه خواهد بود.
 ۲. نظارت در امور واحد و نظم و ترتیب دادن به امور مرکز مخصوصاً بعد از ساعت اداری.
 ۳. کنترل کلیه اعمال و رفتار مددجویان و در صورت لزوم اخذ تصمیمات صحیح و منطقی با اطلاع ناظم شب و گزارش آن به مدیریت مرکز.
 ۴. نظارت در امر خواب و بیداری کلیه مددجویان در شب و ساعات خاموشی.
 ۵. رسیدگی به امور نظافت و بهداشت مددجویان و تذکر به آنان در موارد ضروری، جهت رعایت بهداشتی فردی خود و محیط مرکز.
 ۷. نظارت مستمر و همکاری در امر تقسیم و توزیع غذا با سایر مسئولین و حضور در سالن غذاخوری در مواقع صرف غذا.
 ۸. توجه به مسایل و مشکلات اساسی مددجویان بدون اظهار نظر و اخذ تصمیم مشخص و انعکاس موضوع در دفتر گزارش.
- تبصره ۱- لازم است مراقبین به صورت شیفت در طول شب در خوابگاه بیدار باشند و به امور خوابگاهها نظارت داشته باشند.
- تبصره ۲- در اختیار گذاشتن امکانات از قبیل تلفن، وسایل کمکهای اولیه و بهداشتی از طریق سرپرست مرکز برای مراقبت از ضروریات می باشد.

تبصره ۳- به منظور جلوگیری از تداخل وظایف مراقبین باید اموری که در ارتباط با مددکاری و مشکلاتی که در این زمینه پیش می‌آید، به اطلاع دایره مددکاری برسد، تا تصمیم مقتضی اتخاذ شود.

بخش هشتم- فعالیتهای مددکاری

۱. بازپروری مددجو بر حسب شرایط روانی، تواناییهای جسمانی، تحصیلات و استعداد و وضعیت خانوادگی و اجتماعی توسط مددکار مربوطه برنامه تدوین و در تماس، مشاوره، هماهنگی و همکاری با قسمتهای مختلف مرکز اقدامات ذیل را اعمال می‌دارد تا بازتوانی تدریجی مددجو تحقق یابد و امور مربوطه به شرح ذیل می‌توانند مورد عمل قرار گیرند:

- مصاحبه مددکار با مددجو جهت تکمیل پرونده.
- معرفی مددجو به خوابگاه مناسب برای اقامت.
- پیگیری امور درمانی مددجو از طریق درمانگاه مرکز و یا مراکز درمانی خارج از مرکز.
- ارجاع مددجو به کلاسهای آموزشی و کارگاههای تولیدی در مرکز.
- ارجاع مددجو به تیم بازپروری برای رفع ناملایمات روانی.
- پیگیری مسایل خانوادگی و اجتماعی مددجو به منظور بازگشت وی به خانواده و کاریابی و اشتغال مددجو در یکی از بخشهای خدماتی و یا تولیدی برای ایجاد یک زندگی مستقل که این امر با نظر دایره مددکاری و تیم بازپروری خواهد بود.
- تعیین مدت بازپروری مددجو با توجه به تبصره یک و دوازده بخش ششم.
- ارائه پیشنهاد موارد تنبیه و تشویق مددجو به رئیس مرکز.
- پیشنهاد مرخصی برای مددجو که بعد از تعیین مدت و هدف از رفتن مرخصی با تأیید سرپرست مددکاری و مسئول امور اجتماعی قابل اجرا خواهد بود.
- پیشنهاد ترخیص مددجو.
- پیگیریهای بعد از ترخیص که حتی المقدور به مدت یک سال (حداقل پیگیری ماهی یک بار) و در صورت لزوم ارتباط مددجو و مددکار مطابق برنامه مرکز قطع نشود.
- مستمری مددجویان بایستی به حساب بانکی که برای آنان افتتاح شده است واریز شود و برداشت از آن برای هزینه‌های شخصی با نظر مددکار امکان‌پذیر است.

بخش نهم - تنبیهات و تشویقات

تنبیهات

- (الف) عدم اعزام به مرخصی و مخالفت با ملاقات با بستگان برای مدتی مشخص.
(ب) مخالفت از شرکت مددجو در فعالیتهای گروهی و سرگرمیهای جمعی رایج در مرکز.
(ج) جداسازی مددجو و زندگی انفرادی برای مدت محدود با نظر مددکار و رئیس واحد.
(د) ارجاع کارهای اضافی.

تشویقات

- (ه) معرفی مددجو و اعلام رفتارهای شایسته وی به کارکنان و مددجویان مرکز.
(و) افزایش مستمری ماهیانه با توجه به در نظر گرفتن ضوابط و قوانین مربوطه و همچنین دادن جوایز نقدی و جنسی.
(ت) مشارکت دادن مددجو در برنامه‌های تفریحی داخل مرکز و گردشهای جمعی در نوبت‌های بیشتر.
(ط) ارایه مرخصی و ایجاد امکانات ملاقات با بستگان خود در صورت موجود بودن زمینه مثبت و نبودن عوارض نامطلوب.
(ی) اعمال فعالیتهای مددکاری فوق العاده در خصوص مددجو به منظور تسریع در بازگشت به خانواده و یا اشتغال وی.

تیم بازپروری

تیم بازپروری متشکل از روانپزشک، روان‌شناس، مددکار مسئول مددکاری و مربی می‌باشد. وظیفه این تیم رسیدگی به حل مسایل و مشکلات مددجویان است.
بنابراین کلیه برنامه‌ها و اقدامات فوری برای مددجو از بدو ورود به مرکز بازپروری تا زمان ترخیص تحت نظارت تیم بازپروری است و نوع فعالیتهایی که باید یک مددجو انجام دهد با تصمیمات این تیم انجام می‌گیرد.
هر مددجو می‌بایستی حداقل ماهی یک بار برای مشاوره و بررسی مسایل و مشکلاتش نزد تیم بازپروری فرستاده شود.
تبصره: کلیه نظرات و کارهای انجام شده بایستی در پرونده اجتماعی منعکس شود.

بخش دهم - ترخیص

ترخیص عبارت است از اتمام مدت بازپروری و بازگشت مددجو از مرکز بازپروری به خانواده و اجتماع به منظور آغاز یک زندگی سالم.

الف - روشهای ترخیص

بازگرداندن مددجو پس از اتمام دوره بازپروری به خانواده - از آنجا که خانواده عمده‌ترین عامل ایجاد و زمینه‌ساز رشد شخصیتی و جسمانی افراد می‌باشد و براساس نظرات کارشناسان و متخصصین امر مهمترین پایگاه یک فرد در زندگی شخصی و اجتماعی است لذا این محیط بایستی از یک سلامت نفس و آرامش خاص در تمامی زمینه‌ها برخوردار باشد.

اهمیت این مهم زمانی نمایان می‌شود که این مددجو پس از اتمام دوران اقامت در مرکز بازپروری می‌خواهد به آغوش خانواده برگردد.

در صورتی که این محیط خانوادگی از حداقل شرایط و امکانات روحی؛ روانی و عدم‌گرایش به انواع انحرافات اخلاقی و اجتماعی برخوردار نباشد، یقیناً موجبات تنبیه و اصلاح مددجو فراهم نمی‌شود و مددجو با توجه به مجاورت زیستن در یک محیط خانوادگی آلوده مجدداً به ارتکاب اعمال خلاف عرف اجتماعی گرایش پیدا می‌کند و در نتیجه در منجلا ب راههای انحرافی غوطه‌ور می‌شود. وجود یک محیط نامناسب باعث می‌شود که اصولاً فرزندان ذکور و اناث آن خانواده به فکر یک زندگی سالم و توأم با سعادت نباشند و همواره به اعمال خلاف بیندیشند و موجبات تباهی خود و جامعه را فراهم سازند. با توجه به مطالب فوق یک سؤال مطرح می‌شود که برای چنین خانواده‌هایی چه فکری باید کرد؟ و چه برخوردی باید با آنها داشت؟ در اینجا وظیفه مددکاران اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. یک مددکار با توجه به وجود چنین شرایط اجتماعی و اقتصادی در یک خانواده باید فعالیت لازم را در تمام زمینه‌ها با بکارگیری تمام عوامل مادی و معنوی برای رفع معضلات و مشکلات چنین خانواده‌هایی بنماید تا آن خانواده به حداقل سلامت روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی دست یابد.

فراهم نمودن امکانات ازدواج

کار اساسی برای این گروه از افراد، ازدواج است هر چند در مورد ازدواج این گونه زنان

همیشه با دشواریهای متعدد روبرو هستیم و در واقع به ندرت اتفاق می افتد زیرا در این رابطه مسائل و نکات حساس و پیچیده‌ای وجود دارد که در عمل و کیفیت کار نقش دارند. به نظر می رسد بهترین شیوه کار این باشد که یک یا دو مرکز تخصصی که هیچگونه برچسب بازپروری و یا عناوین مشابه دیگر نداشته باشد در نظر گرفته شده و زنان و دختران جوانی که بعد از مرحله بازپروری به نظر کارشناسان و مددکاران برنامه از حیث ازدواج واجد شرایط تشخیص داده می شوند، به این مرکز انتقال یابند و در این مرکز همراه با سایر دختران بی سرپرست تحت پوشش بهزیستی توسط کمیته‌ای یا گروهی که مسئولیت داشته باشند برای ازدواج آنان تبلیغ شود و در این ارتباط لازم است با بنیاد ازدواج نیز همکاری و هماهنگی شده و شرایط و زمینه‌های مساعد برای ازدواج آنان فراهم نمود. در این خصوص ایجاد یک گروه مثلاً تحت عنوان (گروه پیگیری ازدواج) متشکل از تعدادی بانوان متأهل نسبتاً مسن که دارای زندگی خانوادگی موفق هستند بسیار مؤثر خواهد بود.

فراهم نمودن امکانات کار و اشتغال در جهت ادامه زندگی مستقل؛ از آنجاکه امر اشتغال و کارایی زنان ویژه به روال معمول سایر مددجویان تحت پوشش بنابه دلایلی با اشکال مواجه است به نظر می رسد بهترین روش همان تشکیل کلاسهای حرفه آموزی و بخصوص ایجاد کارگاههای تولیدی در مراکز بازپروری است. ضمن آن که زمینه بسیار مناسبی برای ایجاد تخصص و تأمین درآمد و استقلال مالی مددجویان است.

لذا برنامه ریزی و تنظیم فعالیتهای آموزشی فنّی و حرفه‌ای و ایجاد کارگاههای تولیدی در مراکز بازپروری بایستی به طور جدی پیگیری شده و بخصوص به چرّفی توجه شود که در تأمین استقلال مادی مددجویان هر چه سریعتر به نتیجه می رسد و کلیه امکانات کار بخصوص از حیث تأمین مربیان متخصص و تجهیزات فراهم گردد و ضمن تشکیل کلاسهای نظیر خیاطی، بافندگی، قالی و جاجیم و گلیم بافی و سایر چرّف ضروری است نسبت به ایجاد کارگاههای تولیدی بخصوص در زمینه تولید پوشاک و بعضی صنایع غذایی مانند تهیه شیرینی، مربا، ترشحات و نظایر آنها اقدام نمود و از طریق عقد قرارداد با کارخانه‌های مختلف، ضمن ارایه سرویسهای مورد نظر آنان مددجویان به مرور بتوانند جذب به بازار کار شوند.

ب- ضوابط ترخیص

۱. تأیید تیمی بازپروری و دایره مددکاری و مدیر داخلی مرکز بازپروری در مورد

ترخیص مددجو ضروری است.

۲. گواهی حسن انجام کار برای مددجو از طرف مربیان ورزشی، آموزشی، هنری و کارگاههای تولیدی و تیم بازپروری لازم می باشد.

۳. استرداد وسایل شخصی مددجو طبق لیست تنظیمی در موقع پذیرش.

۴. گواهی وضعیت جسمی و روانی با توجه به کارت بهداشتی با تأیید پزشک مرکز.

تبصره - ترخیص مددجویان بایستی در روزهای غیر تعطیل انجام شود و حضور مددکار الزامی می باشد.

بخش یازدهم - ساختمان

از آنجایی که مراکز فعال فاقد شرایط لازم برای نگهداری و بازپروری می باشند لازم است برای تحقق اهداف بازپروری و شرایط نگهداری، موقعیت ساختمان مرکز با رعایت شرایط اجتماعی فرهنگی و منطقه ای در نظر گرفته شود.

الف - ترکیب ساختمانی

خوابگاهها یک طبقه و به صورت سالن باشند و در هر سالن سیستم وسایل حرارتی برای زمستان و برودتى برای تابستان تعیبه شده باشد.

در انتهای هر سالن اتاق درجه ای شیشه ای کوچکی برای مراقبت در نظر گرفته شود. ظرفیت اسمی برای استفاده مددجویان در هر سالن حدود ۱۰ نفر باشد.

ب - تجهیزات خوابگاهها

باید در هر خوابگاه به تعداد نفرات، تخت و کمدهای اختصاصی وجود داشته باشد و برای سرگرمی مددجویان وجود یک دستگاه تلویزیون ضروری است.

ج - تجهیزات بهداشتی خوابگاهها

در نظر گرفتن سرویس بهداشتی مناسب شامل حمام، دستشویی و توالت با استفاده تهویه در هر سالن.

د - تجهیزات آشپزخانه و سالن غذاخوری

آشپزخانه باید دارای اجاقهای آشپزی و چند یخچال برای نگهداری مواد اولیه غذایی باشد.

ناهارخوری به صورت سلف سرویس ساخته شود. گنجایش میز و صندلی حداقل به تعدادی در نظر گرفته شود که با تعداد مددجویان در یک خوابگاه تناسب داشته باشد مددجویان خوابگاهها بر حسب برنامه از قبل تنظیم شده از ناهار خوری استفاده می نمایند.

۵- محوطه ساختمان

در محوطه مراکز حتی الامکان بایستی فضای سبز و زمین ورزش مناسب به منظور گذراندن اوقات فراغت مددجویان ایجاد شود.

و- سالن ورزش

سالن ورزش به صورت سرپوشیده ساخته شود، داخل سالن وسایل ورزشی مانند تور والیبال، تنیس روی میز (پینگ پنگ)، طناب بدمیتون موجود باشد، ضمناً توصیه می شود از سالنهای ورزشی موجود که وابسته به امور تربیت بدنی محل برای استفاده مددجویان کمک گرفت، سالن ورزش مرکز بازپروری برای استفاده مددجویان بایستی براساس برنامه تنظیمی، تشویق مددجویان و با توجه به گروههای سنی آنان مورد استفاده قرار گیرد.

ز- درمانگاه

در ساختمان درمانگاه باید اتاق انتظار، اتاق معاینه، اتاق پزشک و داروخانه کوچکی در نظر گرفته شود برای نظافت درمانگاه باید از افراد سالم و مطمئن استفاده شود و رعایت بهداشت در این مکان از اهم مواردی است که هر روز بایستی کنترل شود. داروخانه نباید در دسترس افراد قرار داشته باشد، بلکه بدین منظور باید از پرسنل متخصص برای انجام فعالیتهای درمانی استفاده شود.

واحد روان شناسی

واحد روان شناسی کلیه امور مربوط به ارزیابی روان شناختی مددجویان در طول بازپروری و پیگیری و انجام برنامه های بهداشت روانی در مرکز را به عهده دارد. فعالیتهای این واحد در ارتباط با عملکرد واحدهای مددکاری و بهداشتی درمانی خواهد بود.

واحد روان شناسی باید از نظر پرسنل حداقل شامل یک نفر روان شناس بالینی باشد.

فعالیت‌های واحد روان‌شناسی

۱. تشکیل و تکمیل پرونده‌های مشخصات مددجویان و گرفتن شرح حال کامل بیمار.
۲. تحقیق و بررسی در زمینه شناخت مسایل و مشکلات روانی و عاطفی مددجو.
۳. انجام تست‌های روان‌سنجی (هوش، شخصیت، افسردگی رغبت و غیره).
۴. انجام مصاحبه و مشاوره درمانی با روش‌های متناسب.
۵. تشکیل جلسات گروه درمانی.
۶. راهنمایی و مشاوره با خانواده مددجویان.
۷. ارجاع بیمار به روانپزشک.
۸. تقویت رشد و تکامل جنبه‌های سالم و مثبت شخصیت.
۹. برطرف کردن، تغییر دادن، متوقف نمودن علائم مرضی و رفتارهای نامطلوب.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

بخش هشتم

مقررات مربوط به ترویج تغذیه با شیر مادر

تصویب نامه راجع به ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک در کارگاههای

دولتی و وابسته به دولت

(مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۲)

در کارگاههای دولتی و وابسته به دولت که از خدمات کارگران زن استفاده می کنند، باید برای نگهداری و مراقبت از فرزندان آنان در ساعات کار، شیرخوارگاه و مهدکودک ایجاد گردد. ضوابط و شرایط اداره این مراکز به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی به تصویب شورای عالی کار خواهد رسید.

اعتبار لازم برای هزینه های ثابت و جاری این مرکز با استفاده از امکانات مالی کارگاههای مربوط تأمین خواهد شد.

میت وزیران

آیین نامه اداره شیرخوارگاهها و مهدهای کودکان کارگاههای دولتی

و وابسته به دولت

(مصوب ۱۳۶۲/۴/۲ شورای عالی کار)

ماده ۱- کلیه کارگاههایی که از خدمات کارگران زن استفاده می کنند و این کارگران دارای فرزندان صفر تا ۶ ساله می باشند مکلف اند متناسب با تعداد کودکان و گروههای سنی آنها نسبت به ایجاد مرکز نگهداری کودکان اقدام نمایند.

تبصره ۱- گروه سنی صفر تا ۲ سالگی شیرخوار و از ۲ تا ۶ سالگی کودک محسوب می گردد.

تبصره ۲- تعداد واجدین شرایط برای ایجاد شیرخوارگاه در این قبیل کارگاهها حداقل ده کودک شیرخوار و مهدکودک حداقل ۵۰ کودک باشد.

تبصره ۳- کارگاههایی که تعداد کودکان واجد شرایط آنها به حد نصاب مقرر نرسد بدون در نظر گرفتن حد نصاب مذکور با توجه به امکانات و ضرورتها به تشخیص وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به ایجاد مرکز اقدام خواهند کرد.

تبصره ۴- کسب رضایت ولی قانونی برای نگهداری کودکان در شیرخوارگاه و مهدکودک الزامی است.

ماده ۲- کارگاههای مشمول که در جوار یکدیگر قرار دارند می توانند مشترکاً نسبت به تأسیس مرکز اقدام نمایند.

ماده ۳- چنانچه تعداد شیرخواران یا کودکان پس از تأسیس شیرخوارگاه یا مهدکودک و بهره برداری از آن تقلیل یابد و به زیر حد نصاب برسد، تعطیل مرکز با موافقت کتبی وزارت کار و امور اجتماعی خواهد بود.

ماده ۴- مرکز نگهداری کودکان موضوع این آیین نامه موظف است علاوه بر انجام مراقبتهای لازم در زمینه نگهداری کودکان نسبت به تعلیم و تربیت آنان با توجه به فرهنگ غنی و پربرار اسلام و همچنین تغذیه و تأمین سلامت آنان اقدام لازم به عمل آورد.

تبصره - شورا یا انجمن اسلامی به ترتیب بر حسن اجرای این ماده نظارت خواهند داشت.

ماده ۵- ساختمان شیرخوارگاه بایستی در نزدیکترین محل مناسب و حتی المقدور نزدیک محل کار مادران قرار داشته باشد به نحوی که مادران شیرده بتوانند براحتی فاصله بین کارگاه و مرکز را طی و از فرجه قانونی برای شیر دادن استفاده نمایند.

ماده ۶- محل مرکز بایستی در محل مناسبی بدور از هرگونه آلودگی از قبیل گازهای زیان آور، بو، گرد و غبار، سر و صدا و دود قرار گرفته باشد.

ماده ۷- ساختمان مربوطه حتی المقدور باید در طبقه همکف قرار داشته باشد و در صورت عدم امکان و قرار گرفتن در طبقات بالا بایستی پیش بینیهایی لازم از نظر ایمنی در ارتفاع، نظیر نرده کشی و نصب تور سیمی برای پنجره ها صورت گیرد.

ماده ۸- در ساختمان مرکز باید کلیه مقررات ایمنی از نظر ساختمانی، سیم کشی، برق، نور، تهویه، گرما و سرما رعایت گردد و فضای کافی و تأسیسات بهداشتی لازم با توجه به تعداد کودکان و توزیع سنی آنها پیش بینی شود و وسایل آتش نشانی کافی و مناسب در محل وجود داشته باشد و حداقل یک نفر از مسئولین مرکز بایستی در مورد نحوه بکار بردن وسایل آتش نشانی آموزش لازم را دیده باشد.

مقررات مربوط به ترویج تغذیه با شیر مادر / ۲۰۹

ماده ۹- در کلیه وسایل و لوازم و اشیائی که مورد استفاده مرکز بوده و در دسترس بچه‌ها قرار می‌گیرد، بایستی پیش‌بینیهای حفاظتی و ایمنی لازم صورت گیرد.

ماده ۱۰- کارگاه بایستی متناسب با تعداد کودکان و گروههای سنی مرکز با نظر مشورتی وزارت کار و امور اجتماعی دارای پرسنل کافی به عنوان مربی و کارکنان دیگری نظیر سرپرست، کمک مربی، مستخدم و آشپز باشد.

تبصره - افراد مذکور در این ماده باید دارای صلاحیتهای اخلاقی و اعتقادی بوده و وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است نسبت به تأیید صلاحیتهای اخلاقی و اعتقادی از مراجع ذیربط کسب نظر و اقدام نماید.

ماده ۱۱- ساعات کار مرکز بایستی طوری تنظیم گردد که بتوان نسبت به آماده کردن محل، وسایل و تأسیسات و پذیرش به موقع کودکان قبل از شروع کار و در پایان کار اقدام نمود.

ماده ۱۲- در کارگاههایی که از خدمات کارگران مادر در نوبت دوم کار استفاده می‌شود، به شرط وجود حد نصاب کودکان، مرکز بایستی در این نوبت نیز دایر باشد.

ماده ۱۳- وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است با توجه به امکانات و در نظر گرفتن مقتضیات از طریق مذاکره و توافق با مدیران بخش خصوصی نسبت به اجرا گذاردن این آیین‌نامه اقدام لازم به عمل آورد.

ماده ۱۴- به منظور بهبود کیفیت خدمات مرکز موضوع این آیین‌نامه، وزارت کار و امور اجتماعی موظف است در زمینه امور مربوط به بهداشت، تغذیه، ساختمان، وسایل و لوازم، شرح وظایف کارکنان و شرایط تصدی مشاغل، راهنماییهای لازم را به مدیران و مسئولان مربوطه بنماید.

این آیین‌نامه در ۱۴ ماده و ۶ تبصره در جلسه مورخ ۱۳۶۲/۴/۲ شورای عالی کار به تصویب رسیده و از این تاریخ لازم‌الاجرا می‌باشد.

آیین‌نامه اجرایی شیرخوارگاهها و مهدکودکها^۱

(مصوب ۱۳۷۰/۵/۱۶)

در اجرای تبصره ماده ۷۸ قانون کار جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه اجرایی مراکز

۱. به نقل از شماره ۱۳۵۴۸ مورخه ۱۳۷۰/۶/۲۵ روزنامه رسمی

نگهداری کودکان در ۱۶ ماده و ۱۳ تبصره که توسط سازمان بهزیستی و وزارت کار و امور اجتماعی تدوین گردیده جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.

ماده ۱- تعریف مرکز نگهداری کودکان، مرکز نگهداری کودکان مؤسسه‌ای است آموزشی، پرورشی، رفاهی که کودکان بانوان شاغل در کارگاه «کارخانه» را در سه بخش شیرخوارگاه (۲ سالگی - ۴۵ روز) مهد کودک (۵ سالگی - ۲ سالگی) و آمادگی (از ۵ سال تا قبل از ورود به دبستان) نگهداری می‌نماید.

تبصره ۱- پذیرش کودکان کارکنان مرد در صورتی که برای نگهداری کودکان خود مشکلاتی داشته باشند، با توجه به گنجایش مرکز نگهداری کودکان و با نظر مدیریت کارخانه (کارگاه) و هماهنگی مدیر مرکز بلامانع است.

تبصره ۲- کودکانی واجد شرایط ثبت نام می‌باشند که از سلامتی کامل ذهنی و جسمی برخوردار باشند. کودک سالم کودکی است که مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی نباشد. کودکان مبتلا به معلولیت جسمی در صورتی می‌توانند از مرکز نگهداری کودکان استفاده کنند که توان تطبیق و همراهی با برنامه‌های مرکز نگهداری کودکان را داشته باشند و تشخیص این امر با پزشک متخصص و مدیر مرکز نگهداری کودکان می‌باشد.

تبصره ۳- دایر نمودن هر سه بخش مرکز نگهداری کودکان در صورت وجود متقاضی در کارگاه مربوط با نظر کارشناس وزارت کار و امور اجتماعی الزامی است.

تبصره ۴- در کارگاههایی که از خدمت بانوان کارگر در نوبت دوم استفاده می‌شود مرکز باید در این نوبت نیز دایر باشد.

تبصره ۵- از تاریخ تصویب این آیین‌نامه از هر مادر بیش از دو فرزند پذیرفته نخواهد شد و هزینه فرزند سوم و بیشتر به عهده مادر می‌باشد.

بدیهی است این تبصره شامل حال مادرانی که قبل از تصویب این آیین‌نامه فرزندانی در مراکز نگهداری کودکان داشته‌اند نخواهد شد.

ماده ۲- مراکز نگهداری کودکان حتی الامکان باید در نزدیکترین فاصله با محل کار مادران (زنان شاغل) ایجاد و ترجیحاً از قسمتی از ساختمان کارگاه مربوط استفاده شود.

ماده ۳- کارگاههایی که در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند برحسب ضرورت و براساس توافق مسئولین کارگاههای مربوط با هماهنگی و کسب اجازه از اداره کل خدمات اجتماعی وزارت کار و امور اجتماعی می‌توانند به تأسیس مرکز مشترک اقدام نمایند.

تبصره ۱- نحوه میزان مشارکت کارگاهها در ایجاد و تجهیز مرکز نگهداری کودکان با

توافق طرفین ذینفع و با نظارت اداره کل خدمات اجتماعی خواهد بود.

ماده ۴- وزارت کار و امور اجتماعی باید نسبت به تشکیل شورای مرکزی نظارت بر مراکز نگهداری کودکان با شرکت اعضاء ذیل در وزارت کار و امور اجتماعی اقدام نماید. نماینده وزارت کار و امور اجتماعی، نماینده وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و نماینده سازمان بهزیستی کشور.

تبصره ۱- در صورت لزوم ادارات کل کار و امور اجتماعی استانها می توانند نسبت به تشکیل کمیته نظارت بر مراکز نگهداری کودکان اقدام نمایند.

ماده ۵- مسئولیت برنامه ریزی، سیاستگذاری و ارائه خط مشی های آموزشی، فرهنگی و بهداشتی به عهده شورا خواهد بود.

تبصره ۱- کارشناسان سازمان بهزیستی کشور می توانند در مواقع لزوم با هماهنگی وزارت کار و امور اجتماعی و حضور کارشناس وزارت کار و امور اجتماعی در مراکز نگهداری کودکان حضور یابند.

ماده ۶- مسئولیت رسیدگی به تخلفات و شکایات مراکز نگهداری کودکان با شورای نظارت بر مراکز نگهداری کودکان خواهد بود.

ماده ۷- حضور افراد عضو در شورای مرکزی نظارت بر مراکز نگهداری کودکان در کلیه جلسات و برنامه های مربوط که از طرف وزارت کار و امور اجتماعی تدوین می گردد، الزامی است.

ماده ۸- کلیه ضوابط اجرایی و دستورالعملهای مربوط توسط وزارت کار و امور اجتماعی به مدیران کارگاهها ابلاغ می شود.

ماده ۹- کارگاههایی که بر رسیهای لازم را در زمینه ایجاد مرکز نگهداری کودکان با رعایت مقررات این آیین نامه انجام داده اند، ضمن معرفی مدیر واجد شرایط از بین بانوان، از وزارت کار و امور اجتماعی مجوز فعالیت دریافت خواهند نمود.

تبصره ۱- شروع فعالیت مراکز نگهداری کودکان کارگاهها که مورد بازدید کارشناسی قرار گرفته اند مستلزم آن است که مدیر معرفی شده از طرف کارگاه متبوع دارای تخصص و توان مدیریت، تحصیلات و تجربیات لازم باشد و به تأیید وزارت کار و امور اجتماعی برسد.

ماده ۱۰- مدیر مرکز نگهداری کودکان باید دارای شرایط زیر باشد:

۱. تابعیت جمهوری اسلامی ایران.

۲. معتقد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳. نداشتن سوء پیشینه.
 ۴. داشتن حداقل ۲۵ سال سن و ترجیحاً متأهل.
 ۵. دارا بودن سلامت کامل جسم و روان به تأیید پزشک معتمد کارگاه مربوطه.
 ۶. دارا بودن لیسانس و بالاتر ترجیحاً در رشته‌های آموزش و پرورش قبل از دبستان، علوم تربیتی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، مشاوره، مدیریت آموزشی و داشتن یک سال تجربه کار آموزشی در ارتباط با کودک.
 ۷. دارا بودن لیسانس و بالاتر در سایر رشته‌ها و ۲ سال تجربه کار آموزشی در ارتباط با کودک.
 ۸. داشتن فوق دیپلم و ۳ سال تجربه کار آموزشی در ارتباط با کودک.
 ۹. دارا بودن دیپلم کودکیاری با ۳ سال تجربه کار آموزشی در ارتباط با کودک.
 ۱۰. دارا بودن دیپلم در سایر رشته‌ها و ۵ سال تجربه کار آموزشی و تربیتی در ارتباط با کودک.
- تبصره ۱- در مناطق محروم کشور دارا بودن نصف سوابق تجربی ذکر شده کافی است.
- تبصره ۲- ضوابط مربوط به نیروی انسانی مورد نیاز مراکز نگهداری کودکان و شرح وظایف آنان توسط وزارت کار و امور اجتماعی جهت اجرا به کارگاه‌ها ابلاغ خواهد شد.
- تبصره ۳- در کارگاه‌هایی که اکثریت مادران از اقلیت‌های مذهبی می‌باشند. مدیران کارگاه یا کارخانه موظفند با هماهنگی وزارت کار نسبت به انتخاب مدیر مهد کودک از اقلیت مربوطه اقدام نمایند.
- ماده ۱۱- کلیه پرسنل مرکز نگهداری کودکان بایستی مشمول مقررات قانون کار باشند.
- ماده ۱۲- مدیر مرکز نگهداری کودکان در حدود وظایف محوله در قبال ضرر و زیان مادی و معنوی و آسیب‌های احتمالی وارده به کودکان مسئولیت داشته و بایستی در این گونه موارد پاسخگو باشد.
- تبصره ۱- در صورتی که در اثر کمبود امکانات حادثه‌ای به وقوع پیوسته باشد طبق نظر شورا، مدیریت کارگاه (کارفرما) مسئول خواهد بود.
- ماده ۱۳- شرکت پرسنل مراکز نگهداری کودکان و مادران کارگر در مراسم و برنامه‌های آموزشی (سمینارها، جلسات آموزشی، دوره‌های آموزشی و کارآموزی) که از طرف وزارت کار و امور اجتماعی برگزار می‌گردد با موافقت مدیریت کارگاه الزامی است.
- ماده ۱۴- کلیه هزینه‌های مرکز اعم از ثابت و جاری به عهده کارفرما می‌باشد.

مقررات مربوط به ترویج تغذیه با شیر مادر / ۲۱۳

ماده ۱۵- در مواردی که نسبت به آنها در این آیین نامه حکم خاصی قید نگردیده است قوانین جاری کشور، جاری خواهد بود.

ماده ۱۶- متخلفین از اجرای این آیین نامه طبق ماده ۱۷۳ قانون کار جمهوری اسلامی ایران تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

این آیین نامه در شانزده ماده و سیزده تبصره مربوط مورد تأیید است.

وزیر کار و امور اجتماعی

قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی^۱

(مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۲)

ماده ۱- ورود هر نوع شیر خشک و غذاهای کمکی شیرخوار، باید با رعایت قانون مقررات صادرات و واردات کشور صورت گیرد و شیر خشک فقط از طریق داروخانه ها توزیع شود. تبصره ۱- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مقررات مربوط به ورود انواع مجاز و مقدار مورد نیاز و جانشین شونده های شیر مادر (شیر خشک و غذاهای کمکی شیرخوار) را تهیه و اعلام نماید. وزارت بازرگانی موظف به مراعات مقررات مزبور می باشد.

تبصره ۲- موارد ضرورت تجویز پزشکی و همچنین نحوه عرضه و فروش در بازار مصرف و ارائه مستقیم و غیر مستقیم انواع شیرخشک و جانشین شونده ها در شبکه بهداشتی - درمانی کشور طبق ضوابطی خواهد بود که توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام خواهد شد.

ماده ۲- انتشار هر گونه جزوه، کتاب، نشریه و نظایر آن در مورد تغذیه شیرخواره با انواع شیر خشک و جانشین شونده های شیر مادر در کلیه موارد منوط به رعایت ضوابط و معیارهایی خواهد بود که توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین خواهد شد.

ماده ۳- مرخصی زایمان تا سه فرزند برای مادرانی که فرزند خود را شیر می دهند در بخشهای دولتی و غیردولتی چهار ماه می باشد.

تبصره ۱- مادران شیرده پس از شروع به کار مجدد در صورت ادامه شیردهی می توانند حداکثر تا ۲۰ ماهگی کودک روزانه یک ساعت از مرخصی (بدون کسر از مرخصی

استحقاقی) استفاده کنند.

تبصره ۲- امنیت شغلی مادران پس از پایان مرخصی زایمان و در حین شیردهی باید تأمین شود.

ماده ۴- دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت از جمله سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و دیگر دستگاههایی که به لحاظ مقررات خاص استخدامی مشمول قانون کار نیستند موظف به ایجاد تسهیلات مناسب برای تغذیه شیرخوارگان با شیر مادر در جوار محل کار کارکنان زن می‌باشند.

ماده ۵- به منظور سیاست‌گذاری، نظارت و تعیین نحو آن بر اجرای این قانون کمیته‌ای با عنوان «کمیته سیاست‌گذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر» در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌شود. اعضای این کمیته که با حکم وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عضویت کمیته منصوب می‌شوند عبارتند از:

الف) معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

ب) معاون امور دارو و درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

ج) رئیس سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران.

د) دو نفر از اعضاء کمیته کشوری ترویج تغذیه با شیر مادر.

ه) یک نفر پزشک متخصص اطفال.

و) یک نفر پزشک متخصص علوم تغذیه.

ز) یک نفر متخصص علوم تغذیه.

ح) یک نفر روحانی آشنا به مبانی اسلام که حداقل ۶ سال دوره خارج فقه و اصول را طی کرده باشند.

ط) یک نفر به نمایندگی از شورای فرهنگی - اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی.

خدمت کمیته سیاست‌گذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر افتخاری می‌باشد.

ماده ۶- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌تواند نسبت به تشکیل کمیته‌های ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی در استانها اقدام نماید. کمیته‌های موضوع این ماده موظف خواهند بود نتایج اقدامات خود را به کمیته سیاست‌گذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گزارش نمایند.

ماده ۷- شرح وظایف و اختیارات کمیته‌های موضوع این قانون در حدود صلاحیت و شرایط اجرای تصمیمات آنها و نحوه انتخاب و ترکیب اعضای کمیته‌های استانی به موجب آیین‌نامه خواهد بود که بنا به پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. در هر حال تصمیمات کمیته‌های موضوع مواد ۵ و ۶ در صورت تأیید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا مقام مجاز از سوی وی قابل ابلاغ خواهد بود.

ماده ۸- اعضای کمیته‌های موضوع این قانون و مأمورین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجازند از مراکز ارائه دهنده خدمات بهداشتی و درمانی، داروخانه‌ها و سایر مؤسساتی که در ارتباط با تولید و توزیع جانشین‌شونده‌های شیر مادر فعالیت می‌کنند بازدید به عمل آورند. این گونه مؤسسات مکلف به همکاری می‌باشند.

ماده ۹- متخلفین از اجرای این قانون، با رعایت مراتب و دفعات جرم، به تعزیر از قبیل نصب پارچه تخلف بر سر در داروخانه، تعطیل موقت آن، قطع موقت بعضی خدمات شهری یا جزای نقدی در محاکم صالحه محکوم می‌گردند.

ماده ۱۰- آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف دو ماه بنابه پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۱- کلیه قوانین مغایر با این قانون لغو می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم اسفند ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

آیین‌نامه اجرایی قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از

مادران در دوران شیردهی^۱

(مصوب ۱۳۷۵/۹/۲)

ماده ۱- ورود شیر خشک (شیر مصنوعی) و غذاهای کمکی شیرخوار منحصرأ توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که ضوابط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را رعایت می‌کنند مجاز است.

ماده ۲- کلیه دستگاه‌های دولتی و غیردولتی مکلف به اجرای ضوابط تعیین شده توسط

۱. به نقل از شماره ۱۵۱۰۱-۱۲/۱۰/۱۳۷۵ روزنامه رسمی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، موضوع تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۱) و ماده (۲) قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی - که از این پس قانون نامیده می‌شود - هستند.

ماده ۳- اعطای چهارمین ماه مرخصی زایمان منوط به گواهی پزشک متخصص اطفال یا پزشک مرکز بهداشتی - درمانی (شهری و روستایی) همراه با شناسنامه شیرخوار (برای احراز عدم استفاده از شیر خشک) است، مگر اینکه مطابق مقررات دیگر برای آنها مرخصی زایمان بیشتری پیش‌بینی شده باشد.

ماده ۴- استفاده از مرخصی ساعتی تا سن (۲۰) ماهگی کودک، منوط به ارایه گواهی مرکز بهداشتی - درمانی مبنی بر تغذیه شیرخوار توسط مادر.

تبصره - بانوان مشمول قانون کار تابع ضوابط مربوط به خود هستند.

ماده ۵- مادران مشمول این آیین‌نامه پس از پایان مرخصی زایمان و در دوران شیردهی، باید در کار قبلی خود اشتغال یابند. در این دوران نقل و انتقال آنها ممنوع است.

ماده ۶- مادران مشمول این آیین‌نامه می‌توانند طی ساعات مقرر کار روزانه، حداکثر از یک ساعت مرخصی ساعتی استفاده کنند. مادران یاد شده می‌توانند بر حسب نیاز کودک مرخصی مزبور را حداکثر در سه نوبت استفاده کنند.

تبصره ۱- وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظفند متناسب با تعداد مادرانی که فرزند خود را شیر می‌دهند، نسبت به ایجاد محل مناسب اقدام کنند.

تبصره ۲- ضوابط مربوط به ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک در کارگاههای مشمول قانون کار، بر اساس ماده (۷۸) قانون کار و آیین‌نامه اجرایی شیرخوارگاهها و مهدکودکهاست.^۱

ماده ۷- وظایف و اختیارات «کمیته سیاستگذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر» به شرح زیر است:

۱. تداوم سیاست ترویج تغذیه با شیر مادر.
۲. تعیین چگونگی برآورد نیاز و نظارت بر ورود، عرضه و فروش شیر خشک و غذاهای کمکی شیرخوار و ابلاغ آن به مراجع ذیربط.
۳. تعیین چگونگی نظارت بر توزیع صحیح شیرخشک در سیستم شبکه‌ای بهداشتی،

درمانی کشور و ابلاغ آن به مراجع ذیربط.

۴. نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های آموزشی، تبلیغاتی و تحقیقاتی.

۵. بررسی تخلفات و ابلاغ آن به مراجع ذیربط.

۶. تعیین چگونگی استفاده از تحقیقات به عمل آمده در زمینه شیر مادر و تغذیه کمکی.

۷. نظارت بر فعالیتهای کمیته‌های استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در

دوران شیردهی.

تبصره ۱- کمیته موضوع این ماده می‌تواند برای انجام هر چه بهتر وظایف خود گروههای

اجرایی ایجاد کند.

تبصره ۲- دستورالعمل چگونگی تشکیل جلسات و اداره آن، توسط کمیته مزبور تنظیم

شده و به تصویب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد.

ماده ۸- تصمیمهای کمیته سیاستگذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر، پس از

تصویب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی لازم‌الاجراست.

ماده ۹- معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس کمیته

سیاستگذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر بوده و موظف است جلسات را به طور

منظم تشکیل دهد.

ماده ۱۰- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌تواند نسبت به تشکیل «کمیته‌های

ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی» در استانهایی که مقتضی

بداند با ترکیب زیر اقدام کند:

۱. معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی استان.

۲. معاون دارو و درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی استان.

۳. رئیس نظام پزشکی مرکز استان.

۴. دو نفر از اعضای کمیته استانی ترویج تغذیه با شیر مادر.

۵. یک نفر پزشک متخصص زنان و زایمان.

۶. یک نفر متخصص یا کارشناس علوم تغذیه.

۷. یک نفر ماما.

۸. یک نفر پرستار.

افراد موضوع این ماده با حکم رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی -

درمانی استان منصوب می‌شوند. خدمات کمیته‌های استانی افتخاری است.

ماده ۱۱- وظایف و اختیارات کمیته‌های استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی به شرح زیر است:

۱. نظارت بر چگونگی بر آورد نیاز استان به شیر مصنوعی و توزیع صحیح آن.
۲. نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های آموزشی، تبلیغاتی، انتشاراتی و تحقیقاتی.
۳. آرایه گزارش اقدامهای انجام شده به کمیته سیاستگذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر.
۴. انجام امور محول شده از سوی کمیته سیاستگذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر.

ماده ۱۲- معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان، رئیس کمیته ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی استان بوده و موظف است جلسات را منظم تشکیل دهد.

ماده ۱۳- تصمیمهای کمیته‌های استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی، پس از تصویب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در استان مربوط قابل اجراست.

ماده ۱۴- دانشگاههای علوم پزشکی و اعضای کمیته‌های موضوع قانون بر حسن اجرای قانون و این آیین‌نامه در مؤسسات تولیدکننده و توزیع‌کننده نظارت کامل داشته و در صورت مشاهده تخلفات موضوع قانون، مراتب را در کمیته‌های استانی مطرح و در صورت تأیید، موضوع را به مرجع ذیصلاح برای تعقیب متخلفان اعلام می‌کنند.

بخش نهم

امور مربوط به دادرسی خانواده^۱

از قانون آیین دادرسی مدنی
(مصوب ۱۳۱۸/۶/۲۵)

فصل ششم: دادرسیهای اختصاری

ماده ۱۴۳- در موارد مفصله زیر قواعد دادرسی اختصاری رعایت می شود:^۱

۱. دعاوی حاصله از اجاره خانه و انبار و دکاکین و امثال آن و دعاوی راجعه به اجرت المثل اعیان مذکوره.
۲. دعاوی که داخل در صلاحیت دادگاههای بخش است.
۳. دعاوی بازرگانی و دعاوی راجعه به علائم صنعتی و اختراعات.
۴. اختلافات راجعه به اسناد سجلی.
۵. دعاوی مربوط به حقوق زوجیت.
۶. مطالبه نفقه زوجه و اقارب.
۷. منازعات و اختلافات راجعه به اجرای احکام و برگهای لازم الاجرای ثبت اسناد.
۸. دعاوی راجعه به خسارت دادرسی، در صورتی که مستقلاً اقامه شده باشد.
۹. دعاوی راجعه به اعسار.

مبحث دوم: رد دادرسان

ماده ۲۰۸- دادرسان دادگستری در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نمایند و اصحاب دعوی

۱. ماده ۱۱ لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۰ مهر ۱۳۵۸ مقرر می دارد: رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی با رعایت قواعد دادرسی اختصاری به ترتیب مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی به عمل خواهد آمد. مع الوصف اموری که سابقاً بدون تشریفات آیین دادرسی رسیدگی می شده به همان ترتیب رسیدگی خواهد شد. احکام غیابی قابل واخواهی در دادگاه صادرکننده حکم است.

می توانند آنها را رد کنند:

۱. وقتی که دادرس یا زوجه او نفع شخصی در ادعایی که اقامه شده است داشته باشد.
۲. وقتی که دادرس یا زوجه او با یکی از اصحاب دعوی قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم دارند.
۳. وقتی که دادرس قیم یکی از اصحاب دعوی یا کفیل امور اوست و یا یکی از اصحاب دعوی مباشر امور دادرس است.

۴. وقتی که دادرس یا زوجه او وارث یکی از اصحاب دعوی هستند.
۵. وقتی که دادرس با یکی از اصحاب دعوی یا اشخاصی که با آنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم دارند دادرسی جنایی یا جنحه‌ای داشته‌اند و هنوز پنج سال در صورت جنایی و دو سال در صورت جنحه‌ای از زمان صدور حکم قطعی نگذشته است.
۶. در صورتی که ما بین دادرس و یکی از اصحاب دعوی یا زوجه او دادرسی مدنی در دادگاه دیگری قبلاً وجود داشته و فعلاً هم مطرح باشد و یا دادرس یا زوجه او بر یکی از طرفین اقامه دعوی مدنی نماید.

۷. وقتی که دادرس سابقاً در موضوع دعوی اقامه شده به عنوان دادرس یا داور یا کارشناسی یا گواهی اظهار عقیده کرده یا کتباً توصیه کرده باشد.
- ماده ۶۷۵- دعاوی مذکور زیر قابل ارجاع به داور نیست:

۱. دعوی ورشکستگی.
 ۲. دعاوی راجعه به اصل نکاح و طلاق و فسخ نکاح و نسب.
- ماده ۶۷۶- در مورد اختلاف بین زن و شوهر راجع به سوء رفتار و عدم تمکین و نفقه و کسوه و سکنی و نیز هزینه طفلی که در عهده شوهر و در حضانت زن باشد از طرف هر یک از زوجین طرح شود دادگاهها می توانند به درخواست هر یک از طرفین دعوی را ارجاع به داورى نموده و در صورت عدم تراضی آنها در تعیین داور لااقل دو نفر را از بین اقربای طرفین و در صورتی که در محل سکونت خود اقرباء نداشته باشند از اشخاصی که با آنها معاشرت و دوستی دارند تعیین کنند. داورها مکلفند حتی الامکان سعی در اصلاح بین زوجین نموده و در صورتی که قادر به اصلاح نشوند رأى خود را در تشخیص ذیحق بودن یکی از طرفین و تعیین میزان هزینه زن یا طفل در صورتی که موضوع دعوی هزینه زن باشد به دادگاه تقدیم دارند.
- اگر بین داورها (در صورتی که عده آنها زوج باشد) توافق نظر حاصل نشود آنها می توانند

یک نفر را به عنوان داور ثالث به تراضی انتخاب نمایند و چنانچه در تعیین داور ثالث تراضی نشود دادگاه به قرعه تعیین می نماید و در این صورت اکثریت آراء آنها مناط اعتبار است. دادگاه در انتخاب داورها باید اتصاف آنها را به حسن اخلاق رعایت نماید.

هریک از طرفین می تواند در صورتی که از رأی داورها شکایت داشته باشد اعتراضات خود را در ظرف یک ماه بعد از ابلاغ رأی به دادگاه بدهد و دادگاه در صورتی که اعتراضات او را وارد بداند به موضوع رسیدگی کرده حکم می دهد. «مرجع دعاوی فوق الذکر دادگاه شهرستان است و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد دادگاه بخش است.»

آیین نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده^۱

(مصوب ۱۳۵۴/۱/۱۲)

ماده ۱- اجرای احکام و تصمیمات قطعی دادگاه خانواده جز در مواردی که در این آیین نامه استثنا شده محتاج به درخواست ذینفع است.

تبصره - تسلیم گواهی عدم امکان سازش به دفتر طلاق و اجازه نامه ازدواج مجدد به دفتر ازدواج در حکم درخواست اجرای تصمیم دادگاه است.

ماده ۲- در مورد تصمیمات راجع به حضانت و نفقه اطفال و تعیین تکلیف در امور حسبی و مورد ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده دادگاه رأساً دستور اجرای تصمیم خود را به هر ترتیب مقتضی بداند به مأمورین اجرا یا کارمندان دفتر دادگاه یا مأمورین شهربانی یا ژاندارمری و سایر مأمورین انتظامی می دهد.

ماده ۳- اجرای سایر احکام و تصمیمات دادگاه به ترتیب مقرر در اجرای احکام مدنی با رعایت تبصره ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده به عمل خواهد آمد.

ماده ۴- در مورد کلیه احکام و تصمیمات راجع به امور مالی هرگاه کسی که ملزم به پرداخت مورد حکم یا تصمیم دادگاه گردیده از هر یک از سازمانها و مؤسسات عمومی یا بخش خصوصی حقوق و مستمری یا کارمزد دریافت نماید دادگاه می تواند دستور کسر حقوق یا مستمری یا کارمزد او را به میزانی که در اجرای احکام مدنی مقرر گردیده بدهد. کسر وجوه مذکور و تأدیه آن به عهده رئیس یا مدیر یا مسئول سازمان یا مؤسسه یا کارفرما

خواهد بود.

ماده ۵- در مورد ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده، رؤسا و مدیران و مسئولین سازمانها و مؤسسات عمومی و خصوصی و کارفرمایان مکلفند تصمیم دادگاه را در مورد منع اشتغال زوج یا زوجه اجرا نمایند.

ماده ۶- دفاتر طلاق مکلفند به محض ارائه گواهی عدم امکان سازش آن را در دفتر مخصوص ثبت کرده و رسید مشتمل بر نام زوج و زوجه و شماره و تاریخ ثبت از روز و ماه و سال به ارائه کننده گواهی تسلیم و به ترتیب مقرر در ماده ۳۱ قانون حمایت خانواده اقدام نمایند.

ماده ۷- دفاتر طلاق مکلفند رونوشت طلاق نامه را بلافاصله پس از ثبت طلاق به دفتر دادگاه صادرکننده گواهی عدم امکان سازش ارسال نمایند.

وزیر دادگستری

از آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی

به شکایت از عملیات اجرایی

(مصوب ۱۳۵۵/۴/۶ وزارت دادگستری)

فصل اول: صدور اجراییه

ماده ۱- درخواست اجرای مفاد اسناد رسمی از مراجع ذیل به عمل می آید:

الف) در مورد اسناد رسمی لازم الاجرا نسبت به دیون و اموال منقول و املاک ثبت شده و نیز املاک مورد وثیقه و اجاره (مشمول قانون روابط مالک و مستأجر) اعم از اینکه ملک مورد وثیقه و اجاره ثبت شده و یا نشده باشد از دفتر خانه ای که سند را ثبت کرده است. در مورد سایر اسناد راجع به املاکی که ثبت در دفتر املاک نشده است برای اجرای مفاد سند ذینفع باید به دادگاه صالحه مراجعه کند.

ب) در مورد وجه یا مال موضوع قبوض اقساطی از ثبت محل و در این مورد باید رونوشت یا فتوکپی گواهی شده قبوض اقساطی و سند پیوست درخواست نامه به ثبت محل داده شود و عین قبوض اقساطی و سند نیز ارائه گردد. در تهران درخواست نامه اجرای قبوض اقساطی به اجرا داده می شود.

ج) در مورد مهریه و تعهداتی که ضمن ثبت ازدواج و طلاق و رجوع شده نسبت به منقول و سایر تعهدات (به استثنای غیر منقول) از دفتری که سند را تنظیم کرده است و نسبت به

اموال غیر منقول که به ثبت دفتر املاک رسیده است از دفتر اسناد رسمی تنظیم‌کننده سند. (د) در مواردی که موجب درخواست وصول وجه قبوض اقساطی فسخ و تخلیه مورد اجاره را بخواهد باید به دفتر اسناد رسمی مربوطه مراجعه کند.

ماده ۶۹- اشیاء زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی‌شود:

(الف) لباس و اشیائی که برای حوایج ضروری متعهد و خانواده او لازم است.

(ب) آذوقه موجود به مقدار احتیاج سه ماهه متعهد و نفقه اشخاص واجب‌النفقه او.

(ج) نوشتجات متعهد به استثناء اسناد مطالبات و کاغذهای قیمتی و سهام شرکتها و هر قسم برگهای بهادار دیگر.

(د) اسلحه و لباس رسمی و نیم رسمی متعهد و نیز اسباب نظامی مأمورین ژاندارمری و شهربانی و اسباب و آلات زراعتی و حرفه‌ای و صنعتی که برای تأمین معیشت ضروری یومیّه متعهد لازم است. از قبیل اتومبیل‌های کرایه و تراکتور و غیره و به‌طور کلی آنچه که برای حرفه اختصاص داده شده است.

تبصره - مستثنیات دین که به رهن و وثیقه داده شده از شمول این ماده بیرون است.

(ه) مسکن مورد نیاز و متناسب بدهکار و عائله او^۱.

تبصره - اگر بدهکار بمیرد دین او از کلیه اموال به جا مانده بدون استثناء چیزی استیفا می‌شود.

(و) وسایل دیگر مورد نیاز مدیون و افراد عائله تحت تکفل او از قبیل تلفن و وسیله رفت و آمد معمولی و نظایر اینها^۲.

تبصره - این مصوبه در مورد اموالی که در آنها حکم صادر شده و هنوز اجرا نشده نیز نافذ و تسری دارد^۳.

ماده ۷۹- هرگاه متعهد یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می‌نمایند از اثاث‌البیت آنچه که عادتاً مورد استعمال زنانه است ملک زن و آنچه عادتاً مورد استعمال مردانه است ملک شوهر و مابقی مشترک بین زوجین محسوب خواهد شد مگر اینکه خلاف ترتیب فوق ثابت شود.

۱. الحاقی مصوب ۱۳۵۹/۱۲/۲۸ شورای عالی قضایی

۲. الحاقی مصوب ۱۳۶۰/۱/۳۰ شورای عالی قضایی

۳. الحاقی مصوب ۱۳۶۰/۱/۳۰ شورای عالی قضایی

ماده ۸۰- هرگاه مالی که بازداشت می شود بین متعهد و شخص یا اشخاص دیگر مشاع باشد شرکت بین آنان به نحوی تساوی فرض می شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

از قانون اجرای احکام مدنی

(مصوب ۱۳۵۶/۸/۱)

ماده ۱۸- مدیران و دادورزها (مأمورین اجرا) در موارد زیر نمی توانند قبول مأموریت نمایند:

۱. امر اجرا راجع به همسر آنها باشد.
۲. امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و یا دادورز (مأمور اجرا) با آنان قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد.
۳. مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) قیم یا وصی یکی از طرفین یا کفیل امور او باشد.
۴. وقتی که امر اجرا راجع به کسانی که بین آنان و مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) یا همسر آنان دعوی مدنی یا کیفری مطرح است.

در هر یک از موارد مذکور در این ماده اجرای حکم از طرف رئیس دادگاه به مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) دیگری محول می شود و اگر در آن حوزه مدیر یا مأمور دیگری نباشد اجرای حکم به وسیله مدیر دفتر یا کارمند دیگر دادگاه یا حسب مورد مأموران شهربانی و ژاندارمری به عمل خواهد آمد.

ماده ۶۳- در اموال منقول موجود محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب می شود مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد.

ماده ۶۴- اگر مال معرفی شده در جایی باشد که در آن بسته باشد و از باز کردن آن خودداری نمایند دادورز (مأمور اجرا) با حضور مأمور شهربانی یا ژاندارمری یا دهبان محل اقدام لازم را برای باز کردن در و توقیف مال معمول می دارد و در مورد باز کردن محلی که کسی در آن نیست حسب مورد نماینده دادستان یا دادگاه بخش مستقل نیز باید حضور داشته باشد.

ماده ۶۵- اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی شود:

۱. لباس و اشیاء و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است.

۲. آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماهه محکوم علیه و اشخاص واجب النفقه او.
 ۳. وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان.
 ۴. اموال و اشیائی که به موجب قوانین مخصوص غیر قابل توقیف می‌باشد.
- تبصره - تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی‌شود.
- ماده ۷۹- اموال توقیف شده بدون تراضی کتبی طرفین به اشخاص ذیل سپرده نمی‌شود:
۱. اقربای نسبی و سببی دادورز (مامور اجرا) تا درجه سوم.
 ۲. محکوم له و محکوم علیه و همسر آنان و کسانی که با طرفین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند.

مبحث هفتم - توقیف حقوق مستخدمین

- ماده ۹۶- از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداریها و بانکها و شرکتها و بنگاههای خصوصی و نظائر آن در صورتی که دارای زن و فرزند باشند ربع والا ثلث توقیف می‌شود.
- تبصره ۱- توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر اینکه دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه‌بگیر باشد.
- تبصره ۲- حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند توقیف نمی‌شود.

تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاههای مدنی خاص

(مصوب دویست و شصت و ششمین جلسه مورخ ۱۳۷۰/۹/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی)^۱

ماده ۱- اهداف

با نظر به بندهای ۱ و ۳ و ۷ آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان که برنامه‌ریزی برای

۱. با تصویب ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ لایحه قانونی تشکیل دادگاههای خاص، نسخ ضمنی گردیده است.

ماده ۳- با تأسیس دادگاه عمومی در هر حوزه قضایی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی و امور حسبه با لحاظ قلمرو محلی با دادگاههای مزبور خواهد بود.

تقویت هر چه بیشتر نهاد مقدس خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری پیوند خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی از اهم اهداف آن و از دیگر اهداف، پیشگیری از ایجاد محرومیت‌های مادی و معنوی مادران و فرزندان آنها است و نیز برای رعایت حقوق همه جانبه زن بر پایه موازین اسلامی که طبق اصل ۲۱ قانون اساسی و اصل ۱۵۶، دولت موظف به حفظ کیان و بقای خانواده و حمایت از مادران و فرزندان است و با هدف حسن اجرای فرمان حکمیت در دادگاه‌های مدنی خاص و با توجه به این موارد، تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص تصویب می‌گردد.

۱. اصلاح بین زوجین به منظور استحکام بنای خانواده و جلوگیری از شقاق.

۲. بررسی کارشناسانه دعاوی خانواده.

۳. کمک به تشخیص مصلحت کودک (برای حمایت مادران و حضانت فرزندان مطرح شده در قانون اساسی).

۴. ارشاد خانواده در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.

ماده ۲- تشکیلات

۱. واحد ارشاد و امداد خانواده در هر شعبه دادگاه مدنی خاص تشکیل می‌شود.

۲. واحد دارای سه عضو است.

۳. انتخاب اعضاء به وسیله رئیس دادگاه‌های مدنی خاص است.

ماده ۳- مشخصات اعضاء

۱. مسئول و سرپرست واحد، از بانوان متعهد و متأهل آشنا به مسائل فقهی و حقوقی و اجتماعی (لیسانس حقوق یا معادل حوزوی) آشنا به قوانین مدون راجع به خانواده.

تبصره ۱- در صورتی که رئیس شعبه نتواند از میان بانوان، سرپرست واجد شرایط را انتخاب کند، انتصاب از میان آقایان واجد شرایط بلامانع است.

تبصره ۲- در صورتی که اعضای واحد، دارای سابقه کارآموزی در دادگاه‌های مدنی خاص نباشند موظفند شش ماه یا بیشتر در دادگاه‌های مدنی خاص کارآموزی کنند.

۲. دو نفر کارشناس (یک مرد و یک زن) متعهد و متأهل آشنا به مسائل اسلامی و حقوقی و دارای لیسانس در یکی از زمینه‌های تعلیم و تربیت، مددکاری اجتماعی، حقوق و مشاوره

و تجربه بیش از شش ماه کار آموزی در دادگاههای مدنی.
تبصره - علاوه بر اعضای رسمی به تعداد مورد نیاز از زنان و مردان کارشناس متعهد و با تجربه در زمینه های پزشکی، روانپزشکی و روان شناسی و غیره به عنوان مشاوره استفاده می شود.

ماده ۴-وظایف و اختیارات

وظایف واحد ارشاد و امداد خانواده برای رفع مسائل و مشکلات خانواده هایی که به دادگاه مدنی خاص مراجعه می کنند بدین قرار است:

۱. رسیدگی به کلیه پرونده های راجع به دعاوی خانواده که در دادگاه مطرح می شود.
تبصره - دادگاه پرونده های مطرح شده را برای بررسی کارشناسی به واحد ارشاد و امداد خانواده می فرستد.

۲. بررسی شکایات و سعی در رفع و حل مشکلات خانواده ها در حیطه وظایف و اختیارات دادگاه مدنی خاص بر اساس روشهای اسلامی مانند دعوت از طرفین دعوا یا نزدیکان آنها و راهنمایی برای انتخاب حکمین قبل از طرح دعوا در دادگاه.
تبصره - در صورت لزوم از بانوان حقوقدان واجد شرایط وکالت به منظور دفاع از زنان بی بضاعت دعوت می شود.

۳. نظریه واحد همراه با مستندات پرونده به دادگاه ارائه می شود تا در حد نظریه کارشناسی برای دادگاه قابل اعتبار باشد.

۴. راهنمایی کامل طرفین برای پیگیری اجرای احکام صادر شده از دادگاه.

۵. پیگیری اجرای احکام ارجاع شده از طرف دادگاه، در بخش امداد و ارائه گزارش عملکرد نیروهای انتظامی به دادگاه.

ماده ۵-شیوه اجرای طرح

۱. آیین نامه اجرایی این طرح به تصویب رئیس دادگاه مدنی خاص می رسد.
۲. اعتبارات مالی واحد همه ساله در بودجه وزارت دادگستری منظور می شود.
۳. ارزیابی عملکرد سالیانه این واحد به وسیله قوه قضاییه انجام می شود و نتیجه مورد بهره برداری شورای فرهنگی و اجتماعی زنان به منظور اجرای بند ۱ آیین نامه تشکیل شورا قرار می گیرد.

قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل (۲۱) قانون اساسی (دادگاه خانواده)^۱

(مصوب ۱۳۲۶/۵/۸)

ماده واحده - رئیس قوه قضائیه مکلف است ظرف مدت سه ماه در حوزه‌های قضایی شهرستانها به تناسب جمعیت آن حوزه حداقل یک شعبه از شعب دادگاههای عمومی را برای رسیدگی به دعاوی خانواده اختصاص دهد، پس از تخصیص این شعب، دادگاههای عمومی حق رسیدگی به دعاوی مربوط به این دادگاهها را نخواهند داشت. صلاحیت دادگاه خانواده عبارتست از رسیدگی به دعاوی مربوط به:

۱. نکاح موقت و دائم.
۲. طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای مدت.
۳. مهریه.
۴. جهیزیه.
۵. اجرة المثل و نحله ایام زوجیت.
۶. نفقه معوقه و جاریه زوج و اقربای واجب النفقه.
۷. حضانت و ملاقات اطفال.
۸. نسب.
۹. نشوز و تمکین.
۱۰. نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها.
۱۱. حکم رشد.
۱۲. ازدواج مجدد.
۱۳. شرایط ضمن عقد.

تبصره ۱- قضات دادگاههای خانواده باید متأهل و با سابقه حداقل چهار سال کار

۱. اصل بیست و یکم قانون اساسی مقرر می‌دارد:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان، و حمایت از کودکان بی سرپرست.
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
- ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.
- ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

قضایی باشند.

تبصره ۲- در حوزه‌های قضایی بخش، دادگاه عمومی بخش قائم مقام دادگاه خانواده خواهد بود.

تبصره ۳- هر دادگاه خانواده حتی المقدور با حضور مشاور قضایی زن، شروع به رسیدگی نموده و احکام پس از مشاوره با مشاوران قضایی زن صادر خواهد شد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هشتم مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش^۱

(مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۱)

ماده واحده - گواهی صادره از مراجع قضایی در خصوص عدم امکان سازش بین زن و شوهر، چنانچه ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ، به دفتر ثبت طلاق تسلیم نشود، از اعتبار ساقط خواهد بود.

در صورتی که ظرف مدت مقرر گواهی یاد شده جهت اجرای طلاق تسلیم دفتر ثبت طلاق شود سردفتر مکلف است به طرفین اعلام نماید تا جهت اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حضور یابند، در صورت عدم حضور هر یک از طرفین در وقت مقرر، برای مرتبه دوم حداکثر ظرف مدت یک ماه دعوت و به شرح ذیل عمل خواهد شد:

الف) در صورت امتناع زوجه از حضور، زوج صیغه طلاق را جاری و پس از ثبت به وسیله دفتر خانه به اطلاع زوجه رسانیده می‌شود.

ب) در صورت امتناع زوج از حضور و اجرای طلاق، دفتر مراتب را تأیید و به دادگاه صادرکننده گواهی اعلام می‌دارد. دادگاه به درخواست زوجه، زوج را احضار و در صورت امتناع از حضور، دادگاه با رعایت جهات شرعی صیغه طلاق را جاری و دستور ثبت و اعلام آن را به دفتر ثبت طلاق صادر می‌کند.

ج) در صورتی که زوج به دفترخانه مراجعه ولی از اجرای صیغه طلاق امتناع نماید مطابق بند (ب) عمل خواهد شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

۱. به نقل از شماره ۱۵۳۸۴-۱۳۷۶/۹/۲۶ روزنامه رسمی

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

سایر مقررات

از قانون برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
جمهوری اسلامی ایران^۱

(مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱)

خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور

بر مبنای بررسیهای به عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۶/۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگیهای زیستی و فرهنگی جامعه امکانپذیر خواهد بود. از این رو کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ مهمترین هدفهای درازمدت سیاست تحدید موالید کشور خواهد بود و متناسب با این هدفها، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۲/۹ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری به‌عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است.

به منظور نیل به این هدف، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌عنوان مجری این سیاست موظف است با همه توان و امکانات خود، به‌طور متوسط ۲۴ درصد از زنان و مادران واقع در مقاطع سنی بالقوه باروری را طی سالهای ۶۸-۱۳۷۲ تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد، تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری شود. از این دیدگاه، اولویت با آن قسمت از نواحی، مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور خواهد بود که از باروری ناخواسته و غالباً در حد بیولوژیک، زیانهای

۱. به نقل از شماره ۱۳۱۳۴-۱/۱۹/۱۳۶۹ روزنامه رسمی

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دیده‌اند.

تحقق این هدفها، علاوه بر فعالیتهای واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، مستلزم کوششهایی از این قرار است:

- بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و بخصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم.

- اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه و خانواده.

- ارتقاء سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان.

- لغو کلیه مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید موالید کشور.

خط‌مشی‌ها

۱- بازسازی و تقویت بنیه دفاعی بر مبنای استراتژی (راهبردهای) دفاعی کشور از طریق

۱-۱- بازسازی و تقویت بنیه دفاعی با تأکید بر استفاده از کلیه امکانات اقتصادی و صنعتی کشور و جلوگیری از دوباره کاری و عملکردهای موازی.

۱-۲- فراهم کردن زمینه‌های اجرایی طرح بسیج مستضعفین به عنوان وسیع‌ترین شبکه دفاعی انقلاب اسلامی.

۱-۳- تأکید و تقویت آموزش آمادگی دفاعی در مدارس پسرانه و دخترانه.

۱۸-۳- مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزشهای متعالی شخصیت اسلامی زن.

از قانون برنامه پنجساله دهم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران^۱

(مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰)

تبصره ۱۲ - از محل اعتبارات فصل تأمین اجتماعی، معادل چهار هزار و هشتصد میلیارد (۴,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای پرداخت مستقیم کمک معاش ماهانه به اقشار کم‌درآمد

۱. به نقل از شماره ۱۴۵۱۵/۸/۱۰/۱۳۷۳ روزنامه رسمی

شامل خانواده‌ها، زنان و کودکان بی سرپرست، خانواده‌هایی که سرپرست آنها از کار افتاده و سربازان متأهلی که امکان تأمین معاش خود را ندارند و همچنین خانواده‌های نیازمند زندانیان تخصیص می‌یابد. این مبلغ در اختیار دستگاه‌های ذیربط قرار می‌گیرد. بیست و پنج درصد (۲۵٪) این اعتبار صرف خود اشتغالی افراد مشمول این تبصره خواهد شد. ضوابط پرداخت و تعیین افراد واجد شرایط دریافت این کمک‌ها و سایر مقررات مربوطه براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران می‌رشد.

۲- رشد فضائل براساس اخلاق اسلامی و ارتقاء کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه از طریق

۱. معرفی و ترویج شخصیت، اخلاق، افکار و آثار حضرت امام خمینی (ره).
۲. سازماندهی و سیاست‌گذاری هماهنگ در امر فعالیتهای فرهنگی در زمینه‌های اخلاقی و معنوی جامعه.
۳. افزایش کمی و کیفی تولید و پخش برنامه‌های صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی کشور.

۴. گسترش آموزشهای مستقیم در زمینه‌های اخلاقی، معنوی با توجه به نیازهای گروههای مختلف سنی بویژه نسل جوان و نوجوان و نیازهای هر منطقه.
۵. گسترش فرهنگ و ارزش کار و شایستگیهای فردی و اجتماعی بر مبنای مشارکت عمومی.

۶. پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری، نظم و انضباط و تعاون عمومی و همبستگی اجتماعی.

۷. تشکل و سازماندهی متناسب در تمامی ارگانها و سازمانها و نهادهای موجود که به‌نحوی در امور سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرایی تبلیغاتی - فرهنگی کشور فعالیت دارند.

۸. گسترش فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی، دوری از تجمل‌گرایی و اسراف و تبذیر در بخشهای عمومی و خصوصی و ارائه الگوهای مناسب زندگی.

۹. واگذاری فعالیتهای اجرایی، فرهنگی، هنری، ورزشی به مردم و تقویت مشارکت عمومی با توجه به سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و نظارت دولت.

۱۰. پرورش روحیه همبستگی ملی و احترام به قانون و ارزشهای انقلاب اسلامی، حفظ قداست خانواده و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی.

۱۱. همگانی کردن ورزش و گسترش فعالیتهای تربیت بدنی خصوصاً بین جوانان به منظور پرورش جسم و روح و پربار کردن اوقات فراغت عموم مردم.
۱۲. توجه ویژه در برنامه‌ریزیها و اختصاص امکانات به مسائل تربیت‌بدنی و پرکردن اوقات فراغت بانوان.
۱۳. مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزشهای متعالی شخصیت اسلامی زن.
۱۴. بسیج کلیه امکانات و دستگاههای ذیربط در جهت ریشه‌کنی اعتیاد و مبارزه با مفاسد اجتماعی و تهاجم فرهنگی.
۱۵. تلاش برای شناخت ترفندها، ابزارها و شیوه‌های تهاجم فرهنگی دشمن و برنامه‌ریزی برای مقابله جدی با آن.
۱۶. توجه به سازماندگی و توسعه فعالیت مساجد به‌عنوان پایگاههای رشد فضائل اخلاقی و ارزشهای معنوی.
۱۷. تقدم پرورش بر آموزش در امور سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در سطوح مختلف آموزشی و کل جامعه.
۱۸. استمرار کمکهای مستقیم دولت به بخش فرهنگ و تقویت و توسعه آن.

۳- هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، فرهنگ خودی، خلاقیت، علم، هنر و فن و تربیت بدنی و مناسبات انسانی، خانوادگی و اجتماعی و مشارکت در صحنه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از طریق

۱. تقویت تفکر و گرایشهای اسلامی، ایمان مذهبی و ترغیب به عمل صالح و تشویق به انجام فرایض دینی و تعظیم شعائر مذهبی.
۲. ترویج رفتار مناسب فردی، خانوادگی و اجتماعی و مبارزه با رواج الگوهای ناهنجار رفتاری ناشی از تراوش فرهنگی بیگانه.
۳. معرفی ابعاد گوناگون سیره اهل بیت «علیهم الصلوٰة و السلام» به عنوان الگوهای متعالی رفتار فردی و اجتماعی.

۴. ارتقاء بینش اعتقادی و سیاسی در زمینه امامت و رهبری جامعه اسلامی.
۵. اهتمام به امر پرورش روح خلاقیت، نوآوری در زمینه‌های علمی، فرهنگی، هنری.
۶. برنامه‌ریزی برای کشف و پرورش استعدادهای درخشان و برجسته و هدایت آنها در

- زمینه‌های مورد نیاز کشور و جلوگیری از فرار مغزها.
۷. آگاه ساختن جوانان نسبت به موارث غنی فرهنگی، اسلامی و ملی و مبارزه با روحیه حقارت و از خود بیگانگی در برابر فرهنگ غرب.
۸. آشنا ساختن جوانان با علوم و فنون جدید توأم با تعهد نسبت به ارزشهای اسلامی.
۹. تقویت حس خود اتکایی و اعتماد به نفس و اغتنام فرصت‌های شغلی.
۱۰. تقویت بنیه علمی و تفکر نقادانه و تشویق به مطالعه و کتابخوانی.
۱۱. شناساندن دشمنان داخلی و خارجی و تقویت روح مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و مفاسد اجتماعی و بزهکاری.
۱۲. برنامه‌ریزی برای استفاده مطلوب از اوقات فراغت.
۱۳. توجه لازم به سلامت جسم و نشاط روح و حفظ شادابی و طراوت جوانی از طریق توسعه ورزش همگانی.
۱۴. ترغیب نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده با تسهیل شرایط، تعدیل توقعات، کاهش تشریفات و آگاهی نسبت به روشها و معیارهای شرعی در انتخاب همسر و حقوق خانواده.
۱۵. ایجاد زمینه‌های لازم جهت مشارکت فعال جوانان در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تقویت روحیه تعاون و مسئولیت‌پذیری.

۵- جمعیت

- ۵-۱- افزایش سطح آگاهیهای عمومی افراد جامعه در زمینه مسائل مربوط به جمعیت از طریق:
- الف) تأکید بر آموزش و افزایش آگاهی بانوان در مقاطع سنی بالقوه باروری، در زمینه مزیت‌های کنترل باروری.
- ب) گسترش سطح آگاهی عمومی افراد جامعه در زمینه زیانها و مشکلات ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت از طریق رسانه‌های عمومی به ویژه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- ج) آموزش مسائل جمعیت در قالب مواد درسی در سطوح متوسطه و دانشگاهی.
- د) تأمین منابع مالی، تجهیزاتی و نیروی انسانی لازم برای اعمال سیاست جمعیتی مناسب با توجه به نقش تعیین‌کننده عامل رشد جمعیت در توسعه کلی کشور، به نحوی که وصول به هدف رشد جمعیت در برنامه تحقق یابد.
- ۵-۲- تنظیم خانواده و رشد جمعیت:

- ۲-۵-۱- تأمین و تعمیم گسترده وسایل پیشگیری از بارداری در سطح مناطق جغرافیایی کشور به ویژه روستاها و مناطق محروم.
- ۲-۵-۲- کسب دانش و انجام مطالعات جهت استفاده و توسعه روشها و تکنولوژی جدید در امر پیشگیری از بارداری.
- ۲-۵-۳- اختصاص بخشی از فعالیت بیمارستانها، درمانگاهها و مراکز بهداشتی در سطح کشور به منظور ارائه مستمر خدمات پیشگیری از بارداری.
- ۲-۵-۴- لغو کلیه قوانین و مقررات و امتیازهای اقتصادی و اجتماعی، مشوق خانوارهای پرجمعیت.
- ۲-۵-۵- پژوهش در مورد مصادیق سیاستهای فوق از طریق:
- الف) انجام پژوهشهای علمی جهت کسب اطلاع از میزان آگاهی، نگرش، عملکرد و مشکلات خانواده‌ها در زمینه تنظیم خانواده.
- ب) مطالعه تغییرات میزان رشد جمعیت بر پایه اطلاعات جاری و مطالعات نمونه‌ای.
- ج) انجام تحقیقات کاربردی جهت یافتن راهها و تکنولوژی مناسب برای افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد خانواده‌ها و رفع مشکلات آنها برای دسترسی به وسایل پیشگیری از حاملگی.
- د) انجام طرح جاری جمعیت و نیروی کار به منظور اطلاع از چگونگی تحولات جمعیت، باز کار، نیروی فعال و نیروی شاغل کشور در مقاطع ۱۳۷۴ - ۱۳۷۶.
- ه) انجام طرح نمونه‌گیری از وضعیت اقتصاد و اشتغال خانوار به صورت سالانه.

از قانون مالیاتهای مستقیم^۱

(مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳)

ماده ۱۸- وراث از نظر این قانون به سه طبقه تقسیم می‌شوند:

۱. وراث طبقه اول که عبارتند از: پدر، مادر، زن، شوهر، اولاد و اولاد اولاد.
 ۲. وراث طبقه دوم که عبارتند از: اجداد، برادر، خواهر و اولاد آنها.
 ۳. وراث طبقه سوم که عبارتند از: عمو، عمه، دایی، خاله و اولاد آنها.
- ماده ۱۹- اموال مشمول مالیات بر ارث عبارتست از کلیه ماترک متوفی در ایران یا خارج

۱. به نقل از شماره ۱۲۵۸۳-۲/۲۱/۱۳۶۷ روزنامه رسمی

از ایران اعم از منقول و غیر منقول و مطالبات قابل وصول و حقوق مالی پس از کسر هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادت و واجبات مالی و عبادی در حدود قواعد شرعی و دیون محقق متوفی.

تبصره - بدهی که متوفی به وراث خود دارد در صورتی که مستند به مدارک قانونی بوده و اصالت آن مورد تأیید هیئت حل اختلاف مالیاتی قرار گیرد قابل کسر از ماترک خواهد بود. در مورد مهریه و نفقه ایام عده تأیید هیئت مذکور لازم نیست و در مورد وراث طبقه دوم و سوم کسر دیون منوط به آن است که متوفی تا تاریخ فوت خود دارای وراث از طبقه ماقبل حسب مورد بوده باشد.

ماده ۳۴ - هرگاه بدهکار یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می نماید از اثاث خانه آنچه عادتاً مورد استعمال زنانه است مال زن و آنچه عادتاً مورد استعمال مرد است، متعلق به شوهر و مابقی مشترک بین زوجین محسوب خواهد شد. مگر اینکه خلاف ترتیب فوق ثابت شود.

ماده ۵۳ - درآمد مشمول مالیات املاکی که به اجاره واگذار می گردد عبارتست از کل مال الاجاره اعم از نقدی و غیر نقدی پس از کسر بیست و پنج درصد بابت هزینه ها و استهلاکات و تمهیدات مالک نسبت به مورد اجاره.

درآمد مشمول مالیات در مورد اجاره دست اول املاک مورد وقف یا حبس براساس این ماده محاسبه خواهد شد.

در رهن تصرف، راهن طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود. هرگاه موجر مالک نباشد درآمد مشمول مالیات وی عبارتست از مابه التفاوت اجاره دریافتی و پرداختی بابت ملک مورد اجاره.

حکم این ماده در مورد خانه های سازمانی متعلق به اشخاص حقوقی در صورتی که مالیات آنها طبق دفاتر قانونی تشخیص شود، جاری نخواهد بود.

تبصره ۱ - محل سکونت پدر یا مادر یا همسر یا فرزندی اجداد و همچنین محل سکونت افراد تحت تکفل مالک اجاری تلقی نمی شود مگر اینکه به موجب اسناد و مدارک ثابت گردد که اجاره پرداخت می شود. در صورتی که چند مستقل محل سکونت مالک و یا افراد مزبور باشد یک مستقل برای سکونت مالک و یک مستقل جمعاً برای سایر افراد مذکور به انتخاب مالک از شمول مالیات این بخش خارج خواهد بود و اگر مالک بیش از یک همسر دائم داشته باشد واحد مستقل محل سکونت هر یک از همسران دائم نیز غیر اجاری تلقی

خواهد شد.

ماده ۱۰۱- تا میزان یک میلیون و پانصد هزار ریال از درآمد سالانه مشمول مالیات این فصل از یک یا چند منبع از پرداخت مالیات معاف و مازاد آن طبق نرخهای مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون مشمول مالیات خواهد بود.

تبصره - در مشارکتهای مدنی اعم از اختیاری و قهری شرکاء حداکثر از دو معافیت استفاده خواهند کرد و مبلغ معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و باقیمانده سهم هر شریک، جداگانه مشمول مالیات خواهد بود. شرکایی که با هم رابطه زوجیت دارند از لحاظ استفاده از معافیت در حکم یک شریک تلقی و معافیت مقرر به زوج اعطا می گردد. در صورت فوت احد از شرکاء، وراث وی به عنوان قائم مقام قانونی از معافیت مالیاتی سهم متوفی در مشارکت به شرح فوق استفاده نموده و این معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و از درآمد سهم هر کدام کسر خواهد شد.

ماده ۱۴۴- جعیزه منقول و مهریه اعم از منقول یا غیر منقول و جوایز علمی و بورسهای تحصیلی و همچنین درآمدی که بابت حق اختراع یا حق اکتشاف عاید مخترعین و مکتشفین می گردد به طور کلی و نیز درآمد ناشی از فعالیتهای پژوهشی و تحقیقاتی مراکزی که دارای پروانه تحقیق از وزارتخانه های ذیصلاح می باشند به مدت ده سال از تاریخ اجرای این اصلاحیه طبق ضوابط مقرر در آیین نامه ای که به پیشنهاد وزارتخانه های فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید از پرداخت مالیات معاف می باشد.

ماده ۲۱۲- توقیف اموال زیر ممنوع است:

۱. دو سوم حقوق حقوق بگیران و سه چهارم حقوق بازنشستگی و وظیفه.
۲. لباس و اشیاء و لوازمی که برای رفع حوائج ضروری مؤدی و افراد تحت تکفل او لازم است و همچنین آذوقه موجود و نفقه اشخاص واجب النفقه مؤدی.
۳. ابزار و آلات کشاورزی و صنعتی و وسایل کسب که برای تأمین حداقل معیشت مؤدی لازم است.

۴. محل سکونت به قدر متعارف.

تبصره ۱- هرگاه ارزش مالی که برای توقیف در نظر گرفته می شود، زائد بر میزان بدهی مالیاتی مؤدی بوده و قابل تفکیک نباشد، تمام مال توقیف و فروخته خواهد شد و مازاد مسترد می شود مگر اینکه مؤدی اموال بلا معارض دیگری معادل میزان فوق معرفی نماید.

تبصره ۲- هرگاه مؤدی یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می نمایند. از اثاث البیت آنچه عادتاً مورد استفاده زنان است متعلق به زن و بقیه متعلق به شوهر شناخته می شود، مگر آنکه خلاف ترتیب فوق معلوم شود.

قانون راجع به رشد متعاملین

(مصوب ۱۳۱۳/۶/۱۳)

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات به استثناء نکاح و طلاق محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده اند اعم از ذکور و اناث غیر رشید بشناسد مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام به انجام معامله یا عقد و یا ایقاع به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت شده باشد. اشخاصی که به سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می شوند مگر اینکه عدم رشد آنها به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت گردد.

مناطق تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

از آیین نامه استملاک اتباع خارجه

(مصوب سال ۱۳۲۸)

ماده ۱- اتباع خارجه که در ایران می خواهند ملکی برای محل سکونت یا صنعت یا کسب خود استملاک نمایند باید اظهارنامه ای مشتمل بر مشخصات زیر به اداره ثبت محل وقوع آن ملک بدهند تا برای تحصیل اجازه به اداره کل ثبت فرستاده شود:

(الف) نام و نام خانوادگی.

(ب) تابعیت فعلی و در صورت تغییر تابعیت اصلی.

(ج) سن - تاهل و هرگاه تقاضاکننده مرد باشد تابعیت زن او قبل از ازدواج و در صورت داشتن اولاد، جنسیت، سن و تعداد آنها.

(د) تاریخ ورود به ایران - مدت اقامت - نقاط مختلفی که در آنهاجا سکونت داشته با تعیین مشاغل قبلی و شغل فعلی.

(ه) محل اقامت دائمی.

(و) منظور از مالکیت که برای سکونت - صنعت و یا محل کسب می باشد.

ز) نوع و مشخصات و مساحت و شماره پلاک ثبت و محل وقوع ملک.

ح) تقاضاکننده در تقاضای خود تعهد می نماید که هرگاه بخواهد محل اقامت دائمی خود را به خارج ایران انتقال دهد باید ملک مورد تقاضای استملاک را حداکثر تا شش ماه از تاریخ خروج از ایران به یکی از اتباع ایران یا خارجیانی که طبق مقررات اجازه استملاک تحصیل نموده اند انتقال دهد والا اداره ثبت مربوطه با اجازه اداره کل ثبت ملک را طبق مقررات مربوطه به مزایده املاک بیع شرطی از طریق مزایده به فروش رسانیده وجه آن را پس از وضع هزینه ها و عوارض قانونی به مالک خواهد پرداخت و هرگاه در مزایده خریداری پیدا نشد اداره کل ثبت مراتب را یک مرتبه در روزنامه رسمی کشور اعلام نموده و پس از انقضای مدت شصت روز از تاریخ اعلام ملک را به هر قیمتی که خریدار داشته باشد به فروش رسانیده وجه آن را به شرح مذکور در فوق به مالک خواهد پرداخت.

تبصره - ثبت ملک به نام ورثه متقاضی در دفتر املاک منوط به رعایت مقررات این آیین نامه و سپردن تعهد مذکور در بند «ح» می باشد.

ط) تعیین اینکه متقاضی و یا افراد خانواده او از اولاد و عیال و پدر و مادر که تحت تکفل وی هستند و با وی در یک محل سکونت و یا در کسب و صنعت شرکت دارند. ملک دیگری در ایران غیر از آنچه که مورد تقاضا است دارا می باشند یا نه و یا اگر ملک دیگری دارند نوع و مشخصات و محل آن باید تعیین شود.

ی) گواهی نامه اداره مربوطه دائر بر نداشتن پیشینه کیفری که متضمن عدم محرومیت از جمیع یا بعضی از حقوق اجتماعی باشد.

ک) رونوشت پروانه اقامت دائم که عکس متقاضی در آن الصاق و گواهی شده باشد.

از قانون امور حسبی

(مصوب ۱۳۱۹/۴/۲)

ماده ۸- دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:

۱. اموری که در آنها ذینفع است.
 ۲. امور راجع به زوجه خود (زوجه که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است).
 ۳. امور اقرباء نسبی و سببی خود، درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.
 ۴. امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آنها دارد.
- ماده ۶۱- پدر، یا مادر محجور مادام که شوهر ندارد، با داشتن صلاحیت برای قیمومت

بر دیگران مقدم می‌باشد.

ماده ۶۲- در صورت محجور شدن زن، شوهر با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم است.

ماده ۸۸- در صورتی که پزشک، ازدواج مجنون را لازم بداند قیم با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید و هرگاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه، قیم طلاق می‌دهد.

ماده ۱۰۴- کسی که در اثر کبر سن یا بیماری و امثال آن از اداره تمام و یا بعض اموال خود عاجز شده می‌تواند از دادگاه بخواهد که برای اداره اموال او امین معین شود.

ماده ۱۰۵- تعیین امین برای جنین در دادگاه شهرستانی به عمل می‌آید که مادر جنین در حوزه آن دادگاه اقامت دارد و برای کسی که عاجز از اداره اموال خود است دادگاه شهرستانی که شخص نامبرده در حوزه آن اقامت دارد و در سایر مواردی که احتیاج به تعیین امین پیدا می‌شود دادگاه شهرستانی صالح است که در حوزه آن دادگاه احتیاج به تعیین امین حاصل شده است.

ماده ۱۰۶- سایر امور مربوط به امین با دادگاهی است که امین را تعیین کرده است.

ماده ۱۰۷- در مورد جنین، دادستان و اقربای جنین و در مورد مصارف عمومی دادستان و هر ذینفعی می‌تواند از دادگاه درخواست تعیین امین نماید.

ماده ۱۰۸- دادستان می‌تواند اشخاصی را که برای سمت امانت مناسب باشند به دادگاه معرفی نموده و دادگاه پس از احراز لزوم تعیین امین از بین اشخاص نامبرده یا اشخاص دیگر که طرف اعتماد باشند یک یا چند نفر را به سمت امین معین نماید.

ماده ۱۰۹- مادر جنین در صورت داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم است و در صورت عدم صلاحیت یا عدم قبول او اقربای نسبی و سببی جنین بر دیگران مقدم خواهند بود.

ماده ۱۱۰- در غیر مورد جنین پدر و جد و مادر و اولاد و زن و شوهر کسی که امین برای اداره اموال او معین می‌شود با داشتن صلاحیت به ترتیب مذکور بر دیگران تقدم دارند و در صورت نبودن اشخاص مذکور سایر اقربا بر دیگران مقدم هستند.

ماده ۱۸۸- در موقع مهر و موم یا برداشتن مهر و موم اشیاء یا نوشتجاتی که داخل در ترکه نبوده و متعلق به زن یا شوهر متوفی یا متعلق به غیر باشد به صاحبان آنها رد و مشخصات اشیاء نامبرده در صورت مجلس نوشته می‌شود.

ماده ۱۹۳- اشیاء ضایع شدنی یا اشیائی که نگاهداری آنها مستلزم هزینه بی‌تناسب

است یا اموال کم قیمتی که حمل و نقل و نگهداری آنها مستلزم زحمت و اشغال مکان وسیعی است ممکن است مهر و موم نشود و در این صورت اگر اشیاء نامبرده مورد احتیاج اشخاص واجب‌النفقه نباشد فروخته شده و پول آن در صندوق دادگستری یا یکی از بانکهای معتبر تودیع می‌شود.

از آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات

تأمنی و تربیتی کشور^۱

(مصوب ۱۳۷۲/۱/۷)

ماده ۷۷- زندانیان حسب سابقه، سن، جنسیت، نوع جرم، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی و چگونگی شخصیت و استعداد طبق موارد مندرج در این آیین‌نامه حسب تشخیص شورای طبقه بندی به یکی از قسمتهای زندان یا مؤسسات تأمنی و تربیتی اعزام می‌گردند. تبصره ۱- زنان به‌طور کلی و جوانان تا ۲۰ سال اعم از متهم یا محکوم به‌طور جداگانه نگهداری می‌شوند و شورای طبقه بندی به کیفیت مذکور در مواد قبل نسبت به آنها اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

تبصره ۲- زنان زندانی می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. رؤسای زندانها موظفند در هر زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ تا ۶ ساله در محل مجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال آنها به مؤسسات نگهداری اطفال مبادرت نمایند.

ماده ۱۲۲- در هر زندان در صورت امکان حداقل یک نفر روانپزشک متخصص بیماریهای روانی، یک نفر پزشک عمومی، یک نفر دندانپزشک در صورت لزوم به تعداد کافی پزشک و پرستار با تجهیزات و وسایل کافی و کمکهای اولیه فوری و درمانی و در زندان زنان علاوه بر افراد فوق یک نفر پزشک متخصص بیماریهای زنان باید به‌طور دائم یا پاره وقت، اشتغال بکار داشته باشند.

ماده ۱۸۹- زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر و خواهر و فرزندان زندانی حق دارند طبق شرایط ملاقاتهای هفتگی با زندانی ملاقات کنند و سایر بستگان و دوستان زندانی در صورت لزوم با کسب اجازه از طرف رئیس زندان یا دادیار ناظر زندان می‌توانند

ملاقات کنند.

ماده ۲۳۷- تقاضای ازدواج یا طلاق زندانی به اطلاع دادستان محل می‌رسد. انجام عقد نکاح و طلاق و تنظیم هرگونه سند معامله و قرارداد یا تعهدی که یک طرف آن زندانی باشد بایستی با اجازه دادستان یا دادیار ناظر زندان در زندان به وسیله یکی از سردفتران اسناد رسمی با شرایط عادلانه‌تر از سایر دفاتر اسناد رسمی انجام پذیرد تا موجب تضییع حقوق زندانی یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر نشود.

ماده ۲۳۸- برای تسهیل بازگشت زندانیان به زندگی عادی باید در حفظ روابط و علایق خانوادگی آنان اهتمام لازم به عمل آید به همین منظور مددکاران اجتماعی در زندانها موظفند به طور منظم با زندانی، در تماس بوده با جلب اعتماد زندانی در رفع مشکلات و تأمین احتیاجات مادی و معنوی او و خانواده‌اش از طریق دوایر ذیربط و نتیجتاً در ایجاد روابط حسنه با خانواده و تحکیم مبانی آن مؤثر و مفید واقع شوند، تماس سایر مأمورین زندان با خانواده زندانی ممنوع و موجب تعقیب انتظامی یا اداری است.
تبصره: ارتباط با خانواده زندانی توسط مددکار الزاماً با هماهنگی و اطلاع ریاست زندان خواهد بود.

از قانون مجازات اسلامی

(مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ و ۱۳۷۵/۳/۲)

باب اول- حد زنا

فصل اول- تعریف و موجبات حد زنا

ماده ۶۳- زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد وطی به شبهه.

ماده ۶۴- زنا در صورتی موجب حد می‌شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد.

ماده ۶۵- هرگاه زن یا مردی حرام بودن جماع با دیگری را بدانند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جائز است فقط طرفی که آگاه بوده است محکوم به حد زنا می‌شود.

ماده ۶۶- هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نموده‌اند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته

می شود و حد ساقط می گردد.

ماده ۶۷- هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اکراره شده است، ادعای او در صورتی که یقین بر خلاف آن نباشد قبول می شود.

فصل دوم - راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده ۶۸- هرگاه مرد یا زنی در چهار بار نزد حاکم اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می شود.

ماده ۶۹- اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ، عقل، اختیار و قصد باشد.

ماده ۷۰- اقرار باید صریح یا به طوری ظاهر باشد که احتمال عقلاهی خلاف در آن داده نشود.

ماده ۷۱- هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنایی باشد که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می شود، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی شود.

ماده ۷۲- هرگاه کسی به زنایی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید، قاضی می تواند تقاضای عفو او را از ولی امر بنماید و یا حد را بر او جاری نماید.

ماده ۷۳- زنی که همسر ندارد به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمی گیرد، مگر آنکه زنای او با یکی از راههای مذکور در این قانون ثابت شود.

ماده ۷۴- زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می شود.

ماده ۷۵- در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می شود.

ماده ۷۶- شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی کند بلکه در مورد شهود مذکور حد قذف طبق احکام قذف جاری می شود.

ماده ۷۷- شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسی معتبر نیست.

ماده ۷۸- هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند. در صورت اختلاف بین شهود علاوه

بر اینکه زنا ثابت نمی‌شود شهود نیز به حد قذف محکوم می‌گردند.

ماده ۷۹- شهود باید بدون فاصله زمانی یکی پس از دیگری شهادت دهند، اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله برای ادای شهادت حضور پیدا نکنند، یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی‌شود در این صورت شهادت دهنده مورد حد قذف قرار می‌گیرد.

ماده ۸۰- حد زنا جز در موارد مذکور در مواد آتی باید فوراً جاری گردد.

ماده ۸۱- هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید، حد از او ساقط می‌شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی‌شود.

فصل سوم - اقسام حد زنا

ماده ۸۲- حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست.

الف) زنا با محارم نسبی.

ب) زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است.

ج) زنای غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است.

د) زنای به عنف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه‌کننده است.

ماده ۸۳- حد زنا در موارد زیر رجم است:

الف) زنای مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می‌تواند با او جماع کند.

ب) زنای زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد.

تبصره - زنای زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است.

ماده ۸۴- بر پیرمرد یا پیرزن زانی که دارای شرایط احصان باشند، قبل از رجم، حد جلد جاری می‌شود.

ماده ۸۵- طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده، مرد یا زن را از احصان خارج نمی‌کند ولی طلاق بائن آنها را از احصان خارج می‌نماید.

ماده ۸۶- زنای مرد یا زنی که هر یک همسر دائمی دارد ولی به واسطه مسافرت یا حبس

و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد، موجب رجم نیست.
ماده ۸۷- مرد متأهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۸۸- حد زناي زن يا مردی که واجد شرایط احصان نباشد صد تازیانه است.
ماده ۸۹- تکرار زنا قبل از اجرای حد در صورتی که مجازاتها از یک نوع باشد موجب تکرار حد نمی شود ولی اگر مجازاتها از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد، قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می شود.
ماده ۹۰- هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود.

ماده ۹۱- در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حد جاری نمی شود، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود حد جاری می گردد.

ماده ۹۲- هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجراء حد تا رفع بیم ضرر به تأخیر می افتد.

ماده ۹۳- هرگاه مریض یا زن مستحاضه محکوم به قتل یا رجم شده باشند حد بر آنها جاری می شود ولی اگر محکوم به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری و استحاضه به تأخیر می افتد.

تبصره - حیض مانع اجرای حد نیست.

ماده ۹۴- هرگاه امید به بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حد جاری شود یک دسته تازیانه یا ترکه که مشتمل بر صد واحد باشد، فقط یکبار به او زده می شود هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند.

ماده ۹۵- هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی شود.

ماده ۹۶- حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود.

ماده ۹۷- حد را نمی شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد.

فصل چهارم - کیفیت اجرای حد

ماده ۹۸- هرگاه شخصی محکوم به چند حد شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچ کدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود اول

باید حد جلد و بعد حد رجم را جاری ساخت.

ماده ۹۹- هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احسان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم، اول حاکم شرع سنگ می‌زند، بعداً دیگران، و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ می‌زنند بعداً حاکم و سپس دیگران.

تبصره - عدم حضور یا اقدام حاکم و شهود برای زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست و در هر صورت حد باید اجرا شود.

ماده ۱۰۰- حد جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی اجرا گردد که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد. تازیانه به شدت به تمامی بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می‌شود. تازیانه را به زن زانی در حالی می‌زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد.

ماده ۱۰۱- مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مؤمنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند.

ماده ۱۰۲- مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند آنگاه رجم می‌نمایند.

ماده ۱۰۳- هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زنای او به شهادت ثابت شده باشد برای اجرای حد برگردانده می‌شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی‌شود.

تبصره - اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال برای اجرای حد جلد برگردانده می‌شود.

ماده ۱۰۴- بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند.

ماده ۱۰۵- حاکم شرع می‌تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند، اجرای حد در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجرای حد موقوف به درخواست صاحب حق می‌باشد.

ماده ۱۰۶- زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی، و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزیر است.

ماده ۱۰۷- حضور شهود هنگام اجرای حد رجم لازم است ولی با غیبت آنان حد ساقط نمی‌شود اما با فرار آنها حد ساقط می‌شود.

باب سوم - مساحقه

- ماده ۱۲۷ - مساحقه، همجنس‌بازی زنان است با اندام تناسلی.
- ماده ۱۲۸ - راههای ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههای ثبوت لواط است.
- ماده ۱۲۹ - حد مساحقه برای هر یک از طرفین صد تازیانه است.
- ماده ۱۳۰ - حد مساحقه درباره کسی ثابت می‌شود که بالغ، عاقل، مختار و دارای قصد باشد.
- تبصره - در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست.
- ماده ۱۳۱ - هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است.
- ماده ۱۳۲ - اگر مساحقه‌کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط می‌شود اما توبه بعد از شهادت موجب سقوط حد نیست.
- ماده ۱۳۳ - اگر مساحقه با اقرار شخص ثابت شود و وی پس از اقرار توبه نکند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید.
- ماده ۱۳۴ - هرگاه دوزن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می‌شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یک صد تازیانه زده می‌شود.

باب پنجم - قذف

- ماده ۱۳۹ - قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری.
- ماده ۱۴۰ - حد قذف برای قذف‌کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است.
- تبصره ۱ - اجرای حد قذف منوط به مطالبه مقذوف است.
- تبصره ۲ - هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لواط، مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.
- ماده ۱۴۱ - قذف باید روشن و بدون ابهام بوده و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد، گرچه شنونده معنای آن را نداند.
- ماده ۱۴۲ - هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد قذف می‌شود همچنین اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند او نیستی محکوم

به حد قذف خواهد شد.

تبصره - در موارد ماده فوق هرگاه قرینه‌ای در بین باشد که منظور قذف نیست حد ثابت نمی‌شود.

ماده ۱۴۳ - هرگاه کسی به شخصی بگوید که تو با فلان زن زنا کرده‌ای یا فلان مرد لواط نموده‌ای نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حد قذف می‌شود.

ماده ۱۴۴ - هرگاه کسی به قصد نسبت دادن زنا به شخصی مثلاً چنین گوید (زن قحبه) یا خواهر قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده است محکوم به حد قذف می‌شود و نسبت به مخاطب که به واسطه این دشنام اذیت شده اذیت تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود.

ماده ۱۴۵ - هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق تا ۷۴ ضربه می‌شود.

ماده ۱۴۶ - قذف در مواردی موجب حد می‌شود که قذف‌کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد، در صورتی که قذف‌کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشند حد ثابت نمی‌شود.

ماده ۱۴۷ - هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تأدیب می‌شود و هرگاه یک فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیر مسلمان را قذف کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود. ماده ۱۴۸ - اگر قذف شونده به آنچه به او نسبت داده شده است تظاهر نماید قذف‌کننده حد و تعزیر ندارد.

ماده ۱۴۹ - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می‌شوند.

تبصره - اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می‌شود.

ماده ۱۵۰ - هرگاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد حد ثابت نمی‌شود اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد، حد ثابت می‌شود.

ماده ۱۵۱ - هرگاه شخصی چند نفر را به‌طور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می‌شود خواه همگی با هم مطالبه حد کنند، خواه به‌طور جداگانه.

ماده ۱۵۲ - هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر یک از آنها حد جداگانه‌ای جاری می‌گردد ولی اگر با هم

خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت می شود.

ماده ۱۵۳- قذف با دوبار اقرار یا با شهادت دو مرد عادل اثبات می شود.

ماده ۱۵۴- اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۵۵- تازیانه بر روی لباس متعارف و به طور متوسط زده می شود.

ماده ۱۵۶- تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف کننده زد.

ماده ۱۵۷- هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود.

ماده ۱۵۸- هرگاه قذف کننده بعد از اجرای حد بگوید آنچه گفتم حق بود تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۵۹- هرگاه یک نفر را چند بار به یک سبب مانند زنا قذف کند فقط یک حد ثابت می شود.

ماده ۱۶۰- هرگاه یک نفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حد ثابت می شود.

ماده ۱۶۱- حد قذف در موارد زیر ساقط می شود:

۱- هرگاه قذف شونده، قذف کننده را تصدیق نماید.

۲- هرگاه شهود با نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند.

۳- هرگاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عفو نمایند.

۴- هرگاه مردی زنش را پس از قذف لعان کند.

ماده ۱۶۲- هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد حد ساقط و هر یک تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شوند.

ماده ۱۶۳- حد قذف اگر اجرا یا عفو نشود به وراث منتقل می گردد.

ماده ۱۶۴- حق مطالبه حد قذف به همه وارثان به جز زن و شوهر منتقل می شود و هر یک از ورثه می توانند آن را مطالبه کنند هر چند دیگران عفو کرده باشند.

ماده ۱۷۴- حد شرب مسکر برای مرد و یا زن هشتاد تازیانه است.

تبصره- غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانه محکوم می شود.

ماده ۱۷۶- مرد را در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و

زن را در حالی که نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند.

تبصره- تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت محکوم زد.

ماده ۲۰۹- هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد.

ماده ۲۱۰- هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می شود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.

ماده ۲۳۷-

الف) قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود.

ب) قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد و دو زن عادل یا یک مرد و قسم مدعی ثابت می شود.

ماده ۲۶۱- اولیاء دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند، مگر شوهر یا زن که در قصاص و عفو و اجرا اختیاری ندارند.

ماده ۲۶۲- زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تأخیر افتد تا خطر مرگ از طفل بر طرف گردد.

ماده ۲۷۳- در قصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.

ماده ۳۰۰- دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است.

ماده ۳۰۱- دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.

ماده ۳۶۹- هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید ضامن دیه کامل زن می باشد و اگر دوباره بروید عهده دار مهرالمثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست.

تبصره- اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت می شود.

ماده ۳۷۰- هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره برآید و مقدار دیگر نرود نسبت مقداری که نمی‌رود با تمام سر ملاحظه می‌شود و دیه به همان نسبت دریافت می‌شود.

ماده ۳۷۱- تشخیص رویدن مجدد مو و نرویدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارش پرداخت شده و بعد از آن دوباره روید باید مقدار زاید بر ارش به جانی مسترد شود.

ماده ۳۷۲- دیه موهای مجموع دو ابرو در صورتی که هرگز نرود پانصد دینار است و دیه هر کدام دوست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو به همان نسبت خواهد بود و اگر دوباره رویده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداری از آن دوباره رویده شود و مقدار دیگر هرگز نرود نسبت به آن مقدار که مجدداً رویده شود ارش است و نسبت به آن مقدار که رویده نمی‌شود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین می‌شود.

ماده ۳۷۳- از بین بردن موهای پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره برآید خواه نرود و خواه تمام آن باشد و خواه بعضی آن.

ماده ۳۷۴- از بین بردن مو در صورتی موجب دیه یا ارش می‌شود که به تنهایی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط دیه عضو قطع شده یا مانند آن پرداخت می‌گردد.

ماده ۴۴۱- از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن، مهرالمثل نیز دارد.

ماده ۴۷۵- اعمال ارتكابی زیر باعث ارش است:

الف) باعث از بین رفتن انزال شود.

ب) قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد.

ج) لذت مقاربت را از بین ببرد.

ماده ۴۷۶- جنایتی که باعث از بین رفتن توان مقاربت به طور کامل شود دیه کامل دارد.

ماده ۴۷۷- در هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب، لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده باشد ارش تعیین می‌شود.

ماده ۴۷۸- هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنه‌گاه و یا بیشتر قطع شود دیه کامل دارد و کمتر از ختنه‌گاه به نسبت مساحت ختنه‌گاه احتساب می‌گردد و به همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۷۹- هرگاه آلت زنانه کلاً قطع شود دیه کامل دارد و هرگاه یک طرف آن قطع شود نصف دیه دارد.

ماده ۴۸۳- هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی که مجنی علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتی که زن باشد دادن ارش لازم است.

باب دوازدهم- دیه سقط جنین

ماده ۴۸۷- دیه سقط جنین به ترتیب زیر است:

۱. دیه نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار.
۲. دیه علقه که خون بسته است چهل دینار.
۳. دیه مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دینار.
۴. دیه جنین در مرحله‌ای که به صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نرویده است هشتاد دینار.
۵. دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار.

تبصره- در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی‌باشد.

۶. دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبّه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود.

ماده ۴۸۸- هرگاه در اثر کشتن مادر، جنین بمیرد و یا سقط شود دیه جنین در هر مرحله‌ای که باشد باید بر دیه مادر افزوده شود.

ماده ۴۸۹- هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله‌ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی‌برد.

ماده ۴۹۰- هرگاه چند جنین در یک رحم باشند به عدد هر یک از آنها دیه جداگانه خواهد بود.

ماده ۴۹۱- دیه اعضاء جنین و جراحات آن به نسبت دیه همان جنین است.

ماده ۴۹۲- دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله اوست خواه روّح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد.

ماده ۴۹۳- اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشأ انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد دیه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن صدمه‌ای بر مادر وارد

شود بر حسب مورد جانی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود.

ماده ۶۱۹- هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۲- هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۳- هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه و وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر این که ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

ماده ۶۲۴- اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

ماده ۶۳۰- هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

ماده ۶۳۱- هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

فصل هجدهم - جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی

ماده ۶۳۷- هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه

محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.
 ماده ۶۳۸- هر کس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
 تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.
 ماده ۶۳۹- افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد.
 الف) کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند.

ب) کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.
 تبصره - هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد.

ماده ۶۴۰- اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد:

۱. هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و یا به‌طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انتظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد.

۲. هر کس اشیاء مذکور را به منظور اهداف فوق شخصاً یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آنها تحصیل مال نماید.

۳. هر کس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انتظار عمومی بگذارد.

۴. هر کس برای تشویق به معامله اشیای مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل بدست آوردن آن را معرفی نماید.

تبصره ۱- مفاد این ماده شامل اشیائی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلایی دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی قرار می‌گیرد.

تبصره ۲- اشیای مذکور ضبط و محو آثار می‌گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذریعته تحویل خواهد شد.

ماده ۶۴۱- هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.

فصل نوزدهم - جرایم بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی

ماده ۶۴۲- هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید.

ماده ۶۴۳- هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید.

ماده ۶۴۴- کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند:

۱. هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری در آورد در صورتی که منجر به واقعه نگردد.

۲. هر کسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به واقعه نگردد.

ماده ۶۴۵- به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است، چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می‌گردد.

ماده ۶۴۶- ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی و تبصره ذیل آن از ازدواج

نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

ماده ۶۴۷- چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل، و سمت خاص، مجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

فصل بیست و نهم - جرایم ناشی از تخلفات رانندگی

ماده ۷۱۴- هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالانی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود.

ماده ۷۱۵- هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضاء بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود.

ماده ۷۱۶- هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضو از کار بیفتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد.

آیین نامه اجرایی کمیته داوران انجمنهای ورزشی بانوان جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

به منظور بررسی مسائل تخصصی، قضاوت و ایجاد هماهنگی و یکنواختی در اجرای قوانین جاری داوری و نظارت بر حسن اجرای فعالیت و انتخاب و انتصاب داوران و همچنین همکاری صمیمانه با انجمنها در جهت توسعه و پیشرفت امر داوری، کمیته داوران تشکیل

می‌گردد که با توجه به قوانین و مقررات بین المللی، امور مربوط به داوران را در چهارچوب وظایف و ضوابط و مقررات براساس این آیین نامه اجرا نماید.

ماده ۱ - تعریف

داور به فردی نامیده می‌شود که کلاس داوری را زیر نظر انجمن ورزشی مربوطه طی نموده و دارای کارت داوری و تأیید از انجمن ورزشی ذیربط باشد.

کمیته داوران

تشکیلاتی است تخصصی که اعضاء آن از بین داوران متعهد و کاردان و با تجربه توسط انجمن انتخاب و امور مربوط به داوران را براساس قوانین و مقررات جاری بررسی و پیگیری می‌نماید.

ماده ۲ - اهداف

- همکاری با انجمن در جهت توسعه و پیشرفت امر داوری در سطح کشور.
- ایجاد هماهنگی و یکنواختی اجرای قوانین جاری داوری در سطح کشور.
- نظارت بر قضاوت داوران و مسائل تخصصی و اخلاقی آنان.

ماده ۳ - ترکیب کمیته داوران

- یک نفر مسئول

- ۴ نفر عضو

مسئول کمیته داوران از بین داوران متعهد و کاردان و با تجربه توسط دبیر انجمن پیشنهاد و پس از تأیید از سوی رئیس انجمن منصوب می‌گردد.

ماده ۴ - شرایط اختصاصی

- اعضاء کمیته داوران با توجه به سطح تحصیلات و درجات داوری انتخاب خواهند شد.
- سن داوران با توجه به نوع رشته ورزشی حداکثر ۵۵ سال تمام خواهد بود.
- داشتن آمادگی جسمانی و موفقیت در تست سالیانه داوران در رشته ورزشی ذیربط الزامی است.

تبصره ۱ - چنانچه از نظر کارایی و قوای جسمانی داوری مورد تأیید انجمن باشد موارد فوق تعدیل می‌یابد.

تبصره ۲ - کلیه هیئتهای ورزشی در سطح کشور براساس مفاد این آیین نامه نسبت به انتخاب کمیته داوران در محل اقدام خواهند نمود.

ماده ۵ - وظایف کمیته داوران

- بررسی مسایل تخصصی و اخلاقی داوران.
- همکاری صمیمانه و مستمر با انجمن در جهت توسعه و پیشبرد امر داوری در سطح کشور.

- کوشش در افزایش معلومات و دانش داوران در سطح کشور.
- ایجاد هماهنگی و یکنواختی اجرای آخرین قوانین و مقررات جاری داوری.
- تشکیل سمینار بررسی قوانین داوری.
- پیشنهاد تشویق و تنبیه و یا توییح داوران به دبیر انجمن.
- نظارت بر قضاوت داوران و تشکیل جلسات برای رفع اشکالات آنان.
- همکاری با کمیته مسابقات در طول سال.
- برگزاری جلسات توجیهی به منظور ارتباط و هماهنگی در امر قضاوت و وظایف محوله.

- معرفی افراد واجدالشرايط به منظور شرکت در کلاسهای داوری بین المللی به انجمن.
- تعیین میزان حق عضویت داوران در سطوح مختلف و پیشنهاد آن به دبیر انجمن.
- همکاری با استادان کلاسهای داوری و بین المللی در زمان تشکیل کلاس در کشور.
- انتخاب داوران برای مسابقات دوستانه رسمی و غیر رسمی و تورنمنتها و مسابقات بین المللی در داخل و خارج کشور.
- کنترل داوران در جریان مسابقات.
- همکاری با واحدهای آموزشی در تشکیل کلاسهای درجات مختلف کلینیک ارتقاء داوری.

- تشکیل آرشیو سوابق امور مربوط به داوران.
- پیشنهاد کلاسهای داوری به کمیته آموزش به منظور تنظیم و تدوین تقویم ورزشی سالیانه در بخش داوران.

- معرفی اساتید و مدرسین تخصصی عملی به کمیته آموزش.
- تشخیص صلاحیت و تأیید کمیته‌های داوران در سطح کشور با هماهنگی مسئولین ذیربط در سراسر کشور.
- همکاری و انتخاب و تأیید داوران جهت قضاوت در مسابقات رسمی واحدهای تربیت بدنی خواهران ارگانها و نهادها.
- گزارش اقدامات دوره‌ای به ریاست انجمن در طول سال.

ماده ۶- وظایف مسئول کمیته

- توزیع امور و وظایف فی مابین اعضاء
- تشکیل جلسات بنا به ضرورت
- تعیین دستور جلسات
- شرکت در جلسات کمیته‌های تخصصی بنابه ضرورت و دعوت

ماده ۷- اداره جلسات

- اداره جلسات به عهده مسئول کمیته خواهد بود.
- در صورت عدم حضور مسئول کمیته، یک نفر از اعضا بنابه پیشنهاد مسئول کمیته معرفی و جلسه را اداره خواهد نمود.
- مسئول جلسه می‌تواند یک نفر را به عنوان منشی انتخاب نماید.

ماده ۸- مدت

- فعالیت کمیته داوران پس از تشکیل به مدت ۲ سال ورزشی خواهد بود.
- مقرر کمیته داوران در انجمن ورزشی مربوط می‌باشد.

ماده ۹- تشکیل جلسات

- کمیته داوران بنابه ضرورت و طبق مقررات در چهارچوب وظایف محوله خود نسبت به تشکیل جلسات اقدام خواهد نمود.
- کمیته داوران می‌تواند از داوران و کارشناسانی در جلسات دوره‌ای خود دعوت به عمل آورد.

ماده ۱۰ - زمان تشکیل جلسات

- جلسات کمیته داوران هر هفته یک بار و در صورت لزوم جلسات فوق العاده نیز تشکیل خواهد داد.

ماده ۱۱ -

مدت هر جلسه ۲ ساعت می باشد و در صورت لزوم بنابه تشخیص مسئول کمیته ساعت جلسه افزایش می یابد.

ماده ۱۲ -

موضوعی مصوب کمیته داوران تلقی می شود که در مورد آن رأی گیری شده و حداقل نصف به اضافه یک به آن رأی مثبت داده باشند.

ماده ۱۳ - حق الزحمه

بابت پرداخت اعضاء بابت شرکت در جلسات و همکاری در انجام امور کارشناسی بر طبق آخرین مصوبه هیئت وزیران در خصوص پرداخت حق الجلسات کارشناسی اقدام خواهد شد.

ماده ۱۴ -

کمیته می تواند با تشکیل کمیته های فرعی از صاحب نظران در امر تصمیم گیری و برنامه های مختلف ارتقاء سطح آگاهیها و مسائل و موارد انتشاراتی را تسهیل و تسريع نماید.
این آیین نامه در ۱۴ ماده و ۲ تبصره در گروه برنامه ریزی ورزش بانوان کشور تدوین و به تصویب معاونت ورزش بانوان کشور رسیده است.
گروه برنامه ریزی و تحقیقات

اساسنامه فدراسیون ورزشهای بانوان جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱- تعریف

فدراسیون ورزشهای بانوان شامل انجمنهای ورزشی، تشکیلاتی مردمی، مستقل و دارای شخصیت حقوقی می باشند و جهت تحقق اهداف تربیت بدنی و ورزش در نظام جمهوری

اسلامی ایران برای رشته‌های ورزشی مجاز تشکیل می‌گردد.

ماده ۲- هدف

تعمیم و گسترش تربیت بدنی و ورزش در میان اقشار مختلف زنان به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی و ایجاد نشاط و شادابی و گذراندن اوقات فراغت آنان است.

ماده ۳- وظایف

۳-۱- توسعه و تعمیم تربیت بدنی و ورزش از طریق رشته‌های مربوطه براساس فرهنگ اسلامی.

۳-۲- نظارت و اجرای مقررات و آیین‌نامه‌های مصوب و بین‌المللی در رشته مربوطه.

۳-۳- برگزاری مسابقات جشنواره‌ها- اردوها در رده‌های سنی مختلف.

۳-۴- شناسایی و جذب ورزشکاران مستعد در رشته مربوطه.

۳-۵- نظارت بر فعالیتهای فرهنگی، ورزشی و آموزشی هیئتهای ورزشی بانوان در استانها و کلیه سازمانهایی که در رشته‌های ورزشی بانوان فعالیت دارند.

۳-۶- تشکیل کلاسهای آموزشی مورد نیاز در سطوح مختلف برای مربیان و داوران رشته مربوطه با هماهنگی مراکز آموزشی سازمان تربیت بدنی.

۳-۷- تهیه و تنظیم آیین‌نامه و مقررات لازم برای هر رشته ورزشی و ارائه آن از طریق فدراسیون ورزشهای بانوان جهت تصویب معاونت ورزش بانوان سازمان تربیت بدنی.

۳-۸- انتشار کتب و جزوات در رشته ورزشی مربوطه با هماهنگی مراجع ذیربط.

۳-۹- کوشش در بهره‌گیری از خدمات داوطلبانه مردم در جهت پیشرفت رشته ورزشی ذیربط.

۳-۱۰- برگزاری سمینارها و مجامع علمی و تحقیقی به منظور دستیابی به شیوه‌های مناسب علمی و عملی در جهت انجام وظایف.

۳-۱۱- تهیه و تنظیم تقویم ورزشی سالانه از طریق فدراسیون ورزشهای بانوان جهت ارائه به معاونت ورزش بانوان سازمان تربیت بدنی.

۳-۱۲- اجرای تقویم ورزشی سالانه.

۳-۱۳- دعوت از مربیان خارجی جهت ارتقای سطح علمی مربیان کشور و آشنایی با روشهای نوین از طریق معاونت امور ورزش بانوان سازمان تربیت بدنی.

ماده ۴- ارکان

ارکان فدراسیون ورزشهای بانوان عبارتست از:

۱. رئیس فدراسیون

۲. انجمنهای ورزشی

۳. هیئتهای ورزشی

ماده ۵-

رئیس فدراسیون از بین افراد متمهد و مطلع و علاقه‌مند به ورزش به پیشنهاد معاونت ورزش بانوان و تأیید ریاست سازمان منصوب می‌گردد.

هر انجمن ورزشی دارای یک هیئت رئیسه مرکب از ۷ نفر شامل رئیس، نایب رئیس، دبیر، خزانه‌دار و سه نفر عضو می‌باشد.

ماده ۶-

رئیس انجمن از بین افراد متمهد، مطلع و علاقه‌مند به رشته ورزشی مربوطه توسط رئیس فدراسیون ورزشهای بانوان و معاونت امور ورزش بانوان سازمان تربیت بدنی منصوب می‌گردد.

ماده ۷-

نایب رئیس و دبیر انجمن از بین افراد متمهد، مطلع و علاقه‌مند به رشته ورزشی مربوطه توسط رئیس انجمن انتخاب و پس از تأیید رئیس فدراسیون ورزشهای بانوان توسط معاون امور ورزش بانوان سازمان تربیت بدنی منصوب می‌گردد.

ماده ۸-

خزانه‌دار انجمن از بین کارکنان سازمان تربیت بدنی که واجد شرایط و دارای آگاهی و تجربه در امور مالی باشد با هماهنگی رئیس فدراسیون بانوان انتخاب و منصوب می‌شود.

ماده ۹-

سایر اعضاء انجمن از بین افراد واجد شرایط توسط رئیس انجمن انتخاب و احکام آنان توسط رئیس فدراسیون ورزشهای بانوان صادر می‌گردد.

ماده ۱۰-وظایف رئیس انجمن

- سرپرستی امور اداری و مالی و فنی بر اساس مقررات و موازین مربوط و شرکت در مراسم و مسابقات ورزشی.
- نظارت بر امور فرهنگی و ورزشی انجمن و هیئتها و کمیته‌های تخصصی وابسته.
- تشکیل جلسات هیئت رئیسه.
- سایر امور مشابه در حدود وظایف انجمن ورزشی.
- تبصره ۱- رئیس انجمن می‌تواند قسمتی از وظایف خود را به دبیر انجمن واگذار نماید.
- تبصره ۲- در غیاب، استعفا یا برکناری رئیس انجمن نایب رئیس عهده‌دار امور جاری خواهد بود.

ماده ۱۱-وظایف نایب رئیس

- شرکت در جلسات هیئت رئیسه و اداره جلسات در غیاب رئیس انجمن.
- انجام وظایفی که برابر تبصره ۲ ماده ۱۰ از سوی رئیس انجمن به وی واگذار می‌گردد.
- ارائه نظرات مشورتی با رئیس و دبیر انجمن در جهت تنظیم برنامه‌ها و اجرای آن.
- شرکت در مراسم و فعالیتهای ورزشی و همچنین جلساتی که به منظور پیشرفت امور مربوط به انجمن تشکیل می‌گردد.

ماده ۱۲-وظایف دبیر

- تهیه و تنظیم برنامه‌های فرهنگی - ورزشی سالیانه و تقویم ورزشی انجمن و ارائه آن به هیئت رئیسه جهت تصویب.
- تهیه مکاتبات و نظارت بر نگهداری سوابق، بایگانی و آرشیو انجمن.
- شرکت در جلسات کمیته‌ها و هیئتها جهت هماهنگی امور.
- ابلاغ مصوبات انجمن به افراد و مراجع ذیربط.
- کمک به رئیس انجمن در انجام بهتر وظایف محوله.
- انجام سایر امور مشابه در حدود وظایف و اختیارات.

ماده ۱۳-وظایف خزانه‌دار

- مسئولیت امور مالی انجمن و تنظیم اسناد مالی و دفاتر.

- امضاء اسناد مالی و چکهای انجمن.

- دریافت درآمد و واریز آن به حساب انجمن و پرداخت هزینه‌ها با توجه به سایر مقررات.

- نگهداری اسناد و مدارک مالی.

- تهیه و تنظیم بیلان و ترازنامه مالی سالیانه انجمن و ارائه به هیئت‌رئیس.

ماده ۱۴-

سایر اعضای هیئت‌رئیس ضمن شرکت در جلسات انجمن در زمینه برنامه‌ریزی و نظارت بر امور مالی با انجمن همکاری می‌نمایند.

ماده ۱۵- امور مالی

الف - درآمد

- از محل کمک مالی دولت از طریق سازمان تربیت بدنی.

- فروش بلیت مسابقات و برنامه‌های فرهنگی ورزشی.

- فروش کتب و نشریات فرهنگی، مربیگری ورزشی، ورزش.

- ثبت نام تشکیل کلاسهای مربیگری و داوری.

- کمک سازمانهای دولتی - غیردولتی و افراد خیر.

ب - هزینه‌ها

- هزینه‌های برگزاری مسابقات و برنامه‌های فرهنگی ورزشی.

- پرداخت حق‌الزحمه‌ای کارکنان فنی، خدماتی براساس مقررات، آیین‌نامه‌ها و ضوابط

مربوطه.

- هزینه‌های مربوط به تهیه ملزومات اداری و خدماتی و وسایل اداری، ورزشی،

انتشاراتی و تبلیغاتی.

- پرداخت حق‌التدریس مربیان و مدرسین کلاسهای آموزشی.

- هزینه‌های کلاسهای آموزشی.

- کمک مالی به هیئتهای ورزشی استانها.

- هزینه اعزام ورزشکاران، داوران و مربیان به مسابقات و مجامع بین‌المللی.

- انجام سایر هزینه‌های مشابه.

ماده ۱۶- کمیته‌های تخصصی

هر انجمن بر حسب نیاز مجاز است نسبت به تشکیل کمیته‌های تخصصی مختلف مانند کمیته فنی، کمیته مربیان، کمیته داوران، کمیته مسابقات و اردوها، کمیته فرهنگی، تحقیقاتی، کمیته آموزشی، کمیته انضباطی و کمیته روابط عمومی و انتشارات اقدام نماید. -اعضاء هر کمیته را حداقل سه تا پنج نفر تشکیل می‌دهند.

ماده ۱۷-

مسئول و اعضاء کمیته توسط رئیس انجمن از بین افراد متعهد و متخصص واجد شرایط انتخاب و منصوب می‌شوند.

ماده ۱۸- هیئتهای ورزشی استانها

واحدهای اجرایی انجمنهای ورزشی می‌باشند که برای هر یک از رشته‌های ورزشی مجاز ویژه بانوان زیر نظر ادارات کل تربیت بدنی استانها و ادارات تربیت بدنی شهرستانها و بخشها تشکیل می‌گردد.

ماده ۱۹-

هیئتهای ورزشی بانوان متشکل از رئیس، دبیر، خزانه‌دار و سه نفر عضو می‌باشند.

ماده ۲۰-

رئیس هیئت با هماهنگی انجمن ورزشی مربوطه، انتخاب و توسط اداره کل تربیت بدنی از بین افراد متعهد و مطلع نسبت به رشته ورزشی به این سمت منصوب می‌شود.

ماده ۲۱-

نایب رئیس، دبیر، خزانه‌دار و اعضاء بنابه پیشنهاد رئیس هیئت و تأیید کارشناس امور آموزش بانوان استان با صدور حکم توسط مدیر کل تربیت بدنی منصوب خواهد شد.

ماده ۲۲-

این اساسنامه شامل ۲۱ ماده و تبصره به تصویب ریاست سازمان رسیده است.

اساسنامه انجمن پزشکی - ورزشی بانوان جمهوری اسلامی ایران

(مصوب سال ۱۳۷۲)

پیشگفتار

بی شک یکی از اصول جدایی ناپذیر علمی در ورزش توجه به طب ورزشی و اثرات ورزش در سلامت روح و روان در بیماریهای گوناگون جسمی می باشد که با مشارکت متخصصین و پزشکان مجرب در این زمینه می توان به پیشگیری از بیماریها و صدمات ورزشی، تشخیص صدمات و بیماریها، توانبخشی و بازگرداندن ورزشکاران به صحنه فعالیتهای ورزشی اقدام و با فراهم نمودن نیازهای تغذیه ای، اثرات سوء داروها و مواد انرژی زای کاذب و اعتیاد آور و آمادگیهای روانی مورد نیاز ورزشکاران رشته های مختلف ورزشی جهت بالا بردن کیفیت تکنیکی ورزشکاران و تأمین سلامتی آنان کمکهای شایان توجهی نمود.

بنابراین به منظور تحقق بخشیدن به امور فوق در ورزش بانوان کشور، نیاز به انجمنی به نام انجمن پزشکی ورزشی بانوان کشور ضروری تشخیص داده شده که این اساسنامه با حفظ مقررات و ضوابط امور مربوطه جهت تعیین خط مشی کلی و اداره امور پزشکی بانوان کشور تنظیم گردید.

بخش اول - (تعریف، اهداف)

ماده یک - تعریف

انجمن پزشکی ورزشی بانوان تشکیلاتی است تخصصی، دارای شخصیت حقوقی که به منظور اداره فعالیتهای مربوط به طب ورزشی و پوشش در زمینه مراقبتهای ایمنی تا درمان و نظارت و کنترل وضعیت بهداشت ورزشی بانوان در سطح کشور تحت نظارت و پوشش معاونت ورزش بانوان سازمان تربیت بدنی کشور ایجاد، و با همکاری و هماهنگی فدراسیون پزشکی ورزشی کشور و با رعایت ضوابط و مقررات فعالیت می نماید.

تبصره ۱ - انجمن پزشکی ورزشی بانوان، به اختصار در کلیه مفاد این اساسنامه انجمن نامیده می شود.

ماده دو - اهداف

۱. تحقق طب ورزشی و ترویج و اشاعه آن در جهت بهبود و کسب سلامتی آحاد جامعه بانوان.

۲. فراهم نمودن زمینه‌های علمی و تحقیقاتی پیشرفته جهت بالا بردن دانستیهای طب ورزشی.
۳. بهره‌گیری از دانستیهای طب ورزشی به منظور ارتقاء سطح مهارتها در فعالیتهای ورزشی بانوان.
۴. ایجاد زمینه‌های پوشش ایمنی پزشکی به منظور پیشگیری از ضایعات ورزشی و نیز تشخیص، درمان و توان بخشی مصدومان ورزشی و بازگرداندن آنان به میدین ورزشی از طریق بکارگیری نیروهای متخصص پزشکی ورزشی.

بخش دوم-

ماده سه-وظایف

۱. تهیه طرحها و برنامه‌های زمان بندی شده جهت پیشبرد اهداف.
۲. پیش بینی اعتبارات مورد نیاز جهت انجام وظایف انجمن و کمیته‌های وابسته.
۳. پیش بینی فعالیتهای سالیانه (تقویم پزشکی ورزشی) انجمن.
۴. توسعه و تعمیم طب ورزشی و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت رشد و تحقق اهداف طب ورزشی.
۵. بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی از اصول طب ورزشی از طریق نشر کتب، جزوات و مقالات علمی با همکاری و هماهنگی فدراسیون پزشکی-ورزشی کشور.
۶. همکاری و هماهنگی با فدراسیون پزشکی کشور و فعالیت در زمینه امور تحقیقات طب ورزشی از طریق ایجاد آزمایشگاههای تحقیقاتی و کتابخانه‌های علمی و ارتباط با مراکز تحقیقاتی در زمینه پیشبرد اهداف پزشکی-ورزشی انجمن.
۷. برگزاری سمینارها و سمپوزیومهای لازم به منظور مشاورت و تبادل نظر در زمینه مسائل طب ورزشی و دستیابی به راه‌حلهای مطلوب با پزشکان متخصص با همکاری و هماهنگی فدراسیون پزشکی کشور.
۸. ارتباط مفید با سازمانهای طب ورزشی و سایر کشورها جهت کسب آخرین اطلاعات بدست آمده به منظور پیشبرد هر چه بهتر و بیشتر طب ورزشی در کشور از طریق ارتباط حضوری و مکاتبه‌ای و دریافت بولتنهای علمی طب ورزشی با همکاری فدراسیون پزشکی ورزشی کشور.
۹. نظارت بر حسن اجرای اصول بهداشتی در اماکن ورزشی بانوان (اعم از دولتی و

خصوصی) مخصوص بانوان.

۱۰. هماهنگی لازم با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همچنین با دانشکده‌های پزشکی جهت بهره‌گیری از امکانات موجود.

۱۱. اجرای مفاد مصوب تقویم سالیانه به نحو احسن.

۱۲. نظارت بر اجرای کلیه امور مربوط به طب ورزشی - پزشکی جامعه ورزش بانوان سراسر کشور با اظهار نظر رسمی در مورد صلاحیت‌های جسمانی اعضای تیم ملی از طریق معاینات پزشکی.

۱۳. تأمین نیازهای پزشکی (بهداشت، مراقبت، پیگیری و درمان) بانوان ورزشکار در اردوها و مسابقات داخلی کشور با همکاری فدراسیون پزشکی - ورزشی.

۱۴. اعزام پزشک همراه تیمهای ملی بانوان جهت نظارت بر تأمین نیازهای پزشکی هیئتهای اعزامی به مسابقات برون مرزی با تشخیص معاونت ورزش بانوان کشور.

۱۵. نظارت و کنترل سلامتی کلیه ورزشکاران، مربیان و داوران تحت پوشش انجمن از طریق تهیه و تنظیم شناسنامه‌های پزشکی ورزشی کشور.

۱۶. تشخیص صلاحیتهای علمی، اخلاقی پزشکیاران همکار جهت اردوهای انجمنهای مختلف ورزشی بانوان کشور و گروههای پزشکی.

۱۷. نظارت بر حسن اجرای مسابقات کشوری بانوان از نظر پزشکی و کنترل ورزشکاران پیرامون دوپینگ و سالم سازی تیمهای ورزشی در این زمینه.

۱۸. ایجاد مراکز کلینیک طب ورزشی در کشور با همکاری فدراسیون پزشکی جهت هماهنگی امور پزشکی ورزشکاران و معاینات تیمهای ملی جهت مسابقات داخلی و برون مرزی.

۱۹. جذب نیروهای متخصص جهت همکاری با انجمن.

۲۰. جلب همکاری سازمانها و اقامتگاهی که به نحوی با فعالیت پزشکی، درمانی در ارتباط می باشند نظیر وزارت بهداشت و درمان، سازمان بهزیستی، هلال احمر جمهوری اسلامی، نهادهای انقلابی و پزشکان آزاد در جهت پیشبرد اهداف انجمن.

۲۱. همکاری با ادارات تربیت بدنی استانهای کشور به منظور تهیه و تجهیز امکانات ورزشی هیئتهای پزشکی ورزشی بانوان و نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های آنها.

۲۲. همکاری با ادارات تربیت بدنی استانهای کشور به منظور تهیه و تجهیز امکانات ورزشی هیئتهای پزشکی ورزشی بانوان و نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های آنها.

۲۳. استفاده از امکانات موجود فدراسیون پزشکی - ورزشی کشور.

۲۴. رعایت و اجرای موازین فدراسیون بین المللی طب ورزشی Fims.

۲۵. جذب خدمات مردمی و افراد خیرخواه و استفاده از خدمات آنان در جهت پیشبرد و پیشرفت هر چه بهتر و بیشتر فعالیتهای مربوطه.
تبصره ۲ - کلیه موارد بالا از طریق ارتباط مفید و مؤثر با فدراسیون پزشکی کشور تحقق خواهد یافت.

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

ماده چهارم - ارکان

ارکان انجمن عبارتند از:

الف) هیئت رئیسه

ب) کمیته تخصصی

ج) هیئتها

ماده پنجم - ترکیب هیئت رئیسه

هیئت رئیسه از اعضاء زیر تشکیل می گردد:

الف) رئیس انجمن

ب) نایب رئیس

ج) دبیر

د) خزانه دار

ه) ۳ نفر از افراد متعهد و متخصص در امور پزشکی به عنوان عضو

تبصره ۳ - اعضاء هیئت رئیسه به استثنای دبیر و خزانه دار، اولویت انتخاب با افرادی است که حرفه آنان پزشکی علی الخصوص طب ورزشی باشد.

ماده ششم -

رئیس انجمن بنابه پیشنهاد معاونت ورزش بانوان از بین افراد متدین و متخصص و علاقه مند به امور طب ورزشی انتخاب و با صدور حکم ریاست سازمان منصوب می گردد.

تبصره ۴ - رئیس انجمن به عنوان نایب رئیس دوم فدراسیون پزشکی ورزشی در امور بانوان تعیین و منصوب می گردد.

ماده هفت-

نایب رئیس انجمن از بین پزشکان متعهد، متخصص و علاقه‌مند به امور طب ورزشی توسط رئیس انجمن پیشنهاد و با صدور حکم توسط معاونت ورزش بانوان منصوب می‌گردد.

ماده هشت-

دبیر انجمن از بین افراد متدین و آگاه به امور اجرایی و مطلع از طرف رئیس انجمن پیشنهاد و حکم وی توسط معاونت ورزش بانوان صادر می‌گردد.

ماده نه-

خزانه‌دار: از بین پرسنل شاغل و رسمی حوزه معاونت ورزش بانوان که واجد شرایط و آگاه به امور مالی باشد از طرف معاونت ورزش بانوان منصوب می‌شود.

ماده ده-

۳ نفر عضو آگاه و مطلع به امور پزشکی و متخصص از طرف رئیس انجمن انتخاب و جهت صدور حکم به معاونت ورزش بانوان معرفی می‌گردد.

ماده یازدهم- کمیته‌های تخصصی

انجمن به منظور حسن انجام امور جاری و استفاده از تخصصها، کمیته‌هایی بر حسب ضرورت با مشارکت افراد متعهد و متخصص و علاقه‌مند به امور کمیته‌ها تحت عنوان کمیته خدمات درمانی، کمیته آموزش، کمیته تحقیقات، کمیته نظارت و ارزشیابی، کمیته تغذیه، کمیته دوپینگ و... تشکیل دهد.

تبصره ۵- مسئولین کمیته‌ها از بین افراد متعهد و متخصص و علاقه‌مند به امور خاص کمیته‌ها توسط رئیس انجمن پیشنهاد و پس از تصویب هیئت رئیسه احکام آنها توسط مسئول انجمن صادر می‌گردد.

ماده دوازدهم- هیئتها

انجمن به منظور حسن انجام کار و امور جاری و بر حسب ضرورت هیئتهایی به نام هیئت پزشکی بانوان در استانها و شهرستانهای کشور با همکاری ادارات کل تربیت بدنی استانها

برابر آیین‌نامه‌های هیئت پزشکی - ورزشی که به تصویب سازمان تربیت بدنی رسیده باشد ایجاد می‌نماید.

تبصره ۶ - رؤسای هیئتها توسط ادارات کل تربیت بدنی محل از بین پزشکان متدین و معتمد و مطلع به امور طب ورزشی انتخاب و به انجمن پزشکی ورزشی کشور کتباً پیشنهاد و پس از تأیید حکم آنان توسط رئیس انجمن صادر خواهد شد.

تبصره ۷ - انجمن و هیئتهای تابعه می‌توانند جهت انجام امور تخصصی مکاتبه فی مابین داشته باشند.

تبصره ۸ - در صورت عدم توافق فی مابین انجمن و اداره کل محل مرجع رسیدگی معاونت ورزش بانوان کشور خواهد بود.

بخش سوم - وظایف اعضاء (هیئت رئیسه)

ماده سیزدهم - وظایف رئیس انجمن

۱۳-۱ - سرپرستی امور اداری و مالی و فنی تخصصی براساس مقررات و موازین مربوط به تشکیلات ورزش بانوان.

۱۳-۲ - تشکیل و اداره جلسات هیئت رئیسه.

۱۳-۳ - همکاری در امور پزشکی ورزشی بانوان کلیه سازمانهایی که در رشته تربیت بدنی و ورزش فعالیت دارند.

۱۳-۴ - نظارت بر انجام امور کمیته‌ها و هیئتهای پزشکی ورزشی زیر پوشش انجمن.

۱۳-۵ - شرکت در جلساتی که به منظور پیشرفت امور پزشکی و طب ورزشی کشور تشکیل می‌شود.

۱۳-۶ - معرفی و اعزام اعضاء هیئت رئیسه و یا مسئولین کمیته‌های تخصصی به کنگره و مجامع داخلی و بین‌المللی.

۱۳-۷ - سایر امور مشابه در حدود وظایف.

تبصره ۹ - در غیاب، استعفاء، یا برکناری رئیس انجمن تا انتخاب رئیس جدید نایب رئیس انجمن عهده‌دار امور جاری انجمن خواهد بود.

ماده چهاردهم - وظایف نایب رئیس

- شرکت در جلسات هیئت رئیسه.

- اجرای امور محوله از طرف رئیس هیئت در غیاب وی.

ماده پانزده-وظایف دبیر

۱۵-۱- تهیه و تنظیم برنامه‌های داخلی و خارجی و ارائه آن به هیئت ریسه جهت تصویب.
۱۵-۲- انجام مکاتبات داخلی و خارجی و نظارت بر نگهداری سوابق بایگانی و آرشیو انجمن.

۱۵-۳- ابلاغ مصوبات هیئت ریسه به افراد و مراجع مربوطه.
۱۵-۴- شرکت در جلسات کمیته‌ها برای هماهنگی امور مربوطه و راهنمایی‌های لازم.
۱۵-۵- تهیه و تنظیم تقویم پزشکی ورزشی و ارائه به هیئت ریسه جهت ارسال به معاونت ورزش بانوان به منظور اقدام مقتضی.
۱۵-۶- انجام سایر وظایف مشابهی که از طرف رئیس انجمن ارجاع می‌شود.

ماده شانزده-وظایف خزانه‌دار

۱۶-۱- تنظیم اسناد و دفاتر مالی مربوط به انجمن.
۱۶-۲- امضاء اسناد مالی مربوط به انجمن.
۱۶-۳- تهیه و تنظیم بیلان و ترازنامه سالیانه انجمن.
۱۶-۴- تهیه و تنظیم گزارشات مالی برای طرح در جلسات هیئت ریسه و ارائه به معاونت ورزش بانوان.

بخش چهارم-امور مالی و هزینه‌ها

ماده هفده-امور مالی

درآمد انجمن عبارتند از:

- ۱۷-۱- کمکهای مالی از دولت (اعتبار تخصیصی).
- ۱۷-۲- درآمد حاصله از دریافت درصدی از بیمه اعضای کمیته خدماتی درمانی.
- ۱۷-۳- درآمد حاصله از خدمات پزشکی انجمن.
- ۱۷-۴- درآمد حاصله از فروش نشریات، پوستر و جزوه‌ها برابر قوانین و مقررات.
- ۱۷-۵- کمک سازمانهای دولتی و خصوصی (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی).

ماده هجده-هزینه‌های انجمن

۱۸-۱- هزینه برگزاری دوره‌های آموزشی طب ورزشی براساس آیین‌نامه‌های مربوطه.

۱۸-۲- هزینه حق الزحمه کارکنان فنی اداری و خدماتی براساس قوانین و مقررات مربوطه.

۱۸-۳- هزینه حق التدریس و حق التعلیم مربیان آموزشی طب ورزشی.

۱۸-۴- هزینه مربوط به اعزام نمایندگان به کنگره‌ها و مجامع علمی طب ورزشی در سایر کشورها.

۱۸-۵- هزینه مربوط به تهیه ملزومات پزشکی و کلیتیک‌های وابسته و اداری خدماتی و وسایل اداری انتشاراتی و تبلیغاتی و سایر هزینه‌های جاری.

۱۸-۶- کمک به هیئتهای پزشکی بانوان استانها در صورت وجود اختیار.

ماده نوزده-

هزینه‌ها و روشهای مالی انجمن به ترتیب زیر انجام می‌شود:

۱۹-۱- انجمن به منظور پرداخت هزینه‌ها می‌تواند حسابی به نام انجمن پزشکی ورزشی در یکی از بانکها افتتاح و کلیه درآمدها را به حساب مذکور واریز نماید.

۱۹-۲- برداشت و پرداخت هزینه‌ها از حساب مذکور با سه امضاء زیر مجاز خواهد بود:

۱. رئیس انجمن

۲. رئیس اداره انجمنهای ورزشی بانوان کشور

۳. خزانه دار

ماده بیست-

این اساسنامه در چهار بخش و بیست ماده و نه تبصره در تاریخ ... به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در سراسر کشور قابل اجراء می‌باشد.

بخش منضمات

گزیده نظریات حقوقی، کیفری و ثبتی

نظریه شماره ۱۳۷۶/۷/۱۰/۲۳-۱۳۷۱/۱۰/۱۳۷۱ ترک انفاق در مورد حق سکنی

به توافق زوجین

«در مواردی که شرط توافق در تعیین محل سکونت شده و توافق بین زوجین حاصل نشود تعیین تکلیف با دادگاه است.»

سؤال: در مواردی که حق سکنی به توافق طرفین در سند ازدواج شرط شده باشد و توافق بین زوجین حاصل نشود تکلیف شکایت ترک انفاق چیست؟

«چون اصل بر این است که زوج در منزل سکونت نماید لذا در مواردی که شرط توافق در محل انتخاب سکونت برای زوج مقرر شده است و چنین توافقی حاصل نشود تعیین تکلیف با دادگاه خواهد بود. بعد از تعیین محل به وسیله دادگاه اگر زوج در محل تعیین شده سکونت ننماید ناشزه خواهد بود.»

نظریه شماره ۱۳۷۸۰/۷/۱۰/۱۳۷۱/۱۰/۱۳۷۱ ترک انفاق و پرداخت نفقه

پس از تحقق بزه

«پرداخت نفقه پس از تحقق بزه موجب صدور قرار موقوفی تعقیب نیست.»

سؤال: با توجه به اینکه نفقه زمان حال دارای وصف جزایی است منظور از زمان حال چه زمانی است و در صورتی که زوج مدتی پس از طرح شکایت زوج مبلغی به عنوان نفقه پرداخت نماید آیا با پرداخت نفقه می توان قرار موقوفی تعقیب متهم را صادر نمود یا خیر؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«۱- هر چند از کلمه حال، زمان حاضر مستفاد می گردد، اما در مسائل مربوط به ترک انفاق زمان حال را می توان از زمان طرح شکایت کیفری محسوب نمود و به هر حال

تشخیص موضوع با مرجع رسیدگی کننده است.»

۲- بنابه صراحت ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده تعقیب زوج، متهم به ترک انفاق زوجه، فقط با استرداد شکایت یا وقوع طلاق موقوف می شود. بنابراین پس از تحقق ترک انفاق پرداخت نفقه موجب موقوفی تعقیب نخواهد بود مگر آنکه زوجه از شکایت خود اعلام انصراف نماید. جدا از مراتب فوق رأی وحدت رویه شماره ۵۲۵ مورخ ۶۸/۱/۲۹ نیز عدم تعقیب کیفری را موکول به احراز گذشت زوجه نموده است.»

نظریه شماره ۱۷۶/۱۰۷/۲۳-۱۳۷۱/۱۰/۲۳ ترک انفاق و زندانی بودن زوجه

«زندانی شدن زوجه فورس ماژور محسوب و مانع تمکین است اما موجب عدم استحقاق نفقه نیست.»

سؤال: آیا زندانی شدن زوجه در اثر ارتکاب بزه که مانع تمکین است موجب عدم استحقاق دریافت نفقه است یا خیر؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«در موردی که زوجه به علت ارتکاب جرم زندانی شود عدم تمکن فورس ماژور بوده و ناشزه محسوب نمی گردد هر چند نفقه که عبارت از غذا و لباس و مسکن به طور معمول و در حد قانون و شأن زندانی وسیله اداره زندان فراهم می گردد و بیش از آن الزامی بر زوج نیست مع ذلک چنانچه شرایط خاصی به نظر محکمه برسد که پرداخت مخارج اضافی هم

۱. ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب پانزدهم بهمن ماه سال ۱۳۵۳ به شرح زیر است:
ماده ۲۲- «هر کس با داشتن استطاعت نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت یا وقوع طلاق در مورد زوجه تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد.»

۲. رأی وحدت رویه شماره ۵۲۵ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۹ دیوان عالی کشور به شرح زیر است:

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

«نظر به ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری که موقوفی تعقیب امر جزایی را با شرایط خاصی تجویز نموده که از آن جمله صلح و سازش طرفین در جرائم قابل گذشت است و با توجه به اینکه مطالبه نفقه زوجه از حقوق الناس می باشد لذا تا زمانی که گذشت زوجه از تعقیب شکایت جزایی احراز نشود دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود و رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.»

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

از طرف زوج ایجاب نماید شوهر ملزم به پرداخت خواهد بود بدون آنکه موکول به تمکین زوجه باشد.»

نظریه شماره ۱۳۷۱/۹/۱۸۷/۶۵۶۲ ترک انفاق نسبت به همسران

«ترک انفاق همسران از مصادیق تعدد جرائم غیر مختلف می باشد.»

سؤال: در صورتی که زوج دارای دو همسر باشد و هر دو به عنوان ترک انفاق طرح شکایت نمایند آیا زوج را می توان به دو فقره ۷۴ ضربه شلاق محکوم نموده یا خیر؟
نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«چنانچه زوج دارای همسران متعدد بوده و هر یک از همسران از زوج به عنوان ترک انفاق شکایت نماید دعوای هر یک از زوجه ها شکایت جداگانه تلقی می گردد و مرجع رسیدگی کننده باید با توجه به مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید با توضیح اینکه به نوع جرم که مشابه هستند باید توجه گردد.»

نظریه شماره ۱۳۷۳/۱۲/۸۷/۷۳۷۱ اجرای حکم اعدام در مورد زنای به عنف یا محصنه

«اجرای حکم اعدام، در مورد زنای به عنف یا محصنه احتیاج به اذن ولی امر مسلمین ندارد.»

سؤال: آیا اجرای حکم اعدام، در مورد زنای به عنف یا محصنه نیاز به اذن ولی امر مسلمین دارد؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

-
۱. ماده ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر می دارد:
- ماده ۴۶ - در جرائم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد است.
- ماده ۴۷ - در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرائم مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می گردد و در این قسمت تعدد جرم می تواند از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد.

«اجرای حکم اعدام در مورد زنای به عنف یا محصنه احتیاج به اذن ولی امر مسلمین ندارد.»

نظریه شماره ۳/۸۶-۷/۲۲/۱۳۷۳ ثبت ازدواج در خارج از کشور توسط شخصی که اجازه آن را از طرف مقامات صالح ایران ندارد

«اگر وقوع ازدواج محرز باشد ثبت آن بلاشکال است، اما در صورتی که عاقد اجازه انجام آن را از مقامات ذیصلاح دولت ایران نداشته باشد فاقد رسمیت است و از نظر کیفری قابل تعقیب می باشد.»

سؤال: اگر شخصی در خارج از کشور به عقد ازدواج و ثبت آن در شناسنامه زوجین و صدور قبالة ازدواج اقدام نماید، آیا ازدواج و ثبت آن صحیح است؟
نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«در صورتی که وقوع ازدواج محرز باشد ثبت آن بلاشکال است. ولی عمل شخص مورد سؤال و درج ازدواج در شناسنامه طرفین در صورتی که اجازه انجام آن را از مقامات ذیصلاح دولت ایران نداشته باشد فاقد رسمیت است، و از نظر جزایی قابل تعقیب می تواند باشد.»

نظریه شماره ۲۸/۳۰-۷/۴-۵/۱۳۷۳ ازدواج مرد تبعه بیگانه با زن ایرانی و معاونت در ارتکاب جرم

«شخصی که صرفاً موجبات آشنایی طرفین را فراهم کرده است، نمی توان او را معاون جرم دانست.»

سؤال - اگر شخصی موجبات آشنایی و بالتجیه ازدواج مرد تبعه خارجی با زن ایرانی بشود آیا عمل او معاونت در ارتکاب جرم محسوب می شود؟
نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«موافق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و ماده ۱۷ قانون ازدواج، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی موکول به کسب اجازه مخصوص است والا زوج به مجازات حبس از یک سال تا سه سال محکوم می گردد، شخصی را که صرفاً موجبات آشنایی طرفین را فراهم کرده است، نمی توان به عنوان معاون تحت پیگرد قرارداد چه در اقدام زوج به چنین ازدواجی شخص مورد نظر دخالتی نداشته است.»

نظریه شماره ۱۳۷۳/۸/۱۰-۷/۴۸۹۵ مزاحمت بانوان و تعقیب آنان بدون به کار بردن الفاظ

«هرگاه مسلم شود که مردی به قصد مزاحمت زنی را تعقیب نموده با عدم به کار بردن لفظ یا الفاظ هم قابل مجازات است.»

سؤال: اگر مردی در معابر عمومی زنی را بدون به کار بردن لفظ یا الفاظی یا حرکاتی تعقیب نماید، آیا این عمل از مصادیق مزاحمت بانوان و مرتکب آن به استناد ماده ۳ لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی، قابل مجازات است یا مقررات دیگری؟
نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«هرگاه مسلم شود که مردی به قصد مزاحمت در اماکن عمومی یا معابر زنی را تعقیب کرده و عرفاً هم عنوان مزاحمت بر آن صادق باشد، عمل ارتكابی مشمول صدر ماده ۳ لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو خواهد بود، و در این مورد فرقی بین اینکه لفظی یا الفاظی به کار ببرد یا نه نیست.»

نظریه شماره ۱۳۷۳/۳/۱۸-۷/۱۷۲۸ اجازه دادستان در مورد خروج همسر یا فرزند

«اگر شوهر با خروج همسر یا فرزندش از کشور مخالفت کرده باشد، در حال اضطرار دادستان می تواند اجازه خروج به آنها بدهد.»

سؤال: اگر شوهر با خروج همسر یا فرزندش از کشور مخالفت نموده و آن را کتباً به اداره گذرنامه اطلاع داده باشد، آیا دادستان می تواند به آنها اجازه خروج از کشور را بدهد؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«با توجه به قوانین جاریه در صورتی که شوهر با خروج همسر یا فرزندش از کشور مخالفت کرده باشد مجوزی برای اعطاء اجازه از طرف دادسرا وجود ندارد مگر در حال اضطرار و تشخیص آن به عهده دادستان است.»

نظریه شماره ۱۳۷۳/۶/۷-۷/۳۸۴۷ ترک انفاق طفل متولد از زنا

«ترک انفاق طفل متولد از زنا جرم بوده و مرتکب قابل تعقیب و مجازات است.»

سؤال: با توجه به اینکه طبق ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود، در صورت امتناع زانیه از نگهداری و تأمین مخارج او آیا الزام زانی برای حضانت طفل و تأمین مخارج وی قانونی است و آیا ترک آن قابل تعقیب و مجازات است؟ نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«هر چند در قانون مدنی ایران نسبت به حضانت اطفال نامشروع حکمی مقرر نشده است لکن با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی^۱ و ماده ۳ قانون آیین‌نامه دادرسی مدنی^۲ و عرف و عادت مسلم و روح قانونی مدنی (باب دوم از کتاب هشتم از جلد دوم) و فتوای صریح حضرت امام (ره) در مورد الزام به اتفاق با عبارت نفقه (بالمعنی‌الاعم) ملاک اتفاق ولادت طبیعی طفل است. یعنی نتیجه انتساب طبیعی طفل به پدر و مادر (چه شرعی و یا غیر شرعی) ملاک اتفاق خواهد بود. مراد از زانی در ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی هم مرد یا زن زناکار می‌باشد. بنابراین پدر و جد پدری به ترتیب و بعد مادر طبیعی طفل مکلف به اتفاق هستند و ترک آن قابل تعقیب و مجازات است.»

نظریه شماره ۱۳۷۳/۹/۲۹-۷/۵۹۳ زنا و اقرار زن به آن و ادعای مرد

دائر بر رابطه زوجیت

«تحقق جرم زنا ملازمه با عدم وجود رابطه زوجیت دارد که بدو دادگاه باید به مسئله نکاح که اساس مدافعات مرد است، بدون لزوم تقدیم دادخواست رسیدگی نماید، و پس از قطعیت رأی در اصل نکاح در مورد زنا اتخاذ تصمیم نماید.»

سؤال: در جرم زنا، اگر زن اقرار به زنا نماید و مرد مدعی رابطه زوجیت باشد آیا مرد در جهت اثبات ادعا باید به تقدیم دادخواست مبادرت نماید، و تکلیف دادگاه عمومی

۱. قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

۲. ماده ۳- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب بیست و پنجم شهریور ماه سال یکهزار و سیصد و هجده به شرح زیر است:

ماده ۳- دادگاههای دادگستری مکلفند به دعای موافق قوانین رسیدگی کرده، حکم داده یا فصل نمایند و در صورتی که قوانین موضوعه کشوری کامل یا صریح نبوده و یا متناقض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد دادگاههای دادگستری باید موافق روح و مفاد قوانین موضوعه و عرف و عادت مسلم، قضیه را قطع و فصل نمایند.

در این مورد چیست؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«دادگاه عمومی در صورت رسیدگی به جرم زنا چنانچه احد از طرفین اقرار به زنا کند، و طرف دیگر مدعی رابطه زوجیت، باشد، چون تحقق جرم زنا ملازمه دارد با عدم وجود رابطه زوجیت لذا در صورتی که دادگاه حسب مقررات تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب^۱ صلاحیت رسیدگی به اصل نکاح را داشته باشد، می تواند ابتدا به ادعای وجود رابطه زوجیت رسیدگی کرده و مدافعات زوج را بدون نیاز به تقدیم دادخواست استماع نماید. در صورت احراز عدم وجود رابطه زوجیت، راجع به جرم زنا نیز تصمیم بگیرد. در صورتی که صلاحیت نداشته باشد قرار اناطه صادر نماید تا دادگاه صلاحیتدار در مورد اصل نکاح رأی صادر کند، و پس از قطعیت رأی مذکور در مورد جرم زنا اتخاذ تصمیم نماید.»

نظریه شماره ۱۳۷۳/ا/۴-۷/۳۷۵۵ از دواج مجدد و تحصیل اجازه دادگاه

«از دواج مجدد باید با تحصیل اجازه از دادگاه باشد اما مجازات عدم تحصیل آن با لحاظ نظر شورای نگهبان غیر شرعی شناخته شده است.»

سؤال: آیا برای ازدواج مجدد باید از دادگاه اجازه تحصیل نمود و عدم تحصیل آن جرم و قابل تعقیب و مجازات است؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«مواد ۳ و ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده^۲ به استثنای قسمت اخیر ماده ۱۷ که مجازات

۱. ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب پانزدهم تیر ماه سال یک هزار و سیصد و هفتاد و سه و تبصره های آن به شرح زیر است:

ماده ۳- با تأسیس دادگاه عمومی در هر حوزه قضایی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی و امور حسبه با لحاظ قلمرو محلی با دادگاههای مزبور خواهد بود.

تبصره ۱- حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ.

تبصره ۲- رسیدگی به اموری که به حکم قانون به مرجع دیگری واگذار شده از دایره شمول این قانون خارج است.

تبصره ۳- حاکم دادگاههای عمومی در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که اجازه مخصوص از طرف رئیس قوه قضائیه داشته باشد.

۲. مواد ۳ و ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب پانزدهم بهمن ماه سال یک هزار و سیصد و پنجاه و پنج به قرار ذیل است:

ماده ۳- دادگاه می تواند هر نوع تحقیق و اقامه ای را که برای روشن شدن موضوع دعوی و احقاق حق -

مقرر در آن با لحاظ نظر شورای نگهبان غیر شرعی شناخته شده است به قوت خود باقی است و قابلیت اعمال دارد، و با توجه به مقررات مواد مذکور و با توضیح به اینکه همسر متقاضی ازدواج مجدد باید از دعوی مطلع باشد، دادگاه می‌تواند و باید در مورد تقاضای زوج رسیدگی و تحقیق لازم را به عمل آورد و با احراز توانایی مالی مرد اجازه لازم را صادر نماید.»

نظریه شماره ۷/۶۲۱-۱۳۷۳/۲/۱۳-۷ مطالبه نفقه پس از وقوع نکاح

«با وقوع نکاح دائم زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب را خواهد داشت.»

سؤال: آیا بلافاصله پس از نکاح زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب را دارد؟

لازم بداند از قبیل تحقیق از گواهان و مطمئن و استمداد از مددکاران اجتماعی و غیره و به هر طریق که مقتضی باشد انجام دهد.

ماده ۱۶- مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر:

۱- رضایت همسر اول.

۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی.

۳- عدم تمکین زن از شوهر.

۴- ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸.

۵- محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸.

۶- ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸.

۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن.

۸- عقیم بودن زن.

۹- غایب مفقودالامر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸.

ماده ۱۷- متقاضی باید تقاضانامه‌ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلائل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن تعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد.

به هر حال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید. به حبس چندهای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اول تعقیب کیفری با اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.

یادآوری:

بند ۳ نظریه شماره ۱۴۸۸-۹/۵/۱۳۶۳ شورای نگهبان در ارتباط با ماده فوق چنین است:

مجازات متعاقبین و عاقد در عقد ازدواج غیر رسمی مذکور در ماده یک قانون ازدواج و در ازدواج مجدد مذکور در ماده ۱۷۱ قانون حمایت خانواده، شرعی نمی‌باشد.

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«طبق مفاد ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی^۱ همین که نکاح به نحو صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین به وجود آمده و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می شود. بنابراین به محض وقوع نکاح هم زوج حق دارد تمکین زوجه را بخواهد و هم زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب را خواهد داشت.»

نظریه شماره ۱۳۷۲/۱۰/۲۹۷/۷۶۵۹ دیه از بین بردن قسمتی از موی سر

«از بین بردن قسمتی از موی سر مرد یا زن اگر دوباره بروید ارش و اگر نروید نسبت به قسمت از بین رفته دیه دارد.»

سؤال: اگر قسمتی از موی سر مرد یا زنی از بین برده شود اعم از اینکه موی او دوباره بروید یا نروید تکلیف چیست؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«با عنایت به ملاک ماده ۳۷۰ قانون مجازات اسلامی^۲ هرگاه کسی قسمتی از موی سر مرد یا زنی را از بین ببرد، در صورتی که موهای از بین رفته دوباره بروید ارش و اگر دوباره نروید نسبت آن مقدار با تمام سر ملاحظه و به همان نسبت دیه دریافت می گردد.»

نظریه شماره ۱۳۷۳/۱۲/۸۷/۸۳۱۳ دیه صدمات وارده بر پستان

«برای صدمات وارده بر پستان، دادگاه باید با استناد به فتاوی معتبر دیه یا ارش تعیین نماید.»

سؤال: با توجه به این که در منابع معتبر اسلامی و کتب فقهی برای صدمات وارده بر پستان اعم از زن یا مرد دیه تعیین شده اما در قانون مجازات اسلامی برای آنها دیه ای تعیین نگردیده، تکلیف دادگاه در این مورد چیست؟

نظریه اداره حقوقی به شرح زیر است:

۱. ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی چنین مقرر می دارد:

ماده ۱۱۰۲ همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می شود.

۲. ماده ۳۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال یکهزار و سیصد و هفتاد به شرح زیر است:

هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره بروید و مقدار دیگر نروید نسبت مقداری که نمی روید با تمام سر ملاحظه می شود و دیه به همان نسبت دریافت می گردد.

«با لحاظ مقررات ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی^۱ و این که طبق فتوای حضرت امام «ره» در تحریرالوسیله صفحات ۵۸۱ و ۵۸۲ جلد دوم برای جراحات وارده بر پستان حسب مورد، دیه یا ارش تعیین شده است، لذا به دستور اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی^۲ و ماده ۴۹۵ از قانون مجازات اسلامی^۳، دادگاه باید حسب مورد برای آن جراحات، دیه یا ارش تعیین نماید.»

نظریه شماره ۱۳۷/۵/۵-۷/۱۶۱۶ (قتل زن توسط همسر دیوانه و ارث از ماترک و دیه)

«اگر دیوانه‌ای همسر خود را بکشد از دیه‌ای که عاقله پرداخت می‌کند ارث نمی‌برد ولی از سایر ماترک او ارث می‌برد.»

سؤال: اگر مرد مجنونی در حال جنون عمداً همسر خود را به قتل برساند آیا از ماترک زوجه و دیه او ارث می‌برد؟

نظریه اداره حقوقی به شرح زیر است:

«اگر دیوانه‌ای همسر خود را بکشد، چون عمل او قتل خطایی محسوب می‌شود نه قتل عمد، طبق فتوای مشهور از ماترک ارث می‌برد ولی از دیه‌ای که عاقله پرداخت می‌کند ارث نمی‌برد.»

نظریه شماره ۱۳۵۹/۶/۸-۷/۳۲۴۱ (ثبت طلاق ایرانیان غیر شیعه توسط کنسولگریهای ایران)

سؤال: زن و شوهری ایرانی و یهودی طبق مقررات مذهبی خودشان در خارج از کشور اقدام به طلاق نموده‌اند، آیا کنسولگری دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند آن را ثبت نماید یا احتیاج به صدور حکم از محاکم ایران دارد؟

۱. ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی:

هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد، جانی باید ارش بپردازد.

۲. اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذیل صفحه ۲۸۰ ملاحظه شود (پاورقی شماره ۱).

۳. ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

«در کلیه مواردی که به موجب مقررات این قانون ارش منظور گردیده با در نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت، میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعیین می‌شود.»

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«نظر به اینکه براساس درخواست طرفین و با رعایت مقررات مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه حکم طلاق صادر شده است ثبت آن بلااشکال می باشد و نیازی به صدور حکمی از ناحیه محاکم ایرانی نیست.»

نظریه شماره ۷/۵-۱۳۶۰/۱/۲۵ (عدم الغاء حق الثبت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی)

سؤال: آیا ماده واحده راجع به عدم اخذ وجوه هزینه تمبر شامل ۲۵ دلار حق الثبت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی نیز می شود؟
نظریه اداره حقوقی به شرح زیر است:

«ماده واحده لایحه قانونی راجع به عدم اخذ وجوه مربوط به هزینه تمبر اعلامیه ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۵۸ منحصراً ناظر به تمبر اعلامیه ازدواج و طلاق است و شامل حق الثبت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجه نمی شود.»

نظریه شماره ۷/۳۳۱۹-۱۳۶۰/۸/۲۳ (ثبت طلاق صادره در مراجع صلاحیتدار خارجی توسط کنسولگریهای ایران)

سؤال: زنی طبق حکم دادگاه شهرستان هایدلبرگ از شوهرش طلاق گرفته و تقاضای ثبت آن را از سرکنسولگری مونیخ دارد، آیا ثبت آن بلااشکال است یا خیر؟
نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«با توجه به قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص و ماده ۴ لایحه قانونی مذکور که اجازه رسیدگی به امور مصرحه در ماده ۳ را در تقاطعی که دادگاه مدنی خاص تشکیل نشده یا منحل گردیده به مرجعی غیر از دادگاه مدنی خاص داده است و نظر به اینکه در خارج از قلمرو حاکمیت ایران هیچ دادگاه منجمله دادگاه مدنی خاص از طرف دولت ایران نمی تواند تشکیل گردد باید چنین نتیجه گرفت که مقررات تبصره ماده ۷ قانون حمایت خانواده در خصوص حق مراجعه متداعیان مقیم خارج از کشور به دادگاه یا مرجع صلاحیتدار محل اقامتشان کماکان به قوت خود باقی است و در مورد سؤال چنانچه از طرف زوج اعتراضی نسبت به حکم دادگاه محل در مهلت قانونی به کنسولگری ایران نرسیده باشد ثبت واقعه طلاق با رعایت سایر مقررات قانونی بلااشکال خواهد بود.»

نظریه شماره ۱۳۴۸/۷-۱۳۶۱/۳/۲۶ (وجه افتراق حکم به طلاق

با اجبار به طلاق)

سؤال: با توجه به مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی و این که به نظر می‌رسد که حکم به طلاق با اجبار به طلاق متفاوت است، کیفیت اجبار به طلاق چیست؟
نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«منظور از اجبار به طلاق محکوم کردن زوج به طلاق همسرش می‌باشد و در صورت امتناع زوج از تمکین به حکم دادگاه اجرای آن توسط حاکم یا نماینده او به عمل می‌آید. به هر حال دادگاه مدنی خاص در این مورد بدو باید مبادرت به صدور حکم طلاق نموده و در صورتی که زوج از اجرای حکم دادگاه امتناع کرد چون حاکم ولی ممتنع محسوب می‌شود نماینده‌ای به دفتر طلاق معرفی می‌نماید تا زن را مطلقه سازد.»

نظریه شماره ۹۶/۶-۷-۱۱/۲۷-۱۳۶۱/۱۱ (ثبت طلاق توافقی

توسط سفارتخانه‌های ایران)

سؤال: زن و شوهری در استرالیا تراضی به طلاق نموده و از سفارت جمهوری اسلامی ایران درخواست انجام آن را دارند. تکلیف سفارت چیست؟
نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«به موجب قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸، در مواردی که بین زوجین راجع به طلاق توافق شده باشد مراجعه به دادگاه لازم نیست، لذا زوجین ایرانی مقیم خارج از کشور هرگاه درباره طلاق توافق داشته باشند مراجعه به دادگاه ضرورت ندارد و بعد از جاری شدن صیغه طلاق به استناد قسمت اخیر ماده ۳۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، به درخواست طرفین کنسولگری باید اقدام به ثبت واقعه طلاق در دفاتر مربوطه کنسولگری بنماید و در صورتی که امکان اجرای تشریفات طلاق در نمایندگی وجود نداشته باشد انجام طلاق با اعطای وکالت امکان‌پذیر می‌باشد.»

نظریه شماره ۶۳۸۲/۷-۱۲/۳-۱۳۶۱/۱۲ (ثبت طلاق غیابی قبل از صدور

دستور اجرای آن توسط دادگاه مدنی خاص)

سؤال: مردی در کویت همسر ایرانی خود را که ساکن ایران بوده، در محکمه احوال شخصیه کویت غیباً طلاق داده و با ارائه مدارک مربوطه تقاضای ثبت آن را در دفاتر

سفارت جمهوری اسلامی ایران نموده است. آیا ثبت آن قانوناً بلااشکال است؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«با توجه به مواد ۶ و ۹۷۲ قانون مدنی و ماده ۷ قانون حمایت خانواده که نسخ نشده است و مواد ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون اجرای احکام مدنی حکم دادگاه کویت قبل از اینکه دادگاه مدنی خاص محل اقامت یا دادگاه مدنی خاص محل سکنتای محکوم علیه در ایران و یا دادگاه مدنی خاص تهران (در صورت معلوم نبودن محل اقامت یا سکنتای محکوم علیه در ایران) امر به اجراء آن بدهد قابل ثبت در دفاتر کنسولی و سفارت جمهوری اسلامی ایران نیست.»

نظریه شماره ۱۳۶۲/۹/۱۴-۷/۴۴۴۸ (موارد قانونی اجازه دادگاه جهت ازدواج)

سؤال: آیا با اصلاح قانون مدنی و حذف مقررات مربوط به پیشنهاد معافیت از شرط سن برای ازدواج باز هم صدور حکم معافیت از شرط سن و ارائه آن به دفتر رسمی ازدواج لازم است یا نه؟ و آیا بخشنامه‌ای که اداره ثبت منطقه خراسان به استناد دستور رئیس دادگاههای مدنی خاص مشهد صادر کرده است وجهه قانونی دارد یا نه؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«با توجه به اصلاح قانون مدنی، ازدواج جز در موارد مذکور در ماده ۱۰۴۳ اصلاح قانون مدنی مصوب ۶۱/۱۰/۸ احتیاج به اجازه دادگاه ندارد و مقررات مربوط به پیشنهاد معافیت از شرط سن ملغی است و بخشنامه ثبت منطقه و دستور حاکم دادگاه مدنی خاص مشهد خارج از حدود اختیارات قانونی آنها و غیر قابل اجراء است.»

نظریه شماره ۱۳۶۱/۳/۱۵-۷/۱۹۸۷ (نحوه تصرف دولت در ماترک بلاوارث

در صورت منحصر بودن وراثت به زوجه)

سؤال: شخصی فوت نموده و فقط یک زوجه دائم از او باقی مانده است، طبق گواهی انحصار وراثت صادره از دادگاه سهم زوجه وارث یک چهارم از اموال منقول و قیمت ابنیه و اشجار متوفی است و مابقی متعلق به دولت می‌باشد. آیا در این مورد دولت مانند سایر وارث بلافاصله حق هرگونه دخل و تصرف در ترکه و منجمله فروش آن را دارد یا باید ده سال بگذرد و آنگاه اقدام نماید؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«بر حسب صراحت ذیل ماده ۹۴۹ قانون مدنی بقیه ترکه بعد از وضع نصیب زوجه در حکم مال اشخاص بلاوارث است و در مورد ترکه و اموال اشخاص بلاوارث هم مقررات مواد ۳۲۷ الی ۳۳۶ و از جمله ماده ۳۳۵ قانون امور حسبی باید رعایت گردد.»

نظریه شماره ۱۳۶۰/۶/۲۵-۷/۲۷۱۷ (اعتبار اقرار شفاهی در ازدواج افراد بالغ)

سؤال: اقرارنامه‌ای بین زن و مردی تنظیم شده به این صورت که زوج رأساً و پدر زوجه ولایتاً از طرف فرزندش اقرار نموده‌اند که بین آنها در سال ۱۳۵۷ ازدواج حادی انجام شده است. آیا این اقرار قابل ترتیب اثر و ازدواج مذکور صحیح است یا نه؟ توضیح آنکه سن زوج در تاریخ ازدواج ۱۷ و سن زوجه ۱۴ سال بوده است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«ازدواج پسر هفده ساله با دختر چهارده ساله شرعاً بلااشکال است و چون هر دو از نظر شرع بالغ محسوب می‌شوند اقرارشان هم مسموع می‌باشد. مضافاً بر اینکه پدر دختر هم به صحت آن اقرار و تأیید نموده است لذا اقرارنامه تنظیم شده دارای آثار قانونی است.»

نظریه شماره ۱۳۵۹/۴/۲۹-۲۲۸۹ (ازدواج مرد نظامی ایرانی با زن خارجی)

سؤال: با توجه به ماده ۳۳۰ قانون دادرسی و کیفری ارتش و ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی آیا در صورتی که مرد نظامی ایرانی بدون موافقت ارتش جمهوری اسلامی ایران با زن خارجی ازدواج نماید، زن تابعیت ایران را تحصیل می‌نماید یا نه؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«حکم بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی عام است و شامل بانوان خارجی که شوهر ایرانی، خواه از پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و خواه از غیر آنها اختیار کنند، می‌باشد. مقررات تبصره ماده ۳۳۰ قانون دادرسی و کیفری ارتش هم ناقض حکم بند ۶ ماده ۹۷۶ مذکور بوده و ضمانت اجرای تخلف از آن در خود آن تبصره تعیین و بیان شده است. تخلف از ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی نیز بر فرض که با مورد سؤال متطبق باشد، تخلف اداری است و موجب بطلان نکاح نیست بدین ترتیب بانوان خارجی که وضع آنها متطبق با بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی است بر طبق ماده ۹۸۲ آن قانون از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به جز موارد استثناء شده در آن ماده بهره‌مند خواهند بود.»

نظریه شماره ۱۳۶۱/۱۰/۱۸-۷/۵۳۹۰ (فوت پدر و وضعیت قانونی درخواست شناسنامه برای طفل توسط مادر)

سؤال: آیا مادر می‌تواند، در صورت فوت پدر طفل، برای او درخواست شناسنامه نماید؟ نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«طبق ملاک بند ۲ ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ در صورت فوت پدر طفل، مادر مکلف است در اولین وقت ممکن مراتب ولادت فرزند خود را به ثبت احوال اعلام و سند ولادت را امضاء کند و برای انجام تکلیف قانونی لازم نیست اشیارالیهها به سمت قیمومت منصوب شده باشد.»

نظریه شماره ۱۳۶۲/۸/۷-۷/۳۳۹۶ (وضعیت اعتبار حکم طلاق صادره توسط دادگاه خارجی)

سؤال: دادگاه سویس حکم طلاق زن و مردی از اتباع ایران را صادر و زوج سابق را محکوم به پرداخت نفقه زوج و جرمیه تا آخر عمر و تنصیف دارایی با توجه مطلقه نموده است. آیا این حکم از نظر قانون ایران معتبر و قابل اجراء است یا نه؟ نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«در مورد حکم طلاق همراه با حضانت طفل و پرداخت نفقه و جرمیه تا آخر عمر و تنصیف دارایی تردید نیست که حکم مذکور با قوانین جاریه ایران مخالف است و چون طبق عهدنامه اقامت منعقد فیما بین دولتین ایران و سویس مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۳۴ و ماده ۶ قانون مدنی ایران قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم خارج از کشور باشند مجری است و دولت سویس هم آن را پذیرفته است لذا چنین حکمی که برخلاف مقررات ایران است قابل تأیید در دادگاههای ایران نیست.»

نظریه شماره ۱۳۶۲/۹/۱۰-۷/۴۴۴ (ممانعت پدر از ملاقات اطفال تحت حضانت خود به وسیله مادر فاسد اخلاق)

سؤال: با توجه به ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی آیا اگر مادر فاسد اخلاق باشد پدر می‌تواند از ملاقات او با فرزندش جلوگیری نماید یا نه؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«ماده ۱۷۴ قانون مدنی حق ملاقات طفل را برای هر یک از ابرین که طفل در تحت

حضانت او نمی‌باشد شناخته است و این حق را نمی‌توان حتی از مادر فاسدالاخلاق دریغ نمود. بنابراین در صورت فاسدالاخلاق بودن مادر می‌توان در یک محیط مناسب و با حضور اشخاص مورد اعتماد ملاقات بین مادر و فرزند برقرار کرد.»

نظریه شماره ۷/۲۳۹۸-۱۶/۵/۱۳۶۱ (ممانعت موجد از ورود شوهر در قرارداد اجاره‌ای که قید مباشرت زن و فرزندش به عنوان مستأجر شده باشد)
سؤال: بانویی یک طبقه از ساختمانی را برای سکونت خود و فرزند صغیرش اجاره و ضمن عقد اجاره تمهد می‌نماید که مورد اجاره فقط برای سکونای مستأجر و فرزندش باشد. قبل از انقضای مدت اجاره، مستأجر ازدواج می‌کند ولی موجد مانع آمدن و رفت شوهر او به خانه می‌شود. زوجه به عنوان ایجاد مزاحمت به دادسرا شکایت می‌کند آیا این شکایت وارد است یا نه؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«تخلف مستأجر از شرط ضمن‌العقد تنها موجب اعمال حق مراجعه موجد به دادگاه حقوقی و طرح دعوی در این زمینه خواهد بود نه سبب ایجاد مزاحمت نسبت به تصرفات کامله مستأجر که عرفاً متداول است. بنابراین شکایت مستأجر راجع به رفع مزاحمتی که از ناحیه موجد نسبت به تصرفات همه جانبه و متعارف وی در عین مستأجره ایجاد می‌شود قانوناً قابل طرح و بررسی می‌باشد. بدیهی است تشخیص وارد بودن یا وارد نبودن شکایت ارزشیابی دلائل با مرجع رسیدگی‌کننده خواهد بود.»

نظریه شماره ۷/۲۸۸۴-۱۷/۸/۱۳۶۱ (عدم انحصار واگذاری حق سکنی

به شروط ضمن عقد نکاح)

سؤال: آیا واگذاری حق سکنی به زوجه اگر فقط طی شروط ضمن‌العقد باشد قابل ترتیب اثر است یا اینکه اگر خارج از شروط ضمن‌العقد هم باشد دارای آثار شرعی و قانونیه است؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (قاضی مکلف است حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد) و براساس نظر شورای نگهبان مقررات مدنی مادام که صریحاً نسخ نشود قابلیت اجرا دارد و از مدلول ماده ۱۱۴ قانون مدنی این معنی استنباط

نمی‌شود که اختیار تعیین منزل باید فقط ضمن عقد ازدواج به زوجه داده شود بنابراین شوهر می‌تواند اختیار تعیین منزل را ضمن وقوع عقد ازدواج و یا بعد از وقوع آن به عیال خود بدهد.»

نظریه شماره ۱۳۶۲/۶/۱۹-۷/۲۹۰۵ (امکان ثبت حکم طلاق صادره از

دادگاه خارجی در صورت استنکاف زوجه جهت ثبت آن)

سؤال: حکم طلاق از دادگاه سوئد صادر گردیده و در مهلت مقرر نسبت به آن اعتراض نشده است. زوج تقاضای ثبت آن را در دفاتر کنسولی ایران دارد ولی زوجه دعوت سفارت را برای حضور جهت ثبت طلاق نمی‌پذیرد، آیا ثبت آن بدون حضور زوجه ممکنست یا نه؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«نظر به اینکه از ناحیه زوجین در مهلت مقرر نسبت به حکم صادر از دادگاه کشور سوئد اعتراض نشده است تا با التفات به ماده ۷ قانون حمایت خانواده رسیدگی دادگاه مدنی خاص تهران را ایجاب نماید، و عمل به مفاد حکم صادر و درخواست ثبت طلاق از طرف زوج مؤید و مبین قبول حکم دادگاه محل اقامت، از ناحیه زوجین می‌باشد لذا با توجه به قسمت اخیر تبصره ذیل ماده ۷ قانون یاد شده ثبت واقعه طلاق در دفتر کنسولگری ایران بدون حضور زوجه از برای امضاء دفاتر مربوطه بلاشکال می‌باشد.»

نظریه شماره ۱۳۶۲/۱۲/۲۰-۷/۴۸۸۳ (ثبت ازدواج تبعه خارجی با زن ایرانی)

سؤال: در مواردی که افغانها و عراقیهای که قبلاً در ایران زندگی می‌کنند و جزء اتباع ایران نیستند با دختر ایرانی ازدواج دائم غیر رسمی نموده و به خاطر اینکه دفاتر ازدواج حاضر به ثبت آن نیستند زوجین یا یکی از آنها از دادگاه مدنی خاص تقاضای دستور ثبت ازدواج بدهد در حالی که بعضی از این افراد حتی شناسنامه ندارند و فقط یک کارت شناسایی از اداره اقامت بیگانگان دارند؟

«ثبت واقع ازدواج در ایران جنبه نظم عمومی دارد و باید به ثبت برسد و در این امر تفاوتی بین اتباع ایران و اتباع خارجی وجود ندارد و در صورتی که در مورد سؤال صحت نکاح از لحاظ ارکان اساسی آن محرز گردد، عدم کسب اجازه زوج تبعه خارجه تأثیری در

قضیه نداشته و نکاح مربوط باید به ثبت برسد و دادگاه در این مورد می تواند بعد از رسیدگی و احراز وقوع صحیح و شرعی نکاح دستور ثبت آن را صادر نماید. بدیهی است صدور این دستور مانع از تعقیب زوج خارجی طبق قسمت آخر ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب مرداد ۱۳۱۰ نمی باشد.»

نظریه مورخ ۱۳۴۳/۱۰/۱۹ (عدم رسمی بودن ازدواج واقعه بین مرد ایرانی

و زن مسلمان تبعه خارجی منعقد در کنسولگریهای ایران)

سؤال: چنانچه بین مرد ایرانی و زن مسلمان تبعه خارجی در کنسولگری ایران عقد نکاح واقع و سند تنظیم شود آیا سند مذکور رسمی و لازم الاجراست؟
در مورد سؤال فوق کمیسیون مشورتی قوانین ثبت اداره حقوقی چنین پاسخ داده است:
«چون سند مورد استعلام وصف سند لازم الاجرا را ندارد اداره کل ثبت نمی تواند مدلول آن را اجرا نماید.»

نظریه شماره ۱۳۵۹/۶/۸-۷/۲۴۵۸ (درخواست طلاق توسط زوجه فرد

غایب مفقودالاثر)

سؤال: در مورد شوهرانی که برای کار کردن به خارج می روند و خبری از آنان نمی رسد و سن آنان در حدی نیست که عادتاً بتوان آنها را مرده بشمار آورد، آیا می توان از زوجه دادخواست عدم امکان سازش پذیرفت و تکلیف دادگاه در این مورد چیست؟
نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

۱. چنانچه مدت چهار سال مقرر در ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی منقضی گردد زوجه غائب مفقودالاثر می تواند از دادگاه تقاضای طلاق نماید و سن غائب مؤثر در موضوع نخواهد بود و به موجب تبصره ۲ ماده ۳ لایحه قانون دادگاه مدنی خاص. دادگاه مدنی خاص یا قائم مقام آن حکم طلاق صادر می نماید نه گواهی عدم امکان سازش.

۲. در لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص قیدی نیست که دادخواست طلاق فقط از زوج پذیرفته می شود. لذا طبق تبصره ۲ ماده ۳ لایحه قانونی مذکور موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده و به موجب مواد ۱۰۲۹ و ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ به زن حق تقاضای طلاق از دادگاه داده شده لذا قبول دادخواست از زوجه الزامی است.

نظریه شماره ۷/۴۹۷۲-۱۳۶۰/۱۱/۳ (صحت و اعتبار ازدواجی که ثبت دفتر رسمی ازدواج نشده باشد)

سؤال: آیا عدم ثبت ازدواج در دفتر رسمی ازدواج موجب بطلان و عدم صحت آنست؟
نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«ثبت واقعه ازدواج تشریفاتی است مربوط به اموری که ربطی به صحت نکاح ندارد و همان طور که از عنوان آن پیدا است واقعه ازدواجی که تحقق یافته در دفاتر رسمی انعکاس می یابد. انهایه قانونگذار به لحاظ وجود مصالحی زوجین را مکلف نموده است تا برای جلوگیری از وقوع فساد احتمالی آن را به ثبت برسانند و مجازات مقرر صرفاً برای عدم ثبت می باشد بدون آنکه به ارکان عقد ازدواج خللی وارد سازد.»

نظریه شماره ۷/۲۵۱۶-۱۳۶۱/۵/۱۸ (الزام زوج به ثبت واقعه نکاح به رغم عدم رضایت همسر اول وی)

سؤال: در مورد تقاضای زنی که خود را زوجه ثانیه مردی معرفی می نماید الزام زوج به ثبت واقعه ازدواج، در صورتی که زوج اعلام دارد که زوجه اول به این امر رضایت ندارد ولی خود او در صورتی که دادگاه اجازه به این امر دهد حاضر است ازدواج مجددش را رسمی کند، تکلیف دادگاه چیست؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«عدم تحصیل اجازه برای ازدواج دوم موجب بطلان نکاحی که با رعایت شرایط صحت مقرر در قانون مدنی شده است نیست. انهایه چون ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده نکاح دوم را بدون اجازه دادگاه ممنوع ساخته و مجازاتی برای آن در نظر گرفته است لذا چنین نکاحی قانوناً قابل ثبت نیست و صدور حکم بر الزام به ثبت آن هم مورد ندارد. ولی از حیث مصالح اطفال حاصل از چنین نکاح تبصره ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مقرر داشته صدور شناسنامه برای اطفال و ثبت واقعه تولد طفل در اسناد سجلی زوجین جائز می باشد و همچنین ثبت واقعه ازدواج در اسناد سجلی زوجین با شرایط مقرر در ماده ۳۲ قانون مذکور خالی از اشکال است.»

نظریه شماره ۷/۵۰۸۲-۱۳۶۱/۱۰/۲۷ (الزامی بودن تحصیل اجازه از مقامات دولتی ایران جهت ثبت ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی)

سؤال: اگر مردی که از اتباع خارجه است بدون تحصیل اجازه از مقامات دولت ایران

با زن ایرانی ازدواج نماید آیا چون ازدواج واقع شده است ثبت آن در دفتر رسمی ازدواج ممکن است یا باید تحصیل اجازه شود؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

«مقررات ماده ۱۷ قانون ازدواج نسخ نشده و با وقوع ازدواج شرعی هم رعایت آن از نظر مقررات مملکتی الزامی است، بنابراین در صورتی که زوجین مفروضی بخواهند ازدواج غیر رسمی خود را در دفتر رسمی ازدواج ثبت نمایند تحصیل اجازه از وزارت کشور یا مقاماتی که وزارت مزبور تعیین نموده است ضرورت دارد خواه این اجازه قبل یا بعد از وقوع ازدواج شرعی اخذ شده و جز مدرک مزبور سایر مدارک لازم موقوف به نظر مراجع مربوطه است.»

از مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا اول مهر ماه ۱۳۶۵

صدای غیر منقول

بند ۱۵۳- در مورد صدای غیر منقول باید قبلاً وضعیت ملک از ثبت محل استعلام شود با وصول پاسخ و نبودن اشکال اقدام به ثبت واقع گردد.

اگر سردفتر دارای دفتر اسناد رسمی باشد بایستی عین قبالة را مانند سند رسمی در دفتر اسناد رسمی ثبت و امضاء کند و گرنه قبالة را به نزدیکترین دفتر اسناد رسمی بفرستد تا سردفتر آن را حیناً در دفتر اسناد رسمی ثبت و امضاء کرده و در ظهر قبالة شماره و تاریخ ثبت دفتر را ذکر و امضاء نماید سپس خلاصه مربوطه را برابر مقررات به ثبت محل بفرستد. برای ثبت واقع ازدواج و طلاق در دفتر اسناد رسمی به شرح بالا باید هزینه قانونی ثبت هم ارسال شود به هر حال تسلیم قبالة به متعاقبین قبل از ثبت آن در دفتر اسناد رسمی به شرح فوق ممنوع می‌باشد.

بند ۲۰۵ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹

بودن دفتر به جلسه عقد

بند ۱۵۴- صاحبان دفاتر ازدواج و طلاق در صورتی که در مجلس عقد حاضر می‌شوند باید دفتر ازدواج را با خود همراه ببرند که زوجین و معرفین و شهود در همان جلسه دفتر را امضاء نمایند.

بند ۱۸۸ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹

عدم تعلق حق الثبت به سند نکاحیه

بند ۱۵۱- الف) چون به موجب ماده ۲ قانون ازدواج نسبت به مهریه در تنظیم سند نکاحیه حق الثبت تعلق نمی‌گیرد لذا نسبت به اقرارنامه‌های وصول آن هم اخذ حق الثبت به مأخذ مقرر در سند مورد ندارد.

ب) چنانچه به علل مختلف زوج در مقام ازدیاد مهریه زوجه بر آید این عمل باید به موجب اقرارنامه رسمی صورت گیرد که در دفترخانه اسناد رسمی به ثبت می‌رسد، چون با توجه به تصریح ماده ۱۱۳ قانون مالیات بر درآمد و آنکه اساساً مهریه در اصل و هنگام ثبت در دفتر ازدواج نیز از تعلق حق الثبت معاف است.

اقرار به وصول یا انتقال صداق

بند ۱۵۲- در کلیه موارد انتقال صداق و نیز در مورد اقرار به وصول صداق که در غیر ازدواج مربوط صورت می‌گیرد باید بدو بقای حق زوجه از دفتر ازدواج مربوطه استعلام شود، همچنین است در مورد ثبت طلاق خلع و مبارات که پس از ثبت انتقال به شرح بالا مراتب بایستی ظرف ۲۴ ساعت به دفتر ازدواج مربوطه اعلام و رسید اخذ شود.

بند ۲۲۱- مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹

دعوی فوت شوهر

بند ۱۶۸- ادعای فوت شوهر بدون قید در شناسنامه مسموع نیست باید مدعی به اداره ثبت احوال راهنمایی شود مگر آنکه فوت شوهر طبق مدارک قانونی از قبیل گواهی حصر وراثت و غیره محرز باشد.

بند ۲۰۳- مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹

بذل غیر منقول

بند ۱۶۹- الف) در مورد بذل صداق غیر منقول باید وضعیت ملک از ثبت محل استعلام و پس از رسیدن پاسخ و نبودن اشکال اقدام به ثبت کنند.

ب) در مورد بذل صداق غیر منقول سردفتر طلاق باید موارد ثبت دفتر را به دفتر اسناد رسمی که قبالة ازدواج را ثبت کرده بفرستد تا مراتب را برابر مقررات ثبت و خلاصه آن را به ثبت محل ارسال دارند.

ج) اگر مال غیر منقول دیگری مورد بذل باشد باید مانند قبالة ازدواج عیناً طبق مقررات

در دفتر رسمی ثبت و خلاصه آن را به ثبت محل بفرستد.
(د) در مواردی که ملک بذل می شود سر دفتر نمی تواند قبل از انقضای عده سند انتقالی را ثبت نماید.

بند ۲۰۶ مجموعه بخشنامه های تا آخر سال ۴۹

عدم رسمیت قباله های عادی ازدواج و طلاق و نحوه رسمیت دادن به آنها
بند ۱۷۰- قباله های عادی ازدواج و طلاق قابل ثبت در دفتر ثبت ازدواج و طلاق نمی باشد ولی زوجین می توانند برای رسمیت دادن به آنها بر طبق مواد ۶۶ و ۶۸ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت احوال به یکی از دفاتر اسناد رسمی مراجعه و طبق شرایط اقرارنامه لازم در خصوص مورد تنظیم نمایند.
بند ۲۰۴ مجموعه بخشنامه های تا آخر سال ۴۹ اصلاح شده.

شرایط تنظیم اقرارنامه زوجیت

بند ۱۷۱- با توجه به مقررات قانونی هرگاه شناسنامه زوج و مدارک تسلیمی دیگر دلالت کند که زوج همسر دیگری ندارد و این معنی مورد تأیید زوج هم قرار گیرد ثبت اقرارنامه رسمی طبق ماده ۶۸ اصلاحی مصوب سال ۱۳۵۰/۱۲/۲۳ آیین نامه قانون ثبت احوال بلااشکال است و باید در متن سند اعتراف طرفین به اینکه زوج همسر دیگر ندارد نیز تصریح و قید گردد.
بند ۲۲۵ مجموعه بخشنامه های ثبتی تا آخر سال ۴۹ اصلاح شده.

ثبت نکاح منقطع و بذل مدت

بند ۱۷۲- در مورد نکاح منقطع و بذل مدت چون طلاق مطابق قانون مدنی مخصوص نکاح دائم است، بنابراین بذل مدت که مخصوص نکاح منقطع است محتاج به گواهی عدم امکان سازش از دادگاه نمی باشد.
بند ۲۲۲ مجموعه بخشنامه های ثبتی تا آخر سال ۴۹ اصلاح شده.

تفهیم شروط مندرج در نکاحیه به زوجین

بند ۱۷۸- در رابطه با نکاحیه های جدید که متن آن به تصویب شورای عالی قضایی رسیده

گزیده نظریات حقوقی، کیفری و ثبتی / ۲۹۷

است لازم است به کلیه دفاتر ازدواج و طلاق سراسر کشور ابلاغ نمایند که تکلیف شرعی و قانونی دارند قبل از انشاء عقد ازدواج یک یک شروط مندرج در نکاحیه را برای زوجین قرائت و تفهیم و هر شرطی که مورد توافق زوجین قرار گرفت ذیل آن را امضاء نمایند و آقایان سردفتران ازدواج مکلفند شروط مورد توافق را ضمن عقد نکاح ایجاب نمایند و لازم است قبل از اجرای صیغه عقد به زوجین تذکر دهند که قبول شروط مندرج در نکاحیه الزامی نیست و منوط به توافق قبلی طرفین است.

ضمناً متذکر می‌گردد تخلف از این دستور موجب تعقیب انتظامی خواهد شد.

بخشنامه شماره ۱۰/۱۰۲۲۰-۶۲/۱۱/۳۰ بر اساس نامه شماره ۱/۵۳۵۴۱-۶۱/۱۱/۱۷ شورای عالی قضایی.

امضاء ثبت و قبالة در مورد نکاح با اجازه ولی

بند ۱۵۷- در مواردی که اجازه ولی زوجه ضرورت دارد، بایستی ولی زوجه ثبت دفتر و قبالة ازدواج را امضاء نماید.

بند ۱۹۸ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹

ثبت بذل و رجوع

بند ۱۵۹- در مورد بذل و رجوع به مابذل باید مراتب در ستون شرح طلاق ثبت مربوطه و طلاقنامه قید و جریان امر را به دفتر ازدواج و دفتر رسمی مربوطه و زوج اعلام نمایند.

بند ۲۱۷ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹

اقرار به رجوع به مابذل

بند ۱۶۰- در مورد رجوع زوجه به آنچه بذل کرده می‌تواند مراتب را به موجب سند رسمی اعتراف نماید. در این صورت سردفتر تنظیم‌کننده سند مکلف است ظرف مدت ۲۴ ساعت رونوشت اداری سند را به دفتر طلاق مربوطه ارسال دارد، همچنین است در مورد هر اعتراف و یا توافق رسمی طرفین نسبت به واقعه ازدواج ثبت شده در دفتر اسناد رسمی و دفتر ازدواج.

بند ۲۱۴ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹.

تشریفات بعد از ثبت ازدواج زنان خارجی با ایرانیان

بند ۱۸۲- پس از ثبت ازدواج نسلوان خارجی با اتباع ایرانی گذرنامه خارجی و جواز اقامت نسلوان خارجی را که به عقد ازدواج اتباع ایران در آمده‌اند اخذ و به ضمیمه اعلامیه حاکی از مراتب ذیل:

۱. تاریخ وقوع ازدواج با قید شماره و تاریخ و محل صدور عقدنامه.
۲. اسم و نام خانوادگی زوجه قبل از ازدواج با اسم پدر و شماره و تاریخ و محل صدور گذرنامه و جواز اقامت او.
۳. تابعیت زوجه قبل از ازدواج.
۴. اسم و نام خانوادگی و اسم پدر زوج و تاریخ و شماره و محل صدور شناسنامه او.
۵. محل سکونت زوجین به وسیله ثبت محل به اداره کل شهرانی در مرکز و شهرانیهای مربوطه در ولایات ارسال دارند تا موافق مقررات اقدام نمایند. (بند ۴۱۴ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹)

تشریفات ثبت ازدواج مرد غیر ایرانی با زن ایرانی

بند ۱۸۴- با توجه به ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و آیین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه و مقررات ماده ۱۷ قانون ازدواج با بانوان ایرانی بدون کسب اجازه از وزارت کشور مبادرت به ثبت ازدواج ننمایند و شماره و تاریخ اجازه‌نامه را در ستون ملاحظات دفتر ازدواج قید کرده و از درج موضوع عقد در گذرنامه خودداری نمایند. (بند ۴۱۱ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹).

تشریفات بعد از ثبت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجه

بند ۱۸۵- در مورد ازدواج زنان ایرانی با بیگانگان پس از رعایت مقررات ماده ۱۷ قانون ازدواج و وقوع عقد و ثبت در دفتر ازدواج باید اعلامیه حاکی از مراتب ذیل:

۱. اسم و نام خانوادگی.
۲. تابعیت زوج.
۳. نمره گذرنامه زوج و محل صدور آن.
۴. نمره جواز اقامت و اظهارنامه زوج و محل صدور آن (نمره اظهارنامه اتباع خارجه در صفحه اول جواز اقامت آنها مندرج است).

۵. نمره و محل صدور اجازه نامه ازدواج که طبق ماده ۱۷ قانون به صمل آمده.

۶. جایگاه زوج و زوجه.

۷. نمره ورقه هویت زوج و محل صدور آن.

به وسیله ثبت محل به شهربانی محل ارسال دارند تا شهربانی مطابق مقررات اقدام و مراتب را به دفتر ثبت احوال اطلاع دهد. (بند ۴۱۵ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹).

احراز مجرد بودن زن خارجی

بند ۱۸۸- در مورد ازدواج زنان غیر ایرانی با ایرانی باید مجرد بودن زن احراز شود.

بند ۴۰۷ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹.

ثبت طلاق و اعلام به دفتر ازدواج

بند ۱۸۹- آقایان سردفتران طلاق مکلفند به محض ثبت واقعه و تکمیل دفتر و طلاقنامه رونوشت اداری ثبت دفتر را به دفترخانه‌ای که واقعه ازدواج را ثبت کرده بفرستند که سردفتر موضوع را در ستون ملاحظات ثبت مربوطه قید نماید.

بند ۲۰۸ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا آخر سال ۴۹

عدم تأخیر اجرای حکم دادگاه در مورد ثبت واقعه طلاق

بند ۱۹۰- به طوری که مشاهده می‌شود بعضی از سردفتران طلاق ثبت واقعه طلاق را موکول به پرداخت نیم عشر اجرایی مربوط به مهریه که برای وصول آن اجراییه صادر شده است می‌نمایند و حال آنکه هیچ گونه ارتباطی بین ثبت واقعه طلاق و وصول نیم عشر نمی‌باشد (زیرا اجراء خود مکلف به وصول حقوق دیوانی است) بنابراین این پرسش از اجرای ثبت اسناد راجع به ختم پرونده اجرایی و بالتجربه تأخیر در اجرای دستور دادگاه صالحه مجوزی ندارد، متخلف از این دستور موجب تعقیب انتظامی سردفتر متخلف خواهد شد.

ازدواج مطلقه رجعیه

بند ۱۹۱- در مورد ازدواج زنی که به طلاق رجعی مطلقه شده باشد صاحب دفتر ازدواج باید قبلاً از دفتر طلاق استعلام و در صورت عدم رجوع زوج و نبودن مانع دیگر مبادرت به ثبت ازدواج نماید.

بند ۱۹۷ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا آخر سال ۴۹

رجوع به مابذل

بند ۱۹۲- در مورد رجوع زوجه به مورد بذل مراتب را در طلاقنامه و ستون ملاحظات ثبت دفتر قید و امضاء نموده مراتب را فوراً ضمن اخطار به زوج اطلاع دهند.
بند ۲۰۲ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا آخر سال ۴۹

اجرای صیغه طلاق

بند ۱۹۳- سر دفتر طلاق باید برای اجرای صیغه طلاق وقت معین نمایند که اجرای صیغه و امضاء شهود و عدلین و سایر تشریفات لازم در یک جلسه انجام شود.
بند ۱۸۹ مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹

خودداری از ثبت اقرار کتبی نسبت به وصول صداق وسیله دفاتر ازدواج و طلاق

بند ۵۴- با توجه به ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی اقرار کتبی موقعی رسمی است که برابر این ماده در دفاتر اسناد رسمی یا نزد مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنان واقع یا ثبت شده باشد. چون در عمل مشاهده شده است که زوجه به دفتر خانه ازدواج مراجعه و اقرار به وصول صداق کرده و یا ابراء ذمه نموده است و مراتب را در ملاحظات ثبت واقعه منعکس می‌کنند و چون ثبت اقرار با توجه به صراحت ماده ۲ قانون ازدواج و ماده ۲ نظامنامه قانون مذکور به شرح مزبور رسمیت ندارد و سند عادی محسوب است و در نتیجه مشکلاتی از نظر صدور اجراییه پیش می‌آید برای جلوگیری از این مشکلات اکیداً به دفاتر ازدواج ابلاغ می‌شود که از ثبت اقرار به وصول صداق خودداری کرده و مراجعین را برای تنظیم اقرارنامه رسمی به دفاتر اسناد رسمی راهنمایی کنند.

بانوان به عنوان معرف و معتمد

بند ۷۹- هیچ گونه منع قانونی برای اینکه بانوان به عنوان معرف و معتمد شناخته شوند وجود ندارد.

اصلاحی بند بیست و پنج مجموعه بخشنامه‌های تا آخر سال ۴۹

عدم تعلق حق الثبت به اقرارنامه وصول مهریه

بند ۱۱۰- چون به موجب ماده ۲ قانون ازدواج نسبت به مهریه در تنظیم سند نکاحیه

حق الثبت تعلق نمی‌گیرد، لذا نسبت به اقرارنامه‌های وصول آن هم حق الثبت به مأخذ مقرر در سند مورد ندارد.

اصلاحی بخشنامه ۵۵/۷/۲۹-۲/۶۵۰۵

ثبت مذهب زوجین موقع تنظیم اقرارنامه ازدواج

بند ۴۱- نظر به اینکه طبق بخشنامه شماره ۴۳/۱۱۳۴۰-۵۷/۱۲/۲۵ وسیله سازمان ثبت احوال به کلیه ادارات تابعه دستور داده شده که از ثبت وقایع ازدواج به استناد اقرارنامه‌هایی که دیانت زوجین در آن مشخص نیست احتراز ورزند، خواهشمند است دستور فرمایند صاحبان دفاتر اسناد رسمی به هنگام تنظیم اقرارنامه دین رسمی زوجین را که در کشور ایران برابر قانون اساسی فقط یکی از ادیان اسلام، مسیحیت، کلیسی و زرتشتی به رسمیت شناخته شده است قید نمایند.

بخشنامه ۵۲/۳/۱۰-۲/۴۶۱۳

لزوم مراجعه به دادگاه مدنی خاص و صدور گواهی عدم امکان سازش

با توجه به قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۷۰/۱۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۷۱/۱۱/۲۸ به تأیید مجمع تشخیص نظام رسیده مقرر داشته از تاریخ تصویب این قانون زوجیهایی که قصد طلاق و جدایی دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند و دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاقیهایی را که عدم امکان سازش آنها صادر نشده است ندارند. اخیراً در بازرسیهایی که از دفاتر ازدواج و طلاق به عمل آمده مشاهده شده طلاقیهایی بدون مجوز حکم از دادگاه صالحه به ثبت رسیده است علی‌هذا لازم است به آقایان بازرسان تاکید نمایند در هنگام بازرسی دفاتر طلاق در صورت برخورد با این قبیل وقایع طلاق که سردفتر طلاق بدون حکم دادگاه مبادرت به ثبت طلاق نموده باشد رونوشت مصدق طلاق‌نامه را پیوست به صورت جلسه بازرسی به اداره کل امور اسناد ارسال نمایند فلذا چون مجازات سردفتر در ماده واحده قانون مزبور پیش‌بینی گردیده در مواردی که اداره کل امور استان و سردفتران علاوه بر تخلف مزبور دستور تعقیب سردفتر را نسبت به سایر موارد صادر می‌نمایند آقایان جانشین دادستان انتظامی مکلفند در تنظیم کیفرخواست موضوع ثبت طلاق خلاف را مستثنی نمایند تا اعضاء دادگاه بدوی در رسیدگی دچار اشکال نشوند. مقتضی است مراتب

به جانشین دادستان انتظامی آن استان و اعضاء دادگاه بدوی ابلاغ گردد.

بخشنامه ۱۸۲۳۲ - ۱۳۷۲/۸/۱

لزوم تأیید برگه‌های نتایج آزمایش مربوط به ازدواج ایرانیان مقیم خارج از کشور بدینوسیله فتوکپی نامه شماره ۵/۲/۲۶۱۸ - د/۶۲/۷/۷ دفتر آزمایشگاههای تشخیص طبی وزارت بهداشتی جهت اطلاع و اقدام قانونی پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل اداره امور اسناد و سردفتران

۱۳۶۲/۸/۱۱ - ۵/۱۲۶۵۸

رونوشت به دفاتر ازدواج محدوده ثبت منطقه تهران ارسال می‌گردد.

مدیرکل ثبت منطقه تهران

۵/۲/۲۶۱۸ - د/۶۲/۷/۷ اداره کل امور اسناد و سردفتران سازمان ثبت

همان‌طور که اطلاع دارند بعضی از دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور که قصد ازدواج دارند به والدین خود وکالت می‌دهند که ازدواج آنها را در ایران به ثبت رسانیده و قانونی نمایند و برای این کار طبق قوانین جاری باید نتایج آزمایش آنها را به دفاتر مربوطه ارائه نمایند و نتایج آزمایشهایی که در خارج از کشور انجام شده است طبیعتاً مورد قبول دفاتر مذکور قرار نخواهد گرفت و وزارت بهداشتی نیز نمی‌تواند بدون حصول اطمینان آنها را تأیید نماید و این امر موجب سرگردانی والدین آنها در ایران خواهد شد.

لذا به منظور فراهم نمودن تسهیلات لازم برای آنان، خواهشمند است دستور فرمایید به کلیه دفاتر ثبت ازدواج در کشور ابلاغ نمایند چنانچه برگه‌های نتایج آزمایش مربوط به ازدواج افراد مقیم خارج از کشور به تأیید دفاتر نمایندگی ایران رسیده و مهور به مهر باشد را مورد قبول قرار دهند و چنانچه لازم باشد در این باره با ادارات امور آزمایشگاههای وابسته به سازمان منطقه‌ای بهداشتی در هر استان نیز مشورت نمایند.

سرپرست دفتر آزمایشگاههای تشخیص طبی

بخشنامه ۵۱۴۹ - ۲/۵۱۴۹ - ۱۳۶۲/۷/۲۰

نمایه موضوعی

آموزش علمی - کاربردی، ۷۶	بازپروری، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴
اتباع بیگانه، ۱۷۴، ۲۹۸	بانوان باردار، ۸۷، ۱۰۷
اجرای احکام، ۱۶۱، ۱۶۹، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۸۷	بیماریهای آمیزشی، ۱۶۲
اجرت کارگران زن، ۱۴، ۳۸، ۴۲	بیماریهای واگیردار، ۳۰، ۱۶۲
ارتش، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۰، ۲۸۸	تأمین اجتماعی، ۵۹، ۶۱، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۲۳۲
ازدواج، ۲۵، ۳۳، ۳۴، ۶۸، ۷۰، ۸۲، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲	تجدید موالید، ۱۲۳، ۲۳۱، ۲۳۲
ازکار افتاده، ۹۰، ۹۲، ۹۹، ۱۰۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۳۳	تنظیم خانواده، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲
استملاک، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۷۷	حافظان کلیه قرآن مجید، ۸۰
اسناد رسمی، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۵۶، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۱	حضانة، ۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۸۰، ۲۸۹، ۲۹۰
اشتغال زنان، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۴	حقوق مدنی و سیاسی، ۱۴، ۳۲، ۳۳، ۳۴
امور حبسی، ۱۵۴، ۲۲۱، ۲۴۰، ۲۸۸	حقوق وظیفه، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶
انتخابات، ۴۵	حمایت افراد کشوری، ۲۷
انجمن پزشکی ورزشی بانوان، ۲۶۷	حمایت خانواده، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۲، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۱، ۲۹۳
انجمن علمی بانوان، ۸۱	حمل بار با دست، ۱۰۹
انکار زوجیت، ۱۷۰	خانواده‌های بی سرپرست، ۱۸۶، ۱۸۷
	خدمت نیمه وقت، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۶، ۱۱۸
	خدمت وظیفه عمومی، ۴۸، ۴۹، ۱۸۲
	خرید و فروش زنان، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲

قانون اساسی، ۱۳۵، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۶۸، ۸۲، ۹۴، ۱۲۳، ۱۷۹، ۱۸۳، ۲۱۱، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۹۰، ۳۰۱	دادگاه خانواده، ۱۵۸، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۲۹
قانون کار، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶	دادگاههای مدنی خاص، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۸۷
قضات دادگستری، ۱۲۰	دفتر خانواده، ۸۱
کار کشاورزی، ۸۹	داوطلبان دختر، ۸۰
کارگران زن (زنان کارگر)، ۱۲۴، ۳۸، ۴۲، ۸۹، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۲۶، ۲۰۷	رتبه قضایی، ۹۳
کلاسهای اختصاصی بزرگسالان، ۸۱	رفتار جنایت آمیز، ۱۷
کمیته داوران، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۶	زنان متأهل پزشک و دندانپزشک و داروساز، ۸۲
گذرنامه، ۱۷۶، ۱۲۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۷۹، ۲۹۸	زنان و کودکان بی سرپرست، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۳۳
گواهینامه پزشک، ۱۶۵	زندانه، ۲۴۲، ۲۴۳
مالیات، ۹۷، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۹۵	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۲۰، ۱۸۳
مامای، ۷۵، ۸۳، ۱۱۱، ۲۵۴	سیاست فرهنگی، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴
مأموریت خارج از کشور، ۱۰۷	سیاستهای فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، ۷۸
مبارزه با تبعیض، ۲۵	شورای خانواده، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲
متعاملین، ۲۳۹	شورای عالی جراتان، ۶۶، ۷۴-۶۹
مجازات اسلامی، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۸۲	شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱
مجموع یکن، ۳۷	شیرخوارگاه، ۱۰۸، ۱۹۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۶
مدارس غیرانتفاعی، ۷۹	شیر مادر، ۸۷، ۱۴۷، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۷
مرخصی، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۹۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱	
معامله و اقواء نرسان کبیره، ۱۸	عائله و فرزندان، ۱۲۴
منع باردگی و برده فروشی، ۲۴، ۲۳	عدم امکان سازش، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱
منع قهضاء، ۲۲	عیدی، ۱۰۶، ۱۱۸
مهد کودک، ۱۰۸، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۴۲	فدراسیون ورزشهای بانوان، ۲۶۱-۲۶۲، ۲۶۳
نشریات منافی عفت و مستهجن، ۲۰-۱۸	
نیروی انتظامی، ۱۸۸، ۱۲۲، ۱۲۱	
نیروی انسانی - درمانی و بهداشتی، ۱۱۹	
واکنش ضد کژان، ۱۶۶	

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

پیشکش به تیرستان
www.tabarestan.info



۱۰۰۰ تومان

ISBN 964-311-144-X



9 789643 111441